ولقد كرمنا بني آدم

از تصنيف حاجي الحرمين الشريفين سيد عطا حسين المشتهر بعبد الرزاق عمّ فيضه مسمّى

کنز الانساب

باهتمام ملا نور الدين بن جيوا خان مهتمم مطبع حيدري و صفدري واقع بندر بمبئي

در مطبع صفدري طبع شد

بسم الله تعالى الاعلى

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا
والصلوة والسلام على رسوله سيدنا ونبينا
ومولنا محمد ن المصطفى خير الورى سيد الانبياء
منعوت بحقيقة المحمدية وبرزخ الكبرى وعلى آله
واهل بيته سر عليته ائمة الهدى وعلى اصحابه
موصوف بمعيته محمود بذاته جاه العلى سلم تسليما
كثيرا كثيرا

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بیقیاس حضرت رب الناس اوست موسس اساس عالم ایجاد
وتکوین مبانی خلقت لبشر ازما و طین انسان را بنسبت شرافت از خلقت دیگر
بپایه اعتبار رسانیده و شرفا را بسبب سیادت از خلعت عصمت و حیا
پیرایه افتخار پوشانیده درود نامعدود و هدیه بارگاه حضرت رسالت نبینا
محمد المصطفی نبوت پناه قبول باد که ذات پاک کرم اولاد حضرت آدم زیب
بخش خلقت و عالم تحفه سلام و تحیات زیبا بجیب العباد و بر اصحاب
معلی القاب امجد الامجاد الی یوم التناد باد صلعم حبیب خدا اشرف انبیا
که عرش مجیدش بود متکا ؛ زبان تا بود در دهان جاگیر ثنای محمد بود دلپذیر

اما بعد گناس عتبہ فیض رتبہ حضرت رسول الثقلین سید عطا
عبد الرزاق کمترین مشایخین آفاق ولد حضرت سید المشایخین
میر سید سلطان احمد قادری المنعمی الحسنی ابن عمدۃ المشا
حضرت سید شاہ غلام حسین چشتی المنعمی باقری نسب حفی الله
سرہما متمتع فی الجنان لوصل ذات الرحمان بر ضمیر عطوفت تنویر ناظ
ہذا انور باد چونکہ این خاکسار از ابتدا ایام چنین آرزو داشت اگر انساب
دین متین پیران طریقہ راہ یقین باید منسلک سلسلہ مبین سازد نصیب ہمین بود
آخر کار آن دولت را سلسلہ جنبانی کردہ بہم رسانید ہمہ یکجا کتاب ہذا منسلک
مطابق آنکہ مَنْ جَدَّ فَوَجَدَ یعنی جوئندہ یابندہ ستارہ این سعادت در
عین سفر حج بر پیشانی ام تافت باید شنید در شہر بمبئی حین قیام کتابی دید
بحر الانساب و نیز در معاینہ در آمد بمقام گلشن آباد کتاب
احتساب الانساب در نسخہ اول ذکر اولاد دو ولد دہ امام علیہ السلام در
ثانی نسب اولیا متقدمین عالیمقام کہ امام فلان می پیوندد و نیز بخانہ این فقیر
بود کتابی نسب نامہ تالیف حضرت عم الاعظم روشن ضمیر مولوی سید شاہ
وحید الدین احمد منعمی ساختند حسب الارشاد کلمات ارشاد تذکرہ برآید
از زبان فیض ترجمان والد ماجد شان سید شاہ غلام حسین
قدس سرہ و نیز در این کتاب نسب نامہ اکثر مشایخین متقدمین علمت عائے

محمد حفیظ کدخدا شدند دختر ایشان مسماة لطیفه عرف ببے اطو زوجه والده
شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش ابن شاه محمد واصل ابن شاه غلام مهدی ابن شاه
وجیه الدین فرزند سید محمد ثانی است پسر یکے سید شاه نجف علی ایشان را
دو دختر یکے مسماة خوب بی والده امیر علیخان ابن همت علیخان و دیگری مسماة
سوپن زوجه حاجی شاه الطاف علی یک پسر ایشان شاه نور الحسن سیر روزی
که از دختر قاضی صابر علی کدخدا شده و بی اولاد اند خواهر ایشان از فاطمه
وصی احمد ابن قاضی صابر علی کتخدا و بی اولاد اند پسر دوم میر سید محمد ثانی
سید شاه احمد علی دو پسر ایشان شدند یکی سید شاه احمد حسین و دیگر سید شاه
محسن ایشان را دو پسر با و شان چند دختر سیوم خلف الرشید سید محمد ثانی
سید شاه پیر بخش خلف الرشید ایشان سید شاه محمد مخدوم بخش عرف
شاه کلن که بعد عرصه رونق خاندان زیب شاه یحیی داده اند پسر ایشان دو
سید ولایت حسین و سید نور الحسین هر دو موجود اند الله تعالی ترقی بخشد
و شاه نور الحسن ثانی ابن شاه برکت حسین نیز از فرزندان اند که جد بزرگوار
ایشان در آن حضرت مخدوم سید شاه احمد چرم پوش بوده اند بدین سبب
سکونت نیز هست و نیز شفقی حکیم محبت امین از فرزند انند و دیگران نیز میگویند
چون سلسله نیافت ننوشت نسبت پنجم باب دوم در ذکر حضرت
امام علی موسی رضا منور که فرزندان آنحضرت بر چهار شجره نسبت و ثمره ان

باید دانست حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام را پنج فرزند ذکور بودند و یک
دختر خجسته اختر بی بی فاطمه ثانیه از جمهور فرزندان سلسله نسب باقیست
شعار رضوی سید میگویانند الا نزد امامیه ۵ فرزند اند والله اعلم فرزند اولین حضرت
امام محمد تقی علیه السلام امام زمانه فرزند دوم امام سید حسن فرزند سیوم
سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند بهیچ
اعداد سیادات رضوی واضح باد نسب حضرت پیر دستگیر خواجه قطب الدین
اوشی ملقب بختیار کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام
علی موسی رضا علیه السلام می پیوندد خواجه قطب الدین بختیار کاکے
ارشد الخلفا حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین
اوشی ابن سید محمد اوشی ابن سید احمد اوشی ابن سید حسام الدین ابن
سید رشید الدین ابن سید رضی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید محمد
اسحاق ابن سید محمد جواد ابن سید علی سجاد ابن سید جعفر ثانی ابن حضرت
امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه واضح باد حضرت خواجه
قطب الدین الملیه بالفقر را باشاره آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم طلاق دادند
بار ثانی متاهل شدند از بطن زوجه ثانیه که در اقران بودند دو فرزند شدند
یکے سید احمد دومی خواجه محمد سید خواجه احمد بعمر سیزده سالگی بجوار رحمت حق پیوست
پسر ثانی خواجه محمد را یک پسر بود خواجه کبیر ازان بعد اعقاب حضرت نماند

نام والده حضرت خواجه قطب الدین بی بی رضیه بنت سید محمد ابن سید علی
ابن سید احمد ابن سید ابراهیم ابن سید آدم ابن سید عالم ابن سید محمد عالم ابن سید
عبد المجید ابن سید عبد الحمید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن فی الله حضرت
امام علی موسی رضا علیه السلام نسبت دوم رضوی نسب نامه سید
شاه ابو العُلی مشهدی جد امجد حضرت مولوی حسن رضا قدس سره
سید شاه ابو العلی ابن سید شاه محمد حیات ابن سید شاه محمد برکات ابن سید شاه
مبارک ابن میر سید جعفر ابن میر سید مظفر ابن سید حیدر ابن سید شاه ابو المجید ق
ابن سید شاه ابو البرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبد الله ثانی
ابن سید عبد الجلیل ابن سید محمد جلیل ابن سید جمیل ابن سید علی بزرگ ابن سید مصطفی ابن سید
عبد الله اکبر ابن سید مجتبی ابن سید ابراهیم مرتعش ابن حضرت امام علی موسی رضا
رضی الله عنه علیه السلام ذکر ذریت حضرت سید شاه ابو العلی طویل است نسبت
قرابت و مصاهرت ازین فقیر حقیر در تحریر کرامات بعد ازین خواهد نوشت که
نسبت سوم نسب نامه قاضی عبد الفتاح معروف قاضی تبری والا
جد امجد میر سید محامد قاضی سید عبد الفتاح ابن میر سید عالم ابن میر سید ابو الفتح
ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک
ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی اصغر ابن میر
سید عبد الله ابن سید زین العابدین ابن سید محمد علی ابن میر سید نوح

ابن میر سید ابراهیم ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید حسین عرف سید
عبدالمطلب ابن حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه الوریٰ
سیادات رضوی نسب هستند بسیار بهر شهر و امصار و دیار بلکه اکثر اند در پنجوار
از اولیاء کبار چون نسب نامه اولاد شان مسلسل نیافت بدینوجه ننگاشت
متعدد ماند و نیز اکثر مذهب امامیه اند سیادات رضوی عدیدار چنانچه در پنجوار رؤساء
ساکنان موضع اجگله که نسبت مصاهرت دارند واضح باد در زمان ماضی سلاطین
بزرگ بودند مشاهیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبدالاحد عرف قاضی بڑی
رضوی نسب بودند فرزند شان قاضی احمد علی اولاد ایشان شد بسیار
مصاهرت واقع شد از اولاد ایشان شرفاء موضع بلتهو و حضرت بهار
تذکره ذریت ایشان در تتمه کتاب خواهد نگاشت و نیز در موضع ساٹھین
ضلع پٹنه بزمانه قریب بزرگ بودند منصب قضا قاضی سید اولاد علی والد ماجد
قاضی سید تفضل حسین صدر اعلی مرحوم پسر ایشان قاضی سید رضا و سید محمد کاظم
و از بنی اعمام ایشان میر احمد حسین عرف میر مخدوم بخش ابن سید شجاعت علی
در الموضع از سیادت رضوی اند و نیز صاحبان موضع نیانوان و نیز سید
شاه اهل الله رضوی از بینموضع مصاهرت واقع شد سید شاه اهل الله
جد مادری سید شاه عبدالرشید عرف شاه چهجی ابن سید شاه اطیب الله
قادری چنانچه منقول است دو سیدزاده بزرگ از سیادات رضوی نسب

از ولایت تشریف آوردند بصیغه طالب العلمی در خانقاه حضرت مخدوم بدر الدین
بدر عالم در بهار وارد شدند مشغولی تدریس بودند روزی کرامات ایشان
بحضرت مخدوم بدر عالم عیان شد سید احمد کلانی و سید محمد ثانی را
نام بود حضرت مخدوم دختر خجسته اختر بی بی ابدال خود را خواستند بزوجیت
یکی از ایشان دهند کلانی عذر آوردند تجرد کردند اختیار چنانچه مزار ایشان
واقع موضع ندره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع
معافا واقع است از بطن بی بی ابدال اولاد شد ساکن موضع بی بی پور شدند
کرجای حیله بی بی مرد وجه مشهور است چنانچه الموضع و دیگر دیهات معافی بقبضه و دخل
اولاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ راسته فرزند بودند از ایشان
فرزند یک فرزند سید شاه اهل الله مذکوره بالا و فرزند بزرگ دیگر سید عنایت علی
بودند خلف ایشان سید فرزند علی کتخدائی ایشان از دختر میر مظفر حسین مرحوم
ساکن شیخوپوره شد سید فرزند علی را دو فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر
میر اولاد علی ابن سید شاه وارث علی که از اولاد دیوان سید جعفر قدس سره
بودند گردید لاولد ازین عالم رفتند و پسر ثانی میر فرزند علی میر اسمعیل علی اند
دو سه شادی اولاد جاری شد چند دختران و دو پسر یکی سید واجد حسین
دویمی سید احمد حسین خواهر کلانی ایشان زوجه شاه اظهر حسین ثانیه زوجه
سید امیر الدین نوابادی ثالث زوجه پیاری صاحب ابن قاضی محمد بخش مرحوم

ونواسه سید وحید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر معروف بودند الحاصل ازانجمله از سه برادر فرزند یکی سید رمضان علی بودند خلف الرشید الشان میر سید غلام حسین سملوی دو پسر ایشان شدند از دو زوجه یکی میر محمد حسین دوم داماد سید محامد حسین نوآبادی پسر ایشان سید الفت حسین واز زوجه ثانی خلف الرشید الشان سید علی حسین و سه خواهر ایشان ذی اولاد اند شادی سید علی حسین در بهار از دختر میر سید امین حسین ساکن باروری شده بودند و دختران ایشان نیز

نسبت ششم از باب دوم در ذکر نسب حضرت امام محمد تقی علیه السلام معروف در بیت الجمهور

باید دانست از تحریر مورخین سابقین و نیز از کتاب بحر الانساب شش فرزند آنحضرت سه پسر و سه دختر فرزند اول حضرت امام علی نقی علیه السلام امام زمانه ثانی حضرت موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد این هر دو بزرگوار همه اولیاء کبار اند جابجا ولی الله صاحب ولایت آسوده اند بعض ارشان فایض الانوار شجره اولی

نسبت ششم باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشایخین سید نظام الدین احمد بدایونی

حضرت سلطان الاولیاء سید نظام الدین محبوب ربانی ابن میر سید احمد بدایونی ابن سید خواجه علی بخاری ابن سید عبد الله ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید احمد ابن سید عبد الله ابن سید علی اصغر ولد حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام باید دانست حضرت خواجه علی و حضرت سید دانیال معروف خواجه عرب سازجواعب

سیر کردہ امصار و دیار بہ بخارا تشریف آوردہ سکونت کردند اختیار پس پدر این
ہر دو بزرگوار در انجا متاہل شدند بسبب شرفا در انجوار سید علی بخاری را دو فرزند
شدند یکی سید احمد بداؤنی ثانی سید محمد بداؤنی و نیز دو دختر شدند خواجہ عرب سید
دانیال را یکی سوم بی بی زلیخا زوجہ سید احمد بداؤنی نام ثانیہ معلوم نشد
از بخارا نوبت سکونت بہ شہر بداؤن رسید ولد حضرت سید احمد سید
نظام الدین اولیا و یکخواہر شان بی بی زینب نام حضرت محبوب
الٰہی حصور بودند الا فرزند بی بی زینب دو یکے سید تقی الدین نوح
دویمی سید رفیع الدین ہارون ہر دو ذی اولاد شدند سید محمد بداؤنی
را یک فرزند حضرت جمال اولیا کہ مرید و خلیفہ حضرت محبوب الٰہی برادر عمزادہ
بودند فرزند رتبہ بلند الشان سید شاہ ابراہیم الشان را تربیت ظاہری
و باطنی از پدر بزرگوار خود بود خلف الرشید الشان سید شاہ فرید عرف
سید طویلہ بخش مرید و خلیفہ حضرت مخدوم نور قطب عالم پنڈوی بودند
سید فرید طویلہ بخش در بہار حسب الایت چشتیان اقامت پذیر شدند بحلہ چاند پورہ
اولاد این بزرگ بسیار از مشایخ کبار فرزند رتبہ بلند آنحضرت سید معین الدین
بہاری خلف الرشید الشان سید نصیر الدین ثانی بہاری از انجا دو فریق
شدند بسبب دو فرزند سید محمد سلطان فرزند کلانی جد امجد صاحبان
چاند پورہ و سید بہاء الدین فرزند ثانی از اجداد صاحبان بکہ جو

اولاد ہر یکے موجود اند

لمعۂ اول در ذکر اولاد صاحبان چاندپورہ

باید دانست فرزند سید محمد سلطان سید شاہ مظفر ولد الیشان سید شاہ منصور
ابن الیشان سید شاہ محبوب پدر الیشان بود ان سید مسعود ولد الیشان دیوان سید
شاہ عنایت اللہ ابن الیشان سید شاہ امیر اللہ الیشانرا چہار فرزند رتبہ بلند
کہ پیدا شد شاخ ہر یکی سید شاہ صفی اللہ ولد کلانی وجناب حضرت سید شاہ
احسان اللہ فرزند ثانی سجادہ نشین بجای پدر سیومی سید اہل اللہ چارمے
سید شاہ فخر اللہ عرف شاہ فخری این نیز ذی اولاد اند و سید شاہ اہل اللہ
را دختران بودند و سید شاہ صفی اللہ را بودند یک دختر بی بی صبیحہ نام دختر
این بی بی را نام بی بی مسیحا زوجہ شاہ محمد واصل کہ جد شاہ امیر علی
فردوسی بودند جناب حضرت سید شاہ احسان اللہ را یک دختر موسومہ
بی بی سلطانی کہ از میر مظفر علی ابن میر سید احسن زیدی نسب کتخدا شدند
از بطن این عفیفہ دو دختر بی بی رحمانی بی بی امانی و یک پسر جناب حضرت
سید شاہ یحیی علی قدس سرہ زوج بی بی رحمانی شاہ محمد سلطان
نبیرہ سید شاہ احسان اللہ دو خلف آنحضرت شاہ محمد بخش دویمے
شاہ قطب بخش شاہ محمد بخش را دو فرزند یکی شاہ محمد سلطان مذکور الصدر
دویمی شاہ محمد جان و یک دختر بی بی اجن کہ از شاہ محمد سبحان ابن شاہ

قطب بخش کتخدا شدند پسر دویمی شاه قطب بخش شاه درگاهی والد ماجد سیده حیدر بخش و شاه محمد سبحان را دو پسر سید شاه محمد مهدی که ذوی اولاد شدند از دختر پسر ثانی سید محمد اکبر فرزند شاه محمد سلطان از بطن بی بی رحمانی سیده شاه محمد باقر و سید شاه اسمٰعیل ایشان یک پسر سید علی حسن که از دختر مولوی سید اشرف علی ابن سید شاه یحیی علی کتخدا شدند یک پسر شد ایشان را سید حسن نام که از دختر شاه تبارک حسین ابن شاه تیم الله منسوب شد و شاه محمد باقر را چهار فرزند اند سید مسعود و سید مقصود و سید مودود دو فرزند کلانی سید محمود رحلت کردند هر یکی را بهترین جای نسب مصاهرت واقع است و پسر شاه محمد اسمٰعیل سید علی حسن نام را از دختر مولوی سید اشرف علی کتخدا شدند و رحیل ملک بقا گشتند پسری گذاشتند سید حسن نام از دختر شاه تبارک حسین مرحوم کتخدا است و ذوی ولد است و از شادی دیگر حضرت شاه محمد سلطان رحمة الله علیه را فرزندی نام نامی شاه امجد حسین که از دختر شاه قطب الدین منیری کتخدا شدند یک دختر و پسر دارند و شاه محمد جان را چهار پسر سید عابد حسین و سید زاهد حسین و سید آصف حسین و سید کبیر حسین یکی از این رحلت نمود باقی ذوی حیات ذوی اولاد اند

لمعه دوم در بیان واقع ثانی بذریت سید شاه بهاء الدین

این حضرت مخدوم نصیر الدین واضح باد فرزند ثانی و حضرت بندگی سید نصیر الدین و لد[illegible] شاه بهاء الدین بودند خلف ایشان بندگی دیوان سید

شعیب الحق ولد الشان سید شاه عبید الله ابن الشان دیوان سید شاه
عبد الوهاب چهار فرزند الشان کلانی دیوان سید شاه عبد الواحد
بودند و دو دختر بودند الشان ثانی سید شاه جمال الدین سیومی سید شاه
حسام الدین چارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر
سید شاه جمال الدین از دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از صبیه حضرت دیوان شاه
عبد الواحد مذکور القدر که یکی از اجداد حضرت شاه محمد آفاق عرف شاه
مجا و نیز اجداد دیگران الا نسبت سلسله ایشان دریافت نشد شاه ذکی الدین
ثانی که پسر ایشان شاه فصیح الدین دو فرزند الشان یکی شاه مراد علی پسر الشان
شاه فرزند علی دویمی شاه چمن پسر ایشان شاه نعمت الله و داماد میر موهی علی و از محل
دویم شاه ذکی الدین شاه محمد یحیی بودند و نیز شاه مظفر حسین الماجد سید شاه
عبد الکریم و یک دختر است سید شاه رحیم بخش نبیره الشان سید عبد الکریم نام
است باقی کیفیت دیگران دریافت نشد الا نسب جدی و مادری حضرت شاه
محمد آفاق نسبت قرابت قریبه از خسر پوره این خاکسار دریافت شد بتصریح منسوب
باید نسبت سید شاه جمال الدین را دو پسر یکی سید محمد یار ثانی سید شاه کمال الدین
الشان را نیز دو پسر یکی سید شاه غلام شرف الدین ثانی سید شاه غلام محمد
الشان را نیز دو پسر کلانی سید شاه حمایت الله ثانی سید شاه منور الله پسر
الشان سید شاه علیم الدین ولد الشان سید شاه محمد آفاق عرف شاه مجا

پسر ایشان سید شاه محمد اسحاق عرف شاه دمڑی که از دختر سید نجف حسین
ساکن محله بارهدری که خدا شدند ایشان از چند دختر و یک پسر سید شاه عطا حسین
ذی اولاد هستند سجاده آبا اجداد زینت بخش اند ذکر نسب جلیل مادری حضرت

شاه آفاق و آبا اجداد شان که از حضرت سید محمد سعید وردی

نشست نسب انور مادر جد مادری پیر حقا شاه محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد
فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محی الدین که منسوب بسادات کاظمی بودند شادی
سید محمد روشن علی از دختر سید شاه غلام محمد بن سید نور الدین بن سید مخدوم عالم
ابن سید صدر عالم ولد پسر سید محمد سعید وردی زیدی نسب گردید و زوجه سید شاه
غلام مخدوم دختر قاضی سید فتح الله خطیب که شادی اولی بود ساکن مقام
شیخپوره از ایشان سه پسر شدند یکی سید نور الدین دویم سید محمد صالح سیوم
سید فقیر محمد عرف فقیرا سید محمد صالح لاولد الا سید نور الدین را نه پسر یکی سید
غلام مجتبی دویم سید غلام مرتضی سیوم سید غلام محمد پس بدانید سید غلام
مجتبی را یک پسر سید غلام منبری که از دختر عم خود سید غلام محمد کتخدا شده بودند سید
غلام مرتضی را نیز یک پسر سید ... خوردار و دو دختر یکی زوجه شاه محمد مبارک
ساکن محله چاندپوره دویم زوجه سید علی اکبر ساکن ... شیخپوره و سید
غلام محمد را نیز سه پسر یکی سید غلام ... عرف ... دویم میر سید میر عرف
جهکوری سیوم سید تاج محمد لاولد جد مادری سید شاه علیم الدین بهی

شاه محمد آفاق سید محمد حفیظ ابن سید سیف الله بن سید فقیر محمد فقیر ابن سید
مخدوم عالم بن سید محمد سهروردی مذکوره بالا و جدّ مادری شاه منور الله جد
شاه محمد آفاق میر سیف الله مذکوره الصدر و سید فقیر محمد را دو پسر یک دختر
کلانی پسر سید سیف الله ثانی سید روح الله پسر سید سیف الله سید محمد حفیظ
و یک دختر زوجه شاه منور الله دویمی دختر زوجه سید زین العابدین ساکن
محله مفتیانه و دختر سید سیف الله والده شاه منور الله مرحوم و پسر سید
محمد حفیظ سیده شاه غلام مخدوم جدّ مادری شاه امیر علی فردوسی ابن شاه
کریم بخش ابن شاه محمد واصل شاه امیر علی خسر ابن خاکسار و سید روح الله
ابن سید فقیر محمد را پسر دیگر سید محفوظ نام و دو خواهران ایشان یکی بی بی
ماچو زوجه شاه غلام حیدر ابن شاه وجیه الدین که لاولد و بعد از این عالم فانی
بی بی بخیا عرف ماچو زوجه شاه غلام بدر برادر شاه غلام حیدر فرزند
رتبه بلند شاه غلام بدر شاه محمد واصل جد شاه امیر علی شادی شد
محمد واصل بمحله چاندپوره از بی بی مسیحا بنت بی بی حبیبه دختر سید صفی الله
و خواهر شاه محمد واصل ابن شاه غلام بدر بی بی بیکانی زوجه سید افضل علی
ساکن محله باره دری که از اولاد سید فضل الله عرف سید گوسائین بود نواسه
نواسه میر افضل علی سید خیر الدین حسین ابن سید شاه فتح علی ابن شاه
غلام عبد الله فرزند حضرت خواجه مودود چشتی ساکن شیخپوره خورد پرگنه بهار

ویک خواہر ایشان بی بی لطیفا زوجہ شاہ علی بخش برادر شاہ کریم بخش والد شاہ
امیر علی واضح باد سید محفوظ را نیز دو پسر یکے سید رضا علی ابن سید ناصر علی پسر
شان شاہ غلام مخدوم ثانی و لد ایشان سید علی احمد اما خورد شاہ انور علی
بلخی پسر ایشان سید علیجان ذی اولاد شدہ لا ولد از پنجہان فقند پسر دویمی
سید محفوظ بودند سید معصوم پسر ایشان سید غلام مخدوم پسر شان سید اشرف علی
و سید مشرف علی پسر ایشان داود علی عرف واللہ و پسر سید اشرف علی سید
امام علی پدر سید مردان علی داماد شاہ تراب الحق دانا پوری دو خواہر ایشان
یکے زوجہ سید داود علی دویمی زوجہ سید الفت حسین ابن سید شاہ فخر الدین
و چہار دختر سید اشرف علی بودند یکی زوجہ شاہ فخر الدین مذکور دویمی
مادر شاہ منگن سیویمی را ذکر معلوم نیست الاچہارمی زوجہ میر محمد عاصم نواسہ
حضرت شاہ طیب اللہ موڑوی خسر شاہ محمد سجاد دانا پورے

شجرہ نسبت نسبنامہ حضرت میر سید خلیل الدین ابن حضرت سید ابو سعید جعفر حضرت بارہ

واضح باد سید خلیل الدین ابن سید ابو سعید دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اہل اللہ عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال دانشمند ابن میر سید حامد عرف سید چاند ابن سید محمود عرف سید پیار ہی ابن سید اکبر ابن سید محمد ابن سید ضیاء الدین ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شہاب الدین ابن حضرت سید عبد الرزاق

ابن سید عبدالرحمن ابن سید عبدالعزیز ابن میران سید حسین خنگ سوار اجمیری
ابن سید شاه برهان الدین ابن سید شاه ابوالمؤید ابن حضرت سید ابراهیم
ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذکر ذریات این حضرات تصریح آنکه
سید فضل الدین ابن سید محمد جعفر را سه فرزند یکی سید جان عالم پسر ایشان
سید محمد جاه دویمی سید سلطان عالم پسر ایشان سید محمد باد سیومی که از نبیره تولد
کلانی سید صاحب عالم یک صبیه ایشان بی بی زهره که از سید ابراهیم خواهرزاده
سید صاحب عالم منسوب شد یک دختر و یک پسر ایشان نام دختر بی بی مخدومه زوجه
میر مظفر حسین شیخپوری بود پسر میر مظفر حسین سید امید علی که از دختر شاه احمد علی
کتخدا شده سید سعادت علی پسر ایشان مستقند دختر از میر فرزند علی ابن میر عنایت علی
رضوی کتخدا شده دو پسر عالیقدر ایشان کلانی میر فرحت علی که از دختر میر سید
اولاد علی ابن سید شاه وارث علی کتخدا شده لاولد ازین عالم رفتند پسر ثانی
میر اسمعیل علی که از چند شادی ایشان سه دختران دو پسر یکی سید واجد حسین
داماد مولوی سید اشرف علی نوابادی دویمی سید احمد حسین فخری ولد اند
و از دختران کلانی زوجه شاه مظهر حسین بهاری ثانی زوجه سید امیر الدین ابن
ثالث زوجه پیاری صاحب پسر ایشان بی بی زهره زوجه سید ابراهیم حضرت شاه
سید وارث علی بود سه پسر ایشان یکی لاولد ازین عالم رفتند دویمی
میر فائض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخپوره ساکن ولد میر فائض علی

نواب الطاف حسین خان که از دختر خال خود نواب تفضل حسین خان
کتخدا شدند بی اولاد از این جهان رفتند و یک خواهر ایشان نیز بودند لاولد رفتند
بعد ایشان خلف کلانی جناب حضرت شاه وارث علی صاحب نامی نامی بمنزلت گرامی سید
اولاد علی صاحب که زینت سجاده آبائی بودند و دو دختر ایشان یکی زوجه میر فرحت علی
مذکور الصدر لاولد ثانی زوجه سید قادر احمد زوجی اولاد شدند یک دختر و چهار پسر
ایشان و دختر زوجه قاضی سید محمد اجمل ابن قاضی احمد علی و پسر کلانی سید شاه
بشیر الدین زیب سجاده جد مادری شده نام سجادت برده لاولد از این عالم
رفتند و دومی سید نصیر الدین از جهان رفتند بی اولاد سیومی سید شاه
مهدی حسین که پسری بتمامی موصوف اند از محل اولی یک پسر دارند سید احمد حسین
نام چهارمی پسر بلیاقت و هنر سید شاه لطافت حسین بمروت و سخاوت
معروف اند که خدای ایشان از دختر سید سجاعت حسین مرحوم گردیده که داماد
دختر شاه ابراهیم حسین بودند الحاصل یک پسر است بشاه لطافت حسین از
سید شاه حسین که بر لیاقت است ناکسار شاه کتخدائی آن از دختر مولوی
شاه حسین گردید دختر ابن [illegible] و الله تعالی [illegible] از سید سجاعت حسین
جد مادری عزیزی سید شاه حسین ابن میر فرحت حسین ساکن موضع پهلواری [illegible] آباد
پسر رفتند باعث انتظام معاش علاقه درگاه پیر و مرشد یا شجره نسب از
نسب شمایم [illegible] ذکر نامه سید [illegible] ابن [illegible] قدس سره

کہ خواہرزادہ حضرت خواجہ نجیب الدین فردوسی و داماد این حضرت شرف الدین
بودند قدس سرہ سید وحید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاہ حسین
مُصدق ابن سید شاہ عباس ولد میر سید علی ابن سید شاہ حیدر ابن سید قاسم
ابن حضرت موسی مبرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام رضی اللہ عنہ
باید دانست سید وحید الدین چلہ کش کتخدا شدند از بی بی بارکہ دختر حضرت
مخدوم شاہ ذکی الدین ابن حضرت مخدوم شاہ شرف الدین قدس سرہ
بدانند پدر سید وحید الدین سید شاہ علاء الدین سہ برادر بودند سید سکندر علی
و سید شمس الدین ابنان سید حسن مصدق سید شمس الدین عم شان کتخدا شدند
از بی بی رقیہ بنت مخدوم شاہ جلیل الدین کہ برادر کلانی حضرت مخدوم الملک
قدس سرہ بودند از بطن این بی بی دو دختر یکے بی بی ماہ خاتون دویمی
بی بی جمال کہ از مبارک ابن سید سکندر علی مذکور کتخدا شدند خود اولاد شدند
و کلانی دختر کہ از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتخدا شدند لاولد رفتند
از جہان و فرزند بی بی جمال حضرت مخدوم بڑی بودند معروف ابن سید مبارک
فرزندالشان بموضع کھرانٹ موضع ادتر الارہی موجود اند میر بشارت علی
کھرانٹ و میر ابو القاسم اُدترا باقی کیفیت سید وحید الدین چلہ کش این است
معروف است کہ از بطن بی بی بارکہ یک دختر موسومہ بی بی زہرہ منسوب
شدند از سید شہاب الدین جویری علوی نسب از بطن بی بی بارکہ بی بی زہرہ

یک دختر و یک پسر مخدوم عبدالله عرف سید سجاد اکبر کتخدائی ایشان از بی بی مخدومه دختر سید مبارک ابن سکندر گردید یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف بیاری و پسر سید شهاب الدین جونپوری سید زین العابدین کتخدای ایشان در آن قرآن شد یک دختر ایشان بی بی حفیظه کتخدا شدند از سید ابو محمد بیاری خلف سید سجاد اکبر پس سید ابو محمد بیاری را چهار پسر شدند یکی سید مسیح الدین دویمی سید فصیح الدین هر دو لاولد الا سیومی سید امام الدین ساکن موضع سنیر بلاسی ذی اولاد شدند اولاد ایشان در انجوار قصبه سهار ضلع آره و موضع بلاسی بزرگان مولوی آل احمد و حامی مخدوم پور گوزوا پرگنه ارول یکی از ان شاه امیر حیدر و شاه خمیر حیدر وغیره و در چهار میر مرتضی بخش و محمد بخش وغیره الاخلف چارمی علیم الدین عرف شاه بهیکه از انجا در قصبه بهار آمده اقامت پذیر شدند رونق بخش سجاده حضرت مخدوم الملک شدند اولاد ایشان کثیر همه مخدوم زاده سابه حضرت اولاد ایشان هستند مفصل در ضمن احوال حضرت مخدوم الملک خواهد نوشت که طول است شجره نسب نامه حضرت خواجه ابو یوسف همدانی مقتدای سلسله نقشبندیه تقوی نسب بدانید حضرت خواجه ابو یوسف همدانی ابن خواجه عبدالله ثانی ابن خواجه قطب الدین یوسف ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد مظهر ابن سید عبدالله ابن سید حسین ابن سید یحیی ابن سید موسی ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن

سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مبرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی
علیہ السلام از اولاد حضرت خواجہ ابو یوسف ہمدانی در دیار فارس مستند الادہلی
خواجہ فریدالدین و حاجی علاءالدین و سید نجم الدین مدعو شاہ فدا حسین سہروردی
مشرب اند و از فرزندان خواجہ فریدالدین دبیرالدولہ خواجہ وحیدالدین
و خواجہ زین العابدین بودند

لمعہ نسب نامہ حضرت خواجہ محمود الخیر فغنوی سر آمد سلسلہ نقشبندیہ

خواجہ محمود الخیر فغنوی ابن سلطان امیر یحیی ابن امیر سلطان ابن سید رکن الدین
ابن سید اسد اللہ ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید
مطہر ابن سید عبداللہ ابن سید حسن ابن سید یحیی ابن سید موسی ثانی ابن سید
احمد ثانی ابن سید موسی کبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مبرقع پوش
ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام ذریت ایشان بسر حد بخارا است

لمعہ ذکر نسب نامہ سید مخدوم شاہ درویش بیتہوی تقوی النسب مع بیان ذریت ایشان کہ موجود اند

مخدوم سید شاہ درویش بیتہوی
ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن مخدوم شاہ ابوسعید ملقب کہنہ نواز ابن
مخدوم سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمود ابن سید شاہ صفی الدین
ابن سید اعز الدین ابن سید حامد ابن سید حسین ابن سید موسی ابن سید احمد
ابن سید محمد اعرج ابن سید احمد ابن سید موسی مبرقع ابن حضرت امام محمد تقی

واضح باد جد امجد مخدوم شاه درویش مخدوم ابوسعید گنهٔ نواز نواسهٔ اند سید
ابوجعفر لاڈ کهٔ نواز نسب نامهٔ سید ابوجعفر بدین طور سید ابوجعفر لاڈ کهٔ نواز
ابن سید شاه حسین قتال ابن حاجی سید نور العین عبد الرزاق که از اولاد حضرت
غوث الثقلین محی الدین سید عبد القادر جیلانی اند چونکه نسب بالا بآنحضرت
بادراک رسید از تحریر متعذر گردند الا حاجی نور العین خواهرزاده و پسر خوانده جانشین
حضرت سلطان اشرف جهانگیر اند که آنجناب نسب جعفری دارند بالا این صفحه
تحریر شد حاجت مکرر تحریر نیست چونکه حضرات کچھوچھه موضع بیتھو را سلسله نعمت
و بیعت از آنجناب است خود را بدریت آنحضرت نامند مقصود از اولاد حسین است
و آنجناب بذات خاص حضور بودند مجرد متاهل نشدند پس بدانید اولاد سید حسین
قتال در مقام کچھوچھه الا اولاد سید ابوسعید بموضع بیتھو ضلع گیا است باید دانست
مخدوم شاه درویش را چهار پسر و یک دختر بودند بی بی لاڈو که از مخدوم خوند شیخ
منسوب شدند از انجمله پسران یک پسر مخدوم سید سکندر مغضوب پدر که در جوار
پدر آسوده اند لاولد دویمی سید حامد عرف سید چاند بموضع شیخپوره متصل بیجوره
سکونت کردند اختیار در جوار مخدوم شاه مبارک جد بزرگوار ذی اولاد دختر
شیخپوره مشهور است سیومی مخدوم شاه محمود که در پایین مزار پدر نامدار آسوده اند جانب
مغرب جنوب اولاد شان نیز یک فریق چارمی مخدوم شاه محمد پسر کلانی
جانشین پدر که بعد مرقد والد ماجد هم پهلوی مزار است جانب شرقی

لمعهٔ اول در ذکر اولاد مخدوم شاه محمد قدس سره مولوی حکیم سید نوازش رسول
چهار برادر کلانی ایشان ثانی سید وحید اشرف سیوم سید هادی اشرف
ایشان را دو پسر و دو دختر چهارمی سید هاشم مغفور یک دختر ایشان از بنی عم منسوب است
یعنی از پسر سید وحید اشرف مذکور و مولوی سید نوازش رسول را از محل اول یک دختر
ذی اولاد و از محل ثانی سه دختران این حضرات فرزند مولوی سید شاه
غلام رسول رحمة الله علیه که دو برادر و چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد ازین
خواهد نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک پسر ایشان سید نادر علی
ذی اولاد اند و دو دختران یکی از سید هادی اشرف کتخدا دومی سید نسیم الدین
ابن سید نظام الدین احمد کتخدا اند همه ذی اولاد هستند و مولوی غلام رسول ابن
سید شاه غلام مصطفی و برادرشان سید شاه غلام مجتبی ابنان سید شاه غلام مبارک
سید شاه مجتبی را دختران بودند فرزند دختران سید جهوڑی معروف و سید شاه
غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول ابن هر دو پدر پسر را دیگر یک یک برادر
بودند اولاد شان هستند الا نام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه
عبد الرسول ابن سید شاه محمد حافظ ابن سید شاه محمد اسمعیل بن سید شاه اعلی ابن
مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه درویش ابن مخدوم مبارک و از اولاد
سید اسمعیل حکیم مظهر حسن نهوی و از اولاد سید حافظ سید خورم حسین ابن سید مکرم حسین
و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهر زاده سید غلام رسول

سید مبارک اشرف سہ برادر دویمی سید مخدوم اشرف سیومی سید نثار اشرف
دویمی خواہر مولوی صاحب از مولوی سید کاظم علی منسوب بودند لاولد شدند
اولاد سیومی سید امداد اشرف عرف اچھن میان دویمی برادر شان سید
امانت اشرف سیومی سید سلطان اشرف چارمی سید مقصود اشرف اولاد خواہر
چارمی سید محمد واسع و سید سلامت اند **ملحقہ دوم در ذکر اولاد سید شاہ محمود**
سید منظر احمد ی ابن سید غلام حسن ابن شاہ غلام حسین ابن سید امیر اللہ ابن
سید ضمیر اللہ ابن سید دوست محمد ابن سید بایزید ابن سید کمال الدین ابن سید
شاہ محمود ابن مخدوم شاہ درویش نہٹوی باید دانست سید غلام حسین ابن سید
امیر اللہ راسہ پسر کلانی سید شاہ غلام حسن ایشانزاد و پسر دختران فرزند کلانی
حکیم سید منظر احمدی یک پسر ایشان سید منظور احمدی نوی ولد دویمی سید
احمدی ہشت سالہ بمرد و دو دختران یکی خواہرزادہ خود سید محمد حسن کتخدا کردند
دختر دویمی از سید حسن رضا ابن سید راحت حسین شادی شدذی اولاد اند برادر سید
منظر احمدی سید راحت حسین داماد سید شاہ عبد الکریم مانپوری اولاد ایشان
چہار یکے سید حسن رضا مذکور دویمی سید علی رضا سیومی سید محمد رضا چارمی سید احمد رضا
نوجوان بمرد دو پسر ثانی سید شاہ غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان
مولوی سید صفی الدین حسن دو پسر دو دختر دارند و سید نظام حسن پسر ثالث
سید شاہ غلام حسین مرحوم دو فرزند ایشان سید امیر الدین و سید نسیم الدین ثانی

اکثر مشایخان ساکن موضع ہتورا واسطہ جانب جد مادری است کہ
نسبت ہفتم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیہ السلام معہ سلسلہ ذریت ایشان
باید دانست بحضرت امام علی نقی رضی اللہ عنہ سہ فرزند و یک دختر باتفاق فریقین
از ہر فرزند اولاد اند الوریاد لپسر کلانی حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام
امام زمانہ ثانی حضرت حسین اصغر ثالث حضرت جعفر نسب نامہ اولاد
ایشان یافت نگاشت کہ از ہر یکے اولیاء نامدار اند شجرہ اولی نسبت ہفتم
باب دوم در ذکر نسب نامہ حضرت سید جلال الدین حسین
مخدوم جہانیان جہان گشت سیادت بخاری منسوب ایشان اند مخدوم
سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کبیر بخاری شیر سوار ابن سید
جلال الدین بخاری بزرگ صاحب توشہ ابن سید ابو المؤید بخاری ابن سید محمد
جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمود بخاری ابن سید عبد اللہ ابن
سید احمد ابن سید علی اصغر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی
علیہ السلام واضح باد صاحبزادہ ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمود بخاری بودند
د حضرت مخدوم بہاء الدین ذکریا ملتانی قریشی خلیفہ سید جلال الدین بزرگ
بخاری اند فرزند ایشان مخدوم صدر الدین نبیرہ ایشان مخدوم ابو الفتح
رکن الدین در ملتان این بزرگوار آسودہ اند و سید جلال الدین بزرگ
بخاری بمقام اوچہ آسودہ اند مخدوم جہانیان در چاٹگام اند

شجره دوم نسبت هفتم باب دوم در ذکر نسبنامه و اولاد خواجه قطب الدین

مودود چشتی واضح باد سید قطب الدین مودود چشتی ابن خواجه ابو یوسف چشتی ناصر الدین که خلیفه خال خود خواجه ابو محمد چشتی بودند خواجه ابو یوسف چشتی ابن خواجه سمعان ابن خواجه سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید عبدالله ابن سید حسین اصغر ابن حضرت امام علی النقی رضی الله عنه مشهور باد حضرت خواجه عبدالله چشتی ابن خواجه سید اسد الله چشتی از اولاد حضرت خواجه مودود چشتی از مقام ٹھٹھہ بھکر وارد این نواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان شنیده بزرگوار ایشان نیز معه اهل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشانرا منشوری یافتند بقریه شیخپوره خورد پرگنه ترہٹ ضلع بهار آخر کار درانجا صورت اقامت یافت مرید و معتقد شدند آنجا ازخانقاه و مسجد کردند طیار و زمین بطور آئمه حاصل کردند ده یازده چکوک جهت اوقات صرف وارد صادر چون نذر گذرانیدند سلاطین وقت تصور دیده بهر کفایت اهل و عیال کردند قبول

نسبنامه ایشان تا حضرت خواجه مودود چشتی و ذکر ذریات شاه عبدالله ابن

شاه اسد الله ابن سید برهان الدین ابن سید عبدالرحمان ابن خواجه محمد جان ابن خواجه محمد سمعان ابن خواجه منظور ابن خواجه قطب الدین مودود چشتی الحاصل فرزند خواجه سید عبدالله ابن سید اسد الله خواجه قطب الدین ثالث بودند ولد ایشان سید تاج الدین محمود ابن ایشان شاه عنایت الله

انور یادگار افضل ثانی سید شاہ تاج الدین محمود اولاد کثیر اند از ہر یکے ملاقات
است حاصل الاخلف الرشید سید شاہ عنایت اللہ را خلف سید شاہ محمد فصیح
اللہ پسر ایشان یکی سید محمد وجیہ اللہ دو پسر ایشان سید کریم الدین جدہ مادری
سید شاہ مرد الغطے ابن سید امام علی ساکن نہوی دو یمی سید رمضان علی
پسر ایشان میر بشارت علے پدر سید محمد مہدی ولد دویم سید شاہ محمد فصیح سید شاہ
غلام عبد اللہ ولد ایشان شاہ فتح علی عرف بھوری شادی اول ایشان
بی بی سیحہ از خواہر سید شاہ عسکری عرف لشکری بلخی گردید از بطن
این زوجہ یک پسر و یک دختر شدند نام دختر بی بی وصیحہ زوجہ میر امجد علی
مادر میر عباس علی و خواہر ایشان مسماۃ شرفا زوجہ سید حمایت حسین آنگلوی
یک دختر ایشان کہ از خواہر زادہ ایشان سید الہ بخش کتخدا شدہ ذی اولاد اند
پسر سید شاہ فتح علی شاہ انور علی کہ از مسماۃ ذاکرہ بنت شاہ محمد واصل فردوسے
کہ عم شاہ امیر علی فردوسی بودند کتخدا شدند سہ پسر ایشان عابد حسین احمد حسین
زاہد حسین بطفولیت مردہ اند الا سہ دختران ایشان یکی مسماۃ حیاتن زوجہ
میر رضا علے ابن میر یوسف علے عظیم آبادی پسر ایشان سید فدا علی یک دختری
دارد باقی سہ خواہر اند سید فدا علی دو دختر اوسط مسماۃ عطیہ فاطمہ عرف
مُنّتا زوجہ شاہ امیر علی ابن شاہ کریم بخش خسر این خاکسار سہ دختر ایشان
و یک پسر شاہ وزیر علی یک پسر یک دختر موجود سیومی دختر مسماۃ براتن

زوجہ سید شاہ علی احمد ابن سید غلام مخدوم ساکن رہوی کدخدا شدند
چند دختران ایشان و خلف الشان سید شاہ علیجان رحلت کردند نوجوان
اعقاب نماند الا سید شاہ فتح علی را از شادی ثانی کہ از دختر سید افضل علی
ساکن محلہ بارہ دری شد یک پسر و یک دختر بوجود آمدند نام دختر بی بی
لطیف النسا زوجہ شاہ علی بخش ابن شاہ محمد وصل فردوسی از بطن ایں بی بی
دو پسر و یک دختر یک پسر طفل و دیگر نوجوان رحیل سلک بقا گشتند الا دختر بی بی
مراد النسا زوجہ میر مقرب حسین ابن مولوی ابراہیم علی کابری راستہ فرزند شد
دو طفل یکی نوجوان سید شاہ رجب حسین نام بی کدخدائی فوت شدند عقاب نماند
و نام پسر سید شاہ فتح علی سید شاہ فخیر الدین حسین کہ بدیار مغرب بہمایہ روزگار عمر
بسر کردند نام آوری پیدا کردہ بکمال عزت و جاہ در شہر متہرا رحلت کردند
کسے اولاد نشد پسر دوم شاہ محمد فصیح بودند سید شاہ محمد ملیح ایشان را نیز دو فرزند
رتبہ بلند یکی سید ابراہیم حسین و پسر ایشان یکی سید حشمت علی پدر سید وصی علی
دومی سید امجد علی پدر سید عباس علی این ہر دو داماد شاہ فخر الدین حسین
لا ولد رفتند از عالم پسر دویم سید شاہ محمد ملیح سید شاہ رحمان حسین با ایشان نیز
دو فرزند رتبہ بلند یکی سید شاہ فخر الدین حسین و دومی سید شاہ لطف حسین با ایشان
یک پسر سید وزیر علی و یک دختر کہ از سید موسی رضا ابن شاہ علی رضا کدخدا
شدند آخر لا ولد رفت ازین عالم و شادی سید شاہ فخر الدین حسین از خواہر

سید امام علی ابن سید اشرف علی ساکن موضع رہوی شد دو دختر و سہ پسر
کیفیت دختران مذکور شد پسر اوسط سید سخاوت حسین نوجوان بمرد و پسر سیوم
سید شجاعت حسین داماد شاہ امیر علی بہر لف راقم التحریر دو پسر و دو دختر ایشان
هستند نام پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین پسر کلانی شاہ فخر الدین حسین سیم
الفت حسین کہ از دختر اموں خود میر امام علی کد خدا شد ند از بطن آن عفیفہ
چند دختران اند واضح باد میر امام علی مذکور را چار خواہر یکے زوجۂ شاہ فخر الدین حسین
دویمی والدہ شاہ منگن بیتہ سیومی دریافت نشد الا چارمی زوجۂ سید محمد عاصم
کہ نواسہ شان شاہ محمد اکبر ابن شاہ محمد سجاد اند داناپوری ازین بزرگان
واسطہ قرابت و مصاہرت بود کیفیت مبدا نست بتصریح تحریر نمود لقیہ اولاد
محل ثانی سید تاج الدین محمود کہ دو دہ ویم اند کیفیت دریافت نشد ۶
نسبت ہشتم باب دوم در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی اللہ عنہ
بیان ذریت شان واضح باد در میان فریقین مذہبا اہل سنن و
نیز اہل شیعہ اولاد ابن امام الہمام بجز حضرت امام محمد مہدی علیہ السلام
دیگر نیست زعم اہل التشیعہ کہ آن امام زمانہ صاحب الامر اند در غیوبیت اند بمقام
سر من رای بوقت موعود ظہور خواہند نمود ازان غار و بیان اہل مذہب
سنیان اینکہ آن امام را فرزندی بوجود آمدند مسمی محمد نوجوان رحلت نمودند
ازین عالم و آنچکہ در ظہور آیند این محمد مہدی موعود اند ابن سید عبد اللہ واللہ اعلم

بالصواب از انجاکه این خاکسار دو نسب نامه یافت منسوب انحضرت و آن نسب
است یکے از اولیاء کبار عالی تبار آنرا مینو لسیدیکی نسب نامه حضرت خواجه محمد بہاءالدین
نقشبند دو می نسب نامه سید شاه صادق حسینے یا غلطی کاتبان باشد نسبت حضرت
امام علی نقی علیه السلام نسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند انچکه نزد این فقیر حقیر بود
موجود تحریر نمود شجره اول در ذکر نسب نامه حضرت خواجه محمد
بہاءالدین نقشبند قدس اللہ سره خواجه محمد بہاءالدین نقشبند ابن خواجه
محمد عبد الله بخاری ابن خواجه سید جلال الدین بخاری ابن سید برہان الدین
بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین ملقب محبوب ابن سید حسین اکبر
ابن سید عبد الله ابن سید فخر الدین ابن سید محمود رومی ابن سید حسین مقبول ابن
سید حسین محمد تقی ابن سید عبد الله ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت
امام حسن عسکری رضی الله عنه علیه السلام باید دانست ہنوز اولاد حضرت خواجه
در بخارا تشریف اند و درین نواح بزرگے تشریف آورده بودند خواجه معین الدین
نام بود عرصه چهل و پنجسال بود و ہمیقدر بعمر نیز رو نشتند خود را از اولاد انحضرت
میگفتند بیان خواجه محمد میر عرف خواجه میر درد متخلص ابن خواجه ناصر از اولاد اند
انحضرت دہلوی از کتاب رشحات و شجرة الیقین چنین دریافت شد که حضرت
خواجه را دو پسر و چهار دختران شدند نابالغ و نابالغه از ینعالم رخت ملک بقا بستند
جز صاحبزادی خورد که نام بود فاطمه ثانی منسوب از خواجه علی شدند که ملقب بودند

ازخواجه عطاء الدین عطار داماد ذی ارشاد خلفاء ثانی دو فرزند ازایشان
شدند یکی خواجه حسن عطار ثانی خواجه حسین عطار ولد خواجه حسن عطار خواجه
یوسف عطار بعد ازان بعد معلوم نیست کیفیت بالتصریح شجره دوم
در نسب نامه سید شاه صادق حسینی رحمة الله علیه
که مشرب طریقه قادریه داشتند مزار فیض آثار بدیار جنوب بقصبه گلشن آباد است سید شاه
محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید
محمد راجع ابن سید اسد الله ابن سید علی راجو ابن سید امین الدین مدنی
ابن سید محمد حنیفه ابن سید محمد مدنی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام واضح باد سماع است عمر این بزرگ یکصد و
شصت سال بود باشغال مداریه فرزندان این بزرگ در قصبه گلشن آباد عرف ناسک
اند کثیر الاخلیفه این خاکسار سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی مدرس مدرسه
معموره بمبئی هستند از اولاد این بزرگ اند از بیان شان نسب نامه مینگارد مولوی
سید عبد الفتاح اشرف علی ابن سید عبد الله کاهی ابن سید شمس الدین علی
ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی سید عبد الفتاح عرف سید امام الدین ابن میر
سید اسد الله عرف سید شیر محمد قادری ابن سید شاه محمد صادق حسینی
سید اشرف علی نیز مقیم شهر بمبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد هر امام بیان
شد از ینجا در ذکر اولاد بزرگان رسلحات می نویسد

لمعه در ذکر اولاد سید فضل الله گوسائین بهاری قدس سره که منزل واقع باره دری
باید دانست حضرت سید فضل الله را دو فرزند مرتبه بلند یکی سید احمد معروف
سید بڑهی که از بهار برخاسته خاطر گشته سکونت کردند اختیار بمقام کوڑه اولاد
شان آنجا هستند دویمی سید منیر الدین محمود در قصبهٔ بهار رونق بسجاده کی داوند
اولاد اند و در آنجا منسوب به دو فریق سنیه اما میه اکثر الحصول خلف سید نصیر الدین
بودند سید محمود را دو زوجه سید نصیر الدین از هر دو اولاد شدند پس بدانید از بطن
اولی سه پسر یک دختر بی بی مریم نام دختر بی بی مریم شاه سیده اهل بیت قادری
مبارک حسینی و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی یکی سید تقی الدین
که بودند سجاده نشین دویمی سید صفی الدین سیومی سید زین الدین پس بدانید اولاد
سید تقی الدین سجاده نشین در مقام شیخپوره تصحیح نسب دریافت نشد الا اینکه
میر مظفر حسین پسر الیشان میر امید علی پسر الیشان میر سعادت علی نواسه شاه سیده
احمد علی بهاری و سید صفی الدین را دو پسر یکی سید رکن الدین دویمی سید
صابر علی سید رکن الدین را نیز دو پسر یکی سید تاج الدین لاولد دویمی سید
منهاج الدین پسر الیشان سید برهان الدین خلف الیشان میر مهر علی و سه خواهر
الیشان اولاد یکی ازین دختران شاه سیده مخدوم بخش ابن سید کریم بخش فردوسی
و اولاد یک دختر میر افضل علی داماد شاه محمد وصل فردوسی بدانید میر افضل علی
ابن میر اکمل علی که از ذریت سید فضل الله بودند و سید صابر علی ابن سید رکن الدین

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الاد و دختران بودند بسید صابر علی
از یکی دختر پسر شدند سید محمد اسلم نام پسرشان سید محمد تقی و سید محمد جلیل که بموضع
کشن پور بوجه عروج کام سکونت کردند اختیار و اولاد دختر ثانی محمد اسلم
سید صابر علی و سید محمد مکمل بود باش بقصبه باڑه کردند اختیار و اولاد ایشان
در آنجوار باقی اولاد زوجه ثانیه سید نصیر الدین که پسران شدند چهار یکے سید عاشق علی
دویمی سید طالب علی سیومی سید مطلب چارمی سید علی نقی سید محمد تقی اولاد ایشان
در قصبه بهار بعد ازین تصریح تمام کیفیت نسب ایشان دریافت نشد الاملاقیان ابن خاکسار
بسیاری از عائد زمان سید امام الدین حسین سید امداد حسین و سید غلام نجف و میر شاه علی
و میر فرزند علی و میر اکبر شیر مذهب امامیه الا سید شاه وارث علی مذهب سنیه داشتند ازانجاکه
ذریت اولاد سید فضل الله عین اولاد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی اند
لمعه دوم در ذکر نسب نامه میر سید محمد قادری امجهری تفصیل فرزندیت آنحضرت
تا بعد شان باید دانست سید شاه عبد الرشید عرف شاه جمی ابن سید شاه
اطیب الله قادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد ولی قادری
ابن سید شاه عبد الرشید قادری ابن سید شاه ابو المعالی قادری ابن سید شاه
عبد الرزاق قادری ابن سید شاه ابو المظفر قادری ابن سید شاه معین الدین
قادری ابن سید شاه محمد قادری امجهری خلف بالا شان نوشته شد حاجت تحریر
نیست چنانچه اولاد یکے از اولاد سید محمد عیسی ابن سید حسین علی امجهری اند

و یکے از ان سید موسی رضا قادری و سید شاه غلام بهیک پسر ایشان سید امین الدین
اند واضح باد جناب سید شاه اطیب بودند برادر چهار نواسه برادر کلانی سید شاه
کمال لا انیال و اولاد برادر ثانی سید عبد الرزاق عرف شاه کهوسی دو بهی سید
عبد الکریم پدر سید عبد الجلیل و خاص شاه اطیب راد و پسر دو دختر پسر کلانی سید شاه
عبد الرشید عرف شاه جمی از دختر عم خود کتخدا شدند و دختر ایشان شدند
یکے از سید فضل حسین ابن میر سید احمد حسین نوابادی کتخدا شدند که خواهر زاده نیز اند
دو دیگر از سید محمود ابن میر عسکری حسین ساکن موضع کارا اولاد یکے نماند برادر دوم
سید شاه جمی سید امیر الله عرف بودی بودند از محل اولی ایشان اولاد نشد الا از
محل ثانیه و اولاد یک خواهر سید شاه فضل حسین مذکور الصدر و خواهر ایشان هر یکی دهی و اولاد اند
لمعه در ذکر نسب و ذریت مخدوم سید شاه تقیم الله سفید باز ابن مخدوم شاه حمید الدین
واضح باد سید شاه عبد الرشید عرف شاه ڈومن ابن عبد الوحید عرف شاه امن ابن
سید صدر عالم ابن قطب سید عالم ابن سید احمدی ابن سید عبد الاحد ابن سید محبوب عالم
ابن سید عزیز الله ابن سید حبیب الله ابن سید محمد فرید ابن سید شاه رحیم الله ابن سید شاه
فهیم الله ابن سید شاه اسمعیل ابن سید محمد جمیل ابن سید کریم الله عرف حاجی محمد بهیکه
ابن سید شاه نعیم الله ابن مخدوم شاه تقیم الله سفید باز نسب بالا در نسب نامه حضرت
آدم صوفی جد امجد ایشان در نسب دوم تحریر یافت حاجت نیست تحریر اکثر مشائخین را
نسب مادری از جانب مخدوم شاه تقیم الله سفید باز هست الا اولاد آنحضرت حضرت

شاه دُومن بودند شادی ایشان از خواهر شاه نور الحق ابن شاه عبد الحق ولد
حضرت شاه مجیب الله قادری شد یک پسر ایشان شاه محمد اشرف عرف اچھو میان که از
خواهر مولوی شاه عبد الغنی کتخدا شدند سه پسر شدند مولوی محمد یعقوب پدر مولوی
محمد رضی دویمی مولوی محمد ابراهیم لاولد سیومی مولوی محمد وجیه الله الدیا جد شاه وحید الحق
دختر شاه دُومن علیه الرحمة مسماة وصیت النسا از سید شاه اولیاء علی عم المحترم
این خاکسار کتخدا شدند یک دختر ایشان که از خسته سید عبد العلی خوشنویس کتخدا شدند
لاولد بدار بقا رفتند لمعه در بیان نسبت نسب بلخیان که از اولاد حضرت
مولانا مظفر بلخی اند واضح باد مخدوم مولانا سید مظفر بلخی ابن مخدوم شاه
شمس الدین بلخی برادر ایشان مخدوم سید شاه معز بلخی ابن سید شاه شمس الدین را
فرزند ارجمند مخدوم سید شاه حسین بلخی مخاطب نوشه التوحید سه فرزند
رتبه بلند یکی ازان مخدوم شاه سلیمان که لاولد رفتند از جهان نوجوان
دویمی مخدوم سید شاه سیف الدین فرزندان ایشان در موضع کهجری بازیدپور
اند و نیز در آنجوار از اولادشان نامی منزلت گرامی شاه رستم علی بودند
سیومی فرزند که از همه بودند درجه بلند مخدوم شاه حسن بلخی که جانشین پدر عالی تبار
شدند فرزند ایشان حضرت مخدوم شاه احمد قدس سره مخاطب لنگر دریا ابن
مخدوم شاه حسن بلخی سمند رتوحید بودند فرزند ایشان چهار از هر یکی شاخ
نمودار چنانچه دو فرزند نمودند چهار را با اجداد بستند تکیه بوده در آنجا ماندند در محله بلخی

کہ قریب خانقاه مخدوم معروف ہست و دو برادر متفرق شدند دیگر جا سکونت
کردند اختیار اولاد ایشان ہم کثیر شد دران دیار انانکہ سکونت کردند اختیار اولا یکے شاه
فیض علی دوم الہ شاه ولی احمد بلخی دویمی سید شاه عسکری عرف شاه لشکری خال الاعظم سید شاه
انور علی حالا در آنجا انہم نماند المحلہ از ذریت بلخیان عیر آباد است در انجا سکونت مردم یا
است الا یک فرزند حضرت مخدوم احمد لنگر دریا مخدوم شاه جنید در موضع محی الدین پور
کردند اقامت اختیار ذریت شان در انجوار تیر تیر آب سامی بزرگوار انہا معلوم نشد الا انجا
شاه غلام شہنشاه با ایشان پسر یکی سید شاه امجد حسین کہ پسر شان سید شاه احسن حسین اند
دویمی سید شاه احمد حسین سیومی سید شاه عبد العلی پسر ایشان سید محمود اند دفعہ ثانی
سید شاه فخر الاسلام کہ بچند واسطہ نسب بحضرت مخدوم احمد لنگر دریا میرسد خلف الرشید
ایشان سید شاه فہم الله چہار پسر ایشان کلانی سید شاه نوشتہ التوحید و دو دختر ایشان
یکے زوجہ قاضی احسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر
معلوم نشد خلف ثانی شاه فہم الله قاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر
ایشان دختر منسوب از شاه محمد واعظ مرحوم و پسر قاضی محمد احسن التوحید داماد
عم کلانی خود شاه نوشتہ التوحید مذکور الصدر یک پسر ایشان محسن التوحید داماد
مولوی محمد واجد ابن قاضی طہارت التوحید و دختر قاضی احسن التوحید
کدخدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر سیوم قاضی طہارت التوحید
پسر سیومی شاه فہم الله قاضی طہارت التوحید

ایشان داماد شاه محمد واعظ ابن سید شاه فیض الله الحاصل یک دختر و چهار
پسر ایشان پسر کلانی مولوی محمد واجد سه پسر ایشان چهار دختر دو دختر یکی بعد
دیگری از مولوی محمد باقر ساکن بیپر بیگه منسوب هی اولاد اند از ان دو یک دختر
زوجه میر ارشد ابن میر خادم حسین دیگری زوجه سید محمد محسن التوحید مذکور الصدر
ذی ولد اند دختر قاضی طهارت التوحید مرحوم زوجه قاضی سید تفضل حسین ابن قاضی
سید اولاد علی و والد قاضی سید محمد رضا و سید محمد کاظم پسر دیگر قاضی طهارت التوحید
مولوی حمید الدین عرف منگن داماد شاه محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد نور
پسر چهارمی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد واعظ الحق و پسر سیوم شاه فهیم الله
سید طیب التوحید داماد سید فرزند علی ساکن گورگین سه پسر ایشان یکی سید
حبیب التوحید دویمی سید قمر التوحید پسر ایشان دو یکی نعمت التوحید دویمی رحمت التوحید
و یک دختر ایشان زوجه سید عمر در از خواهرزاده اینجا کسار و پسر سیوم از نام نسبت التوحید
هست نام پسران شاه محمد واجد سید عبد العزیز و سید شرف الدین و محمد غوثی

ذکر نسب سید شاه ولایت علی بلخی جانب جد مادری داغنج باد

والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاه میر علی و شاه ابدال بخش ابن شاه پیر علی
نواسه سید شاه کمال الدین بلخی ابن شاه محمد عاقل بلخی ابن شاه سید شاه عبد اللطیف
بلخی ابن سید شاه ولی بلخی ابن سید شاه درویش بلخی ابن سید شاه ابراهیم بلخی ابن سید
شاه سلطان بلخی ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا غزنیر صندیا بدری خاص سید

شاه ولایت علی بلخی نسب اند یعنی شاه ہدایت علی بلخی چنانچہ بجای فرزند
جد مادری خود اند شاه صاحب ممدوح ذکر نسب شاه عسکری عرف شاه
لشکری ساکن محله بلخی از اجداد بزرگان خسرو پوره باید دانست سید
شاه حسن عسکری عرف شاه لشکری ابن سید شاه محمد مهدی علی ابن سید شاه
حسن علی ابن سید شاه رحمة الله ابن سید شاه صدر الدین عرف شاه بدلن ابن سید
حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین ابن سید شاه سلطان محمد درویش
ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا سید شاه حسن عسکری از دختر عم خود بی بی سلیمه
دختر شاه محمد اشرف کدخدا شده بود اولاد ایشان نشد الا دو خواهران ایشان بودند
یکے مسماة نصیرا زوجه شاه درگاہی لال دوم مسماة مسیحا زوجه شاه فتح علی مرحوم
از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر مسماة وصیحا زوجه میر امجد علی مادر میر عباس علی
و مسماة شرفا زوجه میر حمایت حسین و نام پسر شاه انور علی زوج مسماة ذاکره بنت
شاه محمد واصل فرد و بی شد دختر ایشان یکے از ان خوشدامن اینجاکسار
مذکور الصدر انیهم ساکنان محله بلخی بودند لمحرره ذکر نسب سید شاه
ولی احمد بلخی یکے از ساکنان محله بلخی متمحلات بہار سید شاه ولی احمد ابن سید
شاه فیض علی ابن سید محمد طاہر ابن سید محمد اشرف ابن سید شاه عبد المجید
ابن سید شاه صدر الدین ابن سید شاه حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین
ابن سید شاه سلطان محمد درویش ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا واضح باد

سید فیض علی با دو برادر بودند دومی شاہ رحم علی عرف سید شاہ درگاہی از
محل ثانی پسر ایشان شاہ تصدق علی و سید فیض علی را نیز دو پسر یکی سید شاہ
ولی احمد دومی سید شاہ وصی احمد والد سید نورالحسن و سید شاہ ولی احمد کہ داماد
شیخ محمد سعید ابن شیخ محمد واسع بودند از بطن این زوجہ مسماۃ رحیما دو پسر
و دو دختر پسر کلانی سید شاہ علی احمد بلخی داماد منشی سید محمد خلیل خوشنویس
نوابادی زوجہ شاہ علی احمد مسماۃ وجیہا النسا چند دختران ایشان ثانی
سید شاہ حسن احمد بلخی از محل اولی ایشان دو دختر یکی زوجہ سید شاہ مبارک حسین
دومی زوجہ سید شاہ محمد کاظم حسین کہ ہر دو داماد خواہرزادہ ایشانند و از محل
ثانی یک دختر کہ از شاہ صاحب حسین نواسہ شاہ فرزند علی کدخدا دو پسر و
یک دختر زوجہ سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین کدخدا و دختر کلانی
مسماۃ ریاض النسا بنت شاہ ولی احمد زوجہ جناب حضرت سید شاہ قمر الدین حسین
والدہ جناب سید شاہ مبارک حسین و دختر ثانی سید شاہ ولی احمد مسماۃ حیات النسا
زوجہ عم المحترم این خاکسار یعنی سید شاہ مراد علی داناپوری والدہ با جدہ برادر
عالیقدر حکیم سید شاہ محمد کاظم حسین انیہ ذہنی اولاد اند و کبر بلخیان کہ نسب نامہ
بصراحت معلوم نیست الا در قرابت و مصاہرت این فقیر اند یکی سید شاہ جمال علی
کہ جزوی نسب ایشان نیز از فرزند مخدوم احمد لنگر دریا است پسر شاہ صاحب
سید مظفر نام دارند و دو خواہران ایشان و یکی سید شاہ شجاعت علی بلخی بسیار صاحب

مجاہدہ بودند و سید شاہ امام بخش ابن شاہ بندہ علی ابن سید شاہ محب اللہ ابن
سید شاہ فصیح الدین از اولاد پسر چہارم مخدوم سید احمد لنگر دریا و سکونت ایشان نیز
بموضع بہاڑ پورہ متصل مزار فیض آثار حضرت مخدوم سید شاہ حسین نوشۂ توحید
قدس اللہ سرہ بلکہ اکثر مزار ایشان در انجوار ہست لمعہ در بیان نسب حضرت
سید شاہ محمد تقی رحمۃ اللہ علیہ و ذکر آبا و اجداد و اولاد ایشان سید شاہ
غلام مظفر ابن سید شاہ علیم الدین ابن سید شاہ محمد تقی بلخی ابن سید شاہ غلام معظم
ابن سید شاہ برہان الدین ابن سید شاہ علیم الدین بزرگ ابن سید شاہ نور محمد بلخی
ابن سید شاہ دولت ابن سید شاہ محمد فرید ابن سید شاہ جیون بلخی ابن سید شاہ
محمد حافظ ابن حضرت مخدوم سلطان ابراہیم ابن حضرت مخدوم سید شاہ
احمد لنگر دریا قدس سرہ واضح باد حضرت شاہ برہان الدین را دو خلف
بودند یکے سید شاہ غلام معظم والد ماجد حضرت شاہ محمد تقی دویمی سید شاہ غلام مظفر
والد ماجد سید شاہ مخدوم بخش بالیشان یک پسر مولوی کفایت علی پدر سید
ابراہیم حسین و خواہر شاہ مخدوم بخش زوجہ قاضی بہکیاری
کشمیری دو پسر الیشان یکے قاضی مظہر حسین داماد جناب حضرت
مولوی سید حسن رضا پسر قاضی مظہر حسین اللہ رکھو نام دویمی
قاضی ولایت حسین کہ شادی اولی از دختر شاہ مخدوم بخش کردند از انجمل
یک پسر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختر حضرت شاہ

چون والد ماجد ایشان نواب امین الدوله بسوی برهانپور جهت بندوبست ملکی
و مالی میرفتند تعلل گزیده همراه برفتند در بین شهر ماندند در صحبت پدر بزرگوار
بحیث چند نوبت لفت بلند شد نوبت بیعت رسید و ترتیب استغراق
شد و دامنگیر کمال از کار دنیاوی باز ماند بسبب اضمحلال و از اوستاد نیز
بدرس تدریس رسید اهمال از انجا که حضرت باری را بوده افضال درین سن
شریف پیدا شد کمال هرگاه نواب شیخ محمد سمیع امین الدوله مراجعت نمودند
از قصبه برهانپور کیفیت صاحبزاده دیده حیرت شد پیدا و از اوستاد نشان
جمله حالات غیبت شد هویدا در قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال اهل دنیا
را بدنیاداری بود خیال روزی صاحبزاده خویش را همراه بردند بهر ملازمت
بعد جلسه چند بلب خود آوردند کلمه شکایت یا حضرت منم یکی از مجرائی دربار
بادشاهی یک پسر است کیفیت عجیب دارد از صحبت با برکت گویا کشتی رسید
در تباهی لائق خدمات سلطنت دربار شاهی نماند آنحضرت فرمودند در
جواب ای شیخ صاحب میخواهی که این طفل باشد یکی از مجرای شاهی هست گردد
بجوئی آگاهی که امرا و سلاطین زمانه بیش این درویش بسیرت در آیند بمجرای
ای صاحب این واقع که بس انده هست جای ملال بلکه صورت هست دولت
براهی جاه بجز رضا و تسلیم هیچ نماند چاره شکریه بجا آوردند تسلیم میکردند
بعد چندی در صحبت جنان شدید فیضیاب و کامیاب مثال خلافت

امرزه

نوشته نمودند تا قدوم جای اقامت ولایت شد تجویز شهر دهلی
درین عرصه والد ماجد ایشان کردند انتقال در شهر دهلی بجای سکونت پدری
بمحله مغلپوره که دران زمان بسیار آباد اقامت پذیر شدند جناب حضرت
شاه محمد فرهاد مشغول شدند برشد و رشاد خلایق به تعلیم اسرار و دقایق هر یکی
ازان از دیگری شدند فایق آخر قبول کردند خلفای هر چهار یکی شاه ضیاء الدین
دویمی شاه محمد درگاهی این هر دو زیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دهلی
کردند اختیار سیومی حضرت میر سید اسد الله خلفا رانی آخر شدند جانشین
چارمی از خلفاء عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی
نیز گردید در زمره امراء اراکین تیموریه از دختر خجسته اختر میرزا اسعد الله
نجیب الدوله مخاطب نام آن بی بی بوده مسماة فرحانه بیگم جناب حضرت
قطب الارشاد شاه محمد فرهاد را از بطن آن عفیفه پیدا شدند یک
دختر خجسته اختر نام نهادند بی بی عصمت النسا بیگم عرف بو بو صاحبه
بهنگام سن بلوغیت دادند بازدواج از شیخ محمد کریم ابن شیخ طفیل علی
که نسب نسبت می داشتند فاروقی از اولاد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله عنه
چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب مسلسل نیافت انچه دانست تحریر نمود
الحصول از بطن زان عفیفه پیدا شد کفال کمال فرزند رتبه بلند زیب ده
فیضان حضرت خواجه نقشبند مسمی شدند به شاه رکن الدین متخلص بعشق لقب فرمودند

شاید در حین طفولیت از بسیاری محبت دایه لپینه یا پیه گفته باشد مرزا گهسیٹا معروف
شدند بالقصه آنحضرت را تربیت باطنی و حصول بیعت بطریقه عالیه نقشبندیه
از حضرت مولانا برهان الدین خدانماست که از خلفاء جلیل جهادری
ایشان بوده‌اند و نیز در حین اقامت بیک شهر در شهر پٹنه عظیم آباد تا دوازده
سال ماند حصول صحبت و تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم
جناب حضرت شاه محمد منعم قدس سره که این حضرت نیز از یاران جهادری
آنحضرت بوده‌اند الحاصل جناب حضرت عشق قدس سره بکمال ترک و مزرا متقی
باین وجاهت و لیاقت گذرانیدند درویشی معتد به بود صرف خانقاه در روبروی
خود مکان درست ساختند چنانچه فیض شد حضرت عشق قدس سره
خطاب آتا ہے دلبر ہر دم ای عشق شه مبارک ہو یہ تجھکو میرزائی کی
در شهر عظیم آباد درویشی را بکر و فر ارسید و از مشایخین انجوار بخوبی اطواری
سلسله پیراستند هر گاه رسید خبر که مولانا برهان الدین که رفتند رحلت پیوستند
بجوار رحمت در علاقه لکهنو بمقام اقامت داشتند بمجرد استماع این خبر
چند مریدان معتمد را فرستاده بهر آوردن اهل و عیال بسوی لکهنو خالص پور
بالاخره بدان عالیمقام معه خدام آوردند بسواری رتهه و پالکی با عزاز و
اکرام واضح باد حضرت مولانا برهان الدین خدانما بودند دو
دختران نوجوان و صاحبزاده مسمی به شاه ناصر الدین دوازده ساله بود

ببلوغیت نرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را تردد نسبت شدید بعد
تلاش مصاهرت بشرفای اینجوار آخر بقرار نسبت صاحبزادی خورد از شاه
فضل احمد ابن جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که یکے از خلفای حضرت
عشق قدس سره بودند یافت باصرار محبان و معتقدین صلاح این امر شد
از جناب مولوی سید حسن رضا قدس سره نمودند آخر باصرار تمام کدخدائی
صاحبزاده کلانی از آنحضرت شد انجام الحاصل از بطن زوجه حضرت یک دختر
شدند و دو پسر انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید یک دختر
و یک پسر در آمدند بوجود دختر از میر حیدر علی منسوب شد از جهان بے اولاد
رفتند و نام نامی پسر عالیقدر خواجه لطف علی ملقب خواجه مرزا و صاحبزاده
ثانی که از شاه فضل احمد صاحب کدخدا شدند پیدا شد یک دختر منسوب شدند
از میر غلام رسول بالشان نیز شد یک دختر مسماة حسینی بیگم از جناب
خواجه لطف علی صاحب شدند کتخدا و یک پسر در آمدند بوجود مسمی خواجه
التفات علی مدعو نور خان بخیر زمانه بلوغیت رحیل ملک بقا شدند الاده
فرزند رتبه بلند از محل شدند یکے عظامی نام نامی خواجه لطیف علی
عرف شاه میانجان ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا
شادی هر دو برادر یکجا شد از دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن
مخدوم شاه بدر الدین هر از شاه باز پور اند ثانی از ین عالم لا ولد رفتند

الاسیر پسر و یک دختر اند بصاحب کلانے خدا یا تکیہ آباد باشد شمرده در ذکر
نسب انصار کہ آمدند در بہار معروف بہ شیخ انصاری خصوصاً
در بہار باید دانست بندگی مخدوم دانشمند کہ اقامت خود ساختند
بموضع منوره علاقہ بہار میگویند جریب خود در انجا نصب کردند و گفتند این
مورا چنانچہ بدان نام معروف شد الغرض انجناب در نسب انصاری شیوخ
اند از اولاد حضرت ابو درداء انصاری کہ اصحاب کبار آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
بودند فرزند ارجمند این بزرگ بندگی شاہ عبد اللطیف از دختر
مخدوم شاہ دوست منیری کہ خدا انشند ذی اولاد شدند نام بندگی
شاہ عبد اللطیف شیخ عبد الوہاب ابنہ شیخ صدر الدین ابنہ شیخ بڑے
طیب ابنہ شیخ عبد الغنی ابنہ شیخ عبد احد ابنہ شیخ عبد الجلیل ابنہ شیخ
محمد جلیل ابنہ شاہ غلام محمد والدہ شاہ سیف اللہ موڑوہی نواسہ
ایشان شاہ طیب اللہ ابن مولوی شاہ امین اللہ شاہ طیب اللہ راد و پسر و
چہار دختر ہمہ در اقران کہ خدا ذی اولاد افرزند کلانی شاہ محمد بہاء الحق
معدن جود و سخا انشند کہ خدا الا اولاد شد برادر ثانی شاہ
تراب الحق کہ زوج عمہ این خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر
فرزندان حضرت جد ماجد خود خواہد نمود ۱۲

ضمیمہ در نسب انصاری صاحبان اول

واضح باد یکی از مشایخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد اینجا شدند
دو برادر اعیانی شاہ شمس الدین عرف شاہ شمن مخدوم نام دیگر برادر معلوم
نشد در حضرت بہار رسیدہ بیعت بطریقہ چشتیہ نصیریہ حصول از
خلفاء مخدوم شاہ تقیم اللہ سفید باز و در صحبت و تربیت یافتند فیضان کمال
در مقام اروَل تکیہ ساختند اقامت پذیر شدند و اولاد ایشان با برادر ایشان
شدہ جاری بچند واسطہ شاہ امام علی عرف شاہ بدلو صاحب سجادہ پنج
پسر ایشان شدند و یک دختر مسماۃ قدرا شادی از میر جان علی شد از محل
اولی برادر میر سلامت علی ساکن جینپور پرگنہ اروَل ازان دختر شد و نام پسران
کلانی شاہ امجد حسین بعد پدر خود زیب سجادہ بودند شادی ایشان
در اروَل شد یکی از دختران عمزاد شاہ حسین علی ابن مولوی وارث علی
پسر شاہ امجد حسین شاہ شجاعت حسین داماد مولوی شاہ حسین علی
مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاہ امجد حسین بودند شاہ
مراد حسین یک دختر یک پسر ایشان شاہ سخاوت حسین دختر زوجہ
اولی شاہ راحت حسین نبیرہ میر احمد علی مرحوم شاہ امداد حسین پسر ثالث
شادی ایشان در موضع قاضی چک پرگنہ مسوڈہ ضلع پٹنہ شد در کفویت
مولوی غلام قادر مرحوم مفتی چک پسر و یک دختر ایشان چہارم پسر شاہ امام علی
اند شاہ نذر حسین یک دختر و دو پسر ایشان ہستند پنجم پسر شاہ امام علی

شاہ رحمت علی ذی اولاد ہستند باقی دیگر کیفیات ایشان دریافت نشد
ازانجا کہ بزرگان نامی بودند انجوار انچہ کہ دانست تحریر نمود بانی در حضرت
بہار مشہور محلہ انصاری ہست شیخ انصاری بودہ اباد ازانجملہ یک بزرگ
بود نہ شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد بشیر زوج خواہر منشی سید محمد خلیل خوشنویس دیگر
بزرگے از اولیا و کبار متصل جہان آباد اند اہل مزار اولاد ایشان ذی اقتدار
یکے ازان شیخ عبد القادر وکیل واز نواسگان مولوی عبد القادر ابن حکیم
مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی دارند ہم ایشان
کلانی مولوی محمد اسمعیل ثانی مولوی محمد فرید اند وثالث مولوی فدا حسین الا یک
برادر مولوی عبد القادر حافظ ابو احمد ہر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی
افضل علی حکیم بعلس دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواہر حضرت شاہ
غلام حسن ابن جناب حضرت مولانا سید حسن رضا یک دختر شد ایشان را نام نامی
مسماۃ بصیرؔ از زوجہ مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیقتاً اصل نسل مبنی بر سہ فرع در ذکر فرزندان حضرت امام محمد تاج فقیہ

فرع اوّل بذکر ذریت مخدوم شاہ اسمعیل قدس سرہ
فرع دوم بذکر اولاد مخدوم شاہ اسرائیل قدس سرہ
فرع سیوم در ذکر اولاد مخدوم شاہ عبد العزیز قدس سرہ

بر دو ثمرہ

بر دو ثمره ثمره اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیری والد مخدوم شاه
شعیب رحمة الله علیه ثمره دوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لنگر زمین
قدس سره باید دانست حضرت امام محمد تاج فقیه که ذکر نسب نامه الشان بالا تحریر شد
قریشی هاشمی مطلبی اند از اولاد عم آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بسبب ورود
ایندیار چنین است در قصبه منیر هندستان کفار بود و در ملت شدید غلط راجه مینار
نام داشت در حق مسلمان از عالم غیب با حکم حضرت بنیاد دین پناه معه اهل
و دو پسر خود وارد شدند بدین دیار راجه مینار چون در جنگ شکست یافت
فتح اهل اسلام نصیب شد حضرت امام تاج فقیه درالموضع طرح اقامت انداختند
هرگاه زوجه شان کردند انتقال پیدا شد حزن و ملال ولایت این دیار
بهر دو فرزندان تفویض نموده روانه بسوی مکه معظمه گشتند فرزند کلانی
مخدوم شاه اسرائیل ثانی مخدوم شاه اسمعیل هر دو برادر با خود با
بموافقت ولایت مقیم شدند و حضرت امام محمد تاج فقیه در مکه معظمه رفته
از خواهر زوجه عقد نکاح پرداختند یک پسر شدند مخدوم شاه عبد العزیز
نام حسب وصیت پدر بعد انتقال شان بهر ملاقات برادران رسیدند بعد
ادراک تعرف و نشان خاندان بمراجعت پرداختند چنانچه مخدوم شاه عبد العزیز
همراه برادر ماندند و مخدوم شاه اسمعیل حسب تقسیم ولایت عبور گنگ در ضلع
ترهت اقامت پرداختند اولاد از هر یکی برادران جاری شد حالا تحریر می نماید

فرع اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسمعیل بن حضرت امام
محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسمعیل را شدند فرزندان
چهار پسر یکے صاحب مقام عالی تبار یکی ازان جمله کلانی مخدوم شاه ابراهیم
ثانی مخدوم شاه منهاج الدین سیومی مخدوم شاه صلاح الدین چارمی
مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این هر دو برادر مخدوم شاه منهاج الدین
و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد نشد الا هر دو برادر دیگر اولاد شدند پسر
مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه عیسی اولاد ایشان بمقام کچانوه موجود هست
الا از نام آنها خبر نیست الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه
جلال منیری ابن مخدوم شاه عبد العزیز کدخدا شدند ولد الرشید ایشان
مخدوم شاه شعیب قدس سره شیخپوری صاحب ولایت الا مخدوم شاه
صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علا عرف شاه قاضی بودند دو
پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله سرمست اولاد ایشان
مشائخین موضع سیوره هستند بیش ازین نام دریافت نشد و پسر ثانی
مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه
علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشائخین موضع خنده از اولاد این
بزرگ هستند یکی ازان مشائخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا
پیر جناب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند

حلال

خلف ایشان بودند شاہ بندہ علی داماد کلانی جناب شاہ امیر الدین ممدوح اینقدر نسب نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریت مخدوم شاہ اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیہ قدس سرہ

واضح باد حضرت مخدوم شاہ اسرائیل را دو فرزند رتبہ بلند کلانی بودند مخدوم یحیی منیری ثانی مخدوم شاہ منظفر کہ در جوانی رحلت کردند اولاد نماند الا حضرت مخدوم یحیی را کتخدائی از بی بی رضیہ بنت مخدوم شاہ شہاب الدین پیر جگجوت گردند از بطن آن مخدومہ چہار فرزند مراتب بلند شدند از ہمہ برادران خورد مخدوم شاہ حبیب الدین کہ ہمراہ برادر زادہ خود مخدوم شاہ ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکروہ رحلت کردند لاولد بودند کلانی مخدوم شاہ خلیل الدین کہ مرید و خلیفہ والد ماجد خود بودند سکونت در مقام منیر داشتند نیز در انجا مزار موجود دو فرزند ایشان یکی مخدوم شاہ اشرف خلف کلانی حضرت مخدوم یحیی منیری قدس سرہ مخدوم شاہ خلیل الدین دو پسر ایشان مخدوم اشرف الدین و مخدوم منور الدین ہر دو برادر مرید و فیض یافتہ عم المحترم حضرت مخدوم شاہ شرف الدین بہاری بودند اولاد مخدوم شاہ اشرف الدین جاری شد بدرجہ ہفتم الجناب در نسب حضرت مخدوم شاہ دولت منیری عالی تبار فیض آثار شدہ اند عقاب نماند برادر شان شاہ

جلال الدین را فرزند شد نسب بعد نسب علے الترتیب سجادہ نشین
قائم است چنانچہ بزبان این فقیر شاہ قطب الدین احمد ابن شاہ مبارک حسین
عرف شاہ دہومن بودند حالا داماد شاہ قطب الدین بعد شاہ امجد حسین
ابن حضرت شاہ محمد سلطان بہاری محلہ چاندپورہ جانشین وی اولاد اندو
برادر شاہ مبارک حسین شاہ لطف علی را دو پسر شاہ منور و شاہ بہکین و دو
خواہر ایشان یکی زوجہ شاہ محمد صغر کو حوبی پسر ایشان محمد خلیل پسر ایشان
احتشام حیدر و نیز یک دختر و دو فرزند دختر ثانی شاہ لطف علی شاہ اولاد علی
و شاہ فرزند علی در یجا النسب بالاحضرت شاہ مبارک حسین میتو پسید و اضح باد
شاہ مبارک حسین عرف شاہ دہومن و شاہ لطف علی ابنان شاہ محمد محمود
ابن شاہ محمد مکی ابن شاہ عنایت اللہ ابن شاہ اشرف منیری ابن شاہ
محمود حافظ ابن شاہ محمد ابن شاہ جلال الدین کہ برادر اعیانی مخدوم شاہ
دولت منیری بودہ اند ابن شاہ عبد الملک ابن شاہ محمد اشرف منیری ابن
شاہ محمود ابن شاہ سلطان ابن مخدوم شاہ حسام الدین عرف شاہ
جہان ابن شاہ اشرف الدین ابن مخدوم شاہ خلیل الدین ابن مخدوم
شاہ یحییٰ منیری ابن مخدوم شاہ اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیہ قدس سرہ
فرزند دوم مخدوم شاہ خلیل الدین ابن مخدوم شاہ یحییٰ منیری فرزند مرید و خلیفہ
برادر خود مخدوم الملک شاہ شرف الدین احمد چنانچہ در بالین مزار برادر آسودہ اند

یکدختر ایشان بی بی رقیه نام از مخدوم شاه شمس الدین عم سید وحید الدین
چلکش کدخدا شدند و دو دختر شدند با یشان بی بی ماه خاتون دویمی
بی بی جمال هر دو از برادران عمزاد کدخدا شدند از سید سکندر و سید اکبر اولاد
سید سکندر جاری شد بموضع اونترالاری موجود اند و نیز در موضع گهراٹ
سید بشارت علی وغیره زیاده ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبه بلند
بتوسط حضرت یحیی منیری مخدوم الملک مخدوم شاه شرف الدین احمد
صاحب ولایت علاقه صوبه بهار را آنحضرت یک فرزند رتبه بلند مخدوم شاه
ذکی الدین بحالت مستی در عقب پدر بزرگوار جان بحق نمودند تسلیم بمقام شکروه
کتنی اینجا نه سیادت شده بودند یکدختر ایشان بی بی بار که از سید وحید الدین
چلکش ابن مولانا سید علاء الدین کدخدا شدند نسب نامه ایشان
در سیادت تحریر شده است الحصول سید وحید الدین را یک پسر و یکدختر
نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زهره از سید شهاب الدین جویری
کدخدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریت فرزندان برادر و جواهر خواهد بود
درذیل کیفیت مخدوم الملک درست چرا که ذکر طویل ست از اولاد مخدوم الملک
از ذریات ایشان مراد است

فرع سوم اصل اول در بیان اولاد مخدوم شاه عبد العزیز یمنی برادر
ثمر اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیری و اولاد مخدوم شاه شعیب

ثمرهٔ دوم فرع سوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لنگر زمین

بیان ثمرهٔ اول در حالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه
عبدالعزیز واضح باد که خدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیهٔ مخدوم شاه
ابوبکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه
اسمعیل کرده نام آن بی بی سعیده از بطن این بی بی یکفرزند تنبیر بلند
مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد الحصول مخدوم شاه شعیب
قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانهٔ بابای
جد مادری ایشان تربیت و تعلیم نمودند بمقام کجا نوان رحلت پدر شد بمقام

	قصبه منیر	

بیان حالات شیخ المسلمین حضرت مخدوم شاه شعیب قدس الله سره شیخپوری
واضح باد وقت رحلت پدر بزرگوار بعمر هفت ساله بودند هرگاه بس شعور رسیدند
روز بروز در جسم لاغری عیان شد از والده ایشان کیفیت خورش و نوش
پرسیدند در جواب گفتند در طعام خور و نوش هیچ دریغ نیست الا نحافت لاغری جسم
شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری جسم و التفات نمودن در خورد و نوش
عرض ساخت هرگز مرا غم یتیمی نیست و نه شکایت رزق میکنم الا ماجرای یکروز
چنین است سوی گورستان رفته بودم دیدم چند مردگان قبر مبتلا بعذاب اند
در حق ایشان دعاء مغفرت نمودم از آن روز مرا هیبت خدای تعالی طاریست

وسلسلهٔ اشک جاری میخواهم عزلت اختیار کنم بگوشه شوم متواری دران روز
جد مادری ایشان بطفلان مانع شدند شب برا همراه بگورستان میبرد گفتند
در ینوقت این طفل را کیفیت کشف القبور پیدا شده تاکید بر معلم ایشان نیز
گفتند زخبره توبیخ هرگز با این عزیز روا ندارید این ولی الله ست یکی از واصلان
اگرچه بعمر خورد است حکایت است روزی همراه استاد خود بسیر کاری
میرفتند در انجا بر راه دیدند کهنه دیوار حبت کرده بر دیوار شدند سوار چون
معلم از پس ایشان دوان بحکم ایشان دیوار شد روان نقل میکنند هنوز
موضع کجانوان ان دیوار همچنان موجود ست مردمان زیارت او میکنند
هر خاص و عام میشوند فائز المرام هرگاه جد مادری ایشان یافتند وفات
حضرت نزده ساله دران وقت بود از اجازت مادر خود روانه بسوی منیر شدند چندی
در انجا قیام کرده از زیارات مزار پدر و جد بزرگوار فراغت یافته از انجا مراجعت
کرده در قصبه دانا پور جای عافیت یافته گوشه نشین ماندند در یاد الهی
مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از انجا روانه شدند بسوی
راجگیر خبر برادر معظم خود شنیده بودند که در انجا مخدوم الملک گوشه نشین اند
چون اندر چله حضرت مخدوم را امدن ایشان منکشف گشت بیرون آمده
ملاقات کردند و گفتند ای ما تنها درین جنگل بیابان میمانم و تو نوجوان هستی
جای خطر است از شیر و اژدرها شما را اینجا مباش ما ما وان ره از بسر باطن

تلقین کرده ایشانرا رخصت نمودند می آرند از انجا جانب دیار شرقی عازم
سفر شدند در اثناء راه بمقام شیخپوره در دامن جبال بیرون آبادی آمده
جائے عزلت نشین گردیدند چون ساکنان انجا ملک زادگانرا خبر شد محو شدند
بهر استقامت آبادی و معتقد از کرامات شدند فرمودند شما نیز درین بیابان بجا
اگر جواز بیعت میخواهند چون این کیفیت بوالده ماجده ایشان رسید از عجز
مفارقت شده بود بهر دیدار نور الابصار تشریف آوردند ایشان را انکشاف
این امر دست داد بهر ملازمت والده ماجده بطور استقبال رفتند بمقام
تور پرگنه غیاثپور ملازمت شد حصول عرض کردند جائیکه می باشم پر خطر است
از فرزندگان تشریف بری آنمخدومه در انجا مناسب نیست در انجا تشریف
دارند امروز پنجشنبه در انجا بهر زیارت خواهم رسید میگویند تا حیات والده
ماجده همین معمول داشتند بهر زیارت میرفتند هرچند وفات والده انجناب
دران موضع ست زیارت عام و خاص القصه چون ازین تعلق طمانینت
قلب شد از شیخپوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند بمقام
که کوچ بهار نامند والی انجا راجه بود از قوم هنود او معتقد جوگی سدیه
بود جا می چله بامیکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند تو چله میکشی یا چلی گفت
چله میدانم الا چلی چیست فرمودند مخدوم چلی گوشه نشینی دوازده سال را گویند
و چله چهل سال باشد آخر بمقابله راجه آنجو اردو ... ن او هر دو قصد چله کردند

بی آب و دانه بنیت چهل سال بیرون شهر جدا جدا هر دو عزلت نشین شدند
بی آب و دانه و هر دو جای را از هر چهار طرف دیوار کرده راه آمد و رشد کردند
مسدود و نقل نماید این ماجرا را بالا استماع از چهل سال ارکین در آن وقت و نیز
راجه بمرد الا دران زمان نبیره راجه مذکور بحکومت راجگی بود و بعض کسان
دیرینه آن وقت ما کیفیت شنیده این شرط چله راجه را کردند خبردار راجه در آن وقت
این کیفیت شنیده معماران را حکم جای هر دو چله وا کردن دادند چون جای
جوگی کشادند جز استخوان بوسیده چیزی نیافتند الا چون جای عزلتخانه آنحضرت
وا کردند آثار حیات یافتند ذکر انفاس بود جاری فورا راجه باحتیاط تمام آنحضرت
را جای محفوظ وا کرده داشت و آزمایش روغن و غذای خفیف مهتمم خدمت
شد بعد یکماه قوت جسمانی شد حصول از راجه شده خوشنود دعا کرده در حق
شان از انجا مراجعت سوی موضع شیخپوره نمودند درینحال انتقال مخدوم الملک
قدس سره کردند و نیز رحلت مولانا مظفر است از دنیا در زمانه منقول است که حضرت
مخدوم الملک وقت انتقال بمولانا مظفر بلخی قدس سره چنین فرمودند
که روزی از روزها برادرم شاه شعیب درین نواح خواهد رسید جز تربیت چند
نوبت بیعت نرسیده است این تبرکات و خرقه فقیر باو رسانی و هرکه گوید دریغ
نه دانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تفویض به مخدوم شاه حسین
کرده بودند بدان وصیت هر گاه مخدوم شاه شعیب رسیدند بمقام شیخپوره

دریافتند حال انتقال این بزرگوار قصد کرده بهر زیارت مزار روز آنوقت مخدوم
شاه حسین نیز معتکف بودند این حال دریافته فرزند خود مخدوم شاه حسن را
مع خرقه و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می آرند در اثنا
راه ملاقات شد از هر دو بزرگوار زیر درختے معانقه و مصافحه با خود باگشت
بعد ساعتے تبرکات آورده خویش مع خرقه پیش کردند چنانچه با وضو شده آن
خرقه را پوشیدند و سر بجیب در مراقبه شدند گفتند البته ازین خرقه فیض کمال
شد حصول آلا هنوز امر بیعت بجا نا ورده ام بدستور معمول دست خود ببار
بیعت نمایم مخدوم شاه حسن بکمال عجز و اعتذار متاهل شدند فرمودند آنچه که
والد بزرگوار گفته بودند از ان دریغ مدار این دست شما دست شرف الدین
قدس سره است الحاصل بعد حصول امر بیعت هر دو بزرگوار از یکدیگری رخصت
شدند مخدوم شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و مخدوم شاه حسن بسوے
بهار آمدند و ماجرای از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت
مخدوم شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حالا که جای مزار است مشهور کماس(؟)
واضح باد حضرت مخدوم یک عقد و نکاح در کفویت خود کردند از بطن آن زوجه
سه پسر و از بطن دختر سلاطین یک پسر از هر دو زوجه اولاد شد جاری حرکات
کرامات و حالات آنحضرت بسیارست از کتابے تصنیف یکی از خلفا شان
انتخاب کرده نوشتت بطور اختصار از اولاد آنمخدوم و فریق اند سنیه مذهب

واما مذهب سکونت ایشان قریب مزار وسکونت اهل سنن بیرون آبادی
قصبه جانب مغرب معروف است بیگمه شیخپوره ودرانجا شاهجهان میا شند باید
دانست لقب چهار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسر شاه بهاء الدین
ثانی شاه محمد منصور سومی شاه مظفر این هرسه ازیک مادراند و لا ولد سومی
ذی ولد الا جانشینی ترتیبا وامریت در برادران یکی بعد دیگری ماند چارمی
شاه حیدر عرف شاه خدابخش الحاصل شاه مظفر را پسر شاه نظام الدین
که از دختر عم خود و شاه خدابخش شدند کد خدا و بعد شان زیب سجاده گشتند و
پسر شاه خدابخش شاه غلام حیدر هردو ذی اولاد الا طبقه اهل تسنن از اولا
شاه نظام الدین اند وطبقه اهل تشیعه از اولاد شاه غلام حیدر در اولاد ایشان
امرای ذی جاه وصاحب منصب اند زائر حسین خان ومحمد حسن خان ومحمد یحیی
خان خلف نواب ابوالقاسم خان وغیره چنانچه زائر حسین خان ومحمد یحیی خان
ویکی از نواسه محمد حسن خان نواب الطاف حسین خان وبرادر علی قاسم خان نواب علی
ابراهیم خان خلف ایشان نواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان
نواب عنایت حسین خان ونواب غلام علی خان وعلی محمد خان وعزت علی خان
وعلی بخش خان ونیز اولاد برادر نواب نصیر الدین علی خان موجود اند اولاد
در اطراف موضع تیلاڈه شاه احمد حسین مرحوم ونیز در اطراف اند بدین مذهب
وآنانکه در مذهب سنیه اند سکونت پذیر بیگمه اند شاه تراب علی سجاده نشین وانا

وخواہرزادہ ایشان شاہ جمال علی پسر ایشان شاہ مظفر ویکی از فرزندان
مخدوم مظفر حسین جان ومیر امید علی صاحب ومیر سعادت علی نسب جدی ایشان
بحضرت سید شاہ فضل اللہ عرف سید گوسائین ومیر شاہ محمد علی صاحب
وشاہ لطافت علی صاحب ومیر عبد الحسین واخوان نیز ایشان اند کہ نام ہریکے
یا نیست الا ترتیبا واسطہ نسب دو بزرگ کہ بہ یکی نسبت قرابت دوی سلسلہ
بیعت است مینویسد انچہ کہ یافت دریافت باید دانست یعنی از فرزندان
حضرت شاہ نظام الدین ابن شاہ مظفر ابن مخدوم شاہ شعیب
قدس سرہ جناب شاہ ابراہیم حسین نوابادی کہ در قرابت برادر جد ماجد
این فقیر حقیر اند اول کیفیت نسب شان تحریر میسازد یعنی شاہ ابراہیم حسین
ابن شاہ فتح علی ابن شاہ محمد صفی ابن شاہ محمد رفیع ابن شاہ عبد العزیز
ابن شاہ عبد الرزاق ابن شاہ جلال ابن شاہ فیروز ابن شاہ نظام الدین
ابن مخدوم شاہ مظفر ابن مخدوم شاہ شعیب قدس سرہ ابن مخدوم
شاہ جلال منیری ابن مخدوم شاہ عبد العزیز ابن مخدوم شاہ
امام محمد تاج فقیہ ذکر اولاد دو برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرات
نوابادی خواہند نوشت در اینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاہ حسن علی
قدس سرہ مینویسد واضح باد حضرت مخدوم شاہ حسن علی وشاہ عالم علی
ہر دو برادر از فرزندان حضرت مخدوم شاہ شعیب قدس سرہ اند یعنی مخدوم

شاہ حسن علی ابن شاہ محمد امام ابن شاہ اکرام ابن شاہ ابوالفتح ابن شاہ عبدالرزاق ابن شاہ محمد جلال ابن شاہ محمد فیروز ابن شاہ نظام الدین ابن شاہ مظفر ابن مخدوم شاہ شعیب قدس سرہ ابن مخدوم شاہ جلال منیری و شاہ عالم علی علیہ الرحمۃ را یکدختر و یک پسر شاہ جلال الدین لاولد الا اولاد دختر سہ پسر یکے شاہ مہدی علی کہ بعد خال خود شاہ جلال الدین علیہ الرحمۃ سجادہ نشین شدند چون پسر نداشتند بعد ایشان برادر خورد ایشان شاہ واعظ علی صاحب سجادہ نشین کردند حالا سوجود ذی اولاد اند و برادر متوسط ایشان را نام یاد نیست الا بارہا ملاقات کردہ است از انجا کہ پیران طریقت بودند و تحریر کیفیت نسب برخود واجب دانست نوشت و شاہ واعظ علی صاحب جدی نسب از حضرت شمس الدین حقانی دارند

ثمرہ دوم فرع سوم اصل اول در ذکر نسب و اولاد حضرت مخدوم شاہ سلیمان لنگر زمین کہ سکونت در موضع نوآبادہ خورد و عظیم اباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاہ سلیمان لنگر زمین ابن مخدوم شاہ عبدالعزیز ابن حضرت امام محمد تاج فقیہ فرزند کلانے بانی حضرت مخدوم شاہ عبدالعزیز اند شادی ایشان از دختر مخدوم شاہ شہاب الدین عرف پیر جگجوت

گردیده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه مخدوم نجش
فردوسی بی بی ہدیہ واز بیان صاحبان نوآباده که اولاد اند بی بی کمال
الحاصل از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند نام دختر بی بی
کمال زوجه مخدوم شاه حسام الدین والده مخدوم شاه حسین غریب
دہو گڑپوش که در پورینه مزار واقع است و یک خواہر نیز ایشان مسماة
بی بی دولت الحاصل مزار ہمه مخدوم شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر
دختر ایشان در موضع کاکو واقع اولاد این حضرت اند باستماع آمده اولاد

پسر عین اولاد بی بی کمال اند

ثمره سوم فرع سوم اصل اول در ذکر اولاد مخدوم شاه عطاء الله
قدس سره واضح باد مخدوم شاه عطاء الله ابن مخدوم شاه سلیمان
لنگر زمین که نواسه حضرت پیر جگجوت اند یک خلف الرشید ایشان مخدوم شاه
تاج الدین ابنه مخدوم شاه عبد الملک ابنه شاه عبد الغنی ابنه شاه عبد الوہاب
ابنه مخدوم شاه احمد چشتی قدس سره مزار این ہمه بزرگوار در جوار جد و پدر
بزرگوار ہست باطراف موضع کاکو الا مخدوم شاه احمد چشتی را بیعت و تربیت
از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاندپوری محله منحلات حضرت بہار
که نبیره این مخدوم دیوان شاه فرید طویله بخش ابن دیوان سید شاه ابراہیم
ابن سید شاه جمال اولیا ابن سید محمد بداولی که برادر عم زاد حضرت سلطانی

الاولیا محبوب الٰہی نظام الدین اولیا بودند طریقہ چشتیہ نظامیہ
سراجیہ بود القصہ حسب تفویض ولایت از امر پیر خود سکونت در نواباد ہ نمودند
قریب موضع بیکٹھ پور سہ فرزند حضرت مخدوم شاہ احمد چشتی بودند یکے مخدوم
شاہ حسن عرف مخدوم شاہ بڑہی دو دختر بن بایشان بودند ہر یکے
از برادرزادگان کتخدا دویمی مخدوم شاہ حسین متوسط برادر فرزند ایشان
مخدوم شاہ عبدالرزاق پسر ایشان مخدوم شاہ عبدالمجید ولد ایشان مخدوم
شاہ عبدالحی یک دختر ایشان بی بی تاجا زوجہ میر سید محمود ابن میر سید محمد
ابن میر سید صدر جہان باقری نسب دانا پوری و نیز حضرت مخدوم شاہ
عبدالمجید ابن مخدوم شاہ عبدالرزاق را یک دختر بی بی شرفہ زوجہ
میر سید محمد اکبر ابن قاضی سید عماد الدین ابن قاضی سید عبدالفتاح عرف
قاضی بڑہی رضوی النسب دانا پوری سہ فرزند بحضرت میر سید اکبر بودند یکی
میر سید جہانگیر کہ بیعت و تربیت ایشان را از جد مادری مخدوم شاہ عبدالمجید
بود دوم میر سید مکارم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی
سید رکن عالم حالا اولاد دختری این ہر سہ برادراند ازانجملہ این خاکسار
و برادران عم زادہ را نواسگی میر سید حامد ابن میر سید جہانگیر قدس سرہ و
از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم حسین بخش
کوچوی والد ماجد شاہ اظہر حسین دویمی شیخ محمد یار جد شاہ داود مرحوم

گفت این بزرگوار بتصریح در ذیل اینها نوشته خواهد شد الا اولاد پسری فقط
مخدوم شاه خوند شیخ هنوز موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ
از اینجا برخاسته قریب یک کروه موضع آباد کرده تکیه ساخته معروف نوآباده
خورد و آن معروف نوآباده کلان است ضمیمه نمره سوم خلف الرشید مخدوم
خوند شیخ دیوان شاه تیم الله ابنه شاه تاج الدین محمد ابنه شاه عنایت الله
که از نام ایشان چک آباد است و دو فرزند ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه
طیفور الله خواهرزاده ایشان میر سید احمد و دو دختران ایشان یکے بی بی
ترتیبا زوجه شاه بدر الحق دومی ترکیبا زوجه میر سید حامد محمود ابن سید
سید محمد ثانی نوآباده کلانے اولاد دختری ایشان شد و مولوی شاه طیفور الله
لا ولد الا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منور الله ابن شاه عنایت الله را
اولاد شد حالا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منور الله زوجه ایشان
عمه میر سید وجیه الدین عرف سید لولن بودند سه پسر مولوی شاه منور الله ازانجمله
یکے شاه خلیل الله اولاد ایشان نشد دومی شاه مسیح الله یک دختر ایشان
مسماة جمیله زوجه شاه نور الحق پسر کلانے مولوی شاه امین الله و پسر
شدند شاه مسیح الله یکے شاه مطیع الله دومی شاه ثناء الله هر دو لا ولد
الا پسر کلانے شاه منور الله مولوی شاه امین الله بودند الا کلانے
پسر شاه امین الله شاه نور الحق بودند سه پسر ایشان یکی شاه محمد نجیب الحق

زوج بی بی بلاقن لاولد دومی شاه منیر الحق و دو دختر ایشان هر دو
لاولد و یک پسر شاه محی الحق عرف بابو کسی پسر و دختر با ایشان نیست
الا پسر کلانے شاه نور الحق شاه ضیاء الحق بودند از مسماة بچن دختر
میر سید حامد محمود ابن میر سید محمد کدخدا سه دختر از بطن این بی بی یکے مسماة
مخدومه زوجه جناب حضرت سید شاه یحیی علی ذی اولاد دومی مسماة ستیقمه
لاولد سومی مسماة سکینه زوجه شاه معین الحق عرف شاه محمد یعقوب
ابن مولوی شاه بدر الحق ابن مولوی شاه امین الله مذکور الصدر از بطن
این بی بی یک دختر و سه پسر شدند بجز دختر همه ذی ولد اند نام دختر مسماة
حسینا زوجه اولی میر سید هدایت حسین عرف سید چلو ابن میر مظفر حسین
لاولد ازین جهان وفات یافتند پسر کلانی شاه ظهور الحق از دختر
میر سید حامد حسین شادی کردند یک پسر و یک دختر ایشان نام پسر شاه
فرید الحق از دختر خال کلان خود کدخدا یعنی از دختر سید محامد حسین
هنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید محامد حسین ابن
سید شاه غلام حسین پهلوی الا شادی دوم ست سید الفت حسین پسر ثانی
شاه مظهر الحق از دختر خالامی خود منسوب شدند نام زوجه شان مسماة
فضیلت النساء عرف فجو از بطن این بی بی چهار پسر و سه دختر دو پسر
در ایام صغر سنی رحلت یافتند الا دو پسر ذی ولد اند کلانے شاه نصیر الحق

شادی اولی از دختر عم خورد خود کردند اولاد هست یک پسر محمد کبیر و دختر
نیز اند بعد رحلت زوجه خود شادی ثانی کردند در قصبه منیر از دختر شاه
اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه صغیر الحق
از دختر سید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی کدخدا شدند
بفضله ذی اولاد اند و خواهران ایشان یکے زوجه اولی سید الفت حسین
مذکور کدخدا ازان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه
غفور الحق کدخدا پسر و دختران موجود و یکے زوجه شاه محمد واحد ابن
شاه حسین علی دویمی هنوز نا کدخدا پسر حافظ حسام الدین طال الله عمره
و علمه بهمه وجوه بعیق است پسر سوم شاه غفور الحق کدخدائی ایشان نیز
از دختر خورد خاله ایشان گردید مسماة بصیر النساء عرف بسو دختر جناب حضرت
سید شاه یحیی علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین مذکور بالا از دختر
عم اوسط کدخدا مذکور پسر دختر ایشان ماقبل کرده الا دو خواهران ایشان
یکے زوجه اولی شاه نصیر الحق مذکور ثانی زوجه پسر دیوان مولا بخش
نام درین وقت یاد نماند بفضله ذی اولاد اند و یک خواهر شاه نصیر الحق زوجه
سید محمد ناظم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن
جناب حضرت سید شاه یحیی علی و هر دو برادر شاه نصیر الحق و شاه صغیر الحق
و شاه محمد نظام الدین نواسه جناب حضرت شاه یحیی علی قدس سره اند و

انحضرت بقرابت عم المعظم این خاکسار بودند و هر دو برادران شاہ مظہر الحق
و شاہ غفور الحق مرید بطریقہ عالیہ چشتیہ نظامیہ از پدر بزرگوار خود اند
الا تربیت یافتہ باطنہ و خلافت نعمت بسلسلہ ابوالعلائیہ از جناب حضرت سید
شاہ یحیٰی علی قدس سرہ انداللہ تعالیٰ مع ذریات ایشان را فائز مرام دارد
ثمرہ فرع دوم اصل اولیٰ بقیہ ذریت حضرت امام تاج فقہ پسر سوم
مولوی شاہ امین اللہ از شاہ طیب اللہ نواسہ حضرت شاہ سیف اللہ

موڑدی منحلات بہار

واضح باد حضرت شاہ طیب اللہ پسر ثالث مولوی شاہ امین اللہ در موضع
موڑہ در کنار تربیت جد مادری خود شاہ سیف اللہ رحمۃ اللہ علیہ ماندند
کتخدائی ایشان در اولاد مخدوم شاہ بدرالدین بدر عالم زاہدی گردید از
مسماۃ جگن و دو برادر ایشان یکے میر سیف الدین عرف میر سوہن و نام
دیگری یاد نیست الحاصل جناب طیب اللہ از بطن این بی بی چہار دختر
و دو پسر یکے ستودہ الذات شاہ بہار الحق کہ صاحب جود و سخا بزرگ ذات
تکلف نہ بلباس داشتند ونہ در خورش نوش مجرد ماندند نہ پذیرا کردند تعلق
اہل و عیال اولاد برادر شان اولاد سیان ہستند برادر ایشان شاہ
شراب الحق مرحوم عم این خاکسار ذکر اولاد ایشان در ضمن اولاد جد ما جد
خود خواہند نوشت طول الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذی ولد شدند

وخواهر ایشان یکی والده میر محمد عاصم یک دختر ایشان کتخدا از شاه
محمد سجاد ابن جناب شاه تراب الحق مذکور را اولاد دختر ثانی بودند دو دختر یکے
بی بی مبارک زوجه شاه فخر الدین برادر اوسط شاه کبیر الدین سجاده نشین
مقام سهسرام والده شاه محی الدین عرف لالا میان ذی اولاد اند
و دختر ثانی بی بی سلامت بموضع رجبت ور اقران کدخدا آنهم ذی اولاد
اند باقی حال که دختران بخوبی معلوم نیست شاید یکے از میر عنایت علی کدخدا
بودند ثانی اولاد شاه طیب الله مرحوم از محل ثانیه یک دختر و سه پسر یکے
شیخ صادق علی والد ناظر دلاور علی دویمی شیخ خورشید علی والد شیخ قربان علی
سومی داروغه ولایت علی بودند

فرع چهارم اصل اول شجره اولاد حضرت مخدوم الملک شاه شرف الدین فردوسی هر چند ثمر و یک شجر که طویل الذکر ست بتصریح بیان میکند

باید دانست حالات و کرامات آنحضرت مخدوم الملک در کتاب مولود شرفی
بخوبی بیان کرده است این فقیر حقیر چونکه این کتاب نسب نامه بود درینجا
حاجت تحریر نبود و نسب نامه بالا حضرت امام محمد تاج فقیه ما قبل تحریر شد
احتیاج مکرر تحریر نیست باید شنید حضرت مخدوم الملک در مقام سنار
گانون متاهل شدند از بطن آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شدند

شاه ذکی الدین حسب روایت بمقام شکر دیه اقامت بود در خانه شرفا
از سیادت عقد نکاح نمودند یک دختر خجسته اختر متولد شدند بی بی بارکه نام
بود چون از غضب و جلال والد خود رحلت بدان مقام کردند چند کسان ازانجا
آن بی بی موصوفه را آوردند ایام رضاعت نیز ختم نشده بود و عرض کردند
آنها که یا مخدوم این دختر پسر آنحضرت است فرمودند اگر همچنین است خود بخود
نزد من می آید می آرند آن صغیره تر زمین را نوکرده بزانوی مبارک حضرت مخدوم
الملک آمده نشستند مخدوم بر حال یتیمی او شدند اشکبار گرفتند بکنار میگویند بر
پشت مبارک حضرت مخدوم الملک یک مسه سرخ رنگ بود آنرا آن قرة العین
از لب خود می مکیدند شیری بر آمد از کرامات اولیا عجب نیست الحاصل باین
نازپرورش یافتند چو بالغه شدند از سید وحید الدین چله کش ابن سید
علاء الدین کتخدا کردند و سید وحید الدین خواهرزاده و پسر مرشد حضرت
مخدوم بودند یعنی همشیرزاده خواجه نجیب الدین فردوسی قدس سره
از بطن بی بی بارکه سید وحید الدین را دو فرزند شدند یک پسر و یک
دختر اسم مبارک پسر سید عبدالله المدعو سجاد اکبر شادی ایشان در کفوت
جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف سید پیارے و نام دختر سید
وحید الدین بی بی زهره بود از سید شهاب الدین جوبری علوی نسب
کدخدا شدند یک پسر و یکدختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین و نام

دختر بی بی حفظه از سید ابو محمد پیاری کتخدا شدند از بطن این بی بی چهار پسر
متولد شدند یکی شاه مسیح الدین دویمی شاه فصیح الدین هر دو لاولد سومی شاه
امام الدین اولاد ایشان گشتند بسیار در اردل و علاقه سهار موجود اند و نیز مزار
این بزرگوار در اسجا در مقام بدرا یا و قریب اردل مزار سید وحید الدین
چلکش هست و بمقام سمیرا قریب پلاسی مرقد این بزرگوار ست الا
فرزند چارمی سید شاه علیم الدین عرف شاه بیکه را که معذور از پاے بودند
خدام درگاه مخدوم الملک در انجا رفته در حضرت سهار آورده مسند نشین سجاده
متبرکه نمودند و نذورات درگاه غیره پیشکش آنحضرت و اولاد ایشان بعد
حصه دهم یا چهارم حصه خود ها کردند و خدمات بطور خادمیت بجا آوردند چون
سلسله اقامت شد اولاد این بزرگ مخدوم زاده معروف شدند در رجوعات
خلائق در سرکار ایشان روداد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین را
دو فرزند یکے شاه لعل دویمی شاه جلال کلانے را اولاد نشد الا
فرزند شد شاه جلال مسمی شاه خوند پسر ایشان شاه محمد پسر ایشان سید
شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسر مبنی
بر شجره چند از انجمله یکے شاه محمد دویمی شاه مصطفے سومی شاه بهادر علی
چارمی شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبد الحی
اَقفصه شاه محمد را یک پسر شاه عبد الحکیم دویمی شاه عبد الحلیم هر دو برادر لاولد

شدند و شاه عبد الحی را یک پسر شد یحیی نام اولاد تمام و میر سید عبد القادر
را اولاد نشد الا دو برادر شدند و یکی اولاد سید عبد السلام و سید شاه مصطفی موجود
اند ماجرای مرام مفصلاً نوشته می آید باید شنید فرزند شاه مصطفی شاه
قطب علی دو پسر ایشان شدند یکی شاه نظام الدین دویمی شاه
حسام الدین ذکر اولاد ایشان بعد ذکر اولاد برادر کلان خواهد نمود حالا
ذکر اولاد شاه نظام الدین بن شاه قطب علی مینمایم که بیان طویل است

ثمره در بیان اولاد شاه نظام الدین ابن شاه قطب علی

باید دانست شاه نظام الدین را شدند چهار پسر از انجمله یکی شاه علی بخش
دویمی شاه مصطفی ثانی سومی شاه فیض علی چارمی شاه عبد العزیز
که لاولد رفتند ازین عالم از فرزندان شاه علی بخش یکی قطب علی ثانی
دویمی شاه اسد علی لاولد الا شاه قطب علی ثانی را یکی شاه نظر علی لاولد
دویمی شاه رحمت الله عرف شاه ڈهورل ایشان را یک دختر
زوجه منشی کریم بخش و سه پسر یکی شاه نور الدین احمد مدعو شاه لباون
که خدائی ایشان از دختر چودهری حبیب الله گردید یک پسر و یک دختر
ایشان دختر زوجه شاه امیر علی ابن منشی سید کریم بخش پسر ایشان شاه
محبوب حسین و پسر شاه لباون شاه خورشید حسین که از دختر عم اوسط
کتخدا شدند دویمی شاه کریم الدین و دو دختر ایشان یکی زوجه شاه خورشید حسین

مذکوره بالا دویمی زوجه شاه فرزند علی پسر خورد منشی کریم بخش مذکور الصدر
سومی شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی در مقام راجگیر در قران
شد شادی ایشان دو پسر و دو دختر ایشان یکے زوجه میان جان علی ابن
منشی رمضان علی دویمی زوجه شاه وحید الدین ابن میر قائم علی ساکن
سوه وخلف کلانی شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی شاه قمر الدین
دو شادی ایشان از دختر میر امانت علی مرحوم گردید یکے بعد دیگرے
وخلف ثانی شاه صاحب ممدوح مولوی وحید الدین شادی ایشان
نیز یکے بعد دیگرے از صبیه میر شرافت کریم گردید کیفیت ذی ولدی ہر
دو صاحب معلوم نیست

ثمره دوم در ذکر فرزندان شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین

باید شنید فرزند شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین چهار بودند از انجمله یکے
شاه حسین علی دویمی شاه غلام شرف الدین سومی شاه کریم الدین
الغرض این ہر سه برادران لاولد رفتند ازین عالم الا ذی ولد فرزند چارمی
شاه عظیم الدین دو پسر ایشان یکے مظفر علی دویمی شاه کریم الدین
ثانی با ایشان نیز دو پسر یکے شاه امجد علی دویمی بدوح عرف شاه
بدهو واحد العین لاولد پسر شاه مظفر علی شاه علی بخش بود پسر ایشان
شاه تراب علی پسر ایشان محمد یعقوب عرف وٹری مفقود الخبر الا شاه

مصطفی ابن شاه نظام الدین مذکورہ بالا ذی اولاد شدند یکے شاہ مرتضیٰ بخش دویمی شاہ جلال الدین سومی شاہ یحییٰ علی پس شاہ مرتضیٰ بخش را نیز سہ پسر یکے شاہ غوث علی دویمی شاہ فتح علی سومی شاہ فیض علی کیفیت ذی ولدی شاہ غوث علی دریافت نشد الا ہر دو برادر شاہ فتح علی و شاہ فیض علی اولاد شدند

ثمرہ سوم

پسر شاہ فتح علی یکے شاہ حمید الدین دویمی شاہ فرحت علی سومی شاہ امان اللہ عرف منو پسر شاہ حمید الدین شاہ بخشش علی دویمی شاہ قاسم علی و شاہ محمد سعید ہمہ ذی اولاد شدہ ازین عالم بی اولاد شدند

ثمرہ چہارم در ذکر اولاد شاہ فقیر علی

شاہ فقیر علی را دو پسر یکی شاہ لطف علی اولاد ایشان نشد دویمی شاہ افضل علی چہار پسر ایشان ہر یکے عالی تبار ذی اقتدار یکے ازانجملہ شاہ واجد علی متوطن موضع سانیہ قیام در خسرو پورہ کردند چند دختر ایشان و دو پسر یکے دختر زوجہ شیخ نوازش حسین کہ پسر و یک دختر از بطن این بی بی شیخ محمد اجمل و تجمل حسین کیفیت ایشان بالا نوشتہ شدہ است در فصل دوم در ذکر شیوخ فاروقی نسب الا دختر ثانی زوجہ مصاحب علی خان و دختر ثالث زوجہ میر یار علی ساکن پورنہ پرگنہ ارول با وراہ داد حسین ذی ولد اند

و پسر کلانی شاه امیر علی داماد شاه علی امجد شیخپوروی ذی ولد شدند و پسر
ثانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی عم خود ذی ولد شدند پسر دومی شاه
افضل علی . شاه ذاکر علی داماد خال خود شاه عاشوری یک پسر
ایشان شاه ابوتراب داماد عم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه وجیه الدین
داماد نلشی امیر علی سومی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر
و پنج دختران ایشان یکی دختر زوجه شاه فرزند علی ابن شاه واجد علی و دو دختر
زوجه شاه ابوتراب یکی بعد دیگرے و یک دختر زوجه شاه براتی و یک دختر زوجه
شیخ محمد حسین الا فرزند کلانی ولایت حسین داماد شاه داود علی پسر ایشان
شاه محمد جعفر داماد خورد جناب حضرت شاه امیر الدین سجاده نشین دو پسر
و یک دختر ایشان ارواث ایشان خانه اجداد ست آباد دومی پسر شاه
ارادت حسین داماد شاه جان علی شیخپوروی یک دختر ایشان زوجه
هادی علی خان نواسه نواب محمد حسین خان مرحوم ذی ولد پسر سومی شاه
اسید علی داماد سید شاه غلام حسین شملوی دو پسر ایشان یکی شاه وزیر جان
دومی شاه بنوجان هر دو ذی اولاد اند سومی پسر چهارمی شاه افضل علی
شاه شرافت علی شادی اول در قصبه سیوان شده از دختر راجه محمد علی ازان زوجه
یک دختر زوجه شیخ ولایت حسین یک پسر شان محمد احسن لا ولد شادی ثانی
ایشان از دختر شاه ولی الله سجاده نشین گردید از مسماة مرادن یک پسر و

یک دختر ایشان زوجہ امیر علی خان ابن ہمت علی خان سہ پسر و یک دختر
زوجہ چودھری ظہور الحق ابن چودھری واحد علی دو دختر و یک پسر ایشان
محمد واعظ الدین نام مادر ایشان مسماۃ قدیرا انسا نبت مسماۃ حسینا نام
پسران و نبیر علی خان از دختر خال خود شاہ لطیف احمد ابن شاہ
شرافت علی کہ خدا شدند پسر ایشان داماد چودھری ظہور الحق دو دختر خال
بوزیر علی خان منسوب یکی بعد دیگرے پسر سوم فدا علی خان داماد شاہ
بندہ علی داماد کلانی جناب حضرت شاہ امیر الدین رحمۃ اللہ علیہ پسر سوم
اقبال علیخان داماد شاہ لطیف احمد خال خود یک دختر زوجہ چودھری
واعظ الدین مذکور و پسر محمد یحییٰ ہر یکی ذی ولد اند پسر شاہ شرافت علی علیہ الرحمۃ
شاہ لطیف احمد داماد راجہ اسد اللہ یک پسر ایشان بود محمد خلیل بعمر
چہار سالگی رحلت نمود الا پنج دختران ایشان مذکور سہ دختر کردند متوسط دختر
زوجہ شاہ محمد تقی ابن شاہ امیر الدین رحمۃ اللہ علیہ ذی ولد و یک دختر
در انجوار کہ خدا شد در اقران ان جوار

شجرہ پنجم در ذکر اولاد شاہ غوث علی ابن شاہ مرتضیٰ بخش ابن شاہ مصطفیٰ

مذکورہ بالا باید دانست شاہ غوث علی چند دختران الا یک پسر شاہ احمد علی
باایشان یک دختر و یک پسر شاہ واحد علی خواہر ایشان زوجہ شاہ

مخدوم بخش متخلص واقی یک دختر ایشان زوجه عنایت حسین خان یک پسر با ایشان میر بشارت حسن خان الا شاه واحد علی بسبب رقابت صاحبان شیخپوره و حسین آباد تبدیل مذهب کرده بودند آخر عمر در سفر بیت الله شریف نمودند بعد از ادای حج و زیارت مدینه طیبه در حالت علالت از مذهب شیعه بر دست این خاکسار توبه نمودند و در انجا تدفین شدند در جنت العالی بجوار سیدنا عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه القصه یک پسر ایشان شاه علی ارشد که از خواهر شاه جمال علی بلخی کدخدا یک پسر ایشان شاه علی مظهر در شیخپوره سکونت دارند ذی اولاد هستند

ثمره ششم در بیان اولاد شاه یحیی علی ابن شاه مصطفے از نام ایشان محله مشهور مصطفےٰ پٹی

باید شنید پسر شاه یحیی علی ابن شاه مصطفے مذکور یکی شاه رکن الدین لا ولد دویمی شاه نور الله سومی شاه تاج الدین الا اولاد دختری شاه رکن الدین ماند سکونت در بہار ہست و پسر شاه نور الله شاه رحیم بخش بودند اولاد دختری ایشان نیز ماند الا شاه تاج الدین را بودند پسر چہار یکی شاه صادق علی دویمی شاه خیر الله سومی شاه لعل محمد چارمی شاه بخش الله کیفیت اولاد شان بعد این دریافت نشد که مینوشت انتہا در اکا ز کتاب تصنیف شاه مخدوم بخش مرحوم

ثمره ہفتم در بیان اولاد شاه حسام الدین برادر شاه نظام الدین

ابن قطب علی ابن شاہ مصطفیٰ ولی

ابن شاہ علی ابن شاہ احمد ابن شاہ محمد ابن شاہ خوند ابن شاہ جلال الدین
ابن شاہ علیم الدین بزرگ عرف شاہ بھیکہ واضح باد شاہ حسام الدین را
دو فرزند نام یکی شاہ بدل و نام دویمی شاہ بولا یک پسر ایشان شاہ
وحید الدین وسہ خواہر ایشان جابجا منسوب و شاہ بدل را چند دختران
ازانجملہ یک دختر زوجہ برادر زادہ شان شاہ وحید الدین ایشان رایک پسر
بنام شاہ مہر علی و چند دختر یکی ازان زوجہ شاہ علی بخش عرف بخشا
پدر شاہ تراب علی و پسر شاہ امیر علی شاہ وجیہ الدین عرف شاہ وجا
شادی ایشان در شیخپورہ شد از خواہر شاہ علی امجد شیخپوری شاہ وجیہ الدین را
نیز یک پسر شاہ فرزند علی عرف شاہ فیضا و چند خواہران ایشان یکے
زوجہ شاہ تراب علی مذکور مادر محمد یعقوب یکی زوجہ شاہ جان علی پدر مہدی حسن
سومی زوجہ قاضی مبارک علی پدر قاضی سلامت علی و نیز شاہ فرزند علی را
یک پسر شاہ الطاف حسین با ایشان نیز یک پسر و چند دختر و شاہ فرزند علی
صاحب نیز دختران یکے زوجہ شاہ احمد حسین چند پسران ایشان دویمی زوجہ
قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی
زوجہ میر ابن حسین چارمی منسوب بود از پسر شیخ دیدار علی لاولد شد اینقدر
اولاد بود شاہ بدل و شاہ بولا است

شجره دربیان اولاد شاه عبد السلام ابن شاه علی ابن شاه احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین ابن شاه علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاه علی اند که محله شاه علی معروف از نام این بزرگ است
الغرض شاه عبد السلام را دو فرزند رتبه بلند یکی ذکی الدین دویمی شاه
وصی الدین چهار پسر ایشان یکے شاه احمد بخش دویمی شاه الٰہ بخش سومی شاه کام بخش
چارمی شاه غلام فردوس اینده دریافت نشد کیفیت اولاد ایشان الا
شاه محمد ولی پسر شاه غلام فردوس بودند

ثمره اول شجره اولی

شاه ذکی الدین را یک فرزند رتبه بلند شاه وجیه الدین که بعد بزرگوار
سجاده نشین شدند از محل اولی بودند ذکر طویل است بعد بیان دیگر پسران
تحریر خواهند نمود الا از محل ثانیه دو پسر یکے شاه عنایت علی دویمی شاه
فیض علی الغرض شاه حبیب الله ملقب مخدوم ثانی خلف شاه عنایت علی
بودند پسر ایشان منعم جهان بودند پسر ایشان شاه اصغر علی زین بعد حلقوم نشست
الا پسر شاه فیض علی شاه قابض علی ایشان را دو پسر یکی شاه موسی علی
دو پسر ایشان دویمی شاه عنایت علی تحریر نشد ایشان

ثمره دوم شجره اولی دربیان اولاد شاه وجیه الدین

واضح باد شاه وجیه الدین کثیر الاولاد شدند وقت سجادگی ایشان رونق بسیار
شد از جانب بادشاه عصر معاش شد حصول بصیغه ائمه والتمغه ونیاز درگاه مخدوم الملک
گویا بتکلف تمام امارت میکردند القصه شاه وجیه الدین را دو زوجه
بودند در کفویت از هر دو چهار پسر شدند وعلاوه انها چند زوجه بودند از بطن هر
زوجه دو پسر شدند که از ده پسر گویا یعقوب ثانی شدند بنگار تفصیل وار
باید شنید شاه محمد بزرگ و شاه علی بزرگ از یک بطن بودند و شاه
علاء الدین نقدا ملقب و شاه بدیع الدین این هر دو برادر از یک
بطن بودند الحاصل چهار برادر متفق المزاج شده سجادگی به برادر کلانی شاه
محمد بزرگ روا داشتند الاتقسیم صرف معاش معروف بچهار سرکار بحشم وخدم
اوقات داشتند الا شاه علاء الدین نقدا بدین وجه مشهور شدند تنخواه
ماهواری نمی دادند یومیه بعد شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاده نشین
شدند گو که دو پسر شاه محمد بزرگ بودند یکی را نام شهنشاه دیگری را شاه
رستم نام بود از هر دو برادر اولاد نماند شاه علی بزرگ را نیز اولاد نشد بعد
ایشان سجاده نشین شاه علاء الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد نشد
بعد انتقال ایشان شاه بدیع الدین برادر چارمی شدند سجاده نشین
خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد پدر خود گشتند سجاده نشین کیفیت

بعد ازین خواهد نوشت

ثمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجیه الدین مع ذکر اولاد شان

از یک بطن که نام بود بی بی گلاب دو پسر شاه غلام بدر و شاه غلام حیدر
شاه غلام بدر ذی اولاد شدند کیفیت اولاد شان بعد ازین خواهد نگاشت
چونکه ذکر طویل است و از محل چهارم شاه وجیه الدین دو پسر یکے شاه حامد
دویمی شاه محمود و از محل خامس دو پسر یکے شاه سرور دویمی شاه صفدر و
از زوجه ششم نیز دو پسر شدند یکے شاه غلام رسول دویمی شاه محمد ہاشم الا
از بنها و دو برادر اولاد یک برادر شد ثانی لا ولد چنانچه اولاد شاه حامد
شد و شاه محمود لا ولد ثمره از اولاد شاه حامد یکی شاه اکبر علی ایشان را
سه دختران یکے والده شاه سخاوت حسین دویمی زوجه میر موسی علی
خاله و خوشدامن شاه سخاوت حسین و سومی را نیز یک دختر شد و دویمی
فرزند شاه حامد شاه محمد و هم بخش متخلص وافی ذکر ایشان شد بحر سابق
ثمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه ہاشم لا ولد ذکر شاه رحمت علی
ابن شاه واحد علی ابن شاه قنبر علی ابن شاه غلام رسول ابن شاه
وجیه الدین مذکور الصدر شاه رحمت علی را یک دختر و چهار پسر شاه
عباس علی عرف شاه جھبن دویمی شاه احمد علی سومی را نام بود جھبو
چارمی شاه امید علی اند شاه سرور و شاه صفدر هر دو برادر را اولاد نشد
که بیان کنم

ثمره در ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاده نشین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین را دو زوجه بودند در اقران کفویت به
یکے بی بی بخشن که از بطن ایشان اولاد نشد دویمی والده بی بی مریم النسا
که از شاه احمد علی خواهرزاده شاه مظفر حسین کدخدا شدند یک پسر
ایشان شاه محمد حسین که از مسماة وحید النسا دختر کلانے شاه ولی الله
کدخدا شدند اولاد نشد الا سه دختران لشاه احمد علی مرحوم یکے مسماة عجیبا ش
عرف محن زوجه میر حسین بخش کورجوی دو دختر ایشان شد یکے زوجه میر سعادت علی
دویمی زوجه میر ممتاز علی پسر دو دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه
اطہر حسین که زیب سجاده جد مادری شدند کدخدائی ایشان از دختر
میر اسمعیل علی ساکن محله صدر گلے پٹنه گردید اولاد نشد ماند دختر دویمی شاه
احمد علی زوجه میر امید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علی
میر سعادت علی از خواهر خالاتی منسوب یعنی از دختر میر حسین بخش مرحوم
دختر سومی شاه احمد علی از میر کرامت حسین ابن میر سید حامد حسین
نوآبادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین و دو دختران یکے
زوجه سید مهدی حسن ذی اولاد اند دویمی زوجه سید شاه عبد الحسین ابن سید
لطافت علی شیخپوردی و دو دختر اند و یک پسر سید معین بفضله همه ذی اولاد
هستند منسوب جابجا

ثمره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی الله سجاده نشین حضرت مخدوم الملک

الحمد لله حضرت سید شاه ولی الله مقبول بارگاه که بنظر هر کس می نمودند ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بودند از روحهٔ چهارم کثرت فقر شاه ولی الله نمایش بود بتکلفات کرو فر گوشه از کلاه ولباس شاهانه خرقه رنگ ملاگیری وچیره زعفرانی بیعت ایشان از یکے از اعمام خود شاه رحمة الله فردوسی بیعت ایشان از حضرت شاه مجیب الله قادری پهلواردی وکسب باطن وتربیت از حضرت مولوی سید حسن رضا سمی رائے پوردی الحاصل کدخدائی حضرت شاه ولی الله از دختر شاه محمد فیاض شد که از اولاد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند منحلات حضرت بهار و دیگر اقران واخوان نیز آنجا سکونت دارند

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم مزار در بهار است

واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک دختر بی بی ابدال نام صاحب کمال زوجه میر سید محمد رضوی نسب که برادر میر سید احمد که مزار شان بموضع ندره مشهور ومزار سید محمد قدس سره بموضع معافاگفت اولاد سید محمد وبی بی ابدال زین پیشتر نوشته شد حاجت مکرر تحریر نیست

الا ذکر اولاد پسری حضرت مخدوم یاد دانست خلف الرشید و سجاده نشین مخدوم
بدر عالم قدس سره حضرت سید شاه سلطان بودند اولاد مخدوم سید
سلطان نشد الا یکے از فرزند برادر را بفرزندی گرفته کردند جانشین معروف
بمخدوم احمد بڑی سید احمد بڑی جگن معروف پسر ایشان شاه محمد عرف جگن
بعد این بزرگوار بیعت این سلسله زاهدیه در خلفا ماند الا بیعت در خاندان
فرزندان ماند یکی از اولاد ایشان حضرت شاه محمد بخشید و سبط شاه عبد الله عرف شاه محمد عوض
بودند نبیره ایشان شاه محمد فیاض زاهدی نسب و سلسله ساکن محله سوه
منمحلات بهار یک پسر ایشان و دو دختر نام پسر یاد نیست الا داماد ایشان
حاجی نصیر الدین شیخپوری شعمی نسب اند الا دختر کلان حضرت شاه محمد فیاض
زوجه حضرت شاه ولی الله پدر بزرگوار حضرت شاه امیر الدین فردوسی دختر ثانی زوجه
شاه بهادر علی شعمی شیخپوری دو دختر ایشان یکے زوجه شاه محمد علی
که برادر زاده نیز خسر خود اند شاه محمد علی مرحوم چند دختران و دو پسر یکے
شاه بهوجو که ربط محبت پیدا اشتند ازین خاکسار بسیار نوجوان رفتند بلکه ثقال
ثانی شاه عبد العلی داماد او سبط جناب شاه امیر الدین فردوسی سجاده نشین
و یک دختر شاه صاحب مرحوم زوجه حکیم ارشد علی که خواهرزاده نیز اند که
دویمی زوجه مولوی تصدق حسین ساکن نگرنوسه دو فرزندان ایشان
شاه عطا الدین و دویمی مولوی علیم الدین باقی کیفیت دریافت نیست ثانی

دختر شاه بهادر علی علیه الرحمه زوجه جناب حضرت شاه امیر الدین قدس سره
که از دختر خاله کدخدا شدند جناب شاه امیر الدین فردوسی را دو فرزند
رتبه بلند و سه دختر ازانجمله یکی زوجه شاه بنده علی عرف شاه بدلا پسر
شاه حسین علی یک دختر ایشان زوجه فدا علی خان و دختر ثانی زوجه
شاه عبد العلی که دختر ایشان زوجه سید عبد اللطیف خلف مولوی کبیر الدین احمد
آینده معلوم نیست الا دختر ثالث از شاه محمد جعفر ابن شاه ولایت علی کتخدا
هستند دو پسر و یک دختر ایشان موجود اند و پسر کلانے جناب حضرت
شاه امین الدین احمد ذی اولاد اند زوجه چهار اند هر یکے ذی ولد و
پسر ثانی شاه محمد تقی از دختر شاه لطیف احمد ابن شاه شرافت علی کتخدا
شد ذی ولد اند و خواهر جناب شاه امیر الدین فردوسی یکی مسماة وحید النسا
زوجه شاه محمد حسین ابن شاه احمد علی لا ولد ثانی بی بی مراد النسا زوجه
شاه شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشته شد و جناب حضرت
شاه امیر الدین را دو پسر از محل دیگر اند یکے رحلت نمود و محمد اسمعیل نام ثانی
محمد ولی ست و از محل ثانی حضرت شاه ولی الله قدس سره یک پسر مسمی
شاه بنده علی و دو خواهر ایشان فرزند یک خواهر محمد فضل امام حال
دیگر دریافت نشد الا شادی شاه بنده علی بموضع براڑی از خواهر شیخ
فضل حسین دو پسر ایشان شدند یکے شاه عبد العلی و دیمی اولاد علی

طر

شجره نسب شاه غلام بدر ابن شاه وجیه الدین ابن شاه ذکی الدین

واضح باد شاه غلام بدر الدین و غلام حیدر دو برادر بودند ابن شاه وجیه الدین
کتخدا هر دو برادر یکجا گردید از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد
سهروردی زیدی نسب بودند زوجه شاه غلام حیدر را نام مسماة باجو
و زوجه شاه غلام بدر نام مسماة نجیبا عرف ناجو القصه شاه غلام حیدر را
اولاد نشد بعالم شباب رحلت نمودند و نیز زوجه شاه غلام بدر یک پسر و یک
دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند خاله پسر و دختر مسماة باجو پرورش
نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد واصل بودند و نام دختر بود
بی بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله بارہ دری اولاد سید فضل الله
بودند کدخدا شدند یک دختر سید بی بی دھومن زوجه شاه فتح علی عرف
شاه بھوڑے یک دختر ایشان مسماة لطیفا زوجه شاه علی بخش ابن شاه
محمد واصل ذی اولاد شده بے اولاد شده بلکه منقطع رحلت کردند و نام پسر
سید خیر الدین حسین که در مقام متھرا بعز و جاه نام پیدا کرده در انجا رحلت
کردند اولاد نماند الا که خدائی شاه محمد واصل ابن شاه غلام بدر از بنت
البنت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاندپوری گردید
از مسماة میجا دختر بی بی صحیحه شاه محمد واصل را از بطن این زوجه شش

پسر و یکدختر از همه برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی خورد و مساة
ذاکره زوجه شاه انور علی ابن شاه فتح علی و سه پسر و سه دختر ایشان
پسر کلانے حضرت شاه محمد واصل شاه کریم بخش عرف چهوٹا کدخدا ے
ایشان از دختر شاه غلام مخدوم که یکے از فرزندان حضرت سید محمد
سهروردی زیدی نسب بودند نسب نامه بالا مذکور شد نام دختر شاه
غلام مخدوم بود بی بی اطیه عرف بی بی قوار و یک پسر ایشان شاه
امیر علی که از دختر عمه خود مساة ذاکره دختر شاه محمد واصل زوجه
شاه انور علی کتخدا شدند ذی اولاد شدند و پسر دوم شاه محمد واصل
شاه علی بخش زوج مساة لطیفا یک دختر و یک پسر شد نام بشیر الحسن
نوجوان فوت شدند و دختر را نام بود بی بی مراد النسا زوجه میر مقرب حسین
ابن مولوی ابراهیم علی کابری ذی اولاد شده بے اولاد بمردند و پسر
سوم شاه اشرف علی کدخدائی ایشان بموضع مدح پور شد از مساة
بی بی مریم اولاد شماند چارمی پسر شاه قادر بخش شادی ایشان بیکمه
خورد محلات بهار شد از مساة عبیدا لاولد رحلت کردند پنجمی شاه تراب علی
ذی اولاد شده لاولد رفتند ششمی پسر شاه محمد واصل شاه لطف علی
که در ایام جوانی عهده هاے جلیل کردند حصول کدخدا شدند بموضع باڑه
از دختر میر سید محمد از مساة کبیر النسا یک دختر مساة مقیما النسا

زوجهٔ شیخ محمد علی ابن شیخ مظہر علی ذی اولاد اند و نام پسر شاه لطف علی
مرحوم شاه محمد مقبول ذی اولاد هستند بمسماة ذاکره دختر شاه محمد واصل
ابن شاه غلام حیدر سه پسر شدند یکے سید عابد حسین چهارده ساله بمردند
و دیگر واحد حسین و سیوم برادر که نام یاد نیست بعالم طفولیت رحلت
کردند الا دختر کلان ایشان مسماة حیات النسا زوجهٔ سید رضا علی ابن
میر یوسف علی یک پسر ایشان سید فدا علی که از دختر عم خورد خود کتخدا
یک دختر گذاشته رحلت کردند دختر منسوب است از نواب نصیر علی
و یک خواهر سید فدا علی زوجهٔ سید امید علی یعنی مسماة سکینه دو دختر
گذاشته رحلت کردند و خواهر ثانی زوجهٔ شاه وزیر علی ابن شاه امیر علی
و خواهر سوم زوجهٔ سید وحید الدین ذی اولاد اند چار یعنی اصغر سن
نمود و قضا و دختر ثانی مسماة فاطمه بخش عرف بخشا زوجهٔ شاه امیر علی
یک پسر و سه دختر ایشان دختر سوم مسماة براتن النسا زوجهٔ شاه علی احمد
ابن شاه موسی علی ابن سید غلام محمد و هم یک پسر ایشان سید شاه
علیجان رحلت کردند نوجوان و دو خواهر ایشان نیز بودند یا بدا
پسر شاه امیر علی شاه وزیر علی که از مسماة کلثوم خواهر خالهٔ
شدند منسوب چند اولاد شد الا یک پسر تجمل حسین نام موجود
و یک دختر منیر فاطمه زوجهٔ سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسر ست عطا نظام الدین باقی سه خواهران شاه وزیر علی مرحوم
ازانجمله کلانی زوجه اولی میر سید حسین داناپوری برادر عمزاد
خالاتی این خاکسار نام بودبی بی مخدومه بعد شادی چند سال
حیات ماند بآخر لاولد ازجهان رفتند دختر ثانی شاه امیر علی
مرحوم زوجه این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمه خواهد نوشت الا دختر ثالث
جناب شاه صاحب ممدوح مسماة وافن زوجه سید شجاعت حسین
ابن سید شاه فخر الدین حسین علیه الرحمة بایشان دو دختر که هنوز ناکتخدا اند
پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاه بادشاه بنگاله

ذی ولد بیاند واضح باد سید علی ابدال ابن سید شاه حسین
ابن سید احمد شاه که به نسب سیادت جعفری اند الانسب نامه تا بالا
معلوم نشد از تحریر مقتصر ماند چونکه مصاهرت از خاندان این فقیر واقع شد
کیفیت کلیه مینویسد می آرند در تحریر که چون نصیب شاه بادشاه بنگاله
وفات یافت پسر صلبی نداشت امرایان وندمایان حسب وصیت
بادشاه نواسه بادشاه را یعنی حسین شاه ابن احمد شاه را
تخت نشین سلطنت ملک بنگاله نمودند هرگاه جلال الدین اکبر
بادشاه از تخت گاه دهلی نهضت نمودند بسوی دیار شرقی بهر حکمرانی

۹۷۲ه

داود شاه بادشاه تخت نشین حاجی پور خبر شنیده تاب مقابله نیاورده
فرار ورزید بسوی بنگاله حمله کرده سلطنت حسین شاه بادشاه بگرفت
حسین شاه بادشاه بنگاله با خود ها ناپسند دیده صورت جنگ و جدال
و بندگان خدای را قتال قصد ترک سلطنت کرده قصد سیاحت نمود
و سلطان اکبر بادشاه بپسر داود شاه رحم آورده قلم بر عفو جرائم کشیده
تاجبخشی نمود بمعینه خراج که سابق بود مسعود شاه ابن داود شاه
بحاجی پور تخت نشین ماند و حسین شاه سیاحت کرده در صحرای
ضلع ترهت جای عزلت نشین شده مشغول بعبادت الهی مدتی
برین سپری شد آن صحرا است علاقه مظفرپور نام ست حالا مشتهر
گنج بوده درگاه آخر هجوم خلائق پیدا شد و کیفیت کرامات از شاه
حسین بادشاه هویدا شد خلق ازان معتقد شد نوشته اند هو چنین گردیدگی
خلائق چون ناپسند افتاد پسر خود سید علی ابدال را جانشین سجاده خود
کرده از چشم خلائق پنهان شد بالحاصل سید علی ابدال در انجا مجاهده
و ریاضت بوشیره اسلاف پیدا کرده کسب و کمال تا مدت چهل سال
بعده قابل شد که کتخدائی از دختر مخدوم شاه دانیال که یکی از اولاد
حضرت مخدوم محمد تاج فقیه اند کرد لیکن در اولاد مخدوم شاه حسین
دهوکرپوش که واقع مزار این بزرگ است در پوشیره ابن علی سید

کمان گاکوی و مزار مخدوم شاہ دانیال است در موضع تاجپور بزرگ
حالا آنجا سے ہم زیارت گاہ است بدانکہ بی بی معصومہ بود نام دختر مخدوم
شاہ دانیال از بطن آن بی بی فرزندے بوجود آمد نیز ذی جاہ و ذی جلال
مسمی مخدوم سید احمد ابدال باکمال از مشاہیر مشایخین صاحب کرامات
و حال کتخدائی ایشان از مسماۃ مریم دختر نبیرہ مخدوم محمد صیفی صفی پوری
کہ مخدوم شاہ مصطفےٰ عم آن بی بی بودند الحصول از بطن شریفہ این بی بی
سہ فرزند رتبہ بلند پیدا شدند نام یکے سید محمد نام ثانی سید یحیی نام سومی
سید قطب کیفیت ذریت دو برادران دریافت نشد الا کیفیت سومی کہ صورت
مصاہرت واقع شد از پایان مزار فایض الانوار آن ہمہ واقع است ہر سہ درگاہ
کہ پر کیفیت است الا میر سید قطب کہ شادی ایشان دو بار از دو دختران
میر سید عبد الرسول قادری داناپوری کہ داماد میر سید قاضی عماد الدین
ابن میر سید عبد الفتاح عرف قاضی میر سید بڑہی کدخدا شدند نام آن
ہر دو دختران بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسے بی بی ابدال القصہ
از ہر دو دختران میر سید عبد الرسول میر سید قطب را دو دختر نام یکے
بی بی قطبیہ عرف بی بی گھاسنی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید
جلال الدین ابن میر سید قاضی عماد الدین بودند یک دختر شد ازان نام
بی بی لطیفہ از سید وجیہ الدین عرف سید بولن کدخدا شدند دختر ثانی را

نام بود بی بی کریمه اولاد نمانده هرگاه بی بی لطیفه بی اولاد ازین جهان رحلت
بی بی قطبیه عرف بی بی گهانسی وا ما د خود سید وجیه الدین عرف بولن را
مثل پسر خود دانستند بهر آبادی خانه خود شادی ثانی ایشان از بی بی امیمه
دختر میر سید محمد ولی ابن میر سید جهانگیر وانا پوری بودند از بطن این زوجه
میر سید محمد احسن متولد شدند نواسه میر سید محمد ولی چون بجز میر سید محمد احسن
بی بی قطبیه را دیگر اولاد نبود ایشان را مالک قابض بر متروکه خود و نیز بی بی
امیمه وانا پور حصه خود نمودند چنانچه اولاد میر سید محمد احسن بران تا حال قابض
و آمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در رهوه درگاه است
و مزار سید احمد ابدال در شهر پٹنه بمحله مغلپوره با شکات است با حریره بود
حالا مفقود نشان هم شد کٹهره بران آباد شد بطفیل اولاد با مراد واضح باد
دختر سید احمد ابدال بودند بی بی زهره نام از میر سید مسعود یکے از اولاد
مخدوم شاه جعفی کدخدا شدند از بطن این بی بی یک پسر متولد شد سید هدایة الله
شادی ایشان از دختر میر سید قطب از بی بی جمال شد از بطن ایشان فرزند
رتبه بلند سید احمد کبیر شدند ایشان بر وطیره اسلاف تجرد می کرده اختیار
در عبادت پروردگار مشغول شدند الا خواهر سید هدایت الله ابن سید مسعود
بی بی عابده از میر سید حسن زیدی منسوب شدند یعنی بی بی عابده
والده میر سید وجیه الدین عرف سید بولن بودند بدین وجه اولاد ایشان

مالک و قابض بر کل متروکه علاقه درگاه وغیره شدند ابن میر سید وجیه الدین
عرف سید بولن میر محمد احسن بودند شادی میر سید محمد احسن از بی بی تقیا
عرف بی بی بھجلو دختر خجسته اختر حضرت سید شاه محمد یسین قدس سره دانا پوری
شد که جد امجد این خاکسار راقم التحریر بودند چهار پسر میر سید محمد احسن شدند
یکے میر مظفر علی دومی میر غضنفر علی که داماد حضرت سید شاه ولی الله ابن
سید شاه محمد یسین بودند نام آن بی بی رشیده بود مدعو بودھن لاولد
رفتند ازین عالم هر دو سومی میر حسن علی نوجوان رفتند ازین جهان چارمی میر سید
قطب علی که از دختر میر سید مهگو کدخدا شدند یک دختر شدند مسمومه بی بی
واجن که از محمد حسن خان ابن برهان علیخان کدخدا شدند محمد حسن خان
نواسه میر جتین صاحب بودند پسر محمد حسن مهدی علی خان پسر ایشان ولی علی خان
الا شادی اولی میر مظفر علی از دختر سید شاه احسان الله شد سکونت
ان بزرگ بمحله چاند پوره یکے از محلات حضرت بهار که از فرزندان حضرت
سید فرید طویله بخش بودند از بطن این بی بی صفر دو دختر و یک پسر یک دختر را
نام بی بی امانی که از شاه قاسم علی ابن شاه رحم علی کدخدا شدند که یکے
از اولاد حضرت مخدوم شاه بڈھی بودند ساکن چک درگاه ضلع ترهت بودند
نام فرزند ایشان شاه امام علی بودند آینده کیفیت ذریت ایشان دریافت نشد
الا دختر ثانی را نام بود بی بی رحمانی از شاه محمد سلطان ابن شاه محمد بخش

ابن شاہ احسان اللہ ممدوح کدخدا شدند از بطن این بی بی دو پسر یکے
سید شاہ محمد باقر کہ شادی اول از دختر شیخ احمد حسین رئیس شہر شد از ان
بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاہ احمد حسین نوآبادی
گردید چہار پسر یکے سید شاہ محمود کہ نوجوان رفتند از ینجہان دومے
سید محمد مسعود سومی سید مقصود چارمی سید مودود مع اہل وعیال ہمہ حیات
اند موجود و پسر ثانی حضرت شاہ محمد سلطان سید شاہ اسمعیل کہ شادی ایشان
از خواہر دیوان مولا بخش رئیس شہر کردند یک پسر ایشان سید علی حسن نام
از دختر مولوی سید شمشیر علی شد کدخدا یک پسر گذاشتہ سید حسن در حیات
پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاہ تبارک حسن ابن شاہ
تیمم اللہ کاکوی شد الاخلاف ارشد سید میر مظفر علی سید شاہ یحیی علی کہ از دختر
شاہ نثار الحق نوآبادی منسوب شدند نام ان بی بی مخدومہ بود و آنحضرت را
دو پسر و سہ دختر ذکر دختران ہر سہ بالا مذکور شد یکے از شیخ نثار حسین شد کدخدا
لا ولد رفت دومی از شاہ مظہر الحق سومی از شاہ غفور الحق منسوب شدند
ذی اولاد اند پسر دوم شاہ یوسف علی مجذوب صفت بودند اولاد نیست
الا پسر کلانے مولوی سید شاہ اشرف علی کاشف رموز خفی و جلی
کدخدا شدند از دختر میر حسین بخش کورجہوی اولاد شد دختران و پسران پسر
کلانے سید شاہ حسین علی کہ از دختر مولوی قربت علی کدخدا شدند یک دختر

دو دو پسران بی بی مریم گذاشته وفات یافتند دختر از میر واجد حسین این
پسر اسمعیل علی که خدا نام پسر کلانے شاہ محمد قاسم از دختر شاہ عبد الحسین که خدا
پسر شد موسوم بنام محمد حسین ثانی را نام شاہ محمد واجد دو شادی ایشان
یکے از دختر شاہ امیر الدین شد و شادی ثانی از دختر شاہ نظام الدین
ابن شاہ غفور الحق گردید اللہ تعالی ذی اولاد کند چون شادی دوم کردند
میر مظفر علی دو پسر و یک دختر بوجود آمدند ہمہ کہ خدا شدند اولاد نماند نام
پسر کلانے شاہ ہدایت حسین مدعو خیراتی دو شادی کردند اولاد نشد
ثانی سید عالم علی عرف براتی از دختر شاہ سلامت علی و ردوسی شادی کردند و قبل
ازین میر یک شادی شد از کسی اولاد نشد الحاصل قابض و متصرف بر کل مملوکہ
سید مظفر علی وغیرہ اولاد سید شاہ یحیی علی قدس سرہ اند یعنی شاہ
محمد قاسم ابن شاہ حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قیام

بدرگاہ رہوہ دارند ان درگاہ زیارت گاہ ہست

شجرہ نسب مع ذکر اولاد قاضی سید عبد الفتاح عرف قاضی شتاب

دانا پوری بیان بر چند شمر

باید دانست کہ میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید علی اکبر جاجنیری سادات
رضوی کہ نسب نامہ ایشان بالا مذکور شد در پشت سادات رضوی از مقام
جاجنیر بحضرت بہار آمدہ در محلہ نگھرہ اقامت نمودند وقت غزا بر کفار

غازی شد آخر بہ کید کفار شہید شد بعد چند پشت نسب یکی از اولاد ایشان
سید زین العابدین از اینجا برخاستہ خاطر گشتہ جانب شمال رفتند کردند اقامت
جائے پسند کردہ بموضع بھوماڑ پرگنہ مکیر ضلع ترہٹ مشغول بذکر حق
و شغل کشتکاری فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بودند خلف ایشان
میر سید ابو الفتح پسر ایشان میر سید عالم ابنہ قاضی سید عبد الفتاح
از دربار شاہی منصب قضا پرگنہ پھلواری کردہ حصول مع اہل و عیال
ازانمقام آمدہ بموضع داناپور پرگنہ پھلواری ضلع پٹنہ اقامت نمودند
شادی قاضی بڑے در وطن خود در آقران شدہ بود و نیز شادی پسر ایشان
میر سید عماد الدین درانجا شدہ بود کہ بعد والد ماجد بمنصب قضا و اقامت
داناپور بحال ماندند الا یک دختر بود قاضی سید بڑے مسماۃ حمید النسا کہ خدا کے
شان منظور بود در شرفاء اینجوار آخر از میر سید جہان ابن میر سید قطب الدین
باقری نسب کردند شادی ذکر سید صدر جہان ممدوح مع کیفیت اولاد در آخر
بتصریح خواہد نگاشت درین اوراق ذکر فرزندان پسری قاضی عبد الفتاح

عرف قاضی بڑے ہست
شجرہ اولاد رضویان ساکن داناپور

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بڑے بعد انتقال والد
ماجد خود سر رشتہ قضا بست سال ماند در عہد بادشاہ نور الدین جہانگیر داناپور

نام والده ایشان نور بی بی بود و نام زوجه ایشان بی بی اکینه
چهار پسر ایشان و دو دختران چنانچه یکدختر منسوب شد از خواهرزاده
ایشان یعنی از میر سید عبید لواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور که
ذکر اولاد ایشان نوشته خواهد شد در ضمن ذکر فرزندان میر صدر جهان
علیه الرحمة و دومی دختر منسوب شدند از میر سید عبد الرسول قادری نسب
که از بغداد شریف بطور سیاحت آمده بودند در دارا پور بعد اقامت
ایشان در صحبت حسن صورت نجابت و شرافت عیان شد و کیفیت نسب
بحضرت غوث الثقلین دختر را بزوجیت ایشان دادند میر سید عبد الرسول را
یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیه دختر قاضی سید عماد الدین الا
سید اسحاق در عالم جوانی ناکتخدا رحلت کردند باقی چهار خواهر ایشان
دختران سید عبد الرسول از انجمله دو دختران یکے بعد دیگرے بزوجیت
میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن حسین شاه
بنگالی بادشاه دیار بنگاله نام هر دو بی بی جمال و بی بی کمال بود ذکر ذریت
هر دو در ذریت میر سید قطب ما قبل نگاشته شد و کیفیت سید جهان الدین
عرف سید بولن باقی دو دختر کدخدا در کفویت شدند بی بی ملیحه زوجه
میر سید جهانگیر ابن میر سید اکبر پسر کلانی قاضی عماد الدین و دومی بی بی
مینه زوجه میر سید حسین ابن میر سید اولیا که میر سید اولیا خواهرزاده قاضی

عماد الدین

عماد الدین بودند کیفیت فرزندان ایشان طویل ست آینده تحریر خواهد شد
الا چهار پسر بودند سید قاضی عماد الدین کلانی میر سید اکبر مذکور که ذکر
اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طویل ست الا پسر ثانی قاضی
سید ابو الفتح که بعد والد ماجد بمنصب قضا ماندند چند سال شادی ایشان
از بی بی عصمت النساء بنت شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی گردیده همشیره بنت میر سید
اولیا ابن میر سید صدر جہان بودند الا اولاد نشدند وقت رحلت منصب قضا
و ترکه ایمه خود بیکے از برادر زاده میر سید عبد المقتدر دادند هنوز آن ترکه
در فرزندان او شان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عماد الدین میر
سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از مسماة
فاضله دختر شاه عبد السلام در اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره
آن بی بی عمه شاه وجیه الدین ابن شاه ذکی الدین سجاده نشین بودند
یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید بدر الدین
که خدای ایشان از مسماة لطیفه النساء بنت میر سید اکبر شد یعنی از دختر
عم خود چونکه لیاقت و وجاهت ظاهری بسیار داشتند ایشان را رسوخیت
تمام در دربار سلطنت دهلی از امرا و اراکین بود صاحب خوش تحریر و خوش
تقریر بودند و علمیت بودند سند افتا دربار شاهی کردند حصول بوجه معاش
و نیز وظیفه بزرگان سلف در ذکر و عبادت الهی بودند مشغول تا که سالها

خاندانی نر و دیک پسر و یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید فضل الدین
عرف سید فضلو بود از دختر میر سید محمد ناصر ابن محمد میر سید حسین که کدخدا شدند
نام زوجه بود مسماة سیدا یک پسر ایشان از بطن این بی بی بوجود آمد مسمی
سید صغیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعقاب نماند
پسر چارمی قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان
در قصبه منیر در اولاد حضرت مخدوم که دولت منیری شد از مسماة سکینه
بود از بطن آن بی بی یک پسر شدند مسمی میر سید نجم الدین شادی ایشان
در بنی اعمام یعنی از دختر میر سید شهاب الدین از مسماة فصیحه یک پسر ایشان
سید بدر الدین تاکدخدا رحلت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید
جلال از بی بی قطبیه عرف گهاسی سد بنت میر سید قطب ابن سید احمد کبیر از آن
بی بی یک دختر شد نام بی بی لطیفه زوجه میر سید وجیه الدین عرف سید بولن لاولد
نماند نه پسرے نه دخترے میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین
میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از مسماة ربیعه دختر مخدوم شاه
عبد المجید نو آبادی گردید از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر شدند پسر
کلانی میر سید جهانگیر شادی ایشان از بی بی مدینه دختر میر سید عبد الرسول شد
با ایشان یک دختر و سه پسر کلانی پسر میر سید حامد که شادی اول ایشان
از بی بی رمضانی دختر شاه موسی صفی پوری که از اولاد مخدوم شاه صفی

بودند گردید از بطن این بی بی یک دختر مسماة رقیه عرف بی بی چھبیا والده
حضرت شاه محمد یسین ابن میر سید محمد باصر که جد امجد این فقیر بودند اولاد
و اسباط ماند الا شادی ثانی حضرت میر سید محمد حامد از بی بی فاطمه عرف جھاون
خواهر سید شاه اعظم نوآبادی ابن میر سید محمود گردید از ان بی بی اولاد نشد
اولاد دختری ماند و پسر دوم میر سید جهانگیر میر سید حامد بودند بی بی
تمیمه دختر شاه ذکریا فریدی نسب کورجہی گردید یک دختر از ان بی بی
شد مسماة نصیرا زوجه میر سید مظفر ابن میر سید محمود ابن میر سید محمد ابن
میر سید صدر جہان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جهانگیر
میر سید ولی بودند شادی ایشان از مسماة آمنه دختر عم خود میر سید
عبد المقتدر شد یک دختر ایشان مسماة امیمه زوجه میر سید وجیه الدین
عرف سید بولن زیدی نسب مذکور الصدر والد میر سید محمد حسن کیفیت ذریت
ایشان ما قبل تحریر شد پسر دوم میر سید اکبر میر سید مکارم که شادی ایشان
در موضع بی بی پور شد از مسماة رضیه عرف رجو دختر شاه محمد یونس یک دختر
و یک پسر شد نام دختر بی بی مکا زوجه سید شاه اعظم عرف سید ساہ نوآبادی
والده حضرت شاه محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم کدخدائی ایشان
از بی بی رشیدا دختر میر سید جهانگیر گردید ازین بی بی دو پسر و یک دختر مسماة
بنهی زوجه میر سید شاکر ابن میر سید معظم نوآبادی و نام پسر میر سید محمد غوث

که از بی بی بتی خواهر حضرت شاه محمد مبارک که جدا شدند چونکه آن بی بی لیه
کامله بودند در یاد الهی ماندند اولاد نشد و پسر ثانی میر سید غیاث الدین شادی
ایشان نیز در بنی اعمام شد اولاد نشد اولاد دختری ماند به میر سید مکارم
پسر سوم میر سید اکبر بودند میر سید عبد المقتدر شادی ایشان در بهار
در فرزندان حضرات بلخی گردید از بی بی زبیده یک پسر و یک دختر ایشان
نام پسر قاضی سید رکن عالم که شادی ایشان از مسماة غفوراً گردید دختر مولوی
محمد قاسم قائم پوری که فرزند شاه اسمعیل برادر مخدوم شاه عبد المجید بودند
یک پسر و یک دختر ایشان مسماة واصفه زوجه شاه بدر الاسلام برادر شاه
محمد ولی کورجوی اولاد نشد الا پسر بودند میر سید عالم در عهد ایشان عهده قضا را
آمد قضا ازین خاندان شد جدا که خدائی ایشان شد از حضرت بهار محله
منتقیانه از مسماة سکینه دختر میر سید محبوب عالم الحصول دو دختر ایشان
شدند مسماة اقلیمه و مسماة وسلیمه مسماة اقلیمه زوجه شیخ اله یار مادر شیخ محمد یار
دو پسر ایشان شاه مراد علی و شاه شمس الحق پسر ایشان وزیر علی ساکن
هرگایان و دختر شاه محمد یار زوجه شاه وعد الله پهلواری نواسه حضرت
شاه مجیب الله یک دختر ایشان زوجه مولوی شاه ابو تراب ابن حضرت
نعمت الله یک پسر شد شاه عبد الکریم اولاد نماند و نام پسر شاه وعد الله شاه
از بی محمد یوسف یک دختر ایشان زوجه مولوی محمد حسین ابن حضرت شاه نعمة الله

اولاد ایشان نیز نماند و نام پسر بگانے شاہ محمد یار شاہ مراد علی کہ از دختر شاہ
عاشوری انصاری کہ خدا شدند دو پسر ایشان شاہ داود علی کہ شادی
ایشان نیز در بہار محلہ انصاری شد دو پسر ایشان شاہ ممتاز حسین عرف الف حسین
الا پسر دوم شاہ مراد علی شاہ محمد اکبر یک دختر ایشان زوجہ شاہ ظہیر الحق
ابن مولوی ظہور الحق الا دختر دوم میر سید عالم بی بی وسلیمہ شادی ایشان
در موضع بی بی پور گردید از میر سید امجد علی کہ پسر خواہر میر سید قاضی کرم علی
بودند یک دختر این بی بی مسماۃ کلیمہ عرف بی بی گوندر زوجہ قلندر علی ابن
شیخ ابو تراب فریدی کورجوی یک دختر و پسر با نام طفلی وفات یافتند الا یک
پسر نام نامی میر سید حسین بخش بودند سیادات باقری یک دختر ایشان
از محل اولی زوجہ مولوی سید اشرف علی نوآبادی ابن سید شاہ یحیی علی و از
زوجہ ثانی دختر شاہ احمد علی داماد شاہ علیم الدین سجادہ نشین دو دختر و یک پسر

	شاہ اظہر حسین	

خاتمہ کتاب انساب در بیان اجداد این خاکسار معروف سیادات
باقری در ذکر اولاد میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین
ابن سید تقی الدین عرف میر سید بوڈھی کالپوی بیان ہر یک

	اصل و سہ فرع و چند ثمرہ شجر	

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بوڈھی از وطن بلند

رفتم بهر ملاقات او پدرا و میر امجاد حسین بمن گفتند برادر پدر تو هستم از بی
اهتمام این کلفت آمده بحضرت والد ماجد عرض نمودم فرمودند لاریب از اولاد
سید حامد هستند چراکه مینا پوری اند در موقع مینا پور و جهجر دران میر سید حامد
هستند بدینوجه نسب برادری کردند بیان و نیز از میر امجد علی ساکن جروه
ملاقات مذهب تشیعه داشتند خود را از اولاد میر سید بوڈهی میگفتند از فرزندان
میر قائم و میر دائم القصه چون جناب حضرت میر سید قطب الدین در شهر پٹنه
شدند مقیم مشغل بود شیوه پیری و مریدی طور خاندان قدیم جستجو بست میر سید
صدر جهان در خاندان شرفا بجا کردند اتفاق وقت قاضی سید عبد الفتاح
عرف قاضی بڈهی در دانا پور بمنصب قضا پرگنه پهلواڑی بودند اقامت گزین
از سیادات رضوی نسبت دختر خود در خاندان شرفا میخواستند عند الادراک
از جانبین شد قبول کتخدائی میر سید صدر جهان از بی بی مجیده دختر قاضی
سید بڈهی شد الا اقامت میر سید صدر جهان در خانه آبائی ماند و در دربار
شاهی دهلی عهده جلیل کردند حصول بخطاب امیر الامراء پسر ثانی میر
سید قطب الدین بود حضرت شاه پهول برگزیده خدا و رسول مقبول
اهل کمال حضور ماندند و نیز خواهر شان ولیه کامله بی بی النور عرف بی بی
چلتهی اسم شادی نکردند قبول فاتحه هر دو برادر و خواهر در خاندانهم
در شب برات بطور توشه می شود مانده و شکر در روغن حلوا بغیر آب بسازند

تیار بجز فرزند دیگر نمی خورد چون فرزند نداشتند فرزندان برادر را گفتند
فرزندان نیاز تو شده بودند اما نمی خورند حتی که نواسه نیز این دختر دختران
می بزایند با احتیاط تمام زوجه فرزند نمی بزایند بسبب و دان نمی بینند خدا داند
چه اسرار است بدین گفتار مزار هر دو برادر و خواهر واقع هست در محله
کهجور کتره کهجوری کلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین
برادر حاجی پور پائین مزار پدر بزرگوار دفن نمایند مطابق کلام حدیث شریف
الجنة تحت الاقدام امهاتکم چنانچه وصیت فرزندان تعمیل نمودند چنانچه
مزار حضرت میر سید تقی الدین سید بوڈھی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع است
و پائین مرقد میر سید قطب الدین است در زوجه هر دو نیز نگ نیز زیارت
کرده ام جاے پر فراہی ہست اہل حاجت را میشود حاجت بر آر الحاصل
چندیست سکونت در عظیم آباد ماند حالا دانا پور که آینده کیفیت سکونت نگاشته خواهد شد

شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

	بر فرع بکیفیت هر یک پسر	

در دو فریق حتی

واضح باد میر سید صدر جهان از بطن بی بی حسینی شود این نیز فقیر ست میر
کلانے میر سید محمد نسبت شادی اولادشان شیعه مذهب گفتند که من از اولاد
ثانی میر سید اولیا فرزندان این هنگام قیام در قصبه چهپره جناب حضرت
پسر سوم میر سید عبد الواحد فرزند ملاقات شد سید امداد حسین بود نام روزی

انتقال در انجا در ایام سفر در اولاد شاه عبد الله کرمانی انصاری که
هنوز در انجا مزار فائض الانوار است بمقام خسک بیکره شادی نمودند و لا
شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والد ماجد جد امجد در ایام سیاحت
از اولاد شان نمودند ملاقات و کردند ادراک کفویت نسبی بیان کردند
باهم سید باقری از فرزندان سید بوڈهی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین
بوڈهی واضح باد پسر سید قطب الدین را دو پسر و یک دختر و نیز برادر متوسط
باند همراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدائی بخانه بشرفا مز
ایجوا پیر سید صدر جهان پسر کلانی مفقود گردید مسعود این خبر شنید
نزد آنجناب فرستاد پیام بهر مصاهرت از دختر خود که بود جمیله و عقیله آنجناب
تامل نمودند در جواب هیچ نظر نمودند بار دوم بذریعه نامه شد خواستگار جواب
نوشته فرستادند بدو کلمه بالاختصار ای بادشاه دین پناه تو بادشاهی هندشم
سید با جلین زبده اولاد افاغنه مشغول و این فقیر حقیر خلاصه ذریت از
شاهی دهلی عهد ذات و نیز بفرقه شعار و پیر مریدی ایچه طور باشد قبول الحاصل مصاهرت
سید قطب الدین بود حضرت مضمون نامه دیده چین بر جبین کشیده گردید ملول
اهل کمال حضور ماندند و نیز خواهر شه اگر از من مصاهرت نمی رسید بر آنجناب
چلتهی اینهم شادی نکردند قبول فاتحه هاشمی خویش کرد فوراً ترک وزارت
در شب برات بطور توشه می شود مانده و شکر در گردند لهذا انجا هر جا خاطر گشته

مع اهل وعیال عزم شهر پټنه عظیم آباد نمودند برادر متوسط خود را مجبور شدند
همراه آوردند میر سید حامد در آمدن بمعیت حیله وحواله کردند انکشاف شد باینجناب
تو بطمع وزارت از وسیخواهی مصاهرت خود شیت من قطع نموده مصاهرت
تو رافضی گشتی مغل شدی بطلب مراد هستی خیر خدا داند که تو ننگ خاندان
شدی القصه از آنجا مع اهل عیال عبور گنگ شدند جاے تجویز کرده
بیرون شهر تکیه مسجد بنا ساخته اقامت کردند میفرمودند جناب حضرت
جدالامجد انجاسے آباد بود قریب گور غریبان حالا اندر شهر داخل است
قریب کچهوری گلی محله کهجور کنره وحال اولاد میر سید حامد بسبب دعا جد برادر
همان شد که از دختر مسعود شاه شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشده
ان منصب دخترش نیز بمرد اولاد آن بزرگ مذهب رافضی دارند و
مصاهرت درمیان افغان و مغول جاری ست باستماع آمده بعد چند مدت
بین اولاد هر دو برادر مصاهرت گردید نوشه وعروس وقت مراجعت
بارات در دریا شدند غرق بعده ممتنع مصاهرت شد مابین هر دو فریق حتی که
شادی نسب ناسازواری بعبور گنگ نیز نمی شود این هیچمدان فقیر ست میفرمودند
روزی عندالملاقات میر ابراهیم علی جهجری شیعه مذهب گفتند که من از اولاد
سید حامد ابن سید بوڈھے هستم وهنگام قیام در قصبه چهپره جنابحضرت
والد ماجد از شخص از بین حقیر رابطه ملاقات شد سید امداد حسین بود نام روزے

استماع است از حضرت جد امجد بدین طور که مستمع شدند از آبا اجداد خود هرگاه
داود شاه بادشاه ابن محمود شاه بادشاه کالپی که از مریدان اینخاندان بود
از وطن خود آمده سلطنت دیار شرقی گرفت و مقام حاجی پور عبور گنگ شهر پتنه
تختگاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کالپی عریضه به پیرزادگان حج
نوشت بدین مضمون که از حاضری خود معذورست بسبب سلطنت اینجا رمیخواهد
اگر ازینجا کسے صاحبزادگان تشریف آرند بدینجوار پردستان عالی تبار بیعت
نمایم و اگر مع اہل تشریف آرند نذر نمایم سد معافی و دیهات بهر اخراجات وغیره
منقول است هرگاه بدینطور نامه شاهی شهر کالپی بمحله محمود پوره رسید
باخود با دراحوال اولاد میر سید محمد کالپی و میر سید احمد کالپی و میر سید ارشد
کالپی شوره گردید بدینمعنی که درینجا هنوز پیری مریدی سلسله آبائی جاریست
وایمه ونذر درگاه بهر مدد معاش از عطیه سلطانی موجود است بهر کفاف حاجت
رفتن بدینصوب مناسب نیست که برویم واین را ترک نمایم اگرچنین استدعا است
داود شاه بادشاه از برادرانم میر سید تقی الدین سید بودهی درانجا روند
چراکه هم از پای اند معذور صرف بسیار عیال وار رفتن ایشان پر ضرور است و کلا
اوقات پاے شکسته نشسته چون صلاح اخوان چنین شد بالحصول جناب حضرت
میر سید تقی الدین مع اہل وعیال از کالپی روانه شدند بدین دیار و رسیدند
بمقام حاجی پور داود شاه تکریم نمود و بیعت کرد حصول و معین نمود و دیهات

بهر کفاف بعد معافی می نگارند چون تشریف همراه آوردن آنحضرت زوجه بودند و سه پسر
یکی میر سید قطب الدین که شادی این بزرگ در وطن خود از دختر عم بی بی نعمت
دختر میر سید عبد الحی ابن میر سید جلال الدین گردیده بود و نام زوجه حضرت
سید تقی الدین سید بوڈهی بی بی خدیجه بود عرف بی بی پهول چنانچه موضع
پهولپور بطور نذر بعد معافی بی بی صاحبه نموده بود دومی پسر میر سید علی نوجوان
القصه بعد چندی داود شاه لیاقت جوهر و صفائی دیده منصب وزارت بحضرت
میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص بصرف آنجناب نذر نمود
ازحال موضع چیهر موسوم شد بنام قطب پور چیهر هرگاه جلال الدین اکبر شاه
نهضت از دهلی نمود بهر ملک گیری دیار شرقی داود شاه خبر آمدن بادشاه
اکبر شنیده در خود تاب مقابله ندیده سوی دیار شرقی کرد فرار در انجا رفته بر سلطنت
حسین شاه بادشاه بنگاله مسلط شد آن تاب مقابله نیاورده بال هراس آن
جان و شمشیر زنی شود هر باد خون ناحق بر سر من افتد بافتاد و ترک سلطنت کرد
صحرا نشین شد عرلت چون بمقام حاجی جلال الدین اکبر شاه رسید داود شاه
را ندید گفت فرار شنید پسر داود شاه بحضور بادشاه دست بسته بعذر خواهی رسید
بادشاه قلم عفو بر جرائم کشید خراج بر و مقرر نمود تاج بخشی کرده روانه سوی دهلی شد
مسعود شاه بفارغ بالی سلطنت نمود منقول است همراه لشکر داود شاه میر سید علی
پسر سوم میر سید بوڈهی نیز بدان صوب روانه شد ند چراکه والد را جد کرده بودند

باند ند اولاد ایشان حالا در کورجی اند

فرع اول شجره اصل

وارضح گردد که خدائی میر سید محمد پسر کلانی در نوا باده خورد گردید در اولاد
حضرت خوند شیخ گردید و برای اعمام حضرت مخدوم شاه عبد المجید
نوا بادی ساکن نوا باده کلان از بی بی هدیه از بطن این بی بی پنج پسر شدند
یکی میر سید محمود دومی میر سید عبد الرزاق سومی میر سید عبد الوهاب
چارمی میر سید تاج الدین پنجمی میر سید نظام الدین شادی این برادران
هر چهار گردید در اطراف جوار بکفیت شرفا رنا مدار الا کیفیت ذریت ایشان
هر یکی دریافت نشد که درین اوراق تحریر می نمود الاسماع هست از بزرگان
ذریت میر سید نظام الدین در موضع رسولپور بودند و اولاد بعضے در نظام پور
و اولاد بعضے برادر در کسرپور الا سفر مود شاه کریم بخش مجذوب ساکن
تهمه از اولاد و بستگان میر سید عبد الرزاق یا میر سید نظام اند میگفتند
نسب مصاہرت و یار دیار بعد چهار شد الا کتخدائی میر سید محمود در نوا باده
کلان شد از بی بی تاجا بنت مخدوم شاه عبد الحی ابن حضرت مخدوم شاه
عبد المجید که ان بی بی عارفه صاحب کمالات و کرامات بودند در خاندان هست
مشهور از انوقت اقامت اولاد میر سید محمود در نوا باده شد چرا که دیگر اولاد
پسری نماند باید دانست میر سید محمود را از بطن این بی بی دو دختر و پسر

شدند اول کیفیت دختران بعده ذکر آن که طویل است یک دختر را نام بود
بی بی فاطمه عرف بی بی جهانون زوجه میر سید محامد ابن میر سید جهانگیر
داناپوری از بطن این زوجه اولاد نشد بعد انتقال شوهر در نواباده شدند
مقیم دومی بی بی کریمه از شیخ امان الله کدخدا شدند سه پسر ایشان یکی
شیخ عظمت الله دومی شیخ احمد الله سومی شیخ عزت الله از الجمله شیخ احمد الله
لاولد پسر شیخ عظمت الله شیخ شریعت الله اینها از فرزندان مخدوم شاه صفی
صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند موضع قائم پور
بوده است یک دختر میر شیخ امان الله بودند مسماة حیاتن در اقران کدخدا
شدند و احوال شادی شیخ عظمت الله و شیخ شریعت الله دریافت نشد الا
شادی اول شیخ عزت الله پسر سوم شیخ امان الله از دختر شیخ اسمعیل ولد
مولوی محمد قائم قائم پوری شده بود که از یکی بندگان مخدوم شاه عبدالمجید
نوابادی بودند از بطن این زوجه یک پسر مسمی به شیخ الله یار که از دختر
میر سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم رضوی داناپوری شد شادی
از بطن آن بی بی مسماة اقلیما شیخ محمد یار پسر شدند والد شاه مراد علی و
شمس الحق کیفیت بتصریح بالای این تحریر شد و شادی دوم شیخ عزت الله
از بی بی ابدال دختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره گردید از بطن
آن بی بی یک دختر بی بی ملیحه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد داناپوری که

قدس سره و نیز تربیت معنوی عمر شد تمام بکمال عزت و جاه و جلال شادی
اول ایشان گردید از دختر بی بی حیبا زوجه شاه عنایت حسین که داماد
و خواهرزاده شاه فتح علی شیعی بودند ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی حسینه
اولاد نشد از ان بی بی تا که رحلت کردند شادی ثانی از دختر قاضی اصغر حسین
خواهر سید عابد حسین گردید انهم فوت شدند اولاد نشد از عقد ثالث که نام
بی بی گلاب بود یک صبیه متولد شدند مسماة وجیها النسا از سید شاه علی احمد
ابن سید شاه ولی احمد بلخی کدخدا شدند چند دختران از بطن این عفیفه شدند
هریکی جابجا در شرفا منسوب شدند فرزندان دختری اند که پسر نیز تولد شدند
در عالم طفولیت فوت شدند شاه احسان الدین دو برادر و چهار خواهران
بودند اولاد یک خواهر بی بی لکھو شاه نورالدین احمد عرف شاه لسان
و شاه کریم الدین و شاه منیرالدین احمد عرف شاه محمدی اند کیفیت اولاد
ایشان در فرزندان حضرت مخدوم الملک نوشته شد باقی حال خواهران
هرسه دریافت نشد الا برادر ایشان میر زین الدین یا میر حسین الدین عرف
میر حسین بودند همزلف میر برکت علی فریدپوری یک دختر ایشان زوجه
میر بهان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان مهدی علی خان پسر ایشان
هادی علی خان موجود اند و دو پسر یکی میر امانت علی اول شادی ایشان
میر برکت علی فریدپوری یعنی از خواهر مولوی سید امان علی شده بود یک دختر

شد زوجه شاه قمر الدین احمد ابن شاه منیر الدین احمد عرف محمدی چون آن
فوت شد هرگاه شادی ثانی میر ممدوح از دختر مولوی نصیر الحق نمود و یک پسر
و دو دختر شد بعالم ضعیفی یک دختر باز منسوب کردند از شاه قمر الدین مذکور
و یک دختر زوجه میر الفت حسین پسر نواسه میر حسین مذکور و پسر را نام ملی الحق
میر حسین را یک دختر دیگر نیز بود با در سید اختر حسین و جده سید الفت حسین
مذکور و پسر دیگر منشی سید عبد العلی خوشنویس داماد حضرت شاه اولیاء علی

مذکور الصدر درینجا ترکی تمام شد

ثمره دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی مسماة بی بی عابده زوجه شاه فتح علی شیعی

واضح باد بی بی عابده دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاه فتح علی
شیعی نسب شیخپوروی کدخدا شدند از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر
یکی بی بی حسینا که از شاه عنایت حسین شیخپوروی خواهر زاده شاه
فتح علی مرحوم کدخدا شدند و دو دختر شدند یکی زوجه منشی سید محمد خلیل
که اولاد شان کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاه ولایت علی نوجوان
رحیل ملک بقا شدند دومی شاه امجد حسین مدعو بپیر جی که در عهد
نواب احمد علی خان ذوی اقتدار بودند اول شادی ایشان از دختر خال خود
میر سید نور الدین احمد شد از مسماة هرادن النسا چون ازان بی بی

سید اکبر و دو پسر و دو دختر بوجود آمد یک دختر زوجہ حضرت شاہ محمد مبارک
مسماۃ مدینہ ثانی مسماۃ زاکیہ زوجہ شیخ عتیق اللہ عرف شیخ کنہائی ابن
شیخ ولی اللہ پدر مسماۃ دھومن گردید نام پسران انجناب بو وسید شاہ کرم علی
نام سید رؤف کتخدائی ہر دو برادر در داناپور از دختران اعمام شد

اولاد نماند جز اولاد دختر

ثمرہ سوم در ذکر میر سید محمد مظفر فرزند سوم میر سید محمود ابن میر سید محمد و
بدانند میر سید محمد مظفر را شریعت و تربیت تعلیم از برادر اعظم بود و شادی ایشان
از بی بی رحمۃ دختر میر سید حامد ابن میر سید جہانگیر گردید یک پسر شد از ان
بی بی مسمی سید حیدر نوجوان مجرد اعقاب نماند ذکر فرزندان میر سید محمد ثانی
باز اعادہ مینمایم بتصریح نام پسران میر سید حامد محمود و میر سید نور الدین احمد
و نام دختران مسماۃ باصرہ زوجہ اولی حضرت سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت
شاہ محمد یسین داناپوری از بطن این بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر بود
غلام نبی بعمر دو سالہ بحبر دالا دختران دختر کلانی مسماۃ باصرہ بی بی مجیدہ
از میر سید احسان الدین رہدی نسب ساکن بانس بیگہہ کہ خدا شدند از بطن
این بی بی یک دختر شد و دو پسر نام دختر بی بی نجیدہ کہ خدا از شیخ
محمد منیر انصاری پھلواری کہ پسر روح عمہ آن بی بی بودند در صغر سنی بیوہ
شدند اولاد نشد پسر کلانی میر احسان الدین سید شاہ اولیا علی بیعت

ایشان را تربیت بطریقه عالیه قادریہ از حضرت شاہ نعمت اللہ قادری
مجیبی وارثی سجادہ نشین پھلواری و شادی ایشان نیز در قصبہ پھلواری
گردید از خواہر شاہ محمد اشرف عرف اچھو میان ابن سید شاہ رحمۃ اللہ
عرف بہت ... ابن شاہ بزرگ عالم ابن سید شاہ احمد ابن سید شاہ محبوب عالم
ابن سید شاہ عزیز اللہ ابن سید شاہ حبیب اللہ ابن حضرت مخدوم شاہ
فرید ابن مخدوم شاہ اسمعیل ابن مخدوم شاہ محمد جمال ابن سید شاہ انور
عرف شاہ بیکہ ابن مخدوم شاہ حاجی ابن سید فضل اللہ ابن حضرت
شاہ سہم اللہ سفید باز علیہم الرحمۃ گردید کہ در اولاد حضرت مخدوم شاہ سہم اللہ
بودند نواسہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر جگجوت نام زوجہ بود بی بی وصیت
کہ عمہ مولوی محمد حبیب و مولوی محمد یعقوب پدر مولوی رضی الدین مولوی محمد ابراہیم
صدر اعلی بودند ابنان شاہ محمد اشرف الغرض از بطن این بی بی یک پسر شدند
نوجوان رحلت کردند نام بود محمد اتقیا و نیز یک دختر مسماۃ مدیحہ عرف مدو
زوجہ منشی سید عبد العلی ابن سید زین الدین عرف جیتن برادر سید احسان الدین
مذکور الصدر لاابن بی بی اولاد نشد و پسر ثانی سید احسان الدین تربیہ جلیل
منشی بعدیل خوشنویس فتی سید محمد جلیل تربیت ظاہر از خال شد سید شاہ
شمس الدین حسین و رخوشنویسی تلمیذ نواب احمد علیخان بیعت ایشان را
بطریقہ عالیہ ابو العلائیہ نقشبندیہ از جناب حضرت سید شاہ خواجہ ابو البرکات

این جناب حضرت سید شاه محمد یٰسین قدس سره الا اولاد نشد

ثمره اول شجره اول بذکر فرزندان میر سید محمود ابن میر سید محمد

باید دانست میر سید محمود سه پسر میر سید اعظم عرف سید شاه یاد دویمی میر سید معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شاه یا پسر کلانی که صاحب کمالات بودند و تصرف و کرامات بانحضرت بیعت و تربیت باطنه بیکی از خوان دانا پور از میر سید محمد دانا پوری بطریقه عالیه چشتیه بود حصول عارف بالله بودند صاحب وجد و حال با کمال شادی آنحضرت در دانا پور شد از بی بی مکا دختر میر سید مکارم رضوی دانا پوری ازان بی بی یک دختر شد بی بی بنی زوجه میر سید محمد غوث از بیره میر سید مکارم اولاد نشد الا خلف الرشید حضرت بودند حضرت شاه محمد مبارک قدس سره شمع بزم مشایخین زمانه حالات آنحضرت چنین هست که در اوائل عمر از وطن به نیت تحصیل علم ظاهر و باطن سیاحت کردند اختیار با بعضار و دیار بحیات والد ماجد و جیان ست بزرگان بعد تحصیل علم ظاهر از شهر دهلی رفتند بسوی حیدر آباد ملک دکن از عمده المشایخین العزة العارفین ملازمت شد حصول بیعت کردند بطریقه عالیه قادریه و از تربیت العلم باطنه یافتند رتبه کمال در خدمت ماندند چند سال چون بست سال گذشت در بهت سفر و مفارقت پدر بزرگوار طلب والد ماجد خود از انجا سوی وطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در

حاضری صحبت دقائق باطنہ انکشاف شد چنانچہ والد ماجد نیز از طرف خود
بسلاسل خاندانی مجاز کردہ روبروے خود سجادہ نشین خود نمودند چونکہ
استعداد وافر داشتند بطلب فیض باطنہ بعد انتقال والد ماجد در عظیم آباد
رفتہ بصحبت حاجی تاتار ماندند آنجناب را طریقہ تربیت وتعلیم سرہندیہ
مجددیہ بود رشد ظاہر شد بسیار فیضیاب شدند مردمان اطراف و دیار
در زمان نواب علی وردی خان مہابت جنگ وعمر شریف نیز قریب نود سالگی
رسیدہ بود کہ رحلت کردند شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی مریم
دختر میر سید محمد معظم دو دختر ویک پسر شدند با نحضرت نام دختر بی بی
ابدال زوجہ شیخ عزت اللہ مذکورۂ بالا دختر ثانی بی بی دولت جہان
کہ یکے از عارفہ کاملہ بودند زوجہ حضرت سید شاہ محمد یسین دانا پوری آنجا
میر سید محمد ناصر وپسر را نام بود میر سید محمد ایشان را نیز بیعت وتربیت
از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی از بی بی حیات دختر ابن شیخ
امان اللہ گردید ذی اولاد شدند دو پسر وچار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمود خواہد نگاشت چرا کہ ذکر طویل است

ثمرۂ دوم دربیان کیفیت میر سید محمد معظم پسر دوم میر سید محمود

واضح باد میر سید محمد معظم را بیعت وتربیت وتعلیم معنوی از برادر اعظم خود شادی
ایشان در دانا پور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبد المقتدر ابن میر

زوجه شاه لطافت علی شیخپوری والده میر عبدالحسین که ذکر اولاد
ایشان نموده شد پسر دوم بی بی عابده زوجه شاه فتح علی مذکور سید
شاه ابراهیم حسین عرف شاه بھوچو که ایشان را بیعت بطریقه فردوسیه
از جناب حضرت مولوی سید شاه حسن رضا قادری منعمی شد حصول
و نیز تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید دو دختر شدند
یکے مسما بیگن زوجه مولوی فرحت علی کورجوی یک دختر ایشان بی بی
مریم زوجه شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکوره بالا ذی اولاد
شدند دختر ثانی مسماة رحمن زوجه سید معظم ابن میر مظفر حسین عرف
میر کلو یک پسر و یک دختر ایشان پسر سید امیر الدین و دختر را نام مسماة
حیاتن زوجه میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین وکیل صدر ساکن
بھپھو یک دختر ایشان مسماة براتن زوجه میر لطافت حسین والده سید شاه محمد حسین
و شاه ابراهیم حسین را از بطن منکوحه دو دختر بودند نیز ذی ولداند و یک پسر
شاه نعمت حسین و دختر ثانی شاه فتح علی و بی بی عابده مسماة اماما النسا
زوجه شاه خادم حسین عرف شاه بھجو سجاده نشین آستانه حضرت
سید محمد پیر دمڑیا چون اولاد نشد هر که معاش از جانب زوج خود بسیکی
بنت البنت برادر مذکور الصدر روا دند مالک ملکیت نمود تا آن معاش
بقبضه میر لطافت حسین داماد میر شجاعت حسین مرحوم هست میر لطافت حسین

ازین بی بی چهار دختر نیز اند علاوه پسر سید حامد حسین شادی سید شاه حسین
ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید واجد حسین
شده ذی اولاد اند ماشاء الله ان نور دیده لیاقت هر گونه دارند بعربی و فارسی
حیثیت تمام الله تعالی اولاد یعنی پسر با دعطا فرماید ثمره سوم در ذکر دختر
سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم کدخدائی ایشان بقصبه منیر از شاه
کرامت الله ابن شاه نجابت الله گردید اولاد نشد ثمره چهارم در ذکر دختر
چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی علوی نسب ساکن
نظام پوره کدخدا شده اند از بطن این عفیفه یک دختر و یک پسر شد میر
غلام صمدانی که از دختر شاه نور الحق نوآبادی کدخدا شده اند اولاد نشد دختر
بی بی عارفه مسماة معروفه با دشاه جنگلی که از دختر شاه شمس الحق ابن شیخ محمد یار
کدخدا شده اند و او دشاه جنگلی شاه محمد اسحاق اصل سکونت قصبه بهاره انصاری

	انصاری نسب در اقران مولوی اعظم الحق	

ثمره اول شجر اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد میر سید محمد ثانی الحسینی

نور باد پسر کلانی میر سید محمد ثانی میر سید حامد محمود که زیب سجاده جد بزرگوار
بودند ذی اقتدار صوبه اس شادی ایشان از مسماة ترکینا دختر مولوی
شاه احمد نوآباده خورد شد یک دختر ایشان مسماة نجمن که شادی ایشان
از شاه ضیاء الحق ابن شاه نور الحق ساکن نوآباده خورد گردید دختر ایشان

یکی مسماة مخدومه زوجه جناب حضرت شاه یحیی علی که ذکر ذریت ایشان بالا گذشت
دومی مسماة مستقیمه اولاد نشد بایشان سومی مسماة سکینه زوجه شاه محمد یعقوب
بعین الحق ذکر اولاد ایشان در نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر تکرار نیست

ثمره دوم شجره اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد فرزند ثانی
میر سید نور الدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب هر چهار پسر

باید دانست میر سید نور الدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلانی محیط و
قابض بر معاش پدری و جدی شدند تا قبل در حیات برادر خویش مطیع ماندند
هر برادر کلانی و ثانی هر چهار خواهران را از ترکه آبائی محروم ساختند و کار خود
پرداختند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الله ابن حضرت شاه محمد یسین
که بزوجه خود مسماة ناصره دادند در آنهم شریک شدند شادی میر سید نور الدین احمد
یکی بعد دیگرے از دو دختر شیخ شریعت الله ابن شیخ عظمت الله ولد شیخ
امان الله کرده بود از هر دو بی بی دو دو پسر شدند نام زوجه اولی بی بی فاضله عرف
بی بی فضلو از بطن این بی بی دو پسر و یک دختر زوجه ثانی نام بود بی بی

	حلیما دو پسر از ایشان نسب اول ثمره دوم	

در ذکر پسر کلانی میر سید مظفر حسین عرف شاه کلن نبیره سید محمد ثانی
بیعت ایشان از جد امجد یا از پدر بزرگوار بود صاحب سجاده شادی اول

ایشان

ایشان در موضع ہلسہ از دختر میر ولی اللہ محمد میر سید عظیم الدین رضوی
شدہ بود نام زوجہ ایشان معلوم نشد یک پسر شد ازین زوجہ میر سید معظم
داماد شاہ ابراہیم حسین ابن شاہ فتح علی زوج مسماۃ رحمن یک دختر مسماۃ
حیاتن زوجہ میر شجاعت حسین مذکور الصدر پسر سید شاہ امیر الدین کہ از دختر
میر اسمعیل علی ابن سید فرزند علی ساکن صدر گلی عظیم آباد کدخدا شدند یک دختر
و یک پسر ایشان دختر مسماۃ علیمہ زوجہ سید محمد واجد ابن شاہ حسین علی
لاولد در مکہ معظمہ وفات یافت و نام پسر سید مظہر حسین کہ از دختر میر جعفر علی
بہاری داماد میر سلامت علی ساکن جونری کتخدا است اللہ تعالے ذی ولد نماید
و از شادی دوم میر مظفر حسین دو دختر کہ از دو پسر مولانا مسافر رحمۃ اللہ علیہ
کدخدا شدند کیفیت ذریت دریافت نشد الا پسر عالی قدر میر مظفر حسین سید
ہدایت حسین رعو جلو اول شادی ایشان از بی بی حسینا دختر شاہ
محمد یعقوب علیہ الرحمہ شدہ بود اولاد نشد از شادی ثانی کہ از خواہر شاہ
محمد علی شیخپوری شد دو پسر نام یکے سید سخاوت حسین نام دومی یاد نیست
از خواہر این ہر دو برادر زوجہ شاہ امین الدین احمد ابن شاہ امیر الدین
علیہ الرحمہ سجادہ نشین بہار و خواہر شاہ مظفر حسین مسماۃ مرادن زوجہ

	شاہ احمد حسین عرف پیر جی مذکور الصدر اولاد نشد	

نسبت دوم ثمرہ دوم شجرہ اولی فرع اول اصل اولی در بیان

ذکر سید شاہ فرحت حسین عرف جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد

پوشیدہ مباد میر سید فرحت حسین عرف شاہ جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد
لیاقت ظاہری کم و فہم بسیار داشتند کدخدائی ایشان از دختر منشی علی حمید
کہ یکے از فرزندان مخدوم شاہ صفی صفی پوری بودند گر دید عمر خود بلیاقت معیشت
بکر و فرگذرانیدند از منشہ تقدیری کسی اولاد نشد برادرزادہ کلانی میر سید
محمد معظم پسر میر مظفر حسین را پسر متبنہ ساختند و حصہ ترکہ معاش خود بان
فرزند دادند مالک و قابض آن ترکہ پسر شان سید شاہ امیر الدین گشتہ حالا پسر شان

نسب سوم ثمرہ دوم شجرہ فرع واصل اولی در ذکر اولاد میر سید احمد حسین

پسر سوم میر سید نور الدین احمد

انور باد پسر سوم میر سید نور الدین احمد میر سید احمد حسین بودند کہ لیاقت
و حیثیت ظاہر و باطنی بسیار داشتہ در مزاج امارت و تزک بود کمال شادی
ایشان از مسماۃ لطیفا بنت حضرت سید شاہ اطیب اللہ اولاد و
سجادہ نشین میر سید محمد قادری اچھری گشتند از بطن ابن بی بی دو دختر
و یک پسر شدند دختر اول زوجہ میر محامد حسین ابن میر حامد حسین و دو دختر و
یک پسر ایشان یک دختر زوجہ سید افضل حسین و دو پسر شان دوم دختر
شاہ فرید الحق ابن شاہ ظہور الحق و نام پسر سید امجد حسین و نام
داماد شیر سید شاہ فضل حسین قادری ایشان را بیعت از جناب حضرت

جد ماجد من حضرت سید شاہ غلام حسین دانا پوری در بیعت باطنیہ از حضرت
سید شاہ یحیی علی رحمۃ اللہ علیہ بفضلہ تعالی ہر گونہ لیاقت و حیثیت ظاہر
و باطنی دارند صاحب سلیقہ شادی اولین ایشان امر دختر خال شدہ بود
یعنی از مسماۃ وحیدن دختر سید شاہ عبد الرشید عمی عرف شاہ جمی ابن حضرت
سید شاہ اطیب اللہ رحمۃ اللہ علیہ پھپھرہی چون ازان یک دختر شدہ بود
انہم نماند و بعد عرصہ کردہ زوجہ انتقال و حسب ایام بموضع نیاوان پرگنہ
اوکری کہ معاش جانب حصہ مادری و خسر پورہ ہست تکلف بسیار باعزاز
حال خود بنا بند سہ سال از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر تقی اللہ ساکن آپورہ
شادی ثانی کردہ اند بفضلہ تعالی یک دختر تولد یافتہ شد نام غوث بانو
نہادہ اند بحرمت حضرت پیر دستگیر غوث الثقلین ترقی حیات کشیدہ

خواہر خورد سید شاہ فضل حسین زوجہ شاہ محمد باقر مرحوم ذی اولاد شدند

ثمرہ چہارم از شجرہ اولی فرع اول اصل اول در بیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چارمی میر سید نور الدین احمد نوابادی

میر ہمن باد شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بھیکو ساکن مادو گدہ
و بیعت ایشان را نیز از حضرت جد ماجد این فقیر ست کہ بقرابت جدی
بنا در بودہ اند صاحب توقیر و ذی مدبر بود میر حامد حسین صاحب اللہ تعالی
سہ پسر و دو دختر با ایشان بخشید و آنہا نیز ذی اولاد ہستند پسر کلانے میر سید

حامد حسین مذکور الصدر را با دمیر احمد حسین عم خود دختر کلانے ایشان از سید
افضل حسین عرف محمد حسین ابن سید شاه غلام حسین سملوی که خدا شد و لیشر
یکی ازان سید الفت حسین که شادی اول از دختر شاه مظهر الحق گردید چون آن
زوجه اولاد گذاشته رحلت کردند شادی ثانی از خواهر شاه فرید الحق ابن
شاه ظهور الحق گردید دختر دوم سید مجاهد حسین که از شاه فرید الحق منسوب آنست
ذی اولاد نیست نام پسر سید امجد حسین شادی این عزیز بجاے بهترین
و صاحب ذی ثروت بود قضا نموده یعنی از دختر پسر میر مقصود علی ساکن
لکهور جا لاهور شادی نکرده انشاء الله تعالے توفیق بخشد پسر ثانی میر سید حامد حسین
میر سید کرامت حسین که لیاقت ظاهری بسیار داشتند کدخدائی ایشان
از دختر شاه احمد علی بهاری گردید یک پسر و دو دختر ایشان شد پسر سید
ولایت حسین مفقود الخبر دختران منسوب بجا نهاے بهتر مذکور الصدر
ذی اولاد اند پسر سوم سید امانت حسین نوجوان فوت شده الاخلف الرشید
چهارم میر سید کفایت حسین که انیس همیم این فقیر اند صاحب سلیقه و
تدبیر شادی ایشان از دختر میر امجد علی ساکن کراے پرسراے گردید بعد
چون آن بی بی قضا کردند باز بطرف شادی نشد اقتضاے اولاد ندارد بجز برادر ان
بیعت این هر دو برادران از والد ما جد خود است صاحب اجازت و کلانے برادر ان
بیعت از جناب سید شاه یحیی علی قدس سره بطریقه عالیه چشتیه گردید چراکه

اسلاف

اسلاف بایان همه چشتیه طریقه بیداشتند و خواهر ثانی ایشان زوجه

میر اسمعیل علی ابن میر فرزند علی اولاد نشد ازان بی بی

فرع دوم اصل مجمل یا اولاد سوم میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین
باقری نسب در بیان اولاد میر سید عبد الواحد پسر سوم میر سید صدر جہان
واضح باد حضرت میر سید عبد الواحد پسر سوم میر سید صدر جہان کہ ہر سر رشتہ
پیری و مریدی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند بیعت ایشان را از والد ماجد خود بود
چندے نیابت قضا خسر و خال خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند آخر انہم
ترک نمودند شادی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی
عبد الفتاح قاضی سید بڑے داناپوری کہ خال ایشان بودند گردید از بی بی
واصلہ عرف وصلا دختر قاضی سید عماد الدین از بطن این عفیفہ یک دختر
و دو پسر شدند نام دختر بی بی صدر اشادی در بنی اعمام شد و نام پسر کلان
میر سید محمد افضل و ثانی را نام محمد اجمل کہ در عین شباب جوان ناکتخدا
رحیل ملک بقا شدند اعقاب نماند الا شادی سید محمد افضل از بی بی
میتنہ دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردیدہ از بطن
زوجہ دختر خال یک پسر و یک دختر تولد گردید دختر ناکتخدا وفات یافت
نام پسر میر سید عبد الشکور کہ جوہر ذاتی و صفاتی بیداشتند بسیار سلیقہ مرد
دانشمند و ہوشیار در اقران مفتخر و ممتاز بدربار شاہی بعہدہ جلیل القدر سرفراز

شادی ایشان گردید از بی بی ربیعه دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین
ولد میر سید محمد افضل در بنی اعمام خود الله تعالی بایشان یک دختر و یک پسر بخشید
دختر ناکدخدا رحلت نمود الا پسر نام پسر میر سید ارشد که لیاقت صوری و معنوی
بیدا اشتند بیعت آن بزرگوار در خاندان خود از آبا و اجداد در الطریقه چشتیه نصیریه بود
شادی میر سید محمد ارشد از بی بی علیمه دختر خورد میر سید محمد ناصر ابن میر سید حسین
ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از بطن این بی بی یک پسر
و دو دختر بوجود آمد نام یک دختر مسماة نعیمه مدعو بجهلن شادی ایشان
در اقران شده بود اولاد و نام دختر ثانی مسماة لیلا عرف مسماة لالن
زوجه شاه قطب الدین عرف شاه لبان که ازین بی بی اولاد ماند بعد ذکر
پسر عالیقدر بتصریح مذکور خواهد شد نام پسر میر سید محمد اصلح که بر وطن
خاندانی آبا و اجداد خود مدت العمر ماندند بتکیه خانه آبائی کهجور کتره محله کچوری گلی
الاسنه شادی نمودند یکے بعد دیگرے از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول
از مسماة ملیحه خواهر محمد حسن ابن سید وجیه الدین عرف سید بولن در عقد
نکاح وفات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از مسماة عاشور گر دختر
سید محمد مهدی یکے از سکنای محله بهارا از انهم فرزند پسر نشد چون وفات
یافتند شادی ثالث نمودند بموضع مدنپور رنجانه یکے از شرفا اند یا رتا حیات
آنجناب زنده بودند مگر اولاد نشد سرا در زوجه ثالثه بعد رحلت شان آنجا ندرا

آباد داشتند هرگاه بابان بهر زیارت بزرگان میر فتم دران احاطه چند مزار اجداد
پیشینین ست حضرت میر سید صدر جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر
سید محمد ناصر و میر سید سلیم اجداد این فقیر حقیر و اخوان اجداد و الا اولاد دختری
باند زوجه حضرت شاه قطب الدین عرف شاه لبهاون دو پسر ایشان یکی
محمد غوث عرف منشی ڈومن شادی ایشان از مسماة نعیمه دختر شاه وحید الاسلام
گردید یک دختر شدند ایشان را که برادر عمزاد منشی امیر الله ابن مولوی عزیز الله
کدخدا شد مسماة سوپن لا ولد رحلت نمودند برادر ایشان مولوی فرحت علی
ابن منشی محمد غوث که به لیاقت صوری و معنوی معمور بودند در علم عربیت صرف و نحو
و فقه و فارسی شادی ایشان از مسماة بیگن دختر شاه ابراهیم حسین فرا باد شد
یک دختر شد بی بی مریم زوجه سید شاه حسین علی یک دختر و دو پسر گذاشته رحلت نمودند
نام فرزندان محمد قاسم ست محمد واجد ذی ولد دیگر منکوحه منشی محمد غوث
عرف ڈومن بود مسماة وزیرا پسر دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه لبهاون
مولوی عزیز الله رحمة الله علیه که در علم عربی تکمیل داشته و در عبارت علم فارسی زینت
و یار لاثانی و خوش تقریر و پرهیزی جوهر بیعت ایشان را بطریقه عالیه از والد خود بود
الا طریقه معنوی از برادر زاده خود قبول کردند یعنی از جناب حضرت
سید شاه قمر الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب شیخ لو بجها
استادی دو فنون بودند وجاهت ظاهر در سن پیری و ضعیفی نیز بود بسیار

شادی آنجناب شد از مسماة بی بی جیبن دختر بی بی ناظمه زوجه شاہ تاج الدین
نوآبادی بفضله ازین بی بی چهار پسر شدند ذی علم و پرجوهر ازانجمله یکے مفتی اسیر الله
مذکور الصدر دومی مولوی محمد اکبر شدند بایشان دو پسر آخر نام نماند سومی شاه
محمد اصغر وجیه ذی علم پرهنر شادی ایشان در قصبه منیر گردید از دختر شاه
لطف علی ابن شاه محمود بفضله اولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل سعید
شادی ایشان از دختر مولوی سید اشرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر
منسوب هست از شاه مقصود پسر عالیقدر مولوی احتشام حیدر الله تعالی
بخشد مزید حیات و نام پسر چارمی شاه خیرات علی مدعو خیراتی که مستثنی
اند از جوهر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویت نشد از منکوحه خود
اولاد دارند دختر و پسر و مصاهرت نمود از اولاد منکوحه پدر که بودند ازین
منکوحه نیز دو دختر و پسران چهار دو ناکتخدا رحلت کردند یکے میان مقصود
که تحصیل علم ظاهر شده بود از تربیت پدر بزرگوار نوجوان قضا کرد دومی را
نام بود سیلے ذی هنر هر دو وفات یافتند یکے بعد دیگرے اولاد موجود اند
ذی اولاد یکے را نام امداد دومی میان مهدی که پیشه تجارت مینمایند دلالی
میکنند دختران نیز منسوب جابجا اند ذی اولاد اند درینجا ختم شد ذریت

حضرت میر سید عبد الواحد رحمة الله علیه

فرع سوم اصل نخل اولی دربیان ذکر اولاد دوم میر سید اولیا ابن

بنت حضرت عمر رضی الله عنه رابع ام المومنین حضرت زینب بنت جحش دختر
عمه نبی بودند خامسه ام المومنین سوده بنت زمعه بن قیس سادس ام المومنین
زینب بنت خزیمه ملقب ام المساکین بن حارث سابعه ام المومنین ام سلمه
بنت ابی امیه که بنت عاتکه عمه نبی بودند ثامنه ام المومنین ام حبیبه دختر
ابوسفیان خواهر امیر معاویه تاسع ام المومنین حضرت میمونه بنت الحارث عاشر
ام المومنین صفیه بنت حی ابن اخطب از ذریت حضرت هارون نبی علیه السلام
بودند یازدهم بی بی جویره بنت الحارث بن سعد دوازده بی بی ماریه قبطیه
بی بی شیرین سیزده شد و در همه یک مطلقه شدند ذکر فرزندان
آنحضرت سیدنا محمد علیه الصلوة والسلام به بطن ام المومنین
خدیجة الکبری بوجود آمدند در عالم شهود بدانید دو پسر چهار دختر از
بطن خدیجه پاک مخدره ستر لولاک شدند ولد اول سیدنا قاسم پور پیغمبر خدا بعمر
بست هفت سالگی آنحضرت تولد یافتند بعمر سه ساله رحلت کردند انا لله وانا الیه
راجعون ثانی ولد سیدنا عبدالله که بعد بعثت نبی بعمر چهل سالگی آنحضرت در
آمدند بوجود ملقب طیب و طاهر بودند از جناب باریتعالی در ایام رضاعت بخلد
برین شتافتند بعد رحلت ایشان سوره کوثر شد نزول جهت ارتفاع ملال
و گوینده ابتر شد مخذول بنت کلانی حضرت رسول ربانی بی بی زینب بعمر
سی (۳۰) سالگی آنحضرت تولد شدند و از خواهرزاده ام المومنین خدیجة الکبری

ابی العاص کتخدا شدند از بطن آن بی بی دو اولاد شد یک پسر و یک دختر نام پسر
شد علی که بعالم شباب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامه بنت زینب
که حسب وصیت بعد رحلت جناب سیده فاطمة الزهرا بزوجیت جناب حضرت علی
مرتضی کرم الله وجهه در آمدند از بطن این عفیفه یک پسر شدند محمد اوسط بن علی
همراه برادران در میدان کربلا براه شهادت جان بحق نمودند تسلیم و زینت
بی بی زینب بیجا احتیاج باقی دختر ثانی محبوب ربانی بی بی رقیه که بعد از سه سالگی
عمر شریف آنحضرت متولد شده بود و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه
در آمدند عبد الله اکبر از بطن پاک ایشان بوجود آمدند سه ساله کردند از جهان
انتقال و بعد انتقال حضرت رقیه دختر ثالث آنحضرت بی بی کلثوم که بعمری
و شش سالگی آنحضرت تولد شدند در عقد نکاح حضرت عثمان ذی النورین
در آمدند از بطن این بی بی عبد الله صغیر بوجود آمدند در طفولیت رحیل ملک بقا
شدند عقاب نماند قبل از نکاح حضرت با حیا در صغر سنی هر دو در نکاح هر دو
برادر عتبه و عتیبه ابنان ابولهب بودند که بعد نکاح آنحضرت بعد مشرف شدند
بولهب پسران کافر شدند در میان کفر و اسلام نکاح باطل خلع واقع شده هنوز
هر دو خواهران بلوغیت نرسیده بودند بعد چند سال یکی بعد دیگری
در عقد و نکاح حضرت با حیا عثمان ذی النورین داخل شدند عقاب
نماندند نسل حضرت رسول مقبول از حضرت بتول دختر است که فرمود آنحضرت

بشیر و نذیر آیه محمود نسل پیغمبر عربی در پشت پیغمبر و نسب محمد در پشت علی واضح باد
چون بسال دوم هجرت کردند عقد نکاح واقع شد از جناب سیدة النساء بتول
فاطمة الزهرا رضی الله عنها با حضرت اسد الله الغالب **علی ابن ابیطالب**
در شان پاک مهین فرمود آنحضرت آیه محمود اَلفَاطِمَةُ بِضْعَةٌ مِنّی یعنی فاطمه
پاره جگر من است الحصول چون قران السعدین شد از حضرت علی و بی بی بتول سر ربانی
یافت ظهور

ابیات

هر فرقه علی علا شد	با بنت نبی چو یافت تزویج
از چرخ نهم چنین ندا شد	چون گشت بحق قران سعدین
مسرور علی ازین صدا شد	دو لعل ازین صدف بر آیند

سر آیه کریمه بظهور رسید **آیت**
مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ از بطن پاک بنت سر لولاک دو فرزند بوجود آمد
یکی بعد دیگری بمنصه شهود بذریت نبی شد صورت نمود نامی شدند چون دو
از رشک گل مقصود مطابق کلام ربانی يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ
باید دانست مراد از لولو یعنی مروارید نسبت بحضرت امام حسن **مجتبی** که مروارید
سفید رنگ است و نیز الماس بدین جهت شمه شهادت آنحضرت است و مقصود از مرجان
سرخ رنگ شمه شهادت جناب حضرت **امام حسین** علیه السلام است الحق
پدید آمد بعد تولد این نیرین حضرت **محمد مصطفی** پسر سوم نیز جناب حضرت
علی مرتضی تولد یافتند باسم صاحب مسند نا**محسن** بسوی جنت شتافتند

هر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تا حیات معین زنده ماندالقاهی
اولاد شدند زینب دختر کلانی حضرت علی مقبول ربانی که از حضرت عبد الله
ابن جعفر طیار برادر عم زاد منسوب شده بودند و گوهر از بطن آن بی بی نیز متولد شدند
محمد عون محمد جعفر نوجوان جام شهادت نوشیده در کربلا گرفتند
راه خدا او بلا را اعقاب ایشان نماند دختر ثانی حضرت شیر خدا بی بی کلثوم
در عقد و نکاح حضرت امیر المومنین عمر فاروق در آمدند از بطن این بی بی فرزندی
زید نام تولد شدند در ایام طفولیت جان بحق کردند تسلیم دختر سیوم جناب بتول
بی بی رقیه به عمر دو سالگی رحلت ساختند از ینها اعقاب نماند خبر حضرات
حسنین فرزند رسول مقبول واضح باد نقل مشهور زبان عام خاص مذکور
مراد از ذریت سیادت از بنی فاطمه است و اولاد مرتضی علی چرا که
لقب سیادت به نهج است بنهج ای نکته سنج که انحضرت چنین فرمود حدیث
انا سید البشر و سید الانبیاء و سید المرسلین و یا علی انت سید العرب
و سید الاولیاء و الفاطمة سیدة النساء العالمین و الحسن
و الحسین سیدی شباب فصل النجبه ازین حکایت و روایت
رسیده به ثبوت نهج سیادت بدانید اولاد حسین معمور به نهج سیادت هستند
الا سید علوی را کیا سیادت است الوی در بیان اولاد علی
از بطن غیر بتول از اینجا ذکر سیادت علویت واضح باد از بطن پاک

سیدہ شش فرزند سہ پسر و سہ دختر آمدند بوجود باقی از بطان دیگر زوجہ ہا
معروف است کہ نسبت چہار اولاد شدند دہ پسر باقی دختران جامی ذکر ہمہ تفصیل
خواہد نگاشت بدانید از سہ فرزند نسب علوی اولاد ماند باقی در روایت است
کہ حضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی را نسبت فرزندی بحضرت عباس
ابن علی کہ علمدار بودند ہست مشہور اولاد در کتب بیافتہ کی می نگاشت واز فرزند علی
محمد حنیف ابن حیدر کرار اولاد است مشہور چنانچہ سید مسعود غازی
ابن سید محمود ابن سید عبد اللہ ابن سید رحمت اللہ ابن سید عبد الکریم ابن امیر حمید
ابن سید محمد حنیف ابن حضرت مولا علی کرم اللہ وجہہ ونسب مادری سید
سالار غازی ابنای ملوک است سلطان محمود غازی خال ایشان بودند
ونسب جدی حضرت خواجہ محمد یسوی رحمۃ اللہ علیہ کہ خلیفہ حضرت امام
ابو یوسف ہمدانی اند نیز مے پیوندد بدینطور ہست خواجہ احمد یسوی
ابن سلطان خواجہ ابراہیم ابن سلطان خواجہ امیر محمود ابن سلطان خواجہ
عبد الفتاح ابن سلطان خواجہ عمر ترکستانی ابن سلطان خواجہ عثمان
ابن سلطان خواجہ امیر حسین ابن سلطان خواجہ مومن ابن سلطان خواجہ
اسمعیل ابن سلطان خواجہ موسیٰ ابن سلطان خواجہ ہارون ابن سلطان
خواجہ اسحاق ابن خواجہ عبد الرحمن ابن خواجہ عبد الرحیم ابن خواجہ عبد القہار
ابن امیر عبد الفتاح ابن حضرت محمد حنیفہ ابن حضرت علی حیدر کرار فنیز

منقول است نسب حضرت مرزا مظہر جان جانان سرہند مجددیہ نسبت پشت
واسطہ فرزندی بحضرت امیر محمد حنیف میر سدو نسب میرزا ہی جانب مادری
با میر تیمور میر سد نسب نامہ حافظ محمد یعقوب از حضرت عمر ابن علی
حیدر کرار میرسد بدینطور کہ حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف
ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبد الجلیل ابن مولانا سید عبد الفتاح
ابن امیر ادریس ابن امیر یونس ابن امیر عبد الجبار ابن امیر ابو بکر ابن امیر
عمر ابن قاضی سید ابو الفتح لاہوری ابن سید حاجی علی ابن امیر محمد ذکریا
فقیہ ابن مولانا محمد یحیی زاہد ابن میر سید زاہد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ
سید منصور ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن
حافظ سید محمد ابن امیر سلیمان ابن امیر عبد اللہ ابن سید امان اللہ ابن سید
علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سید ناعمر ابن حضرت علی
کرم اللہ وجہہ واضح باد اکثر سیادت علوی نسب در استشار بہر امصار و دیار چون
نسب نامہ نیافت متعذر شد از تحریر فرو نگاشت ذکر ذریت حضرت
عقیل ابن ابیطالب ذکر ذریت حضرت جعفر طیار میکنم الاول
بی بی ام ہانی بنت ابی طالب کہ از آنحضرت بسیار محبت و عقیدت داشتند
علاوہ نسب ہمزادگی منقول بودند چنان کہ در خانہ برکت نشانہ ایشان
واقع معراج نبی لبسوی آسمان ذی اولاد شدند کیفیت ذریت سیا نت نشد

الا ذریت حضرت عقیل کلانی فرزند مسلم بن عقیل که در کوفه برتبه شهادت
خون جسمی شان شد بطور سبیل و هر دو فرزند ایشان محمد و ابراهیم بیوجه
شدند براه حق قتیل و کل ذریت شان در کربلا همراه سید الشهدا برتبه
شهادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار را سه پسر از بطن بی بی

اسماء بنت عمیس یکی عبد الله ابن جعفر که از حضرت زینب

دختر علی مرتضی کرم الله وجهه کتخدا شدند دو فرزند از بطن پاک آمدند بوجود
محمد عون و محمد جعفر هر دو بصف کربلا شدند شهید قاتل شان مطیع
یزید اولاد باقی نماند الا هر دو اولاد برادر باقیست محمد و عون ابنان
جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چرا که ذریت حضرت
زینب را اعقاب نماند و اضح باد یکے از اولاد هر دو بزرگوار امیر عطاء الله
نامی بمنزلت گرامی وارد بدین دیار شدند در دربار شاهی رسوخیت بهم رسانیده
معزز و ممتاز گشته فرامین و هبیات حصول کرده یافته از چندی بسر بلندی
سکونت قصبه پهلواری ضلع پٹنه کردند اختیار چنانچه اکثر مشائخین
این دیار نسبت نسب خود با میر عطاء الله ممدوح مے پیوندند و انچه که
باستماع آمده این خاکسار از زبان فیض ترجمان جد بزرگوار خود سلالة الواصلین
عمدة المشائخین جناب حضرت سید شاه غلام حسین قدس سره دانا پوری
درین صفحه مے نگارد و انچه که در زنبیل خود وارد می آرد یعنی صاحبان سالکین

مچهلی شهر ضلع جونپور یکی از رؤسا مشاهیر مولوی علی کبیر و برادران
و خواهرزادگان شان جعفری نسب دارند چنانچه ازین خاکسار هنگام عهده
روزگار سرکاری نایاب از ضلع غازیپور ملاقات شد از مولوی محمد ظهور
صدر الصدور ضلع غازیپور و نیز حین سفر حج ملاقات شد از برادر کلانی شان
اندر حرمین شریفین مولوی عبد الشکور عند التذکره کردند بیان ذریت
خود با میر عطاء الله جعفری نسب چنانکه جناب حضرت جد ماجد فرموده بودند
و نیز ملازمت خود بشهر اله آباد از آنحضرت بیان میکردند و نیز مولوی
ممدوح وقت مراجعت سفر حج همراه آمدند این فقیر حقیر کتابی آورده
بودند در ذکر آل ابیطالب دیده بودم تمره و در ذکر مشایخان پهلواری
که خود را از ذریت امیر عطاء الله نامند یعنی شاه ظهور الله رحمة الله علیهم
والد ماجد شاه محبیب الله که والد ماجد و پیر مرشد حضرت شاه نعمت الله
قادری پهلواری رحمة الله علیه بودند و نیز مولانا عماد الدین قلندر
قادری که خسر و پیر مرشد جناب حضرت شاه محبیب الله قادری بودند و
نیز از ذریت امیر ممدوح مولوی شاه وحید الحق داماد شاه محبیب الله
علیه الرحمة کیفیت ذریت ایشان خوب میدانند در تمه کتاب خواهد نوشت

تفصیل و احوال که فرزندان ایشان بسیار اند

باب اول در ذکر اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بر دو نسبت

نسبت اول در ذریت حضرت امام حسن علیہ السلام

نسبت دوم در ذریت حضرت سید عبدالقادر جیلانی رضی اللہ عنہ

واضح باد از تحریر مورخین سابقین ازواج حضرت امام حسن مجتبی علیہ السلام قریب بنجاہ شش زوجہ آمدہ اند در شمار چرا کہ آنحضرت بودند کثیر النکاح بحد شرعی یکی بعد دیگری چہار زن موافق داشتند میکردند طلاق کثرت نکاح بود بتمنای ارشاد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم و آنحضرت شہر بانو بودند رضی اللہ عنہما و در کتب تواریخ کل اسماء زوجہ انجناب نیافتہ کہ می نگاشت الا اسماء چند جای یافت می نگارد بدانید زوجہ اولین **خولہ** بنت منظور ابن حید را از اولاد ہاشم بن عبدالمناف ہاشمی نسب از بطن این زوجہ یک فرزند رتبہ بلند جناب حضرت امام حسن **مثنیٰ** رضی اللہ عنہ شد از بطن بی بی **صفورہ** بنت سعد ابن زید بن خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی اللہ عنہ یک دختر **بی بی عائشہ** ثانیہ کنیت ام عبداللہ و نیز **فاطمہ ثانی** نام نبشتہ اند مورخین این بی بی زوجہ حضرت **علی ثانی امام زین العابدین** ابن امام حسین علیہ السلام و کدخدائی امام حسن **مثنیٰ** از دخت عم بزرگوار حضرت امام حسین علیہ السلام کردند نام نامی این بی بی **فاطمہ صغریٰ** از بطن عفیفہ تولد شدند سید **عبداللہ المحض** نبیرہ حضرت امام حسن مجتبیٰ و نواسہ حضرت امام حسین شہید کربلا کہ از اجداد و امجاد حضرت غوث الثقلین سید **عبدالقادر** جیلانی رضی اللہ عنہم

دو فرزند بی بی ام عبد الله عالیشانی حضرت امام محمد باقر ابن حضرت
امام زین العابدین نواسه سید الشهدا امام حسن مجتبی رضی الله عنه ذریات
اینحضرات ملقب بسیادات حسنی الحسینی و حسینی الحسنی اند کیفیت ذکر نسب بتشریح
نگاشته خواهد شد درینجا تفصیل ازواج حضرت امام حسن علیه السلام می آرید سید
باید شنید بی بی ام البشیر دختر مسعود انصاری از بطن این بی بی متولد شدند
سیدنا قاسم هستند و از زوجه رابعه بی بی ماهره تولد شدند سیدنا
عبد الله ابن امام حسن مجتبی و از بطن زوجه خامسه بی بی زاهده سیدنا
ابوبکر بن حسن تولد یافتند و از بطن زوجه سادسه بی بی ام ولد سیدنا عمر
بن حسن پیدا شدند و از بطن زوجه سابعه بی بی سعدا تولد شدند سیدنا
محمد ابن حسن مجتبی و از بطن بی بی انیسه ثامنه و از بطن بی بی طاهره
چند دختران بوجود آمدند و نیز بودند زوجه بی بی فاضله بی بی محموده
و بی بی نفیسه بی بی خدیجه و بی بی عابده دختران متولد شده باشد
کل چهارده ازواج آمد بشمار الا واحده جعده بنت اشعث که اسماء هم نام بود
نگاشته نوشیده شهادت یافتند انا لله و انا الیه راجعون ذکر فرزندان
حضرت امام حسن مثنی در کتاب امامیه تا هیجده نگاشته اند و دختران
بست تحریر میکنند الا اہل سنت مورخین معتمدین همینقدر نوشته اند که در تحریر
در آمد باید دانست پسر سیدنا ابوبکر سید ابراهیم و فرزند سیدنا عمر

سید جعفر و ابن سیدنا محمد دو اند یکی سید ابراہیم و دویمی سید ادریس و فرزند سیدنا
عبد اللہ سید یونس و سید سلیمان کیفیت ذریت حضرت قاسم دریافت نشد
باید شنید اولاد سید ابراہیم اول سید نوح و سید سلیمان سید داؤد اند و
فرزندان سید جعفر ابن عمر زید شہید داولاد سیدنا محمد سید موسیٰ
و سید یحییٰ و سید جعفر و سید ابوبکر بودند و اولاد سید عبد اللہ سید یونس
و سید اسمٰعیل و سید اسحاق ذریات ایشان در وقت دورہ امارت بنی اُمیہ
و خلفاء عباسیہ خروج کردند بعض از صولت آنہا فرار شدند بعض شہید شدند

ثمرہ نسبت دوم باب اول ذکر اولاد حضرت امام حسن مثنیٰ جد اعلیٰ

حضرت غوث الثقلین باید دانست بحضرت امام حسن مثنیٰ پنج فرزند
شدند از انجملہ اولین سیدنا عبد اللہ محض ثانی سیدنا ابراہیم ثالث سیدنا
عمر رابع سیدنا حسن مثلث خامس سیدنا اصغر این ہمہ از بطن بی بی فاطمہ
صغریٰ بنت حضرت امام حسین علیہ السلام و از بطن حبیبہ و ہمیہ سیدنا داؤد
و سید جعفر و سید اصغر عمر گویند اولاد حسن مثلث باقی نماند از دیگران باقی ماند

ثمرہ سیوم سیدنا عبد اللہ المحض را پنج پسر شدند از بطن بی بی رقیہ دختر
حضرت امام زین العابدین علیہ السلام سہ فرزند سیدنا موسیٰ الجون و سید
محمد و سید ابراہیم و از بطن جاریہ سید ادریس و سید یحییٰ ذریت ایشان علاوہ
از ذریت حضرت موسیٰ الجون کہ تفصیلاً نیز نگاشتہ خواہد شد اولاد سید محمد

شبیه نبی فرزند کلانی ایشان سید قاسم و ثانی سید ابراهیم سیوم سید عبد الله
بلکه بعض اهل مذهب باطله و نواصب و خوارج سید محمد ابن سید عبد الله المحض
را مهدی موعود دانند چرا که نام پدر عبد الله و نام مادر آمنه بود منصور دوانیقی از
خلفاء عباسیه بود اول سید محمد را محبوس نمود و بعده شهید کرد و حال ذریت
سید ادریس و سید ابراهیم و سید یحیی بکسی کتاب یافته نشد که می نوشت ثمره چهارم
نسبت دوم باب اول سید ناموسی که بسبب رنگ سیاه والده ایشان
جون گفتند یعنی جون سیاه رنگ که خدای ایشان یعنی سید موسی الجون از دختر
نجسته اختر امام محمد باقر علیه السلام شدند نام آن بی بی رقیه ثانیه دو فرزند
از بطن این بی بی شدند متولد یکی سید ابراهیم که اعقاب ایشان نماند ثانی
سید عبد الله ثانی که ملقب بودند بشیخ صالح که خدای ایشان از بی بی
مالمه دختر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شد از بطن این بی بی پنج
فرزند تولد گشتند پسر اکبر سید موسی ثانی که بودند از اجداد حضرت غوث الثقلین
ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید محمد الصالح
ذریات ایشان جانب بخارا و ترکستان بسیار اند ثمره پنجم
نسبت دوم باب سوم بذکر موسی ثانی کنیت ایشان ابو عمر که از دختر امام موسی
کاظم علیه السلام که خدا شدند نام بی بی طیبه از بطن این بی بی بوجود آمدند
هفت پسر و یازده پسر از جاریه رومیه حضرت موسی ثانی در دو هجری از شیخ

از شمشیر معتز له شدند شهید قاتل حضرت مطیع یزید اولاد ایشان از همه پسران شد
آخر اعقاب نماند جز حضرت سید داؤد **ثمره ششم نسبت دوم باب اول**
خلف الرشید سید موسی ثانی سیدنا داود و محمد لقب از اجداد حضرت غوث الثقلین
بودند نام اخوان شان در یافت نشد که خدای حضرت سید داود از دختر محبت اختر
حضرت امام علی موسی رضا شدند نام آن بی بی بنیه بود دختر یک فرزند کیفیت
دیگر دریافت نشد **ثمره هفتم نسبت دوم باب اول** در ذکر سیدنا
محمد کنیت ابو القاسم معروف رومی که خدای ایشان شد از دختر یکے از بنی اعمام
سید حمزه نام تسمیه دختر شان بی بی مبارکه از بطن این بی بی سیدنا
یحیی زاہد تولد شدند زوجه سید یحیی بی بی عصمت بودند **ثمره ہشتم**
سیدنا یحیی را از بطن بی بی رضیه دو فرزند یکی سید عبد اللہ که اعقاب نماند
دومی عبد اللہ شدند **ثمره نہم** که خدای سید عبد اللہ ثالث اند دختر
اخوان شد از بی بی رحمت گردید سه فرزند شدند از انجمله اولاد یک باقی ماند
ثمره دہم نسب دوم باب اول واضح باد سیدنا ابو صالح کنیت موسی نام
جنگی دوست خدا لقب کردند ابو الاولیا سید الاصفیا بسیار عابد و زاہد شیخ
کاملین سید العارفین زوجه حضرت بی بی ام الخیر فاطمه ثانی دختر حضرت
سید ابو عبد اللہ صومعی که این حضرت در قریه جیلان زاده بنا کرده و لعبادت
الٰہی لبوده مشغول کیفیت کرامات جد مادری حضرت غوث الثقلین بسیار است

به بسط و طول الحاصل از بطن این عفیفه دو فرزند یکی سید ابو احمد ثانی معز ربانی
ثانی حضرت غوث الثقلین قطب ربانی محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی صاحب سلسله
معنوی موجد طریقه قادریه که از نام پاک آنحضرت منسوب است عقیدت آنجناب بهر کس
مطلوب است نام خواهران حضرت غوث پاک بود بی بی جلیله بی بی رقیه اسماء زوجه
پاک بی بی بصیره بی بی جمیله و فرزندان آنجناب بودند یازده رتبه بلند ذریت هر یکی
پسران نسبت الا اولاد سه فرزندان در نجوار رسیده اند از شاخ شجره دریافت شد
اولین سیدنا سیف الدین عبد الوهاب ثانی سیدنا عبد الرزاق
مشهور آفاق ثالث سیدنا عبد العزیز سجاده نشین بغداد از فرزندان ایشان این
هستند همین بزرگوار را اولاد رسیده اند در نجوار و مصار باید شنید رابع سیدنا
عبد الهادی خامس سیدنا عبد الجبار سادس سیدنا شرف الدین
سابع سیدنا یحیی که حضور اند حسب الارشاد والد ماجد خود در شعب جبال نایر
مغرب مخفی اند منتظر ملاقات حضرت عیسی علیه السلام نشسته اند ثامن سیدنا
موسی تاسع سیدنا ابو اسحاق عاشر سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا
عبد الجلیل ابو نصر در نسب مشائخین انجوار نیافت اسماء این نسب بزرگوار
الا حین اقامت مدینه طیبه مکه مشرفه از بزرگی دریافت شد که بجز حضرت یحیی
که حضور اند دیگر برادران ذی اولاد اند والله اعلم الحاصل نسب نامه مشائخین انجوار
ازین سه فرزند مبنی میشود از دیگران نه یعنی زراقیه اند و یا به اند عزیزیه اند

مجمل نسب نامہ آن بزرگوار خواہد نوشت الا از فیہ کہ نیز اند و نسب نامہ جانب مادری حضرت
غوث الثقلین جعفری النسب اند و نیز نسب نسب مادری جناب حضرت خواجہ بزرگ
نیز جعفری اند و نسب مادری حضرت شیخ الشیوخ نیز جعفری

شجرہ نسب حضرت قطب الدین بینا دل جونپوری برادر زادہ شان سید فضل اللہ

واضح باد سید قطب الدین بینا دل جونپوری و سید نصیر الدین والد سید فضل اللہ عرف سید گوسائین ہر دو برادر اعیانی از فرزندان میر سید حسن قادری ولد میر سید علی قادری ابن میر سید امیر الدین ابن میر سید قیام الدین ابن میر سید صدر الدین ابن میر سید رکن الدین ولد میر سید نظام الدین ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید عیسی قادری ولد میر سید جعفر قادری ابن میر سید قاسم قادری ولد میر سید عبد اللہ قادری ولد حضرت سیدنا عبد الرزاق ولد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ ثمرہ آن باید شنید حضرت سید فضل اللہ عرف سید گوسائین قدس سرہ برادر زادہ و داماد و مرید و مستفید و تلمیذ و خلیفہ حضرت سید قطب الدین بینا دل جونپوری اند مزار فائض الانوار سید فضل اللہ در بہار است و نیز اولاد شان دو فرق اند مذہب سنت کمتر الا اندہب امامیہ بیشتر اند و بعض زید یہ شان شیعہ نیست و اولاد حضرت سید قطب الدین بینا دل جونپوری موضع کڑہ مانکپور علاقہ شہر الہ آباد اند و قطبی سید مشہور اند سنت جماعت مذہب دارند از انجملہ جناب سید شاہ

مظهر علی ساکن کڑه بودند والد ماجد سید مظهر کریم الہ آبادی ثمرهٔ شجرهٔ نسب
قادری حضرت سید محمد قادری اجهری معروف است آستانه اجهر شاه
باید دانست حضرت سید محمد قادری ابن سید شاه شمس الدین محمد درویش از دیار
مغرب به شهر دهلی بوده معه مریدان و خادمان در آستانه اجهر گزینه از رسول حسب
بشارت جد بزرگوار سکونت الموضع کردند اختیار مزار فیض آثار است درین بار
حالا طور نسب مینویسد اینجا کسانی باید شنید سید محمد قادری ابن سید شمس الدین
محمد درویش قادری ابن سید شاه عالم قادری ملقب بشاه کلان ابن سید
شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الفتاح قادری ابن سید شاه عبد الوہاب
قادری ابن سید شاه عبد الرحمان قادری ابن سید شاه عبد اللطیف قادری
ابن سید شاه عبد الحی قادری ابن سید شاه عبد الجلیل قادری ابن سید شاه
ابو القاسم ملقب شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الرزاق قادری
خلف ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه
ذکر ذریت این حضرات جاهی مصاهرت ایشان به تفصیل خواهد نوشت پس بدانند
دو فرزند رتبه بلند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید
معین الدین قادری حالا جانشین اینجا از اولاد سید معین الدین هستند
چنانچه سید شاه اطیب الله قادری رحمة الله علیه و خلف الرشید شان
سید شاه عبد الرشید عرف شاه جمی علیه الرحمة بودند و برادر دیگرے

سید شاہ امیر اللہ عرف بدہی و برادران عمزاد ایشان سید شاہ عبد الرزاق عرف کھوڈی سید عبد الکریم الدسید عبد الجلیل تفصیل این جا ہی کردہ خواہد شد۔

ثمرہ دوم شجرہ نسب قادریہ حضرت میر سید علی قادری دہلوی پیران سلسلہ

فرہادیہ باید دانست ابن میر سید علی قادری پیر اجازت طریقہ قادریہ بحضرت میرزا شاہ فرہاد قدس سرہ ابو العلائی اند پس بدانید میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف ملقب خاکی ابن میر سید ابو محمد قادری ابن میر سید اسمعیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید قاسم قادری ابن میر سید عبد الباسط قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید احمد قادری ابن میر سید یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ اولاد امجاد ابن بزرگوار ہنوز در شہر دہلی موجود ہستند

ثمرہ سیوم شجرہ نسب قادریہ حضرت میر سید عبد الرسول قادری ساکن دانا پور

واضح باد میر سید عبد الرسول ابن میر سید علی قادری از دیار ملتان وارد ہندوستان گشتہ بہ پنجاب رسیدہ اقامت پذیر گشتند چون شرافت و نجابت از جبین شان بود ہویدا در دانا پور بسادات رضوی مصاہرت واقع شد یعنی از دختر خجستہ اختر میر سید عماد الدین ابن میر سید

عبد الفتاح عرف قاضی سید مُرے کہ خدا شنہ ندری اولاد گشتند باید شنید
میر سید عبد الرسول ابن میر سید علی قادری ابن میر سید عبد الجلیل ابن میر سید
محمد خلیل ابن میر سید محمد جمیل ابن میر سید بدر عالم ابن میر سید اظہر عالم ابن میر سید
مظہر عالم ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید ادریس قادری ابن میر سید

	ابو الفتح قادری ابن میر سید حسن قادری	

ابن میر سید علی قادری ابن میر سید صدر عالم قادری ابن میر سید عبد الرحیم قادری
ابن میر سید ابو القاسم قادری ابن میر سید محمد ہاشم قادری ابن میر سید سید با
عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی
ثمرہ چہارم شجرہ نسب رزاقیہ بذکر نسب میر سید محمد مہدی
مشہود باد این میر سید محمد مہدی یکی از سیادات عظام عالیمقام از ارکین
سلطنت شہر دہلی شاہجہان آباد در عہد محمد شاہ بادشاہ بودند
امیر الامرا المخاطب بخطاب عمدۃ الدولہ اوقات خود بسبب امارت ظاہرے
بکر و فر میگذشتند این بزرگ پدر بزرگوار والدہ ماجدہ مادری این فقیر حقیر بودند
حالا سلسلہ نسب بیان میکنم میر سید محمد مہدی ابن میر سید عسکری ابن میر
سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید
ابو محمد قادری ابن میر سید اسمعیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید
قاسم قادری ابن میر سید عبد الباسط قادری ابن میر سید احمد قادرے

ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی
قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید
یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابوالنصر قادری ابن
حضرت سیدنا عبدالرزاق خلف الرشید محبوب سبحانی حضرت سیدنا عبدالقادر جیلانی رضی اللہ عنہ

ثمرہ پنجم شجرہ نسب قادریہ حضرت سید قمیص قلوری

باید شنید حضرت قمیص قادری ابن سیدنا ابوالحیات ابن میر سید علی
قادری ابن میر سید سلیمان ابن میر سید ذکریا ابن میر سید یحیی ابن میر سید احمد
قادری ابن میر سید ابوالمنصور فتاح ابن میر سید محمود جیلانی ابن میر سید ابونصر ابی صالح
ابن میر سیدنا عبدالرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی سید
عبدالقادر جیلانی بواسطہ نسب فرزندی در صد یازدهم میرسد بیعت و تربیت
از بنی اعمام و برادر ہست خاکسار مشرف اند زیارت مزار شده است بمقام معروف
پیران شاه دوره حضرت سید شاه قادر قمیص سیاحت کرده اند بسیار از بحر
تا مشرق سیاحت کرده آخر بمقام خضرآباد توطن کرده اند اختیار و متاہل شدند
انجا ہی معروف بطور حلہ کشی ہست از انجا مسافر دیار مشرقی شدند مریدان و
یاران بسیار چنانچہ انتقال بحیطہ بنگالہ کردند حسب وصیت مریدان از انجا جنازه
بر دوش گرفتہ روانہ دیار غربی شدند و بردن جنازه حسب وصیت بمقام خضرآباد
شاپوره دفن کردند نقل کنند وقت بردن جنازه سید پاک چند روز در قصبہ مهاره

ماندند چنانچه جای معروف است در بهار بمقام قلعه استانه شان خدام و
مریدان بجای تکیه پاک مجاور شده نارد بهات ندر استانه هست عرس اعراس
پیران بجا می آرند این خاکسار در ابتدا زمانه دیده بود و ولیش آستانه شاه سلام الله
بعده شاه ثناء الله شدند حالا شاه شوال اند بتوکل خدشتسته خدمات وارد
وصادر بجا می آرند بنام پیشینیان خود سبقت برده اند بحاصل قلیل صورت کثیر
می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه ممص قادری از انجا حسب طلب صوبه آمده بودند
کفاف بهر ایشان معین شده بود موضع ستادیهوره پرگنه ترهت این خاکسار را
ملاقات بود از جمله الفرزندان شاه امام شاه صورت و سیرت بهتر داشتند
و برادران شان را نیز دیده بود غلام شاه و حسین شاه چون نسب زراقیه بود
این کیفیت دانسته تحریر نمود و این بزرگ نیز پیران پهلواری استند پیران شجره متبرکه

شجره ششم شجره نسب زراقیه قادریه سید علی قادری

سید اولاد حسین و محمد نبی شاه هر دو برادر فرزند میر سید حسن قادری صحیح النسب
در پنجوارا از عرصه دراز قیام پذیر شدند و قبل ازین اقامت والد ایشان بود
در شهر الٰه آباد که صورت مصاهرت گردید و نسب مادری والده ایشان
بنسبت ابو العلائیه است یعنی سید شاه غلام علی جد مادری مادر ایشان بود
و پنج واسطه نسبت فرزندی از میر سید محمد فضل که داماد حضرت میر سید
نور الله ابن میر سید فضل الله ابن حضرت سید شاه ابو العلا قدس سره بودند

نسبت جدی ایشان نسبت قادریہ لیکن پسید حالا ہر دو برادر قضا کردند سید
اولاد حسین ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید
عبد الجلیل قادری ابن میر سید عبد الرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری
ابن میر سید ہاشم قادری ابن میر سید شہاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین
قاسم ابن میر سید محی الدین یحیی ابن میر سید نور الدین حسن قادری ابن میر سید
علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیف الدین یحیی
قادری ابن سید ظہیر الدین احمد قادری ابن میر سید محمد نصیر ابن سید ابو نصر احمد
قاضی القضات ابن سیدنا عبد الرزاق قدس سرہ خلف الرشید ثانی
حضرت پیر دستگیر قطب ربانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ تعالی عنہ

ثمرہ ہفتم شجرہ نسب رزاقیہ قادریہ سید حسین حموی

واضح باد سید حسین حموی پیر مرشد حضرت شاہ قاسم سلیمانی اند کہ مزار شان
واقع بقلعہ چنارگڈہ از کتاب معتبر یافتہ نسب نامہ آنحضرت تحریر نمود
بدین طور است سید حسین حموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید
محمد قادری ابن سید محی الدین یحیی قادری ابن سید محمد قادری ابن
سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیر الدین قادری
ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سیدنا
عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ

ثمرہ ہشتم شجرہ نسب رزاقیہ قادریہ

سید امیر علی شاہ و سید مظفر علی شاہ اکبرآبادی ابن سید منور علی شاہ برادر ثانی سید حید رعلی شاہ ابنان سید امجد علی شاہ متخلص اصغر ابن سید شاہ احمد علی معروف بہ مولوی احمدی ابن شاہ رکن الاسلام ابن سید موسی ابن سید معین شاہ ابن سید یتیم شاہ ابن سید محمدی شاہ بچند واسطہ در نسب از حضرت سیدنا عبدالرزاق میرسند و نیز بسبب درج عمہ شان حکیم سید نورالدین ابن حکیم صدرالدین ابن سید بدرالدین بحضرت سیدنا عبدالرزاق میرسد چونکہ اسامی نسب ہمینقدر یافت کہ نگاشتہ نیز در اکبرآباد بزرگی بودند نسب رزاقیہ

ثمرہ نہم شجرہ نسب رزاقیہ قادریہ نسب سید حسن

سید حسن عرف پیر جھلا ابن سید فیض اللہ ابن سید شاہ محمد مقیم ابن سید شاہ یتیم ابن سید اسد اللہ ابن سید شاہ برکت اللہ ابن سید شاہ رحمۃ اللہ ابن سید شاہ نعمت اللہ ابن سید شاہ محمد فصیح ابن سید یحیی ابن سید محمود ابن سید مسعود ابن سید امان اللہ ابن سید بہاء الدین ابن سید ذکی الدین ابن سید ابو نصر ابن سیدنا عبدالرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی

سید عبدالقادر جیلانی رضی اللہ عنہ

شجرہ اول نسبت نسب قادریہ وہابیہ

نسب نامہ سید شاہ مظفر حسین قادری پھلوی

سید شاہ مظفر حسین قادری دہلوی ابن سید شاہ غیاث الدین احمد کبیر ملتانی ابن سید شاہ محمد داود ملتانی ابن سید موسیٰ قادری برادر سید یحییٰ قادری ملتانی ابن سید شاہ حامد ملتانی ابن سید شاہ عبد الرزاق ثانی ملتانی ابن سید شاہ عبد القادر ثانی ملتانی ابن سید شاہ محمد قادری ملتانی ابن شاہ سید شمس الدین قادری ملتانی ابن سید شاہ میر قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید مسعود قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید صفی الدین صوفی ابن میر سید سیف الدین ابن سیدنا عبد الوہاب خلف الرشید گیلانی محبوب سبحانی حضرت سید عبد القادر جیلانی رض

ثمرہ دوم شجرہ نسب اولاد ہابیہ قادریہ در نسب نامہ سید وجیہ اللہ قادری میران بھکھ

واضح باد مولوی سید وجیہ اللہ ساکن میران بھکھ اولاد ابن میر سید احمد علی ابن سید شاہ امیر اللہ کہ چہار برادر بودند عیانی یکی نامی بصرلت گرامی سید شاہ باب اللہ عارف باللہ دوم سید شاہ عباد اللہ سیوم سید شاہ نور اللہ چہارمی سید شاہ امیر اللہ مذکور بالا پنجم سید شاہ نعیم اللہ الا از کاملین سالکین معروف بودند شاہ باب اللہ و نبیر سید احمد علی بن شاہ امیر اللہ را فرزند دو یکی سید انور علی والد سید علی حسن و ثانی خود مولوی وجیہ اللہ ابن سید احمد علی پسر مولوی سید وجیہ اللہ را یکی سید ابو الحسن و داماد شاہ حسام حیدر گہرا دوم مولوی محمد اشرف یک پسر الشان سیوم مولوی سید حمید شمرت باید شفید سید شاہ باب اللہ ابن سید شاہ نعمت اللہ قادری

ابن سید شاہ محمد باقر ابن سید محمود قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر
سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاہ محمد فیروز ابن سید عثمان قادری
ابن سید شمس الدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاہ ضیاء الدین
قادری ابن میر سید ذکی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت
سید صفی الدین صوفی قادری ابن حضرت سیدنا سیف الدین عبد الوہاب
خلف الرشید کلانی حضرت محبوب سبحانی قطب ربانی پیران پیر دستگیر

سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ

شجرہ سیوم شجرہ نسب دوم دو ہائے قادریہ نسبنا شاہ عبد الکریم
باید شنید سید شاہ عبد الکریم و سید عبد الرحیم ہانپوری قادری نسب ہر دو
برادر فرزند سید شاہ امیر اللہ ابن سید شاہ رحمت اللہ ابن سید شاہ معز الدین
قادری ابن سید شاہ عبد الہادی ابن سید شاہ ابو شمر بابا ابن سید
مختار ابن سید شاہ عبد الشکور ابن سید شاہ عطاء اللہ بغدادی کہ از
بغداد تشریف آوردہ مسکن در قتال پورہ قبول کردند مزار در اینجا است فیض آثار
و ہمیقدر واسطہ در بالا نسب ہست اولاد ایشان در انجوار اند بسیار خصوصاً
سید شاہ تراب علی ابن سید داود علی از فرزندان شان اند برادر سید

داود علی معروف اند سید شاہ محمد تقی
شجرہ چہارم شجرہ نسب ہائے قادریہ

بایدونست از خلفاء حضرت مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی چہار خلفاء نامدار معروف بودند یکی سید محمد گیسودراز بندہ نواز مزار در گلبرگہ شریف است ابن سید صدر الدین زیدی نسب دویمی سید محمد گیسودراز ابن سید جلال الدین کالپی باقری نسب از اجداد این خاکسار سیومی سید محمد ابن سید عبید اللہ جعفری نسب اند چارمی سید محمد ابن سید احمد ملتانی مؤلف کتاب بحر المعانی قادری و بابیہ نسب اند سید محمد ابن سید احمد ملتانی ابن سید علی بیابانی ابن سید احمد ابن سید صفی الدین صوفی ابن سیدنا سیف الدین عبد الوہاب

خلف الرشید کلانی حضرت سید عبد القادر جیلانی

شجرہ نسب قادریہ عزیزیہ نسبنامہ سید شاہ عبد المنان قادری دہلوی

سید شاہ عبد المنان قادری ابن سید شاہ رکن الدین محمد سرفراز ملقب بہ بندہ نواز ابن سید عبد اللہ ملتانی ابن سید شاہ عبد العزیز ملتانی ابن سید شاہ عبید اللہ بیابانی ابن سید شاہ علی ہمدانی ابن سید شاہ حسن قادری بغدادی ابن سید شاہ احمد قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری ابن سید شاہ محمد قادری ابن سید شاہ سلیمان قادری ابن سید ذکریا قادری بغدادی ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری بغدادی ابن سید شاہ عبد العزیز عالم ربانی خلف الرشید ثالث حضرت سید عبد القادر جیلانی واضح باد سید شاہ مظفر حسین قادری راجپوت شہر تشریف از اینجا گذشت مید او لاولد انقطاع کردہ در خانقاہ دہلی سجادہ نشین بودند یک سبب

بعالم رویا جد آنحضرت پیر دستگیر سید عبد القادر جیلانی فرمودند مظفر در نصیب تو فرزند
نیست الا در نصیب پارسا خواهر تو یک فرزند ست و خواهر را بجای دختر میخوانی عقد
نکاح او از سید محمد سرفراز که اولاد من ست انجام کن الحاصل شاه مظفر حسین قادری
عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد سرفراز کردند بعد مدت نه ماه فرزند تولد شدند
شاه عبد المنان شاه مظفر حسین قادری بعد خود ایشان را بجای خود
کردند جانشین خواهر زاده را فرزند خواندند

باب دوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام معه ذکر ذریت حضرت امام
زمانه که نسبت فرزندی سیادت بکدام امام میرسد بر هشت نسبت مه
باید دانست جناب حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام امام سیوم اند آنحضرت فرزند
جناب حضرت علی مرتضی نواسه پیغمبر خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم
اولاد این حضرت عین گنجینه سیادت هست از بی بی فاطمه متول کل سیادات
حسنی الحسینی اند اصل اصول نسب بدایه در عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیه السلام
ازواج خمسه آمدند و از بطن هر یک زوجه یک فرزند متولد شدند زوجه اولین
جنابه معلی القاب بی بی شهربانو دختر خجسته اختر یزدجرد بن شهریار که بود
بادشاه سلطنت عجم از اولاد نوشیروان بادشاه عادل باید دانست از همه ازواج
بمرتبه افضل و بصورت اجمل بودند از بطن ایشان متولد شدند امام زمانه سید الساجدین
علی ثانی امام زین العابدین علیه السلام و از بطن بی بی ام اسحاق زوجه ثانی

دختر حضرت طلحه صحابه یکی از عشره مبشره متولد شدند بی بی فاطمه صغری دختر حضرت امام حسین علیه السلام زوجه حضرت امام حسن مثنی ابن جناب حضرت امام حسن علیه السلام نسب سادات حسنی الحسینی از بطن این بی بی بوجود اند زوجه ثالثه بی بی ام لیلی و نیز ام لیلا میگویند از بطن ایشان تولد یافتند حضرت علی اکبر شبیه پیغمبر خدا اعقاب ایشان نماندند واقعه کربلا همراه عم بزرگوار و والد ماجد شهید شدند زوجه رابعه بی بی رباب بنت قیس بن عدی از قبیله بنی کلیب بودند محبوب ترین زوجه بودند از بطن ایشان دختر پیدا شدند بی بی سکینه محبوب ترین دختر جناب سید الشهدا بیت همین بیست در شان محبت ایشان ترجمه آن اینست ؎

اوس جگه کو دوست رکھتا ہی حسینؑ ؎ جس جگه بیٹھیں سکینه اور رباب ؎

حین شهادت سید الشهدا العمر شش ساله بودند روایت انتقال ایشان در الوقت غلط هست از مصعب ابن زبیر کتخدا شدند چون لشکریان عبد الملک لشکر کوفه آوردند تا حبت مصعب ابن زبیر را کردند شهید بظلم شد بود در الوقت سکینه بر آوردند فریاد ای کوفیان ناشاد ایکوقت دریں میدان کردی مرا یتیم بی پدر اینوقت کردید مرا بی شوهر روایت است حضرت زبیر را بودند سه فرزند عبد الله ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر هر سه برادر بجای استجابت دعا بر چاه زمزم نشست مطلب دعا خواهد شد امارت مکه خواستند حضرت عبد الله بعد واقعه شهادت سید الشهدا تسلط با امارت مکه معظمه شدند عروه دعا کردند

که محبت شوند انچنان گردید و مصیبت خواستند زوجیت حضرت سکینه انهم مطلب شد
زوجه خامسه بی بی ام الاصغر یعنی والده حضرت علی صغر شهید شیر خوارہ شہید
شد از تیر مطیع یزید انا للّٰه و انا الیه راجعون قاتلان صورت زبون ہے

نسبت اول باب دوم در ذکر اولاد حضرت علی ثانی سید الساجدین

امام زین العابدین علیه السلام برسته انوار ذکر اولاد

واضح باد که خدای حضرت علی سید الساجدین امام چهارم زین العابدین علیه السلام
از صبیه عم الاعظم بی بی ام عبد الله کنیت و بی بی عائشه ثانی بی بی فاطمه
ثانی هم اسم بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام گردیدی اولاد
شدند باید شنید چهار فرزند حضرت سید الساجدین از بطن آن بی بی متولد
شدند و از بطن زوجه دیگر نیز غیر ایشان اولین فرزند امام زمانه حضرت امام
محمد باقر علیه السلام که در حق امام فرمود آنحضرت محمد نبینا علیه الصلوة والسلام
اسمه محمد ابن علی ابن حسین ابن علی هو اینی یبقر فی علم الدین ای جابر
تو به بینی فرزندی را که نامش بود محمد ابن علی ابن حسین علی که فرزند من است
تبحر و تبقر بود او را در علم دین من ثانی امام عبد الله باهر رضی الله عنه و ثالث
امام ابو الحسن زید شهید رابع حسین اصغر در کتاب بحر الانساب چنین
مذکور بود ایت اهل السنت و فرقه مذهب امامیه چنین می نگارند فرزند حضرت
امام زین العابدین از دیگر منکوحه پیدا شدند چنین نام سید محمد اشرف

و سید عبد الرحمان و سید سلیمان و سید علی اشرف چہار فرزند اگر
روایت ہست صحیح پس اعقاب ایشان نماند ذکر اولاد امام زمانہ در نسب ہم
خواہد نگاشت کہ آنہا منسوب بسیادات باقری اند و اینہا منسوب بالقاب اجداد
خود در سبع الانوار ذکر ہر سہ بزرگوار مع اولاد میکند بابری زیدی و حسینی
انوار اول نسبت اول باب دوم در ذکر امام عبد اللہ بابر و اولاد ایشان

امام امیر تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاہ ابو العلا قدس اللہ سرہ العزیز
باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابو العلا ابن امیر سید ابو الوفا
قدس سرہ ابن امیر سید عبد السلام ابن امیر سید عبد الملک ابن امیر سید عبد الباسط
ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شہاب الدین محمود ابن امیر سید
عماد الدین ابن امیر سید علی ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید شرف الدین
ابن امیر سید اعز الدین ابن امیر سید شرف الدین ابن امیر سید مجتبی ابن امیر سید
جیلانی ابن امیر سید یحیی ابن امیر سید بادشاہ ابن امیر سید حسن ابن امیر سید
محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبد اللہ ابن امیر سید حسین ابن امیر سید اسمعیل
ابن امیر سید محمد ابن امیر عبد اللہ بابر ابن حضرت سید الساجدین امام
زین العابدین علیہ السلام ابن جناب حضرت سید الشہدا امام حسین
علیہ السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید دانست امیر سید عبد السلام

جد امجد امیر سید ابوالعلا را چهار فرزند از انجمله یکی امیر سید ابونصر والد امیر سید
علی رضا و دو دختر نیز بودند امیر سید ابونصر را دویمی امیر سید ابوالصفا
فرزند ایشان امیر سید عبدالباقی والد امیر سید شاه عبدالماجد سیومی
حضرت امیر سید عبدالله یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبدالمنعم دویمی
امیر سید عبدالباسط و خواهر ایشان بی بی مدیحه زوجه سیدنا ابوالعلا
چارمی امیر سید ابوالوفا والد ماجد سیدنا ابوالعلا و یکخواهر حضرت زوجه امیر
سید عبدالباقی و والده امیر سید شاه عبدالماجد بشنو حضرت سیدنا ابوالعلا
را دو فرزند یکی امیر سید نورالعلا والد ماجد امیر سید تاج العلا دویمی
امیر سید فیض الله و فضل العلا نیز نام بود خلف ایشان امیر سید نورالله
کدخدای هر دو فرزند سیدنا از بنات اعمام با احوال شد و صبیه و آنحضرت سیدنا
یکی بی بی زینب زوجه خواجه عبدالرحمن ابن خواجه سلیمان که از اولاد
حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره بودند کیفیت ذریت ایشان
دریافت نشد ثانی صبیه حضرت سیدنا بی بی رقیه زوجه خواجه محمد عرف
خواجه فولاد ابن خواجه محمد سجاد داماد ثانی حضرت سیدنا آنجناب نیز از اولاد
حضرت خواجه نقشبند قدس سره بودند مزار حضرت خواجه محمد فولاد در احاطه
مزار سیدنا موجود در شهر اکبرآباد و کرامات از ایشان عیان از مزار بسیار

	کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد	

ثمرهٔ شجرهٔ نسب مادری از جانب خواجه عبید الله احرار

دریجا ذکر نسب حضرت خواجه ناصر الدین عبید الله احرار قدس سرہ میکند
حضرت خواجه احرار ولد خواجه محمود ابن خواجه شهاب الدین شاشی
ابن خواجه محمد مدعو خواجه ناصی از اولاد عبد الله انصار بایدشنید حضرت خواجه
عبید الله احرار هم عصر امیر سید تقی الدین کرمانی بیک زمان متفق در شهر سمرقند
بودند باخودها بسبب نجابت شرافت جانبین صورت مصاهرت واقع شد
یعنے کدخدای امیر سید عبد الله و امیر سید عبد الاول و امیر سید عبد الباسط هر سه
فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران هر سه خواجه عبید الله احرار
گردید و نسبت نانهالی سیدنا ابو العلا از نسب خواجه ترتیبا واقع شد بدین طور
امیر سید عبد الملک نبیره امیر سید تقی الدین نواسه حضرت خواجه احرار و امیر
عبد السلام ابن امیر عبد الملک نواسه خواجه عبید الله عرف خواجکا ابن خواجه
احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبد السلام نواسه خواجه ابو الفیض نبیره
حضرت خواجه احرار و حضرت سیدنا ابو العلا ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسه
حضرت خواجه محمد فیض عرف خواجه محمد فیضے ابن خواجه ابو الفیض ابن خواجگا
ابن حضرت خواجه احرار لیکن نام والده حضرت سیدنا بی بی عارفه دختر خواجه
محمد فیضے واضح باد خواجه ابو الفیض نزیک مادر سه برادر بودند یکی خواجه ابو الفیض
دویمی خواجه عبد الشهید سیومی خواجه عبد العلیم ایشان خواجگاه از زوجه اولے

دختر امیر تقی الدین نیز پسر یکے خواجہ عبدالحق دویمی خواجہ نظام الدین عبدالہادی
سیومی خواجہ خاوند محمود بودند و خواجہ ابوالفیض سہ برادر از دختر خواجہ نظام محمد
کہ از اولاد صاحب ہدایہ بودند ہر یکے شدند ذی اولاد و حضرت خواجگان را
از ہر دو زوجہ دو دو دختر نیز بودند کیفیت ذریت دیگر فرزندان حضرت سیدنا
دریافت نشد الا بی بی مخدومہ صبیہ حضرت میر نور اللہ کہ از میر محمد افضل
ابن سید محمد اجمل ابن امیر سید علی رضا کتخدا شدند کیفیت ذریت ایشان
ترتیباً نیافت الامیدانند کہ سید شاہ غلام علی ابن سید امام علی بیک
واسطہ فرزند میر سید محمد افضل بودند و منشی علی حسین مصطفی آبادی نیز نسبت
فرزندیت خود از حضرت میر سید محمد افضل بیان می کردند و ابن بنت البنت
سید شاہ غلام علی سید اولاد حسین و سید نبی شاہ ابن سید حسن قادری
بودند یعنی نواسہ سید ابن علی داماد سید شاہ غلام علی کہ زیارت آنحضرت
کردہ است این فقیر حقیر الا در شہر اکبر آباد از اولاد امیر سید تاج العلا ابن
امیر سید نور العلا از بیشتر زمان قیام انجا کسار بودند سید اکرم الدین کہ
شہریان انجا کیفیت مقبولی شان بحضرت سید نا بیان میکنند از زوجہ شان
کسے اولاد نشد الا از بطن خادمہ یک دختر بودند ملقب سید انی صاحبہ ؎
انوار دوم نسبت اول باب دوم در ذکر اولاد حضرت ابوالحسین
زند شہید بیان ہر چہار شجرہ است شجرہ اول در ذکر سید محمد میر مطریان

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیر مڑیا عظیم آبادی
که انجله معروفست نسب فرزندان شان بنیر آنجناب بین طور ست آنچه که یافت
نگاشت بندگی سید نظام الدین ابن میر سید ممشاد پیر مڑیا ابن میر سید حمزه
پیر مڑیا ابن میر سید رکن الدین پیر مڑیا ابن میر سید زین العابدین عرف سید
محمد پیر مڑیا واسطی ابن میر سید احمد دہلوی واسطی ابن میر سید حسن دہلوی
واسطی ابن میر سید قاسم واسطی ابن میر سید حامد واسطی ابن میر سید محمد
جعفر زیدی نسب ابن میر سید مختار ابن میر سید احمد ابن میر سید طاہر ابن میر
سید ابوبکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن شاہد ابن میر سید اسمعیل ابن میر
علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحیی ثانی ابن میر سید حسین
ابن میر سید احمد ابن میر سید یحیی شبیہ نبی محدث زمانہ ابن میر سید حسین
زیدی ابن حضرت امام ابوالحسن زید شہید ابن حضرت سید الساجدین
امام زین العابدین علیہ السلام ابن حضرت امام حسین علیہ السلام

شجره دوم انوار دوم نسب اول باب دوم در ذکر نسب سید محمد سہروردی

واضح باد مزار آنحضرت سید محمد سہروردی بموضع رہوی علاقہ حضرت بہار
است سید محمد سہروردی ابن میر سید احمد داہری ابن میر سید مجتبی دہلوی
ابن میر سید مصطفی پشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن
میر سید حسین طوسی ابن میر سید عمر ابن میر سید احمد ابن میر سید عبد اللہ طوسی

ابن میر سید اسد اللہ ابن میر سید علی ابن میر سید محسن ابن میر سید رحمۃ اللہ ابن
میر سید حسین زاہد ابن میر سید اسمعیل ابن میر سید علی ابن سید حسین الفارس ابن میر
یحییٰ ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید یحییٰ شبیہ رسول مقبول ابن
میر سید حسین زید ابن حضرت امام ابوالحسن زید شہید ابن حضرت امام زین العابدین ابن امام حسین علیہ السلام

شجرہ سیوم انوار دوم نسبت اول باب دوم در بیان نسب نامہ عمی حضرت سید شاہ یحییٰ علی

حضرت سید شاہ یحییٰ علی رحمۃ اللہ علیہ ابن میر سید مظفر علی ابن میر سید احسن ابن میر
سید وجیہ الدین عرف سید بولن ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا سید شاہ
قطب الدین مصطفےٰ پوری تاربکگا ابن میر سید قاسم ابن میر سید عالم ابن میر سید مسعود ابن میر
سید علاء الدین ابن میر سید محمد ناصر ہانسوی ابن میر سید فیض اللہ ابن میر سید
معز الدین ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید ابوالفتح ابراہیم ابن میر
سید ابوالفوارس محمد فراس ابن میر سید ابوالفرج واسطی ابن میر سید محمد داؤد
ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسی ابن میر سید ابوالحسن زید ملقب بجنید ابن میر سید محمد اکبر زید
ابن سید محمد منصور داعی عمان ابن سید عمر علی ابن سید یحییٰ شبیہ رسول مقبول
ابن سید حسین زید ابن حضرت امام ابوالحسن ملقب زید شہید ابن حضرت
سید الساجدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین علیہ السلام

شجرہ چہارم انوار دوم نسبت اول باب دوم در ذکر نسب حضرت سید محمد گیسو دراز

حضرت میر سید محمد گیسو دراز بندہ نواز ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید احمد

جاجنیری ابن میر سید بدر الدین مدنی امیر حاج ابن میر سید علی مسعود مدنی ابن
میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر سید ابو الفرج ابن سید ابو الفوارس محمد فراس
ابن سید ابو الفرج واسطی ابن میر سید داؤد ابن میر سید محمد جاجنیری
ابن سید عیسی ابن سید داؤد بزرگ والی کوفه ابن سید حسن ابن سید حسین زید
ملقب به ضبید ابن میر سید ابو الحسن فارس ابن میر سید محمد اکبر منصور داعی غدان
ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علی غدان ابن میر سید اشرف الدین
یحیی محدث شبیه رسول مقبول علیه السلام ابن سید حسن زیدی ابن حضرت امام
ابو الحسن زید شهید ابن حضرت سید الساجدین علی اوسط امام زین العابدین علیه السلام

انوار سیوم نسبت اول باب دوم در ذکر اولاد حضرت علی علی صغر ابن امام زین العابدین علیه السلام و ذکر نسب حضرت آدم صوفی و حضرت مولانا مظفر بلخی هردو شجره ۱۴

واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شمس بلخی از اولاد
یک جد اند بجنید واسطه جد واحد اند از اولاد حضرت امام علی صغر فرزند حضرت
امام سید الساجدین زین العابدین علیه السلام نسبت سادات اند و حضرت
سلطان ابراهیم ادهم بنسب مادری اما ملوک اند و نسب جدی فاروقی نسب
انداز غلطی کاتبان شجره نسب سادات است الانسب مادری اجداد مولانا
مظفر بلخی از سلطان ابراهیم ادهم می پیوندد به سبب تخت سلطنت نیز از جهت

اجداد مادری رسیده شجره اول نسبت مخدوم شمس بلخی باید دانست
مخدوم شاه شمس الدین بلخی ابن سید شاه علی ابن سید شاه سراج الدین
ابن میر سید محمود ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد
ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید عمر زید ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن جعفر
امام علی صغر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام **شجره ثانی**
نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید
شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن سید محمود
ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید عمر زید ابن میر سید محمد ابن میر سید قاسم ابن
حضرت امام علی صغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین
علیه السلام شجره پیوند نسب مادری از جانب حضرت ابراهیم ادهم بدینطور است
باید شنید میر سید محمود ابن میر سید یعقوب نواسه اند سلطان محمود ابن سلطان
ابراهیم **نسب جدی** حضرت سلطان ابراهیم بدینطور یعنی حضرت سلطان
ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ادهم ابن سلطان ابو ناصر هاشم ابن عبدالله
اسلم ابن عبید الله ابن حضرت عاصم ابن امیر المومنین حضرت عمر خطاب
رضی الله عنه شجره نسب نامه یکی از خلفای این فقیر سید امین الدین
ابن سید محمد یسین ابن سید محمد رضا ابن سید داؤد ابن سید جعفر ابن سید اکبر

ابن سید

ابن سید اجمل ابن سید فضل ابن سید طاہر ابن سید مظاہر ابن سید حمت اللہ
ابن سید نعمت اللہ ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید لطف اللہ
ابن سید وجہ اللہ ابن سید فضل اللہ ابن سید ادریس ابن سید ابراہیم ابن
سید عمر ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
امام علی اصغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام

شجرہ نسب نامہ یکی از مریدان فقیر بدین نسبت میر سید محمد یوسف
ابن سید محمد یعقوب ابن سید محمد ناصر ابن سید منیری ابن سید مخدوم حسین
ابن سید ادریس ابن سید ابراہیم ابن سید اسحاق ابن سید محمد معین ابن
سید زین الدین ابن سید فخر الدین ابن سید زاہد ابن سید عابد ابن سید
مجاہد ابن سید یونس ابن سید اسمعیل ابن سید یحیی ابن سید ذکریا ابن
سید حیدر ابن سید صفدر ابن سید محی الدین ابن سید یسین ابن سید
یعقوب ابن سید احمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد
ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی اصغر رضی اللہ عنہ ابن حضرت
سید الساجدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ عنہ

نسب دوم باب دوم در بیان اولاد حضرت امام
محمد باقر علیہ السلام بود و شجرہ

انور باد که خدای حضرت امام محمد باقر علیه السلام از بی بی فروه دختر
خجسته اختر حضرت قاسم ابن محمد ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه
گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب اند از حضرت رسول صلی الله علیه وسلم بدین
خطاب اسمه محمد ابن علی ابن حسین ابن علی هو ابنی یبقره فی علم الدین
اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب اضح باد از بطن پاک بی بی فروه فرزند
شدند چهار یکی امام زمانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امام زمانه
که فرموده اند شده مخاطب به رفاض قول لا تسبوا علی ابی بکر آتا
ولد بنی مرتین مراد از ولدتنی نسبت صوری و معنوی چراکه از حضرت
قاسم جد مادری فیض یافتند بدانید که خدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت
اسماء بنت عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر است رضی الله عنهم
ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیه السلام امام عبد الله ملقب
کتب الکریم سیوم حضرت اسمعیل چارمی سید ابراهیم باید شنید
نسبنامه کسی اولاد سید ابراهیم نیافته ست آنجناب و ذکر حضرت امام
جعفر صادق و ذریت شان در نسب سیوم جداگانه تحریر خواهد شد
اول ذکر اولاد حضرت سید اسمعیل میکنند که جد اعلی جناب حضرت سید شاه خواجه
ابو البرکات قدس سره اند بدین نمط تحریر است باید دانست در کتاب بعضه
آنحضرت المکتوب نسبنامه دیده است تحریر این فقیر نسبت نسبی و ساخته عبیره

حالا اینکتاب است مفقود انچه باستماع جلسه انحضرت یاد است منقولیست بزرگی
بودند عمدة المشائخین خواجه حسن که انجناب را بسته دو واسطه نسب بود از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگ از علاقه ولایت تیراه و هرات
وارد شهر هندوستان گردیدند مجرد وار بطور سیاحت قبل در مقام
دهلی بدار السلطنت رسیده ملاقات از هر یکی مشائخین کرده متوجه دیار شرقی
شدند موضعیست قریب شهر متهرا مشهور موضع دیوثانه که جای معبد
بود هنود در انجا چند روز تشریف داشتند انجا می بهر سکونت بخاطر شریف
پسند افتاد و مردمان ساکنان انجا قوم هنود معتقد شدند و نیز از زمره اهل اسلام
شیوخی انصاری که مسکن انها انجا بود گرویدند بسیار الحاح و زاری بهر استقامت
انجا هرگاه انها باعث اقامت حضرت شدند رای انها بنظر شریف مستحسن
افتاد طرح اقامت پذیرفتند شیوخ انجا معتقدین اکثر مرید شدند بعد چند
سال اصرار کردند بهر متاہل شدن انحضرت به بسیار کد و جد قبول شد از انجمله
یکے از مریدان راسخ الاعتقاد دختر خود در نکاح انحضرت بزوجیت داد و بعد
چندی الله تعالی ازان بی بی عفیفه اولاد بخشید بسبب اقامت و عدم کفویت
خاص در شیخ زادگان نوبت مصاهرت افتاد از زبان مبارک پیر دستگیر
خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود استماع است
که چنان حضرت خواجه ابو البرکات قدس سره بیان میکردند احوال بزرگان خود

از انجناب سید خواجہ حسن ابن خواجہ ابوالحسن بن خواجہ علی ابن خواجہ احمد
کہ بواسطہ بست و سہ پشت نسب از حضرت امام اسمعیل ابن محمد باقر علیہ السلام
مے پیوندند بدانند سید شاہ خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ
ابن حضرت خواجہ محمد شجاع ابن خواجہ رزق اللہ کہ بہفت و ہشت
بواسطہ نسب فرزندی بحضرت خواجہ حسن قدس سرہ ساکن دیوانہ است
مزار خواجہ بسیار فیض آثار زیارت نمودہ است این خاکسار چند بار چیزے
کیفیت آنحضرت مینویسد ضروری الارقام چراکہ مرشدان مرشد واز پیران
احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاہ خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ
بعد تحصیل علم ضروری چندی نوکری سرکار نواب و راجہ آن دیار بودند بعہدہ
قلعداری ہرگاہ طلب براہ باطنی شد ترک کردہ در شہر عظیم آباد رسیدہ
بعد حصول بیعت از تربیت و صحبت جناب حضرت شاہ رکن الدین
متخلص عشق قدس سرہ ابوالعلائی مشرف بخلافت شدہ رخصت شدند
ہرگاہ صاحبزادہ حضرت عشق قدس سرہ شاہ احمد حسین عرف چھوٹے
حضرت عریضہ نوشتہ محرک تشریف آوری آنحضرت شدند بہ نسبت حصول
بیعت آنحضرت تشریف آوردند خود صاحبزادہ مشرف بہ بیعت و تربیت
معنوی شدند و نیز خواجہ زادگان اکثر مجوز شدند بہر اقامت آن شہر
آنحضرت پذیرا گردیدند و اہل و عیال را از آنجا طلب داشتہ صورت اقامت

پس آن شهر گردید هرگاه راجه دولت رام راجه گوالیار نبیرهٔ میر سید علی شاه
میر تشریف بری انجا خواست انحضرت کردند انکار فقیر را چکار از راجه و مقام
شیار چون حضرت صاحبزاده خورد خواجه ابو الحسین قاصد شدند بسوی
الحـ گوالیار بوجه چند اسرار تشریف بردند چونکه بودند فرزند چشم و چراغ در
ولهارت برخوردار شدند بهتیار خود نیز معه تبعه و لحقه تشریف بردند جانب
گوالیار در زمانه راجه مذکور بابارت گذشت چند سال بعده برگشتگی زمانه
چون بیجا بائی رانی ان راجه از انجا جای تیرت معبد خود پسندیده اقامت
شهر اله آباد کردند اختیار انحضرت نیز معه تبعه و لحقه فرزندان در انجا
تشریف آوردند از گوالیار و اقامت پذیر گشتند در انجا تا مدت حیات
شریف خود چنانچه در انشهر بسال یکهزار و دو صد و پنجاه و شش هجری بیست
هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش پاک سه ماه دران سرزمین
بطور سپرد کردند تدفین بعده از انجا آورده در شهر عظیم آباد پائین پیر مرشد
یافتند تدفین عمر شریف به نود و هفت رسیده بود ذکر اولاد انحضرت
راسه دختر و دو پسر اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین
بودند و دختر ثانی از میر فدا علی ساکن شهر بنارس کدخدا شده ذی اولاد
شدند و دختر سیوم انحضرت والده میر محمد علی و خواهران ایشان بودند
و فرزند کلانی خواجه ابو الخیر رحمة الله علیه سه دختر و دو فرزند ایشان یکی دختر

از میر محمد علی کدخدا باقی جا ی دیگر و فرزند کلانی خواجه ابومحمد ثانی ز
ابواحمد فرزند دارند و جناب حضرت خواجه ابوالحسین فرزند ثانی ا
ایشان را دو فرزند و یک دختر صاحبزاده قضا کردند الا فرزند کلانی خوا
علی حسین عرف میر نواب کدخدای ایشان از دختر کلانی خواجه سلطان
گردید یک پسر و یک دختر گذاشته خورد سال کردند انتقال بسال یکهزار و صد و
و پنج هجری ثانی صاحبزاده خورد آنحضرت را اسم عالی خواجه علی حسن عرف
خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند دختر از خواجه وحید جان ابن خواجه
میر سبحان کدخدا شد و پسر کلانی خواجه حسن نواب نام ثانی را تسمیه خواجه
نواب حسن است هنوز کدخدای هر دو برادران نشده و بجای تقرر و تعین یافته
شجره نسبت دوم باب اول در ذکر امام عبدالله و اولاد ایشان
ابن امام محمد باقر علیه السلام بیان نسب اولاد آنحضرت و شجره
بباید دانست سیدنا امام عبدالله را دو فرزند که از هر دو نسب ذریت پیدا است
یکی میر سید هاشم و دوم سید حبیب الله ذریت هر دو برادر بسادات باقری
منسوب اند ذکر اولاد فرزند کلانی چونکه طویل است و آن نسبت خاص است
بنده مسکین فی الحال ذکر ذریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت
از جانب الامنا ید بطور تحریر سید حبیب الله خلف الرشید سید برکت الله پسر
شان سید شهاب الدین نور الانوار ابن سید نجم الدین ولد محمد صوفی صادق

پسر ایشان سید شهاب الدین لال ولده سید احمد آلهی ولده سید محمد معروف ابن
میر سید جنید ولده سید عثمان ثانی ابن سید عبدالوهاب ولده سید عثمان
شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف برقع پوش ابن سید عبدالقاسم
الحصول این بزرگوار از مدینه طیبه حرکت کرده نسل بعد نسل سفر کردند دیار
و امصار هرات و بخارا و لاهور آخر در دهلی رسیده چندی انجا اقامت
گزین شدند چراکه جای تخت سلطنت بود و اجماع درویشان و مشایخین
حصول ملاقات از امرا و اراکین نموده بطور سوخیت در بارشاهی منصب
قضا کردند اختیار از انجا رحلت گزین شده بسبب استقامت صیغه قضا
انجا در موضع جونپور اقامت پذیر گشتند تا چند نشیت فرزندان انجا
اقامت گزین شدند بعده خلف ایشان میر سید محمد ابن مفتی
عبدالرحیم ولده سید عبدالرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولده
سید محمد فرید فرزند شان سید ابراهیم از انجا مراجعت کردند بسوی
دیار شرقی قریب بهار موضع سرالوان پرگنه ارول طرح اقامت
انداختند معه اهل و عیال خود در انجا موضع مسکن ساختند از انجاکه در
دربار شاهی بود در سوخت کمال بذریعه امرا اراکین چند موضع و دیهات
بحصول فرمان شاهی بهر مدد معاش یافتند و جای سکونت را بنام جد
بزرگوار موسوم فرید پور کردند بالا شد از صد سال که سکونت این بزرگوار

است دران دیار سہر یکے کہ از انجا کردند سفر اختیار بسبب حصول عہدہ ہاے
ذی اقتدار لاریب اند ذریت آنہا ذی اقبال بفضل الٰہی بکمال القصہ سید ابراہیم ابن سید محمد فرید وسیع
شان سید محمد داؤد ولد شان سید محمد یحیی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد علی ولد سید عبدالکریم ابن سید
عبدالقدوس بن سید محمد حسن ابن سید محمد یوسف ولدہ مولانا سید محمد
اسحاق کہ در اخلاق بسیط شہرہ آفاق از ایشان شد ذریت اولاد بسیار
حالا منیویسید باید شنید سید محمد اسحاق را دو فرزند یکی سید کرم علی
دویمی سید مبارک علی پسر سید کرم علی سید فیض علی دو پسر ایشان یکی
سید اصغر علی دو پسر ایشان سید اسمٰعیل علی و محمد بہرام سید اسمعیل علی
را دو پسر و دو دختر یکے زوجہ خواجہ محمد محسن ذی اولاد ہستند دویمی زوجہ
میر محمد قاسم ساکن کہرا ایشان نیز ذی اولاد سہ پسر و دو دختر نام پسران
یکے سید علی احمد دویمی سید منور علی ذی اولاد ہستند ہمہ حالا باید شنید کہ
سید فیض علی را پسر دوم سید صابر علی ولد ایشان قاضی سید مبارک حسین
کہ از دختر قاضی نادر علی کدخدا شدند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور الحسین
جامع کمالات درینولا بمنصب اعلای اند یک پسر ایشان مولوی انوار احمد
ذی اولاد است ترقی مدارج باد باید دانست قاضی نادر علی کدخدا از خواہر
میر حسام حیدر ساکن کہرا و نیز میر حسام حیدر را از خواہر قاضی نادر علی صاحب
قاضی صاحب مرحوم را دو پسر یکے قاضی امیر حیدر کہ بسیار مردم معقول و

خوبصورت

این کو خوش مزاج در تحصیل علمی عربی فارسی حصول دو بی قاضی
بسبب فهم فهمی لیاقت و ذی علم از ایشان ملاقات است کلانے را
گو اوصاف شنیدم هر دو برادر از هر دو خواهر میر محمد قاسم ساکن گهرا
گوا میر حسام حیدر کدخدا شدند اولاد نشد باید دانست سید مبارک علی
گو سید محمد اسحاق را پنج فرزند رتبه بلند هر یکے عالیقدر و دولتمند پسر کلانی
سید برکت علی یک دختر ایشان و سه پسر دختر زوجه میر امانت علی
که پسر خلف بودند یک دختر از ان دختر شد لاولد رفت از جهان و پسر کلانی را
نام سید امجد علی که از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سامین کدخدا شدند
سید امجد علی چند دختران فرزند یک دختر محمد ظهیر یک دختر از مولوی خیرات علی
منسوب لاولد و یک دختر از مولوی محمد فرید الدین پسر منشی سید امداد علی کدخدا شد
اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست و پسر ثانی مولوی سید امان علی
و پسر سیوم مولوی سید افضل علی هر دو برادر بعهده جلیل سرکاری بعهده
ڈپٹی بودند ممتاز و سرفراز سید امان علی را دو پسر و دو دختر یکے حافظ سید
احمد رضا دوم سید محمد یحیی که از دختر قاضی محمد بخش ابن قاضی مولوی
عبد العلی کدخدا شده ذی اولاد است و دو خواهران یکے زوجه مولوی عبد الحق
ابن مولوی واعظ الحق و یک دختر زوجه مولوی فخر الدین و شادی اولین
حافظ احمد رضا از دختر عم گردید یک دختر شد از ان عفیفه اورا دو فرزند اند

و مولوی سید فضل علی را نیز دو پسر و دو دختر یکی زوجهٔ حافظ سید احمد رضا
مذکورهٔ بالا و دوم زوجهٔ محمد ظهیر الحق نواسهٔ سید امجد علی مرحوم و پسر کلانی
مولوی سید فخر الدین که از دختر مولوی سید امان علی کدخدا ثانی سید
محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول کدخدا از بنی ولد
اند و شادی حافظ سید احمد رضا بموضع مفتی گنج از خواهرزادی میر
نثار حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کناد و ابها دائمی باشد خرم و شاد
باید شنید پسر ثانی سید مبارک علی سید عظمت علی پنج پسر ایشان یکی مولوی
مظهر علی دویمی مولوی نیاز علی سیومی میر مصاحب علی چارمی میر مجید علی
پنجمی سید احمد علی پسر سیوم سید مبارک علی مولوی اشرف علی فرزند
رتبه بلند الشان مولوی اظهر علی ذی اولاد اند پسر چارمی سید مبارک علی
میر مراد علی ایشان را شش فرزند ذی اقبال رتبه بلند یکی از ان
مولوی وارث علی لیاقت ظاهر باطنی بهره دویمی مولوی شیر علی
دختران ایشان از هر یک جای قرابت کدخدا و از منکوحه دو پسر شد بلی پسر
سیومی میر مراد علی مولوی مهر علی چارمی سید سبحان علی پنجمی مولوی نظر علی
ششم مولوی قادر علی که از خواهر مولوی فضل حسین و مولوی قدم حسین فرزندان
شیخ نادر علی کدخدا شده یک دختر و یک پسر مولوی محمد نصیر باقی پنجمی پسر سید
مبارک علی میر اسد علی لاولد رفتند از جهان بی بنیان بباغ جنان

از انجاکه این صاحبان نسب سیادت واصد باقری بودند بجهد کیفیت
ایشان بتصریح نگاشت و ترتیب نسب سلسله بدینطور بحیز تحریر مے آرد
هر یکے ازین خود را بنسب بدینطور شمارد مولوی نورالحسین ابن قاضی تبارک حسین
ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق
ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد محسن ابن سید عبدالقدوس ابن سید
عبدالکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد یحیی ابن سید
محمد داؤد ابن سید محمد ابراهیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید
عبدالرحمن ابن سید عبدالرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف
برقعه پوش ابن سید عثمان شیر سوار ابن سید عبدالوهاب ابن سید عثمان
ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد آلهی ابن سید
شهاب الدین لالی ابن محمد صوفی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید
شهاب الدین نورالانوار ابن سید برکت الله ابن سید حبیب الله ابن
امام عبدالله کتب الکریم ملقب ابن حضرت امام محمد باقر علیه السلام
ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام انوار سیوم نسابت دوم

باب دوم در ذکر اولاد سید محمد هاشم ابن امام عبدالله
ابن حضرت امام محمد باقر علیه السلام باید دانست حضرت
امام عبدالله را دو پسر ذکر اولاد پسر ثانی تحریر شد بانوار دوم حالا ذکر

فرزندان حضرت میر سید ہاشم پسر کلان امام عبد اللہ مینویسد بالاجمال
و بالتفصیل در شجرہ ثانی کہ ہست ذکر طولانی و کیفیت اخوان عم زاد سید
عطا حسین عبد الرزاق ابن حضرت میر سید سلطان احمد ابن حضرت
سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید
شاہ محمد یسین ابن میر سید محمد ناصر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا
ابن میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید تقی الدین
عرف سید بوڑھی کہ از کالپی تشریف آوردند بجاجی پور مسکن ساختند
ابن میر سید جلال الدین ابن میر سید محمد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی
ابن میر سید علاء الدین کالپوی ابن میر سید تاج الدین دہلوی ابن میر سید اسمعیل دہلوی
ابن میر سید محمد اسحاق لاہوری ابن میر سید داؤد لاہوری ابن میر سید
محمد یعقوب لاہوری ابن میر سید یوسف طوسی ابن میر سید عبد اللہ
طوسی ابن میر سید حسن طوسی ابن میر سید ابو القاسم طوسی ابن میر سید
ابراہیم مدنی قریشی ابن میر سید اسمعیل مدنی ابن میر سید حسین مدنی ابن میر سید
علی رضا مدنی ابن میر سید جعفر مدنی ابن میر سید محمد محسن مدنی ابن میر
سید ہاشم ابن امام عبد اللہ کشتہ الکریم ابن حضرت امام محمد باقر
علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل الکتاب احتساب الانساب حضرت
میر سید ارشد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی

بود در آنکتاب اسامیان زوجه های بزرگان و ذکر مصاهرت نیز است مکتوب
بود فهو المراد مینماید بیان باید دانست نام والده ماجده آنحضرت صلی الله
علیه وسلم سیدنا محمد بی بی آمنه دختر وهب ابن عبد المناف که معروف
است و اسم والد ماجد عبد الله بن عبد المطلب زوجه اولین آنحضرت صلی الله
علیه وسلم که ذی ولد شدند ام المومنین خدیجه الکبری دختر خویلد فاطمه
بنت اسد نام والده حضرت حیدر کرار علی مرتضی ابن ابیطالب زوجه
حضرت سیدنا علی اسد الله الغالب بی بی بتول فاطمة الزهرا بنت حضرت
محمد رسول مقبول هکذا نام والده ماجده حضرت سید الشهدا امام حسین
علیه السلام حضرت بی بی بتول بنت رسول نام والده حضرت علی امام
زین العابدین ابن حضرت امام حسین بی بی شهربانو کنیت
ام عبد الله و اسم والده حضرت امام محمد باقر علیه السلام بی بی ام عبد الله
و عائشه ثانی و فاطمه ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
و نام والده حضرت امام عبد الله ابن امام محمد باقر علیه السلام بی بی فروه
بنت حضرت قاسم بن محمد ابن صدیق اکبر و نام والده میر سید ہاشم
بی بی زلیخا بنت فقیه سید عقیل علوی نسب بود زوجه میر سید ہاشم
بی بی زینب بنت سید احمد والده میر سید محسن بودند زوجه میر سید محسن
بی بی رضیه بنت سید حسن ابن سید علی که والده سید جعفر بودند زوجه سید

محمد جعفر بی بی آمنه دختر سید محمد عتیق صدیقی که والده میر سید علی
بودند زوجه ایشان بی بی صفیه بنت سید علی ابن سید محمد که والده میر
سید حسین بودند زوجه ایشان بی بی نبیه دختر سید عبدالرزاق ابن سید
عبدالکریم که والده سید ابراهیم بودند زوجه ایشان بی بی فاطمه بنت سید
جعفر ابن سید محمد اکبر که والده سید اسمعیل بودند زوجه ایشان بی بی
صفیه والده میر سید ابوالقاسم و بی بی رضیه دختر فقیه عبدالله قریشی
نسب والده میر سید حسن زوجه میر حسن بی بی رقیه دختر سید طاهر ابن م
سید حسین ابن بزرگوار از مدینه طیبه آمده بهر سکونت کردند اختیار در انجا
از بطن این بی بی اولاد شدند یکی میر عبدالله کتخدائی ایشان در شهر
گردید از بی بی خدیجه دختر سید محمد صدیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن
احمد فرزند رتبه بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجه ایشان بی بی
رحمت بنت سید کمال الدین از بطن ابن عفیفه میر سید یعقوب بوجود
آمدند از شهر طوس بشهر لاهور آمده اقامت کردند اختیار کتخدائی
ایشان از بی بی شفقه دختر سید احمد رضوی در انجا شد فرزند رتبه بلند
ایشان میر سید داؤد زوجه ایشان بی بی سلیمه دختر سید محمد آفاق
فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجه ایشان بی بی مبارکه دختر میر
سید علی ابن عبدالواحد فرزند ایشان میر سید محمد اسمعیل قادری

زوجہ ایشان بی بی کلثوم از مقام لاہور آمدہ بشہر دہلی اقامت کردند
اختیار فرزند رتبہ بلند شان میر سید تاج الدین کتخدائی ایشان
از بی بی عائشہ دختر سید عبداللطیف بن سید عبد اللہ ابن سید عبد الرحیم
ابن سید عبد الشکور گردید بہ نسبت علوی از انجا در دار الخیر اجمیر حاضر شدہ
در خدمت حضرت خواجہ بزرگ خواجہ معین الدین چشتی قدس اللہ تعالیٰ سرہ
شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم باطنیہ مشرف شدہ فیض یافتہ
شرف خلافت یافتند و حسب اجازت پیر دستگیر در دہلی طرح بود باش
ساختند و در صحبت جناب حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی
قدس سرہ در انجا ماندند باید شنید میر سید تاج الدین را یک فرزند
میر سید علاء الدین و یک دختر مسماۃ بی بی رحما از مولانا عبید اللہ
ابن سید عبد اللہ کتخدا شدند از بطن بی بی مذکورہ دو پسر یکے سید علی
دویمی سید عبد العلیم و یک دختر بی بی زینب سید علاء الدین را حصول
شرف بیعت بطریقہ عالیہ چشتیہ و تربیت و ارشاد و خلافت از حضرت
شیخ الاسلام و المسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بود و بمقام
ہانسی حاضر شدہ از انجا معاودت کردہ در شہر کالپی بمنصب
ولایت انجا اقامت پرداختند بمحلہ محمود پورہ در عہد سلطنت آن دیار
کانجو شاہ بادشاہ کدخدائی ایشان از مسماۃ عصمت النسا دختر

میر سید امجد ابن میر سید محمد دهلوی شده بود دو فرزند رتبه بلند
از بطن ابن بی بی متولد شدند یکی سید جمال الدین دویمی
کمال الدین میر سید جمال الدین در دهلی رفته مرید حضرت سلطان
المشائخین سید نظام الدین اولیا شدند تربیت باطنیه یافته
مشرف بخلافت شده مراجعت بسوی شهر کالپی کردند واضح باد
شادی میر سید جمال الدین از بی بی زینب دختر عمه گردید و کتخدائی
سید کمال الدین که مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی
گردید نام آن بی بی معلوم نشد الا اینقدر دختر از دختر سید عالم علی شدند
هریکی برادران عمزاد کدخدا شدند باید دانست میر سید جمال الدین
را سه فرزند رتبه بلند یکی میر سید محمد کالپی دویمی میر سید احمد
سیومی میر سید ارشد کالپی این هر دو برادر مرید و خلیفه برادر
کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیه خلافت میر سید محمد کالپی را از حضرت
مخدوم سید نصیر الدین چراغ دهلی قدس سره حصول و ایشانرا بعد
اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب به سید محمد گیسو دراز
ساختند باید شنید بحضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دهلوی چهار خلیفه
بودند بنام سید محمد یکی جد اعلی این خاکسار که مذکور شد دویمی میر
محمد گیسو دراز مخاطب بنده نواز زیدی النسب از فایض الانوار شان

...وی دکهن بمقام کلبرگه شریف سیوم میر سید محمد مؤلف کتاب
بحر المعانی از فرزندان سید عبدالقادر جیلانی چهارم میر سید محمد
بدانی بهر رفع اشتباه اینقدر تصریح بتحریر نمود تا باز نمانم از ره مقصود
پدر نسبت و نیز میر سید محمد کالپی مرید و خلیفه سید جمال اولیاء و نیز
مسترشد و خلیفه حضرت سیدنا سید شاه ابوالعلا قدس سره
که در عهد عالمگیر بادشاه بودند ساکن شهر کالپی محله راجپوره حالا
فرزندان شان بعبور دریای جمن میانند ان را نام علی پور چوره
ساخته اند یعنی فرزندان سید شاه ابوسعید عرف خیرات علی سید شاه
نور احمد و سید شاه ظهور احمد و سید شاه سلطان احمد از مشایخین کاملین
وقت مراجعت سفر حج ملاقات هست بخوبی ازین خاکسار الغرض آن
سید محمد کالپی از اجداد این فقیر هستند مسکن حضرات اجداد بزرگوار
بمحله محمود پوره هست مسجد و خانقاه حالا غیر آباد عمارت است در انجا کسے
از فرزندان نماند در زمانیم خدام انجا بودند در امضای مدت بالا از سی سال
اینهم نیست معلوم که وجود انها باقیست نامعدوم انور باد کدخدای میر سید
محمد کالپی از دختر عم میر سید کمال الدین گردید از مسماة بی بی عزت
و کدخدائی میر سید احمد از بیبی حرمت و کدخدای میر سید ارشد
کالپی ... بیبی عصمت هر سه خواهران اعیانی و دختران میر سید کمال الدین

ابن میر سید علاء الدین بدانید هر سه برادر شدند ذی اولاد حسب
دو پسر میر سید احمد را یکی میر سید حسن دویمی میر سید حسین هر دو ذی
شدند و میر سید ارشد را یک پسر میر سید محمود و یک دختر بی بی حمیت
نام اولاد ایشان در انجوار ماندند و سید محمد کالپی را نیز دو پسر شد نا
یکی سید جلال الدین دویمی سید نهال الدین که خدای ایشان ا
دختران عم گردید یا حال دریافت نشد مفصل حال لا به سید نهال الدین دو
پسر شدند یکی سید معین الدین دویمی سید رشید الدین و یک دختر نام
بی بی خدیجه مدعو بهول بی بی و سید جلال الدین را نیز دو پسر و یک دختر
از بطن بی بی اسماء دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کلانی میر سید
تقی الدین عرف سید بوڈهی جد اعلی این خاکسار و ثانی میر سید
عبد الحی یک پسر ایشان میر سید عبد المجید یک خواهر ایشان بی بی
نعمت النسا دختر سید عبد الحی و زوجه میر سید قطب الدین ابن میر
سید تقی الدین و سید تقی الدین عرف سید بوڈهی را سه فرزند از بطن
بی بی خدیجه عرف بی بی بهول یکی سید قطب الدین مذکور الصدر
دویمی سید حامد عرف سید چاند سیومی سید علی ذکر اینها مجمل خود
نوشته خواهد شد اینقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود
و باقی از بیاض جناب حضرت سید شاه محمد یسین که جد الجد این فقیر حقیر

بعد باقی از کتاب نسب نامه بتفصیل خواهد نوشت و سبب تشریف آوری
حضرت میر سید تقی الدین معه اهل و عیال این بود که داؤد شاه بادشاه دیار
امرتی بمقام حاجی پور ابن محمود شاه بادشاه کالپی بمقام کالپی از مقام
حاجی پور بحضور صاحبزادگان انجا بنیعنی عریضه پرداخت از حاضری
بسبب حب جاه معذور معاف نمایند قصور اگر کسی از صاحبزادگان
درینجا معه اهل و عیال ارند تشریف خاکسار نوازی که مشرف از بیعت شوم
و از معاش وجه کفاف مقرر سازم بدین سبب تشریف آوردند حضرت میر سید

تقی الدین عرف سید بوڑهی معه فرزندان

نسب سوم باب دوم در ذکر اولاد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام و ذکر اولاد آنجناب که با ولیاء الله است نسبت جعفری
به شجره و ثمره نسب واضح باد مورخین سابقین خصوصاً مذهب امامیه در
ذکر اولاد آنحضرت نوشته آمد بسیار الا از تحقیق کتاب بحر الانساب یافت
که این کتاب بالفعل هست نایاب نوشت و از اعقاب الانساب نقل این کتاب
مینویسد که آنحضرت صادق علیه السلام را بودند هشت فرزند شش پسر و دو
دختر پسر اول کلانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام امام زمانه رضی الله عنه
و ثانی حضرت اسمعیل سیوم حضرت اسحاق چهارم حضرت محمد
پنجم حضرت عباس ششم حضرت علی و اسمای صاحبزادیان بی بی

ام فروه بی بی ام فاطمه نوشته اند پس پیدا شیند از هر یکی فرزندها
اولاد بسیار درین فرقه اہل سنت بسیار ونیز فرقه امامیه نیز جعفری نسب
ذکر امام زادہ در نسب چہارم خواہد نوشت تفصیل الاول نسب نسب مادری اولیا کبار
از فرزندان آنحضرت شد میشود خصوصاً نسب نامہ مادری حضرت غوث الثقلین محبوب سبحانی

شجرہ اول در ذکر نسب مادری حضرت غوث الثقلین

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی اللہ عنہ سید ابو عبد اللہ صومعی
جیلانی ابن سید ابو الجمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاہر
ابن سید عبد اللہ ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین علی
ابن حضرت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ

شجرہ دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجہ معین الدین

خواجہ ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجہ بزرگ ابن حضرت
سید عماد الملک ابن سید عبد اللہ ابن میر سید علی ابن سید ابو القاسم
ابن سید ابراہیم ابن سید حسین ابن سید یحییٰ ابن سید محمد ذکریا
ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ
باید شنید والدہ حضرت غوث الثقلین و والدہ حضرت خواجہ بزرگ
ہر دو خواہر خالاتی پس بدان نام جدہ مادری حضرت غوث الثقلین
بی بی عارفہ نام جدہ مادری حضرت خواجہ بزرگ بی بی معصومہ

هر دو خواهران دختران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن
میر سید عبد الرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین
ابن میر سید نور الدین عمر ابن میر سید مجد الدین اطهر ابن حضرت سید

عباس ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره سیوم نسب نامه مادری حضرت شهاب الدین سهروردی

باید دانست جد مادری حضرت شیخ الشیوخ شهاب الدین سهروردی قدس سره
سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل الله
ابن سید عبید الله ابن سید عبد الله ابن سید اسد الله ابن سید
محمد طاهر ابن سید احمد مطهر ابن سید حیدر ابن سید محمد رفیع القدر
عرف سید رفیع الدین ابن سید مطهر ابن سید مظفر ابن میر سید
اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی الله عنه علیه السلام

شجره چهارم در بیان نسب نامه حضرت علی احمد صابر قدس سره

مخدوم سید علاء الدین علی احمد صابر ابن سید علی کلان ابن سید احمد
حقانی ابن سید سمیع الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی
ابن سید مرتضی ثانی ابن سید محمد کلانی ابن سید حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن ابن
سید عمر ابن سید اعز الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
نسب مادری آنجناب شیخ فارقی یعنی خواهرزاده حضرت بابا فرید الدین گنج شکر اند نام والده حضرت سید علی احمد [illegible]

حلیمہ بنت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید بروایت ثانی نام والدہ

الجناب بی بی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

شجرہ پنجم دربیان نسب نامہ حضرت مخدوم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید شہاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری
ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید حمزہ
ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسی
ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید رکن الدین
ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام
جعفر صادق رضی اللہ عنہ نام زوجہ بیبر جگجوت بی بی نور دختر سید وجیہ الدین
چہار دختران حضرت بودند بی بی رضیہ عرف بڑی بوا سے بیبی عرف
جیبہ بی بی جمال سے بی بی بدیہ زوجہ حضرت سلیمان لنگر زمین والدہ بی بی کمال
اکثر نام آن بی بی نیز بی بی کمال گویند جای حیرت کہ نام مادر و دختر
انچہ کہ سند یافتم تحریر مخدوم سے بی بی جمال زوجہ مخدوم شاہ حمید الدین ابن
مخدوم سید آدم صوفی ابن بی بی والدہ مخدوم شاہ تقی اللہ سفید باز بودند
و بی بی حبیبہ زوجہ مخدوم سید موسی ہمدانی ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن
بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش اند و بی بی رضیہ زوجہ حضرت
مخدوم شاہ احمد یحیی منیری ابن مخدوم شاہ اسرائیل نبیرہ حضرت امام

محمد

محمد تاج فقیہ والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین
قدس سرہ و اسم والدہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر جگجوت بی بی

راحت النساء دختر سید لطف اللہ

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری

حضرت سید فریدالدین عطار ابن سید اسمعیل ابن خواجہ محمد بارقی ابن سید نجم الدین
واصل حق ابن سید نصیرالدین ابن سید نوراللہ ابن سید ابوبکر تغلجی ابن سید
عبیداللہ ابن سید عبداللہ ابن سید اسمعیل ابن حضرت جعفر صادق علیہ السلام

سید محمد غوث گوالیاری ابن سید خطیرالدین ابن خواجہ عبداللطیف
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتشی نیشاپوری ابن خواجہ بایزید

بار باری ابن حضرت خواجہ فریدالدین عطار قدس سرہ

شجرہ اول در نسب مادری حضرت بابا فریدالدین گنج شکر

والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بی بی جمیلہ بنت سید وجیہ الدین خجندی
ابن سید عمادالدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید احمد
بدرالدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید حامد ابن سید محمود ابن سید محمد
ابن سید عارف ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدرالدین بدر عالم

حضرت مخدوم بدرالدین بدر عالم ابن سید ظہیرالدین صدر عالم ابن سید فخرالدین فخر عالم

ابن سید یونس ابن سید ادریس ابن سید عمر زید ابن سید حید اطہر ابن
سید محمد مظفر ابن سید شہاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی الدین
ابن سید خواجہ بقاء اللہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد الجبار ابن
سید ثناء اللہ ابن سید محمد شریف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اطہر
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہشتم در بیان نسب نامہ سلطان سید اشرف جہانگیر قدس سرہ

حضرت سید سلطان اشرف جہانگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ
عماد الدین نوربخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بہلول ابن سید علی
ابن سید محمد مہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارز الدین ابن سید جمال الدین
ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید حمزہ ابن سید علی اکبر
ابن سید موسیٰ ابن سید اسمعیل ابن سید ابو الحسن محمد ابن سید اسمعیل اعرج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ دوم نسب نامہ سید امین الدین بیجاپوری یکی از خلفاء سید محمد گیسو دراز

سید امین الدین بیجاپوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین
بیجاپوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد الفتاح
ابن سید رفیع الدین محدث ابن سید ذکریا بیابانی ابن سید احمد کاشانی
ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محسن ابن سید سلیمان ابن سید داؤد

ابن سید یحییٰ ابن سید یوسف ابن سید ارشد باخدا ابن سید احمد ہمدانی
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ نہم در بیان نسب امیر سید علی ہمدانی

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید محمود ہمدانی ابن سید احمد ہمدانی ابن سید
امام الدین ہمدانی ابن سید نور الدین ہمدانی ابن سید نصیر الدین ہمدانی
ابن سید ظہیر الدین ہمدانی ابن سید طاہر ہمدانی ابن سید جلال الدین ہمدانی
ابن سید جمال الدین ہمدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضات ہمدانی
ابن سید یعقوب ہمدانی ابن سید یحییٰ ہمدانی ابن سید قیام الدین ہمدانی ابن
سید قاسم ہمدانی ابن سید برہان الدین ہمدانی ابن سید امام محمد دیباج
ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیوم نسب نامہ سید ولایت علی میر سید از حضرت سید علی ہمدانی

سید شاہ ولایت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاہ
احسن علی ابن سید محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاہ ولی ابن
سید اعظم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجح محمد ابن سید عبد اللہ ابن
سید اشرف ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین
ابن سید شمس الدین سیاہ پوش ابن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد
ہمدانی ابن سید علی ہمدانی

شجرہ چہارم نسب مادری قاضی محمد اجمل ؒ ام لطفہ

قاضی سید محمد اجمل خال الاعظم الیشان شاہ محمد واعظ عرف سید شاہ ابدان الحسن
ابن سید شاہ پیر علی ابن سید شاہ میر علی ابن سید شاہ حسن علی ابن سید
محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاہ ولی ابن سید شاہ اعظم ابن
سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد اللہ ابن سید اشرف ابن حضرت
سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین ابن سید شمس الدین سیاہ پوش
ابن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد ہمدانی ابن امیر کبیر سید علی
ہمدانی جامع کتاب اوراد فتحیہ جعفری نسب مذکورہ بالا جعفری نسب
اکثر مشائخین انجوار اند چونکہ نسب نامہ علی الترتیب سلسلہ بیافت نگاشت
خصوصًا اہل شیعہ خود را اکثر بدین نسب نامہ یکی ازان در قرابت و مصاہرت
این خاکسار میر رمضان علی و نیز سید رضا علی ابن میر یوسف علی درین نسب اند
و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیہ السلام میرزا کی حسین ابن داروغہ
سید لطیف حسین اند و مریدی سید ابو الحسن ابن میر بہادر علی ابن ہر دو
مجتہد مستند حکیم سید عابد حسین ابن داروغہ سید لطیف حسین ابن میر نصر اللہ
ابن میر وارث علی ابن میر حسین ابن سید لطف اللہ ابن سید احمد عرف چولہای
ابن سید شاہ غلام عطا ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین
ابن سید شاہ غلام شرف ابن حضرت سید شاہ دعاء اللہ ابن حضرت سید شاہ

عطاء الله ابن حضرت سید شاه وجیه الله ابن سید شاه نظام الدین ابن
سید شاه هدایت الله ابن سید شاه محمد یسین ابن سید شاه رحیم داد ابن سید
شاه کریم داد ابن حضرت سید محمد فرید ابن سید محمد اسمعیل ابن نبیره حضرت
سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه که دو نام تمام
بماند واضح باد داروغه سید لطف حسین را پنج پسر یکی سید اکبر حسین دو پسر
ایشان سید محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکیم سید عابد حسین ایشان را
دو پسر یکی سید جعفر حسین ثانی ابو الحسن سیوم سید اوسط حسین
پدر سید سلطان چارم عسکری حسین پدر محمد تقی پنجم سید ذکی حسین که بی ولد
اند و مهر مبتلا حسین بنی عم ایشان پسر ایشان سید عطا حسین سید منظر حسین
وغیره اینقدر دانسته نگاشته نسبت چهارم باب دوم در ذکر اولاد
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و نسبت نسب ولی الله را نیز
خصوصاً حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره شجره و ثمره
واضح باد مورخین مذهب امامیه فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی الله تعالی عنهم
بیست و سه فرزند گفته اند تحریر یعنی سی و هفت پسر و بیست و سه دختر از سیزده
فرزند اولاد جاری و در باقی اعقاب نماند بدین تقیم این نقل از عقیدة ثانا گزیر
الا آنکه در کتاب است بحر الانساب و حساب الانساب منسوب به سید ...
حقیر عقیدت پذیر اسامی فرزندان آنحضرت اینست حضرت علی موسی رضا

امام زمانه کلانی و حضرت ادریس ثانی و سیدنا ابراهیم و سیدنا موسی مثنی
و سیدنا عبد الله و سیدنا عبید الله و سیدنا الیونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا
اسمعیل و سیدنا یحیی خیر انچه که در نسب نامه اولیاء الله دریافته من بعد نسب نگارد او را

شجره اول نسب چهارم در نسب حضرت خواجه بزرگ معین الدین چشتی قدس سره

حضرت خواجه معین الدین چشتی سنجری اجمیری ابن حضرت خواجه غیاث الدین
سنجری ابن خواجه نجم الدین طاهر ابن خواجه عبد العزیز مطهر ابن خواجه سید موسی
مصفا ابن سید ادریس ولد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

ثمره اول در ذکر اولاد حضرت خواجه قدس سره

آورده اند بعد تکمیل فقر کمال حضرت خواجه بزرگ بکبر سنی متاهل شدند و اولاد
حسب بشارت و اشارت آنحضرت نبینا محمد صلی الله علیه وسلم نود سالگی عقد
نکاح کردند از دختر خجسته اختر سید وجیه الدین مشهدی صوفی زوجه ثانی
بی بی امة الله دختر راجه آنه یار نام دختر سید وجیه الدین بی بی عصمت النسا
سه پسر یکی دختر در آن عمر شریف حضرت خواجه در عالم بوجود آمدند میگویند
بی بی حافظ جمال دختر آنحضرت از بطن بی بی امة الله متولد شدند با شیخ
رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگوری سوالی که
اجل خلفاء حضرت خواجه بودند کتخدا شدند و فرمودند حضرت خواجه بزرگ
اولاد حمید الدین عالین اولاد معین هست و فرزند کلانی خواجه ابو سعید رحلت کردند

قبل از ایام جوانی ثانی خواجہ حسام الدین کہ حضرت خواجہ ولایت ایشان بمقام
سانبهر داده بودند حصور ماند تا حیات خطاب یافتند حسام الدین سوخته
باخر عمر با ابدالان پیوستند سیوم فرزند حضرت خواجہ فخر الدین
ذی اولاد شدند خواجہ فخر الدین را دو فرزند یکی خواجہ رکن الدین کلانے
خلف ایشان خواجہ زین الدین آینده کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد
الا فرزند ثانی خواجہ حسام الدین ابن خواجہ فخر الدین کہ نام فرزند خود
بنام برادر خود نهادند خواجہ حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجہ معین الدین
خورد کلان کہ لبعد ابا و اجداد در اجمیر شریف زیب سجاده گشتند و نام فرزند
ایشان خواجہ زین الدین ثانی بود ثانی خواجہ قیام الدین ملقب بر بال خلف
ایشان خواجہ نجم الدین پسر ایشان خواجہ احمد کمال ولد ایشان خواجہ
شهاب الدین فرزند ایشان خواجہ بایزید ثانی مقبول ربانی حضرت ایشان
عمر خود در سیاحت تمام گذرانیدند در امصار و دیار بعد مدت مدید تشریف
آوردند در اجمیر شریف دران وقت خدام نشناختند و انکار از فرزندی
خواجہ بایزید کردند آخر بشهادت خواجہ حسام الدین ناگوری کہ اولاد
سلطان التارکین بودند بادشاه وقت اعتماد نمود خدمت دیوانی تفویض
نمود خواجہ حسام الدین عرف خواجہ حسین ناگوری زیب سجاده آنحضرت
ایشان را کردند و دختر خود در عقد نکاح ایشان دادند اولاد جاری شد

باید شنید ثمره دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین
بودند فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه غیاث الدین پسر ایشان
خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو الخیر مظهر این بزرگ شدند کثیر الاولاد
هشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین
ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم
خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمود هشتم خواجه شاه محمد مسعود از انجمله
چهار فرزند شدند ذی اولاد باقی چهار را اعقاب نماند می نگارند اولاد چهار
برادر در اجمیر شریف ماند یعنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه
شاه محمود و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هریکی زیب سجاده حضرت
خواجه گشتند بعض از اولاد مسافرت کردند اختیار سیر امصار و دیار هرگاه
بهر زیارت مزار رسید باجمیر شریف این خاکسار در سال یکهزار و دو صد
و شصت هجری ضمن دریافت شد که در زمان چهل و هشت هجری بمنصب
دیوانگی زیب سجاده بودند شاه مهدی علی صاحب حالا بجای شان
برادر زاده شان شاه سراج الدین اند زیارت خدمت انجناب بود
انچه که بود مقصود گشت کشود و نیز برادران شان شاه منیر الدین و سید علی بخش
بودند اکنون دریافت شد که فرزند شاه سراج الدین زیب سجاده بخطاب
دیوانگی اند مامور مبارک باد ثمره سیوم روایت می نمایند هرگاه

خواجه علاء الدین ابن خواجه علیم الدین مذکور الصدر قصد سفر کردند از اجمیر شریف
فرزند یا پسر ایشان شمس العارفین خواجه محمد داؤد چشتی از دیار مغرب تا صد
دید امصار شرقی شدند از شهر دهلی سیر کرده بدین اواح رسیدند جای اقامت
در محال کلبه پسندیدند و حسب مجوزی والحاح راجه انجا بدانجا تکیه ساختند
بموضع کندوی پرگنه اکیل ضلع بهار درانجا خبر گیر فقرا و وارد و صادر
کردند جاگیر وقت بهر کفاف معین کردند تا نقاه شده پیداعرس و اعراس پیران
که هست شیوه ایشان خصوصا با حصل و ریشان شامل شدند و اولاد شد
پیدا الاخر در اشیخ گویانیدند و الله اعلم در اخفای سیادت چه بود مقصود
حالا اولاد اند فرزند ایشان خواجه داؤد خواجه محمد یوسف بودند بطریقه
آبائی قایم ماندند پسر ایشان خواجه عبد الرقیب پسر ایشان خواجه محمد جمیل
خود را شیخ گویانیدند و لد ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان جا بجا در دیهات
اقامت نمود نسبت جهه معاش صورت کفاف دانی چنانچه قاضی جعفر علی
ساکن موضع کندوی از فرزندان شیخ محمد جمیل اند و شیخ محمد لطیف ابن شیخ
محمد جمیل در موضع جهان پور قریب جهان آباد جاگیر یافته مقیم شدند فرزند
شیخ محمد لطیف شیخ محمد سبحان در اجاجیری صورت معاش پیدا کردند شیخ
اقبال حسین وغیره الحاصل پسر شاه محمد سبحان بودند شیخ محمد اشرف پسر ایشان
شیخ محب الله پسر ایشان شاه محمد امان الله عرف شیخ امان پسر ایشان شیخ

محمد زمان و الد ایشان شیخ محمد باسط پسر ایشان شاه عبد الرحمان عرف شیخ
الٰہی بخش خلف ایشان شاه محمد واہب حسین که از دختر خجسته اختر مولانا
ورحمة الله علیه کد خدا شده مولانا مفتی عدالت بودند علاقه ضلع بہار
شیخ غلام حیدر شاه واہب حسین را از دختر مولانا سه فرزند مولوی
منیر الدین احمد پسر کلانی با وجود همه لیاقت حصول در عالم جوانی کردند
انتقال مولوی امیر الدین احمد پسر ثانی بعهده سرکاری هنوز اند موجود در
سیوم نصر الدین احمد رفت از ین عالم بعالم جوانی الا مولوی امیر الدین احمد
کتخدا شده اند الله تعالی ذی اولاد کند شجره دوم نسب چهارم

باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت خواجه نور الدین امیر کلال

باید دانست خواجه نور الدین امیر کلال پیر مرشد حضرت خواجه بهاؤ الدین نقشبند
قدس سره اند خواجه نور الدین امیر کلال بن خواجه امیر حمزه ابن امیر سید ابراهیم
ابن امیر سید محمد قصوری ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد الله
شهید ابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر سید علی ابن امیر سید حسن ابن امیر سید محمد حسین
ابن امیر سید احمد ملقب حسین ابن امیر سید محمد اعلی ابن سید شریف موسی ابن
سید ابراهیم مرتضی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام باید دانست
فرزند حضرت امیر نور الدین کلال چهار بودند یکی سید حمزه دویمی امیر
برهان الدین سیومی امیر محمد شاه چارمی امیر عمر اولاد هر فرزند تا حالا

چهار اند با مصار و دیار بسلسله نسب بدین بیافت کسی که می نگاشت الاخو
عرف خواجه میرجان داماد حکیم غلام نبی خان از اولاد از یکی فرزندان خواجه
امیر کلان اند چهار فرزندشان اند یکی خواجه احمد حسین دویمی خواجه محمد حسین
عرف خواجه محمد امان خلف ایشان خواجه عبدالسلام سیومی خواجه مجاهد حسین
عرف خواجه محمد زمان چارمی خواجه عبدالله هر یکے اند محبت پناه ۵

شجره سیوم نسب چهارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید احمد ملقب چرمپوش معه ذکر اولاد

مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش ابن سید موسی همدانی ابن مخدوم سید مبارک همدانی ابن میر سید خضر ابن سید ابراهیم همدانی ابن سید سلیمان همدانی ابن سید عبدالکریم ابن سید عبدالحکیم ابن سید عبدالشکور ابن میر سید نعمت الله ابن میر سید عبدالمجید ابن سید عبدالرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبدالرحمان ابن میر سید قاسم ابن میر سید نور ابن میر سید یوسف ابن میر سید رکن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر سید یحیی ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن سید تقی ابن سید عمر ابن میر سید عبدالله ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

ثمره در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش قدس سره

نت حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش نواسہ حضرت مخدوم سلطان
ب الدین پیر جگجوت اند نام والدہ ماجد الجناب بی بی حبیبہ مدعو حبیبہ
نام زوجہ الجناب نالبہ اند اولاد و فرزند رتبہ بلند بودند الجناب را یکی
مخدوم شاہ سید تاج الدین کلانی باقی دو یعنی مخدوم سید شاہ سراج الدین
ثانی علاوہ این دیگر اولاد نبود مخدوم شاہ سراج الدین را یک پسر مخدوم سید
شاہ عبد الرحمان کہ از دختر عم کلان بی بی واسعہ بنت مخدوم شاہ تاج الدین
کدخدا شدند دیگر دختر و پسر نبود و ہمہ دو برادر یکیا پسر و یک دختر پس سید شاہ
عبد الرحمان بعد عم کلان و والد خود زیب سجادہ ماندند بعدہ خلف شان سید
شاہ علے عرف مخدوم بڈہ جانشین شدند بعد ایشان پسر ایشان
سید رکن الدین مدعو منجھن ولد ایشان سید شاہ محمود اعلا زیب سجادہ
شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجادہ نشین ماندند
پسر ایشان سید شاہ حبیب اللہ ولد ایشان سید شاہ محبوب اللہ پسر ایشان
سید شاہ محمود ثانی خلف ایشان سید شاہ محمد ولد ایشان سید شاہ
سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاہ نور اللہ ابن ایشان سید شاہ
محب اللہ ابن ایشان سید شاہ علی اصغر ابن ایشان سید شاہ
محمد ثانی واضح باد سید شاہ علی اصغر را یک پسر سید محمد ثانی و
یک دختر مسماۃ حمیدہ کہ [کدخدا] از سید شاہ غلام مخدوم زیدی نسب اند ابن سید شاہ

ابن شیخ ابو مسعود اصفهانی ابن شیخ ابو نجیب ابن امام ابو الولیس ابن امام ابو سعید
ابن امام ابو اللیث ابن امام ابو اسحاق ابن امام ابو زید ابن امام عبد الله ابن
حضرت عباس ابن خواجه عبد المطلب جد نبی صلی الله علیه وسلم و حضرت امیر
حمزه ابو عماره را یک پسر عماره و نام دختر فاطمه بنت حمزه و دیگر پسران نام یاد نماند
الا کسی مورخین که ذریت ایشان تحریر نموده الا خواهر اعیانی حضرت امیر حمزه بی بی
صفیه بنت عبد المطلب منه سابقه مادر حضرت زبیر ابن عوام بن خویلد حضرت
زبیر را با دختر حضرت صدیق اکبر از بطن بی بی اسماء سه پسر عبد الله ابن زبیر عروه
ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروه محدث شدند و حضرت مصعب ابن زبیر زوج
بی بی سکینه دختر حضرت امام حسین علیه السلام اند شنو از عمات نبی ایمان
آوردند بی بی صفیه بی بی عاتکه و دو عم ایمان آوردند حضرت عباس و حضرت
امیر حمزه آنحضرت چهار عم را دیدند از جمله اعمام ایمان آوردند و ابو لهب کافر شد
ابیطالب بین بین اند ذکر ازواج نبی آنحضرت نبینا محمد المصطفی
صلی الله علیه وآله وسلم اولین حضرت ام المومنین بی بی خدیجة الکبری
بنت خویلد که از بطن پاک ایشان کل اولاد نبی علیه السلام غیر سیدنا ابراهیم که
از بطن ماریه قبطیه شد بعالم رضاعت تشریف بردند بسوی جنت عقاب نماند
ثانی ام المومنین مخدومه بی بی عائشه صدیقه رضی الله عنها بنت حضرت
صدیق اکبر رضی الله عنه اولاد نشد از ایشان ثالثه ام المومنین بی بی حفصه

وامیمه و بره خواهران ایشان بدانید ولد زبیر بودند ابو فردا ما د حضرت
ابو وردا انصاری که جد حضرت مخدوم یحیی منیری اند مزار فائض الانوار حضرت
امام تاج فقیه در مکه مشرفه موجود است متصل باب عمره از ذریت انجناب
تاج فقیه اکثر اند اولیاء کبار خصوصا در نیجوار حضرت بهار مخدوم الملک مخدوم شاه
شرف الدین قدس الله سره ابن مخدوم یحیی منیری ابن مخدوم اسرائیل
ابن حضرت امام محمد تاج فقیه ابن ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام
ابو القاسم ابن امام ابو الصائم ابن امام ابو الدهر ابن امام ابو اللیث ابن امام
ابو سعد ابن امام ابو الذین ابن امام ابو مسعود ابن امام ابو در ابن زبیر ابن [illegible]
عبد المطلب بن هاشم بن عبد المناف که از اجداد انحضرت اند علیه السلام
واضح باد از یک زوجه سیدنا عباس بن عبد المطلب عم خیر الناس شیوخ
عباسی خلفاء عباسی ابنان حضرت عباس مشهور سه اند فضیل ابن عباس
عبد الله ابن عباس قثم از بطن سابقین مومنه بی بی ام الفضل هستند مادر
خلفاء عباسیه و از ذریت انجناب خلیفه حضرت مخدوم الملک مخدوم شاه
اموں اند مزار واقع در موضع شیخپوره رحرد الوان علاقه بهار فیض آثار
قرار دریجا النسب نامه منبو سید حضرت مخدوم شاه اموں ابن مولانا شیخ ابراهیم
ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمان ابن شیخ عبد العزیز ابن شیخ اسرائیل
ابن شیخ عبد الله چولوی ابن شیخ عبد الواحد حقانی ابن شیخ ابو القاسم

از تحریر جدید چنین نیز کتابی یافت منظوم نسب نامه بزرگان دین عمدة المشایخ
کبار تالیف شاه مخدوم بخش متخلص وافی فردوسی البهاری و بعده
این فقیر کتاب در سفر یافت و نیز اینکه از وقت تالیف عم الاعظم فرزند فرزندان
انها شده اند مندرج کتاب با تتمه را تتربیتاً مبیضه ساخت و موسوم به کنز الانساب
پرداخت درین کتاب تفریق و تفصیل بچنین عنوان گردید اول مقدمة الکتاب
بعده دو باب با ضمیمه نسب ذکر نسب پیشینیان بعده ذکر نسب خود زان بعد ذکر نسب
سادات که بکی از ائمه می پیوندد بعده سه فصل در نسب شیوخ یعنی حضرات
اصحاب ثلاثه فصلی هو و یک خاتمه و یک تتمه واضح باد این کتاب است بر بیان
یک مقدمه و دو باب و چند کیفیت و سه فصل اصل اصول مقدمة الکتاب
بذکر نسب رسالت مآب ذکر نسب حضرت نبینا محمد صلی الله علیه وسلم
رسالت مآب و حضرت اسد الله الغالب علی العجائب سیدنا علی ابن ابی طالب بذکر
ذریت خواجه عبد المطلب یعنی جد امجد سرور ال غالب و دو باب
حضرت حسنین یعنی در یکی ذکر حضرت امام حسن مجتبی معه اولاد
و ذکر حضرت امام حسین شهید کربلا معه اولاد علیهما السلام
حسب تفصیل ذیل ذکر جمیل و بجای تحقیق مصاهرت بدین ترتیب فهرست یا

مقدمة الکتاب کنز الانساب

واضح باد بر هر کس فرد بشر مسلم و مسلمه واجب است دانستن چهار کرسی آنحضرت

نبینا محمد علیه السلام بهر قوت ایمان و نیز بهر کس چہار کرسی خود دانستن بهر استحکام
تقویت مصاهرت مستحب هست جهت حجت نسب شرافت حالا چون کتاب
نسبنامه درست نمود کرسی نسب اعلی انحضرت در تحریر مقصود و مسکین بے تسکین فنائی

نسب نامه انحضرت نبوت ختامه صلی الله علیه و آله وسلم

یعنے سیدنا و مولینا محمد مصطفی قریشی الهاشمی المطلبی ابن سیدنا عالیجاه
عبدالله ابن عالی نسب خواجه عبدالمطلب بن سردار هاشم ابن
عبدالمناف در باب چہار کرسی انحضرت هست همین قدر که تحریر یافت نسبت
بالا نسب این که عبدالمناف ابن قصی لد کلاب بکمد ظهور شد تا عدنان نسب
عالیجناب و بالا از حضرت اسمعیل و ابراهیم تا آدم هست صورت اختلاف انحضرت
با عدنان کرده اند بیان بدانید عبدالمناف را چہار پسر یکی نوفل جد چہارم
حضرت جبیر صحابی نبی و ثانی مطلب جد هشتم حضرت امام شافعی رحمة الله علیه
ثانی هاشم و عبدالشمس شدند هر دو توام بنشا نتها پیوسته از شمشیر سر جدا
در اولاد هر دو دشمنی ماند مدتها آخر ختم شد بر جناب سید الشهدا عبدالشمس پدر امیه
اجداد امیر المومنین عثمان رضی الله عنه و نیز اجداد حکم پدر مروان و جد
معاویه ابن ابوسفیان ازین قبل اجداد کل بنی امیه و هاشم پدر جد انحضرت
و پدر جد حیدر کرار یعنے جد جد نو عبدالمطلب و نسب حضرات شیخین و اصحاب
من بقیه از عشره مبشره ازین درجه بالا است که می پیوندد یعنے از قصے بن

میر سید صدر جهان

چون از بیان کیفیت کفویت صاحبان نوابادهٔ کلان اولاد میر سید محمد اولیا
وصاحبان کورجی ذریت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان فراغت
یافت مینویسد ذکر فرزندان میر سید اولیا ساکنان قصبه داناپور واضح گردد میر
سید اولیا بودند تارک دنیا بحرص و هوا مشغول و بیاد خدا گاهی روزگار دنیای
نکردند دربار شاهی عهده افتا یا قضا بخانه نشیند شکسته پا والد ماجد ایشان را
بحضرت میر سید صدر جهان ابن حضرت میر سید قطب الدین باقری نسب منصب
بود بدربار شاهی امیر الامرای بخطاب یمین الملک وقت آخر ترک نمودند
ماندند بیاد خدا بیعت ایشان را از پدر بزرگوار خود بود بطریقه عالیه چشتیه نصیره
الحصول شادی میر سید اولیا در موضع کورجی گردید که در کتاب شاهی است
ان چشتی پور عنایت الله از مسماة مریم دختر شیخ محمد یحیی ابن شیخ ذکریا
فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض الله از فرزندان حضرت بابا شیخ
فرید الدین شکر گنج القصه از بطن ایشان بی بی شدند دو فرزند به بلند کلانی
نام بود میر سید حسین عرف سید حسینی داماد میر سید عبدالرسول قادری نسب
که داماد قاضی عماد الدین رضوی بودند ثانی پسر بودند میر سید سلیم کدخدائی
ایشان از دختر خال خود شد نام زوجه شان بی بی نصیبه بود دختر شیخ
معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی از بطن زوجه شان یک دختر

ولپسر شدند متول نام دختر بی بی واسعه که از شیخ محمد درویش کدخدا شدند
یکی از صاحبان کوچی تانای شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرف
شاه لباون بودند جز ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید
محمد علیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند اعقاب نماند جز فرزندان میر سید حسین
عم شان باید شنید شادی میر سید حسین از بی بی مبینه دختر میر سید عبد الرسول
شد از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد ناصر نام دختر بی بی
رقیبه که از برادر عمزاد میر سید عبد الحلیم کدخدا شده بودند هر دو نوجوان کردند
شجره در بیان کیفیت و حال میر سید محمد ناصر ابن میر سید حسین ابن

میر سید اولیا ابن میر سید صدر جهان

واضح باد بسال یک هزار و ده هجری ولادت میر سید محمد ناصر گردید کیفیت ایشان
برین نمط بیعت ایشان را بود از پدر بزرگوار بطریقه عالیه نصریه حصول و نیز و
تعلیم معنویه ضبط مراقبه و مشغول و نیز حیثیت ولیاقت ظاهری تحصیل کتاب
عربی و فارسی و فقه اصول با اینهمه بودند و فنون بهر لیاقت افزون و در
فن تیراندازی کمال در عهد خود بیمثال چنانچه رساله تالیف کرده بودند
یافته انرا از حضرت بزرگوار نزد خود دارد این خاکسار بعمر بیست سالگی
رسیده بودند از قضای الهی والده ماجده ایشان کردند انتقال چون از خدمات
مخدومه گشتند فارغ البال و والد ماجد خود را مشغولی ذکر حضرت ذوالجلال

نوبت تزویج نه آمده بود زمانه مغتنم انگاشته قصد سفر کردند بعمر بست و پنج سال
وافضیح باد زمان ولادت آنحضرت در عهد اکبر جلال الدین اکبر بادشاه
و در عهد سلطنت معظم شاه کردند انتقال چهار سلطنت دیدند و معاودت
نمودند بعمر شصت و پنج سال الغرض سیر کردند هر دیار و امصار آخر یافتند همنشینی
و مصاحب محمد معظم بهادر شاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام شهر ڈهاکه که جهانگیرنگر
چندے ماندند بعهده چکله داری و محافظ کوتوال شاهزاده رفاقت ایشان
پسند نمود و بخوشش تدبیری برین امضا شد چند سال هرگاه خطاب باغاب رسید
بشاهزاده موصوف از شاه اورنگ زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جامه
تیلوانی در بر و چهره زعفرانی بر سر [illegible] شریف رسید بچهل و شش تف برین ریش
و فشم مصاحبین سابقین شاهزاده ترک روزگار کردند چون همنشینان قدیمی
شاهزاده شدند معزول آنحضرت رفاقت شاهزاده نکردند قبول هر چند شاهزاده
بهادر شاه بهر رفاقت کرد اصرار بسیار اقبال نکردند زنهار زنهار ترک عهده
جلیله کردند قصد مراجعت وطن اختیار هرگاه بوطن تشریف آوردند چند سال
گذشته بود که والد ماجد آنجناب کرده بودند انتقال پیدا شد حزن و ملال کمال
در شهر پٹنه سنجات تا بالی کسے را نیافتند جز یک برادر عم زاد میر عبد الشکور
ملاقات کرده آمدند بسوی دانا پور در اینجا یافتند از بزرگان و برادران [illegible]
میر شهاب الدین و میر رکن عالم ابن میر سید عبد المقتدر و میر سید مکارم [illegible]

عزیزان در اقران بودند ملاقات ساختند و بصحبت ایشان چندے اقامت
در قصبه دانا پور پرداختند از دل قصد ترک سفر کردند روزی از روزها
عند الملاقات از میر سید مجاهد رضوی که برادر خالاتی حقیقی بودند و از عمر آنجناب
نیز بودند ده سال کمتر متجاوز شدند بهر تاهل آنجناب چنین تذکره افتاد در جواب
فرمودند ای برادر عمر من رسید قریب هفتاد قصد تاهل چکنم اگر واقعی باشد ترجیح
نیست حصول اولاد و کدام کس دختر خود با این ضعیف خواهد داد بیان متبسم شده
میر سید مجاهد فرمودند ای جناب معلی القاب از شادی اولی دخترے هست برخود
تا کدخدا الحمد لله خیال کفویت بود بر آمد مقصود بزوجیت شما سپردیم اگر نصیب
اولاد فهو المراد اولاد هر دو برادر واحد باشد بفضل حضرت باری سلسله اولاد
بود جاری باصرار تمام آخر کردند قبول واضح باد شادی اول میر سید مجاهد
ابن میر سید جهانگیر قریب بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی
رمضانی دختر شاه موسی صفی پوری که زبده اولاد مخدوم شاه صفی بودند
گردیده بود از بطن این بی بی دخترے تولد شده بود به بی بی رقیه نام مدعو
بی بی چهیتیا خورد سال ایشان را گذاشته والده ایشان بودند بخانه پدری
پرورش یافتند بضرورت خانه تقریب شادی ثانی از دختر میر سید محمود
نو آبادی کرده بودند از ان بی بی کسے اولاد نشد و عمر بی بی رقیه در انزمان
نوزده ساله بود و سن جد اعلی میر سید محمد باصر بود بالا شصت سال یا هفتاد

آخرش بروز سعید و حمید تجویز کرده در عقد نکاح بزوجیت در آمدند شادی بانجام
رسید کریمی خالق که در آن سن و سال بزوجی الله تعالی شش اولاد بخشید
دو پسر و چهار دختر هر یکے چون شمس و قمر سعید اختر بیان اولاد آنجناب در تتمه
کیفیت آنحضرت خواهد نگاشت هرگاه آنجناب معلی القاب ترک جلیل عهده کرده
بهر اقامت آماده شدند متوکل علی الله بتکیه خانقاه آبائی شهر پٹنه شدند مقیم
مشغول یاد او تعالی بصبر بطر مستقیم پا را از رفتن شکسته سلسله ملاقات اہل دنیا
گسسته متوقع فضل خداوند کریم بقیه عمر خود را در چله کشی و گوشه گیری بسر ساخته
هر دم و هر نفس بذکر یاد او تعالی می پرداختند طالبان حق را ضرور است از لذائذ دنیا
ترکش وجوب لازم آنحضرت در مشاهده حق تیر قامت را کمان ساخته بسامان
و برگ آب و نان توکل بقبضه آورده بهدف مراد خود نشانه کرده آخر بنام
حق بذکر حق که بودند با بین مستحق روزے قربان جان خود ساختند زہے
ستمانی که سهم سهم رضا الهی گشته آخر کار خاک توده گردد و طائر روحش بہ بال
محبت آمده وصال حق یابد و کار از لب سوفار درگذرد چونکه آنحضرت دختر بیرانداز هم
داشتند کمال رعایت عبارت تحریر کرد برین منوال دو پسر و چهار دختر در
دنیا گذاشته بعمر یک صد و شانزده سال کردند انتقال و سنه یکهزار و بیست و
دو هجری سفر فرمودند جناب حضرت جد امجد چون بسال یکهزار و یکصد هجری
شاه اورنگ زیب عالمگیر بادشاه نمود انتقال و با خود با برادران اعظم شاه

دعا لیقدر و معظم شاه ملقب بهادر شاه که تخت نشین بمقام دهلی شدند بهر
تخت نشینی سلطنت در پیش آمد منازعت واقع شد جنگ و جدال آنها هزیمت
یافته کردند انتقال و تخت نشینی بر شاهزاده معظم ملقب بهادر شاه با
بحال درآن وقت بهادر شاه از رفاقت آنحضرت آمد خیال از آنجا فرمان رسید
بنام آنحضرت بهر وزارت طلب نمود بادشاه ابوالناصر آنحضرت میر سید محمد با صد
جناب اقدس و اعلی تکریم فرمان شاهی نمودند نهادند بر سر و بر پشت فرمان
تحریر نمودند عذر بعبارت بهتر اول این بیت نوشتند مقوله حضرت سعدی
علیه الرحمة عفو فرمایند تقصیر بدین تحریر بیت اگر طالبی کاین زمین طی کنی +
نخست اسپ باز آمدن پی کنی + غریب نواز عالی جاه دین پناه هرگاه لائق
خدمت شاهی نماند بسبب رسیدن سن کبیر چون هوش و حواس بجا نماند که
کار را بجا آداب شاهی بتوفیر مینویسد گرمی دارم چون میشود گرسنه میخوراند گاه
میشوم نعن برهنه میپوشانند باقی نماند باین ضعیفی خبری حرص و هوس الله
باقیست و بس این عذر کرده خلعت شاهی منصب وزارت واپس داد
هر چند اقران ترغیبا للنصیحت گفتند اگر خود نمی آری شرط خدمت بجا نمی آری یکی
بدل خود یکی از فرزندان خود را بفرستی ایشان نیز پسند خاطر نیافتاد فرمودند
فقیر دارد دو پسر یکی اهل جذبه مست متوحد و دیگر آزاد از طریق خدمت شاهی
بیخبر دومی مصروف بیاد الهی بعمر جوانی مشغول بمشاهده ذات ربانی کی بود

درحوصله او رکی باشد لذت دنیا را شائق بهر دو یکی نیست بهر فرستادن لانو
کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینهاصه دانند داب شاهی سیفر بود و بعد
انهمه عذر از جانب بادشاه دو باره رسید بطلب فرمان شاهی بدین مضمون
اگر چه در جواب تحریر ساختند با یجاب عهده وزارت جواب صادق نگر نیز لیسم باین بحث
بستاوتا نشوم رو بر حق تعالی وعده خلافت از کسی فرزندان خود را فرستید تقصیم
معاف آخر کار آنحضرت از هر دو پسر کردند استفسار از طلب شاه نامدار پسر کلانی
میر سید عبد القادر بخوش حوالی سرست از باده ذکر سکر ربانی گفتند بادشاه
مرا خوراندن نمی تواند هستم بسیار خوار از رتبه وزارت هیچ نیست نزد فقر خاک
چون پرسیدند از پسر ثانی از میر سید محمد یسین مقبول ربانی جد ما دری شان
میر سید محامد ایشان زانگه فتند در کتاب و گفتند بخواهی که فرزند رتبه بلند مرا نمای
بدربادشاه بجزائی انشاء الله تعالی تقیین قاضی را هم عیان هست چنان تا بحضرت بادی
جبهه سائی که بادشاه وقت شود روبرو این پسر بجزائی سبحان الله ان بزرگان
چنان بودند بیاد حق مشغول که داشتند فی پروائی بجیلوا تاش کردند از طلب دنیا
بی اعتنائی بار سوم کسی نامدار از جانب شاه بادشاه از انجا که خاک نشینان
کوی قناعت را بطلب مرگ طبیعی ما قیت اندیشی ست کمال که ر دنهی خود را
سپردن است بجاک گور زیبالی لباس ابریشمی خوشتر نامد و خدمت شاهی آخر
چون کمان خم شد نست از قوت و زور است کسیکه بیکد و قدم ما در مانند قوس

عرصهٔ فلکی طی نماید ضرورت که اشهب اندیشهٔ دنیا را آخر پی کردن پیش آمد سفر نمودند
هرگاه زوجهٔ آنحضرت در دانا پور روبروی آنحضرت کردند انتقال که دوام تنها ماندند
ماندند سر در حال فرزندان خود را بر بردامن جدا دری ایشان گذاشته تنها اتفاقاً
آبائی شهر پٹنه اقامت کردند عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در آنجا ست
مزار پائین پدر و جد بزرگوار بمحله کهچور کمره کهچوری کلی بعد چند سال اولاد دختر را
که خدا کرده حضرت میر سید مجاهد رحمة الله علیه با نقند بدات احدیت وصال

ثمرهٔ اول شجرهٔ اصل

حضرت میر سید محمد ناصر را بودند دختر کلان بی بی صحیحینی متوکل خدا عمر
بسر کردند در چله عزلت خانه نشینی از آنجا که عارفه کامله بودند ذی شعور بودند از هر
پاسے معذور که خدائی پسند نماید و در یاد الهی بسر شد عمر بمشغولی حق که بجز وی
بودند مستحق بالا از صد سال شد کردند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلان

مزار آستانه شهود درگاه است

ثمرهٔ دوم شجرهٔ اصل

در ذکر دختر ثانی مسماة بی بی سیده بود نام آنمخدومه که خدا شدند در بعضی ایام
و احوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلو ابن میر سید بدر الدین پسرے
بوجود آمده بود بنام سید صدر الدین دوازده ساله بمرد و ثمره جناب بیرو اعقاب

ایشان نماند

ثمره سوم شجره اصل

بذکر دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبد الشکور
شدند کتخدا و دو دختر و یک پسر بنام میر سید محمد صالح کیفیت ذریت ایشان

بالا شد بتجویز مذکور

ثمره چهارم شجره اصل

در ذکر دختر چهارم میر سید محمد باصر نام بود بی بی واحده که خدا شده شدند از شیخ
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجیوی فریدی نسب متولد شدند از بطن
این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکی بود بی بی زاهده بنت بی بی
واحده از شاه نور علی ابن شاه محمد فضلی کرجیوی شد کدخدا گردید
دختر با ایشان یکی بی بی واصله زوجه شاه وحید الاسلام دوم بی بی
عظمه زوجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکوره بالا حال دختر ثانی که خدائی دریافت
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه جهانگیری
نام پسر دوم شیخ غلام حیدر عرف میان گھسیٹا که مستثنی بود در اقران خود
و در زور مثل بهشت زنی پهلوان نقل مینمایند که ده منی توپ شاهی را بیک جرثاب
از دست باز و انداختند درین باره هیچ تامل نساختند روزی یکی از برادران
براه کورجی رسیدند بر اسپ سوار از ین شنوند ملاقات شد چشم دو چار
اندر میان گفتگو ساعد دست بر پشت اشتب شاه دو تا در پیش و نکلا اسم انجیر

وصیه فلکی طی نماید ضرورت که اشهب اندیشه و نیارا آخر پی کتردن پیش آمد منیغر شود
هرگاه زوجه آنحضرت در دانا پور رو بر دا نحضرت کردند انتقال که دوام سجانا با
ماند بسر و رحال فرزندان خود را نبر بر دامن جد مادری ایشان گذاشته سجانا اقا
آبائی شهر پٹنه اقامت کردند عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در انجاست
مزار پائین پدر و جد بزرگوار بمحله کهجورکمره کچوری گلی بعد چند سال اولا دختر را
کدخدا کرده حضرت میر سید مجاهد رحمة الله علیه باشند بلد است احدیث وصال

ثمره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد ناصر را بودند دختر کلاسے بی بی صحیبنی بتوکل خدا عمر
بسر کردند در چله عزلت خانه نشینی از انجا که عارفه کامله بودند ذی شعور بودند از بهر
پاسے معذور کدخدائی لپسند نامد در یاد الهی بسر شد عمر بمشغولی حق که مجبور در دی
بودند مستحق بالا از صد سال شد که وند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلا

مزار آستانه بوده درگاه ست

ثمره دوم شجره اصل

در ذکر دختر ثانی مسماة بی بی سیدا بود نام انمخدومه کدخدا شدند در بنی اعمام
و احوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلو ابن میر سید بدرالدین پسرے
بوجود آمده بود بنام سید صدرالدین دوازده ساله بمرد و ثمره جناب میر و اعقاب

ایشان نماند

شجره سوم شجره اصل

بذکر دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبد الشکور
شدند کتخدا و دو دختر و یک پسر بنام میر سید محمد صالح کیفیت ذریت ایشان

بالا شد بخوبی مذکور

ثمره چهارم شجره اصل

در ذکر دختر چهارم میر سید محمد باصر نام بود بی بی واحده کدخدا شدند از شیخ
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجوی فریدی نسب متولد شدند از بطن
این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکی بود بی بی زاهده بنت بی بی
واحده از شاه نور علی ابن شاه محمد ولی کورجوی شد ند که حسب اکرد
دختر با ایشان یکی بی بی واصله زوجه شاه وحید الاسلام دویمی بی بی
عظمه زوجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکوره بالا حال دختر ثانی که خدائی دریافت
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه جهکوری
نام پسر دوم شیخ غلام حمید عرف میان گهسیتا که مستثنی بود در اقران بجوشند
در زور مثل هشت زنے پهلوان نقل مینمایند که دو متی توپ شاهی را بیک جرتاب
از دست باز و انداختند درین باره هیچ تامل نساختند روزی یکے از برادران
براه کورجی رسیدند بر اسپ سوار از زین فروشند بملاقات مشغول چشم و دوچار
اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت اسپ شاه تا دیر و دخلا دم نظیر

قصد رفتن کردند بر اسپ شد خرام آن اسپ از کمر زور شد رفتن نتوانست بگشت
بر پشت او زدند فوراً شد رهوار بدین طور قصه شهر و زمی هست بسیار شادی دم
اقران اخوان شده بود اول انشد الا شیخ غلام حید پسر دوم نیز بودند تنومند
حاجت قوت و قنوت اگر هر دو برادر یک جانب میشدند جانب دیگر هزار کافی
بودند این تنومندی از عنایات اهلبیت اللہ اعلم ظاهر نمیداشتند هر دو
برادر بگر پسر سید غلام حیدر منشی بیدل نام بود منشی نقی اللہ بودند شاعر

ذی فنون بهر امور بدری ماند

ثمرہ پنجم شجر اصل نخل اولے

دربیان حالات پسر کلان میر سید عبد القادر ابن حضرت میر سید محمد با
آنجناب سرمست حال و تنومند بودند بسیار خوار بیکبار میخوردند بست آثار و در عالم
فاقه چند روز هم نمی خوردند ایام ولادت آنجناب بسال یکهزار و هشتاد هجری تا عمر
چهل سال ماندند ذی حیات در پایه ثبات از تزوجی هیچ نبود سر دکار به شعوری
بود مشابه دار در دانا پور زیر درخت سپستان ست مزار پائین قبر آنجناب

اهلوز نقش و رزش بلنما بند

ثمرہ ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاہ محمد یسین خلف ثانی حضرت میر سید محمد باصر

استماع است از حضرت جد امجد که ولادت حضرت میر سید شاه محمد یسین قدس سره

در سنه یکهزار و نود و هفت گردیده بود بتاریخ پنجم شهر ربیع الاول عمر شریف بسالا از
سال هفتاد و پنج یا شش رسید عمر سیزده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد ازان
بشش سال گردید انتقال پدر بزرگوار آن عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشده
بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشغال بیعت و تربیت و تعلیم و تلقین
شد از جد مادری حضرت میر سید محمد رضوی هرگاه رسید سن شریف بحد نمول
سی سال بفرمان جد مادری شادی کردند اقبال انجام شادی شد از بی بی دولتخان
دختر خجسته اختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نورآبادی
آن عصمت مآب عارفه کامله بودند باوجودیکه در زوجیت شوهر آمدند با اینهمه بودند
مشغول بذکر حق ذات خدا از بطن آن بی بی سید المجذوبین شاه محمد پسر از
دو پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد اهل کمال نیز اهل کمال ثمره شجره الثانی
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریقه عالیه چشتیه
نصیریه بود حصول از والد ماجد خود شادی ایشان گردید از دختر خاله خود یعنی
از بی بی ملیحه دختر بی ابدال بنت حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد
کس نشد در موضع مقام کانپور رفته کرد انتقال بالا بعمر چهل سال درانجا

بودند مریدان آنجناب

ثمره دوم شجره در ذکر دختر خجسته اختر بی بی اتقیا مدعو بی بی چهوجلو
که خدا شد ندا از میر سید محمد احسن ابن میر سید وجیه الدین سید بولن رهدی لفضله

بوجود آمدند پسران چهار هر یکی عالی تبار یکی ازان کلانی میر سید مظفر علی والد
ماجد حضرت سید شاه یحیی علی دومی سید غضنفر علی زوج بی بی رشید اعرف بودند
سومی سید حسن علی چهارمی سید قطب علی از دو پسران اولاد شد و هنوز موجود فرزندان ایشان

ثمره سوم از اصل النخل در بیان حالات سید شاه ولی الله پسر کلانی حضرت

شاه محمد یسین

واضح باد پسر کلانی از سید السالکین سید المخدومین حضرت سید شاه محمد یسین بودند
از سر حقیقت و معرفت الٰه آگاه حضرت سید شاه ولی الله ولادت ایشان
در سنه یکهزار سی و چهار در دامن فیض سیاس پدری و مادری پرورش یافتند
تربیت ظاهری از پدر بزرگوار بیعت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت
سید شاه محمد مبارک قدس سره بعمر بست سالگی کردند شادی از دختر
خال خود از بی بی ناصره دختر میر سید محمد ثانی از بطن آن زوجه دو دختران
تولد شدند ذریت ایشان هنوز باقیست کیفیت این تصریح بالا مذکور شد الا از
زوجه ثانی سه اولاد یک دختر و دو پسر آنجناب معلی القاب رابطه را امرا را کین
سلاطین داشتند بسیار مریدان کثیر سیاح امصار و دیار بعلاقه مرشد آباد بودند
مریدان بسیار هر گاه والده ماجده آنجناب مخدومه زمان بی بی دولت جهان
بعمر چهل سالگی بعارضه لاحقه دفعتاً کردند انتقال والد ماجد آنحضرت را پیدا شد
ملال حزن و ملال آخر از بزرگی رسید صدای کلمة الحق و رگوش برفت ظاهری

حواس وہوش تا چہاردہ سال ماند درحیات کیفیت جذبہ بود طاری کشف وکرامات
آنجناب اکثر بشہوریست لطور پیشین گوئی و بعد سہ سال جد مادری آنحضرت نیز
کردند انتقال و ویرانگی خانہ شد بصورت نوعدگر برادر دوم میرسید نصیرالدین را
نبود ہیچ دختر و پسر ازانجا کہ با خود ہا زن و شو بودند تند مزاج بصورت بدمزاجی
ناموافقت بوقوع آمد قصد سفر کردند می آرند مرزا خان بیگ نواب
مرشدآباد را بودند یکے ازارکین و بودند آنحضرت را افضل المریدین ومسترشدین
روزے عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت ہرج واقع نشود وبسیار خوب است
دراینجا طلب فرمایند اہل وعیال حضرت عالی تبار چونکہ مزاج تند بود آمدہ برسر
جلال فرمودند ہمہ ہا کردند انتقال کہ اسامی طلب درینحال شدہ بودند سکوت
واقعی امر بردل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند در جواب فرمودند
ہمچنین ارادہ دارم جاے تجویز نمایند مرزا خان بیگ فرستادند پیام بخانہ
قاضی زادگان کہ از مریدان آنحضرت بودند بمقام کشن نگر گھگرہ چنانچہ
قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب ونسب مادری اینہا
از انصار قرابت یکی از مریدان واثق الاعتقاد بودند دختر خود را دادن برضا رغبت
کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد ونکاح نام آن زوجہ مسماۃ ماہ بی بی بود
دختر قاضی ولی محمد ابن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت اللہ ابن قاضی
سلامت اللہ ابن قاضی محمد ملیح ابن شیخ محمد مسیح ابن شیخ محمد فصیح تا بہفت

کرسی یافتم آسائی تحریر نمود این بزرگوار اہل معاش زمیندار بودند کاشتکار الحصول
در نجابت آن بزرگوار ہیچ شکی و شبہہ نیست از صورت و سیرت اشتکار گرفتہ شدند
چہ اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی دختر متولد شدند نام بود بی بی سعیدہ
بعد دو سال ثمان بسال یکہزار و یکصد و شصت و ہشت شہر محرم الحرام بتاریخ نہم
تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاہ غلام حسین بجا نہ جد مادری بہیا
شرق در دانا پور آندہ تولد شدند فرزند دوم سید شاہ شمس الدین حضرت
جد الامجد سہ سالہ عمر داشتند حسب طلب برادر انجناب بسواری کشتی آوردند الغرض
مع اہل و عیال بسوی وطن در روز نگان کشتی در قصبہ نوآبادہ شد فرود آمدند
از کشتی بہر ملاقات اخوان سید دعوت از قانہ اخوان الاصل اولی زندہ بودند
باستماع شدند پریشان کلمہ کلام جاری شد بر زبان اشارہ باین و آن ناقص
العقلان را در نجابت و شرافت آن زوجہ حجت باشد و تکرار الاتر دعقلا اخیست
ہیچ حجت چہ شرق نمی ماند بشرقی دیار الحمد للہ مصاہرت با یان واقع شد
بجانہ فقیر کہ نجابت و شرافت بہترین و شہبین را واقع شد مصاہرت در
اہل الشرافت کمترین بہر تحسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور
بجانہ فرود آمدند کردہ از دریا عبور حضرت سید المخدومین سید شاہ محمد یسین دیدہ
فرزند پر کمال شدند مسرور از ان روز خانہ ویرانہ کردند آباد دوستان شاد و دشمنان
بہیا و بسال یکہزار و یکصد ہفتاد و دو آخر ذی حجہ جناب حضرت سید شاہ شمس الدین حسین

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید المخدوم این سه چهار ماه خبر این داده بودند آنحضرت
بطور پیشین گوئی الحمد لله والمنه هر برادر بودند آفتاب و ماهتاب ذوی اعتبار صاحب
اقبال یکے جد امجد دومی جد مادری این خاکسار از هر دو فرزندان شدند دانشمند
و هوشیار ذوی اسرار و دختر بی بی سعیده جوان شد مدکد خدائی شد از میر مراد علی
ابن سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کاکوری الآن ایشان اولاد رفتند

از شیعالم و ذکر فرزندان فرزند ثانی بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل نخل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین قدس سره ابن حضرت سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشن نگر بخانه جد مادری شد بسال یکهزار و یکصد
شصت و هشت و نهم شهر محرم الحرام ازین رو شد نام آنحضرت سید غلام حسین
والد ماجد آنحضرت از ظهور آنحضرت شدند بکمال مسرور اگرچه از نخل اولی بودند دختران
ذوی شعور میفرمودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب مکتب
جمع نمودند اقران و اخوان وقت مکتب هر دو برادر رفتند بحضور والد ماجد آنحضرت
مکتب نبیره حضور بست در پیش تشریف در آنجا پند آغاز بسم الله از و نمایند
الحاصل تشریف آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم
فرمودند دیگر بس و تمم و بالخیر تعمیل آنهم نموده قدرے شیرینی از آن در دهن
این فقیر نهادند و نیز بدهن شریف دادند والد ماجد من عرض نمودند پیش ازین بگویانید

فرمود پیش درس ست ترقی ذہن ودوام پس معنی بسم الله وتمم بالخیر
میفرمودند بدولت آن حافظه وذہن شد حصول وزبان خود برآورده چنانچه
ہرچند که حضرت ظاہر تحصیل چندان نبود الا مقدور کرا که ازآنحضرت بحث و
تقریر نمود در تراویح حفاظ را لقمه میدادند حالانکه ناظره خوان بودند میفرمودند ہرو
دختران محل اولی را که ذکر خدا و شرفا اقران که مذکور بالا شد وفرمان بادشاہی
بطور التمغه مدد معاش مال پور وغیره کرده حصول محل اولی حواله کردند که صرف کفاف
خود سازند ازین شدن نمیتوانند اجرا نمودن فرمان شاہی برادران شما صوبه
رش اند دران شریک نصفا نصف نمایند بحق محنت وقرابت صحبت بدانطور شد
تعمیل بعده در زمان بادشاه عالمگیر ثانی رفته حصول ملاقات کرده که
زمان سلطنت پراگنده شده بود چند فرامین دہیات یکجا کرده فرمان آوردند
پیش نظر پدر بزرگوار دست بسته گذرانیده ہرگاه معائنه نمودند فرمودند ای ولی
درین فرمان ضاد ضاد نوشته است بسیار عرض ساختند ضاد ضاد چه معنی دارد
ای پدر بزرگوار فرمودند حاکم وقت اخر فریق دیگر خواہد شد این معانی بار اضبط
خواہد کرد این کلمه گفته از دست خود کردند آن فرمان چاک چراکه اہل جذب بودند
ستانه پاک فرمودند ای ولی مشغول روزے بر آستانه تو برسید بادشاه
دین پناه بطلب این فقیر نخواہد دید مرا ہست وقت آخیر بکرم نمانے و دعوت
کمی وہرچه دہد بگیری را مدنه پذیری تا فرزندان تو اہل دنیا نشوند و دست مبارک بر دندان

نهاده که لغزش می شود و یک دندان برآوردند و فرمودند این را بگیر بادشاه
بهر خزائن تحفه فقیر بفرمودند بعد شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت
ذو الجلال که عالمگیر ثانی کردند انتقال شهید شدند از دست افغان مودی بیکال
نبیره ایشان غالباً پدر بادشاهی مقرر شد و بادشاه عالمشاه در آن زمان
بسفر بودند شرقی دیار اینجوار نقل میکنند در قصبه سهسرام بودند که بر سر ایشان
چتر شاهی جنبانیدند از انجا رسیده در حضرت بهار رسیده آستانه مزار نمودند
ملاقات مشایخان اینجوار روزے خبر رسید که بادشاه با فوج و اراکین می آیند
بهر ملاقات حضرت سید شاه محمد یسین در قصبه داناپور حضرت سید شاه ولی الله
قدس سره قریب مزار والد ماجد زیر درخت کتم فرو شطرنجی گسترانیدند و بهر عوت
ماحضر مرا اسد چون بادشاه شاه عالم رسید بشاهراه قریب مزار رسیدند
دائره حضرت سید شاه محمد یسین کدام جاست عرض ساختند دائره نیست
شکسته و فوت هست و کهنه مسجد این است مزار فرود آمده بوسه مزار داده فاتحه
خواندند پرسیدند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود بپایه التماس رسانیدند هر دو
برادر نعمت هر یکی کلانی آنحضرت هستند و ثانی هست این فقیر بغلگیر شدند و شد
مصافحه از هر دو نشستند بفرمودند عمر من در انوقت هفت ساله بود و برادرم
شمس الدین دو ساله داشتند عم والد ماجد از دست شریف دندان آنحضرت نذر نمودند
بهر حرز و کیفیت کردند بیان که آنرا در سر پیچ دستار نها و بهر تعویذ و استدعا

با حضرت کردند آنهم کردند قبول و مرا دیده پرسیدند این فرزند کیست گفتم
این فقیرزاده است فوراً از دست خود مرا گرفته بر زانو خود نشاندند و پرسیدند
نام شما چیست گفتم غلام حسین ازین کلمه شدند مسرور لاریب جمله سیادت
اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه میخوانی گفتم پندنامه سعدی
کریما فرمودند بیتیکه یاد آمد بخوانی خواندم حسب حال سے تواضع ز
گردن فرازان نکوست ٭ گدا اگر تواضع کند خوی اوست ٭ باستماع این
مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مدد معاش فرمان بصیغه التمغه شد تحریر
و سفره گسترانیده شد با حضرتی چه بود وقت تناول از قسم طعام نانجوین
و تره چولائی دال کهساری نخود آمیز و سرکه اچار بیل و اچار اول در سرکه و دوم
در تیل خوردند آفرینها کردند ای شاه صاحب طعام انواع اقسام خورده ایم
لذیذ طعام سلیس هرگز بدینطور نخورده ایم بیا پیا التماس رسانیدند طعام
چیست و ظرفه طعام است قسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین نیست
چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه تکلفانه انتخاب هرگز نخواهد یافت
بعده طلب شدند قانون گویان و چودهریان منصب دار بهر مواثیق فرمان
شد اگرچه پادشاه وقت در مدمعاش بطور ایمه و ستار درگاه انتخاب کرد
در پرگنه پهلواری میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نماید این
خاکسار چنانچه زمین معاش ار بودے خانی پیمایش پانصد و سی و هشت بیگه هست

بقبض و دخل ورثه معافی موجود وقت دایر منضبطی هم واگذاشت شد و صرف
فرزندان آنحضرت است حالا صرف وارد صادر کثیر صرف دیگر دستگیر میفرمودند
بعد رفتن بادشاه بسوی دهلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پراگندگی کار مطلب
از صوبه وقت اجرا نمایند درانوقت قاسم علیخان بود صوبه شهر پتنه عظیم آباد
دبدبه صولت او بسیار بود روزے بهر اجراء فرمان حاضر دربار صوبه شدند
درانوقت نواب قاسم علیخان صوبه شهر پتنه عظیم آباد بود بسبب نواب
جعفر علیخان مالک هر سه صوبه پتنه و اودیسه و صوبه بنگ بودند از
طرف شان نواب قاسم علی خان نائب که داماد شان بودند ربط و رابطه
از هر دو صاحبان بود بسیار بلا تامل و عرض عرض بیگی داخل دربار شدند
مغلیان و افغانان تیغ برهنه در بر دو دربار می بودند گذر کسے نشد بدستور انتظام
چنین بود درانجا اهتمام میفرمودند دران زمان نواب قاسم علیخان از خسر
وانگریز رو گردان بودند بعده بدربار شاهی بحضور عالی گهر شاه عالم بادشاه
رفته معذرت کرده بحال بر صوبه پتنه ماندند و خطاب عالی جاه یافتند بعد چندے
از بادشاه رو گردان شدند تا میرش کامگار خان تسلط بر ملک یافته صداے
مطابق آیه الیوم لمن الملک و احد القهار بر داشتند میفرمودند نواب
قاسم علیخان اول والد ماجد مرا نشناختند چون السلام علیک کرده
شنید نواب را نشه عهده جلیل این جرات نتکلفے ناپسند پرسید نام چیست

فرمودند ولی الله باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند مسولسین از جا برخاست

و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا نشناختم و درین عرصه عروج

من شد یاد کرده امروز چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی هست

بیس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عروج گاهی

سرفراز ساختی از نعم تو بگذشتی و نیز این فقیر و اردعیال بسبب آن از لطف

فقیر بگذشته بدربار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند دیده بگفت

گیدی

نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی از بنگ

در علاقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم چی فرمودند مزاج والد ماجد

من حدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند رحبسته ای قاسم علی ترا چه شد

استکبار پیدا کردی استکبار صورت او باست که بادشاه وقت که سایه ظل

اولیا بر سر دارد او را گیدی گفتی شاید معتوب الهی شدی این فرمان

شه شاهان آنست که از خطاب عالی جاه یافتی دارد و تبریافتی مراچه

خواهی داد انچه که دهی در زیر ران پرستاران خود دهی این کلمه بی باکانه

گفته از انجا برخاستند نواب گفت بنشین بنشین فرمودند چه نشینم مرا کافی است

سوره یسین حکم سیحو بداران نمود بگیر بگیر درباریان متحیر شدند بر جرات

کلام فقیر بعد لمحه از انجا از چشم خلائق شدند پنهان که گیرد و کرا گیرد فورا

از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد نواب چشم نم شده کشید آه سرد

میفرمودند والدین حمد کرده شدند خانه‌نشین از گردش فلکی بر نواب قاسم علیخان
از قهار رسید چنان و چنین این بی باکی را سبب آن بود که مهر و خسرو دا
چند روز بصیغهٔ طالب علمی بودند تلمیذ جد امجد من آخر کار به هم رسید نواب قاسم علیخان
از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط انگریزان نواب قاسم علیخان برگردید
خود پشیمان شده بذریعه اشخاص خاص حضرت والد ماجد را طلبیده معذرت نمود
بالحاح و زاری و سفیر نمود آنحضرت را بهر صلح و مدد نواب شجاع الدوله
که خیمه‌گاه او بمقام بکسر ضلع شاه‌آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پا که
بالا ازین کرده بود در آنجا سیر رفتند بروز دیگر تشریف می‌آوردند چنین بود
طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند بخواب حضرت والد ماجد خود
شاه محمد یسین را چنین ارشاد نمودند امی ولی تو او را مغضوب گفتی
حالا مغضوب شد من الله پس چرا بنامه و پیامی او میکنی و دم بتقصیر میزنی
آنحضرت متنبه شده شدند خانه‌نشین بازگردیدند از ملاقات آخر گشتی عمر او
و حکومت شد غریق کدام را بهر گرد و بدی طریق میفرمودند بعد بهمی
تسلط نواب قاسم علیخان از مرشدآباد خود نواب جعفر علیخان آمدند
بکمال دبدبه و صولت در عظیم‌آباد و چوبدار فرستاده جناب والد ماجد را
کردند ما و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب
جعفر علیخان شنیده منغص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود جاری

بعد تصحیح باز و رخصت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب جعفر علیخان
عازم مرشد آباد شدند آمدند بهر ملاقات بغریبخانه ورود انا پور دو روز دعوت خوردند
بسواری بجره از راه دریا عازم شدند سوی مرشد آباد و فرمودند جناب شما همصاحب
بسبب تنهائی پریشانم بهر دلبستگی اگر میان را همراه فرمایند بصورت صلواتست
بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند بر بازو روپیه بنام امام ضامن علیه السلام
میفرمودند حضرت جد الامجد این فقیر حقیر در اثنای راه نواب مرا بسیار نواختند
در سفره وقت خوردن طعام و دستار بستن بشانشاندند از نواب بها در آموختم یک
روز بدست خاص دستار بندی نمودند آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مفارقت
نیاورده خود رسیدند بمرشد آباد مکانی خالی کرده شد قریب شهر در آنجا همراه والد
ماجد میماندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز
وقت دربار همراه والد ماجد خود میرفتم والد ماجد من بجای بهتر بهتری نشستند و مرا نواب
از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر بر زانو او نشسته می ماندم و کلمه کلام میکردند
خبرها می پرسیدند بدین منوال حاضر بهم میشد در دربار عمر من دران زمان ده سال
میفرمودند روزی در جلسه دربار حسب عادت رفتم در آنوقت حضرت والد ماجد هم
نبودند موافق معنیا و معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعده بر زانو نشسته در آنوقت
کسی از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که مذهب معلی القاب معلوم شیعه مذاق
و از سنیان چنین موافقت و اتفاق و التفات برین صاحبزاده فرزند شاه صاحب

سنت جماعت چنان و چنین چه سبب است برای بهبود و بهترین فرمود نواب
معلی القاب در جواب که انصاحب در زمان طالب العلمی بخانه این عمده المشائخین
و سیادت بهترین مرا بود جاگیر حالا مرا نیز بدل هست منقوش که برای این صاحبزاده
تجویز نمایم عهده جلیل یا منصب و جاگیر میفرمودند از التفات نواب مرحوم چنین
میشد معلوم که صوبه عظیم آباد تفویض نماید چونکه بودم خورد سال آخر چنین نوبت
نا فتاد بعد دو سال والد ماجد من در انجا نمودند انتقال نمود بمقصود بهر دنیا بهبود
حضرت معبود نواب صاحب را پیدا شد کمال حزن و ملال مرزا خان بیگ
که یکی از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در انجا نمایند مزار را گفتم مرا صرا ارادت
که نعش برم بوطن دفن نمایم در جوار جد بزرگوار آخر بصلاح بهر شش ماه
نعش را سپرد کردند مع خدمتگار و اهلکار نواب آمدم دانا پور صندوق ساخته
بهمراه و بردن نعش پاک بسواری کشتی رفتم در انجا رسیده از زمین تفویض نعش
بر آورده با احتیاط در صندوق کرده از انجا آوردم در جوار جد امجد دفن نمودم
از انوقت باز قصد مرشد آباد نمودم میفرمودند در مرشد آباد وقت انتقال
از حضرت والد ماجد عرض کردم که بادشاه بهر کفاف معاش میداد بسیار حضور
قناعت کردند سر اختصار فرمودند اینقدر بهر دو برادر کافی ست عرض کردم
من که دو برادر خواهم ماند چه نخواهد شد افزایش اولاد فرمودند اگر رضا الهی چنین است
افزایش جمعبندی آن نیز خواهد شد الحمد لله در زمان والد ماجد من حاصل پانصد

بلکه چیزے زائد پانصد روپیه سالانه می‌آمد بزمانه من هر دو برادران را هزار
هنگامه پدر و اعمام شما پیدا شدند درباره شال گشت یکهزار و پانصد شد سیوم به
این فقیر حقیر در زمانه بابان جمعبندی سالیانه شد دو هزار شکر خدا بدل بالا
حالا از نیم هست جمع بالا اگر فرزندانم راه قناعت برین گزینند بخوبی گذرد
اوقات مشایخانه و اگر خواهند که بر دکه امارت نشینند مال قارون نیز نکند کفایت
درین زمانه میفرمودند عمرے سیزده ساله بود که وفات یافتند پدر بزرگوار عجب
چهل و ششم سال یکهزار و یکصد و هشتاد و هجری بعد دو سال در تحصیل علم ضروری
چون فرصت یافتم عم بزرگوار مرا نبود دو کسے فرزند بصلاح والده ماجده قصد
شادی نمودند و نیز بعمره من شادی نه شیر گردید میر مراد علی ابن میر حسن رضا
ولد میر محمد رضا یک دختر شد خواهرم را نام شد حمیده دختر سعیده در زمان
طفلی آن دختر بمرد و نیز مادرشان وفات یافتند و شادی من در سه شیع گوگانان
از دختر میر یوسف علی عرف میر سوبن ابن میر یوسف علی گردید نام زوجه بود
بی بی عصمت النسا از بطن آن بی بی یک فرزند نرینه شد موسوم غلام حسنین بعمر یک
ساله بود بعارضه چیچک مرد و وفات یافت باز قصد تاهل نساختم عمر من
شانزده ساله بود حب دنیا از دل من حق بر بود قصد بیعت و تربیت نمودم چنانچه
اتفاق بیعت از والد ماجد نشده بود شمرد نیا تنی حضرت قطب العالم شاه
محمد منعم قدس سره باستماع در آمد همراه عم المحترم حضرت شاه قطب الدین عرف

شاه قباد ان که آنهم مرید وخلیفه آنحضرت بودند حاضر شده بیعت بطریقه
عالیه چشتیه خضریه کردم حصول وتربیت وتعلیم یافتم بطریقه عالیه ابو العلائیه
چند حاضر ماند بدستور ومعمول بنمایید درکیفیت ذکر واشتغال مشغول دو سیم سال
چون گذشت که حضرت نمودند بسال یکهزار ویکصد هشتاد وپنج هجری سیزدهم شهر رجب
انتقال هر اپیدا شد حزن ملال وقت انتقال حضرت عم من عرض ساختند
که مجاز فرمایند باین فرزند هست پسر یکی از مشایخین بجواب فرمودند اجازت
بعد از بیعت ایشان همان روز دادم کافی ست ان اجازت مرا زبانی است
به از تحریر خلافت ومثال چند کسان نافهم بنمایند درین قبیل وقال ازین فقیر
حقیر چرا که مرا تربیت بیعت از جد امجد پیر دستگیر الحصول بعد چند سال که سن
مبارک حضرت جد الامجد رسید به بست وسه سال ثانی شادی شد در عظیم آباد
از دختر حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف ابن حافظ محمد یوسف که نسب نامه
آنجناب بالا نوشته ام با نساب علوی حافظ صاحب خوش باش از وطن لوریجواک
آمده بودند در عظیم آباد وبخانه شیخ قریشی نسب شادی کردند دو دختران پیدا شدند یکی
جده من ثانی خواهر خورد جده من که از شیخ برکت الله ابن شیخ اهل الله پیش شوهر
کتخدا شده بودند از بطن آن بی بی اولاد نشد الا شیخ صاحب از دو شادی از یکی
دو پسران از یکی دختر که شد دو پسر نامی فرمودند بعد شادی من عم
می رسید نصیر الدین احمد بجانب مغرب که مریدان شان بودند بسیار در مقام

کانپور کردند انتقال برادرم سید شاه شمس الدین حسین را پدر رفتند بجاے
پسر والده من شادی این برادر نیز روبروے کردید بعده کردند انتقال استماع است
از زبانی جده ماجده که نام جد مادری من بود شیخ محمد ابن شیخ احمد ابن شیخ
عبد الصمد ابن شیخ امجد اقامت داشتند در شهر پٹنه بطور کاشتکار و نام جده
مادری من بود مسماة سلطان بی بی بنت شیخ امان علی ابن شیخ سلطان علی
ابن شیخ رضا علی درین شهر بودند از تجار و هر دو مصاهرت واقع شد نام
مادر من بود آمنه بی بی و نام هر دو ماموں من بود شیخ عاشور علی و شیخ مهر علی
این نوجوان فوت شدند الا کلانے ماموں مرا دیده باشی شیخ عاشور علی که بسن
شده بودند در اینجا کردند انتقال بعارضه اسهال و نام خالاے من بود فاطمه
بی بی از شیخ محمد منیر انصاری بودند کتخدا شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد هاشم
و صوفی محمد دائم ابن شیخ محمد اعظم هر دو برادر عمزاد بودند ساکن شهر ڈھاکه
پسر محمد منیر شیخ کرم علی برادر خالاتی من بهر ملاقات ما باین بسواری کشتی
از انجا مع اهل و عیال درینجا می آمدند جاے کشتی رسید در تباهی زوجه و
پسر ایشان شدند در دریا غریق رحمت از انجا تن تنها درینجا رسید برابر است
صعوبت و آفت بعد ملاقات درینجا ماندند خواستم که بر شهر تا شادی شان
نمایم قبول نکردند آخر کنیز سبزپاره را نکاح کرده در خدمت شان دادم از و دو
پسر و یک دختر شد یکے را نام بود عبید و دومی را از دختر شیخ عابد علی کدخدا شد

یک پسر شد واحد علی نام و دیگر پسر اصغر مجرد ماند بعارضه تا قصه شد آخر کار
تمام و دختر مسماة سکرن از میر عباس علی ابن میر دوست علی کدخدا شد ذی اولاد
شد و هرگاه در اینجا سکونت کردند برادرم شیخ کرم علی در اینجا چند تا تفویض نمودند
با و شان کار و بیابات را انتظام بخوبی بکردند انجام و حرم شان نیز کار خانه داری
حسن میدید سپرد بود با و خانه داری با اهتمام دیده باشی هرگاه ذکر آمد حضرت
صوفی محمد دایم قدس سره ضمیمه احوال شان نیز می‌نویسد یعنی حضرت صوفی محمد دایم
ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اول مرید و مسترشد بودند صوفی
امانت الله رحمة الله علیه طریقه شان قادریه و سهروردیه مجددیه بود بعد از ان
باجازت شان آمدند بشهر پٹنه بهر استفاده باطنیه طریقه ابوالعلائیه بحضور حضرت
قطب العالم شاه محمد منعم قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت
ماندند آخر خلافت این طریقه یافته حسب اجازت جانب وطن تشریف بردند آنحضرت را
دو پسر و یک دختر زوجه صوفی شاه روشن علی که مرید و مسترشد و خلیفه و داماد
بودند و نام پسر کلانے صوفی احمد الله است پسر ایشان صوفی وجیه الله که بعد انتقال
صوفی شاه روشن علی زیب سجاده شان بودند حال اولاد ایشان دریافت نشد
با بابو هیچ شریکیه بودند تا انزمان کسی اولاد نشده بود و پسر اوسط نام صوفی
قائم الله بود و پسر سوم صوفی شاه نور الله بود چند سال درین دیار ماندند در
ایام جوانی همعصر این خاکسار بودند بسیار مودانست از سن بود و نسبت رابطه سلسله

در رابطه قرابت بعد مراجعت از سفر چون رسیدیم ندیدیم بسوی وطن رفتند
خلف دوم صوفی محمد دایم صوفی شاه تقیه الله بودند بعد انتقال برادر
کلان سجاده‌نشین شدند و همراه ادای حج نیز رفته بودند از حضرت جد امجد مکاتبات
اکثر بود پسر ایشان صوفی ولی الله واضح باد خواهر جده این خاکسار بی بی
امت الرسول زوجه شیخ برکت الله ابن شیخ اهل الله تا زمان حیات شوهر خود
در عظیم آباد مقیم ماندند و دوام بعد ازان بوقت اخیر بصحبت عزیزان دانا پور آمده
شدند چنانچه قبر ایشان و والده جده من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در دانا پور
الا والده ایشان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت الله قادری بودند
در قصبه پهلواری مدفون اند لواحقان شیخ برکت الله شاه محمد قاسم پدر
شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد واجد یک دختر ایشان ام زاده شاه
محمد عاصم که خدا شدند اینها سجاده‌نشین مولانا گر بودند اهل المعاش در دو پسر
شیخ برکت الله شیخ سلامت الله زوجه شان خالای مولوی اکرم الحق و
مولوی وحفظ الحق بودند اولاد نماند و پسر دوم بنام شیخ امان الله بود
زوجه شان همشیره بودند باولاد رفتند همرد از این جهان ازانجا که سلسله قرابت
بود بدین تصریح نگاشت باید دانست حضرت جد امجد من فرزندان فرزند خود
دیده کردند بعمر هشتاد و شش سالگی انتقال بسال پنجاه و چهار هجری بست یکم
شهر محرم الحرام روز چهارشنبه بود و جده ما جده من بعمر سیزده سال ماشا

عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت هر دو بود از دیگر فرزندان
وقت انتقال از خلافت و جانشینی کردند سرفراز در وقت رحلت پدر بزرگوار
خود ده ساله بودم مینولیسد بهر نا و ابستگان ترتیب مزار جانب شمال احاطه مقبره
مزار ست حضرت میر سید جهانگیر قدس سره و زوجه شان بعدهم پهلوی جانب
مغرب مزار ست پسر شان حضرت میر سید مجاہد قدس سره و جانب جنوب پائینه
شان پخته مزار حضرت سید شاه میر سید محمد یسین قدس سره نواسه شان
و در پهلوے زوجه شان بی بی دولت جهان اہل مزار اند این هر سه عوام
نیاز و فاتحه مینمایند خصوصاً وقت انجام شادی و در پهلوی حضرت میر سید مجاہد
مزار ست والد جد من حضرت سید شاه ولی الله و در جنب جانب مغرب
قبر والده جد الامجد من ست و جانب مغرب پهلوی شان مزار ست والد من
حضرت سید شاه سلطان احمد و در پهلوے آن قبر ست والده این خاکسار
بعده مزار ست حضرت جد الامجد پیر دستگیر بعده جده ماجده من بعده خالای من
زوجه عم الاوسط بعده قبر عم الاوسط زان بعد قبر عم المکرم سید شاه مراد علی
در پهلوے شان زوجه انجناب اند بعده یکین لیسار و خواهران من و دیگر
عزیزان این بهر نا واقفان تحریر نمود دیگر غرض از نمائش تحریر شود

ثمره اول شجر اولی اصل اول خاتمه در احوال عم کلانے سید شاه
وحید الدین احمد

واضح باد فرزند کلانی حضرت جد امجد سید شاه مولوی وحید الدین احمد بودند ولادت
ایشان بسال یک هزار و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود
بروز یکشنبه تحصیل علم ظاهر و بیعت بطریقه عالیه قادریه از مولانا شاه ظهور الحق
قادری نموده بودند بعمر دوازده سالگی در علم قریب فراغ بودند و تربیت و تعلیم باطنیه
بطریقه عالیه ابو العلائیه از جناب حضرت سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره
بوده نوبت خلافت رسیده صحبت مشایخان عصر بود اکثر و چند سال در ایام جوانی معمور
بعهده جلیله حاکم وقت بودند سررشته دار و شهر اله آباد و تا مدت ده سال آخر ترک
روزگار نمودند و بعمر سیزده سالگی شادی شد از بی بی مسماة امین النساء دختر
منشی سید محمد حسین ابن منشی سید محمد علی الله تعالی بخشد اولاد چهار پسر
و چهار دختر سه پسر بطفولیت مردند و دختران از خواهرزاده و برادرزادگان کدخدا
شدند فرزندی اولاد در پسر چهارم سید عنایت الله انچه که از زوجه عم کلانے
دریافت شد اصل نسب بالا در نیجا بنوشته چرا که تحریر به صحت نسب معاصرت
میر سید عالم علی زیدی نسب ساکن باره بودند پسر شان سید امجد علی پسر ایشان
سید احمد علی از وطن مفارقت کرده بهر حصول مدد معاش روانه دیار شرقے
شدند خلاصه شهر بنگاله بمقام سولکیه در انجا سکونت کردند اختیار رہایش شد
جلیله صورت روزگار پسر ایشان منشی سید محمد علی جلیل القدر حکام بودند
از سند حاکمان وقت دو پسر ایشان کلانی منشی سید محمد شاه با وجود حسب ظاهر

علیے بسیار صنعت داشتند سه پسر ایشان و یک دختر و منشی محمد حسین را سه دختر و یک
پسر منشی سید ولایت حسین بطور الشان سررشته دار کورٹ اپیل بودند
و جلسه مسٹر حالنس صاحب بهادر وزیر او ستاد بودند مقرب و ممتاز رفقا بر درجه
بعد انتقال والد خود حاکم وقت این عهده به پسر شان بحال داشت تا حیات
با وج جلیله ماندند پسر کلانی منشی محمد شاه سید دلاور علی و ثانی سید اعظم علی
هر دو داماد عم خود بی کریما النسا زوجه کلانی و بی بی ولی النسا زوجه برادر
ثانی هر دو ذی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی
میر ولایت حسین از دختر عم نیز کردند از سماة عمده بیگم دختر منشی محمد شاه شش
دختران میر ولایت حسین مرحوم که خدا درین دیار از شرفا ئم چهار دو دختر در
اکبرآباد از هر دو برادر اعیانی که جدا از قاضی باقر علی سماة وصلا و از حکیم
وارث علی سماة صدگرا و کلان سماة فهیما در موضع کرالی پرسرای و سماة فضلا
از میر فرحت حسین و سماة محبیا از میر مظفر حسین هر دو برادر اعیانی ساکن قصبه
چهره و یک دختر را نام معلوم نیست در ضلع علیگڈه کول در خانه شرفا که خدا و
یک پسر نام سید اصف حسین شادی اول از دختر سید میر نجان در اکبرآباد
شد ثانی بعد وفات زوجه اولی از دختر اخلیا عمه زاد شاه محمد سجاد و شد
از هر دو اولاد داشتند و پسران قاضی باقر علی اولاد علی و حاجی باسط علی
و پسر حکیم وارث علی نظام علی خان صدر وکیل با منصب هنوز از آنها موجود اند

و دو دختر میر فرحت حسین مسماة سراج النسا و دو پسر میر مظفر حسین امیر حسین
و نظیر حسین و پسر منشی دلاور علی میر لطف علی و یک خواهر شان که از پسر اصالت علی
کدخدا و میر اعظم علی را و پسر سید لطف علی و مولوی سید احمد علی آینده مفصل ثبت میم
حالا ذکر اولاد عم الاعظم مینمایم که کدخدائی شد و واضح باد دختر کلانی مسماة
بخشا النسا زوجه اولی اخی الاعظم شاه محمد قاسم دو فرزند از بطن این
زوجه شدند هر دو رحلت کردند بصغر سنی بعد از آن مادر شان فوت شدند
دختر ثانی عم کلانی مسماة عمدة النسا زوجه سید شاه فدا حسین ابن سید شاه
فرید الدین ایشان را از بطن این بی بی یک دختر شد جمیله نام بعمر بست سالگی
شد عمر تمام و نام پسر امیر حسن آنهم بعد وفات مادر بی اولاد نماند و دختر سوم
عم کلانی را نام بی بی ام البتول عرف بتول از برادر سید هدایت حسین شدند
کدخدا یک دختر شد نام نظیر النسا کدخدا شده از سید ارشاد حسین ابن
امیر حسین امام ابن سید شاه وارث علی بهاری ذی اولاد شده بے اولاد رفت
از این عالم و نام پسر آن برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شد
دختر نیز شد هر دو فوت شدند از پسر دوم سید علیم الدین از دختر میر محمد حسین
ابن میر علی سجاد پهلواری که خدا است یک پسر سید رحیم الدین و چند دختر
ایشان و دختر چهارم عم کلانی نام تاج بی بی و امة الرسول عرف رسولا
از برادر کلانی عیانی این خاکسار کدخدا یعنی از سید شاه علی حسین کدخدا

شد ندوی اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت الله از خواهر خورد این فقیر
کدخدا شدند یک دختر شد بصغر سنی بمرد بعد اولاد نشد الا از حرم چند پسر و
دختر اند و کیفیت اولاد برادر خود آئنده بتصریح خواهد نگاشت

ثمره دوم در بیان اولاد دختر حضرت سید شاه غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حفیظ النسا زوجه شاه تراب الحق

باید دانست نام عمه آنحضرت مسماة حفیظ النسا که از برادر کلان خورد بودند
و از سه برادر کلان زوجه شاه تراب الحق ابن شاه طیب الله ابن مولوی امین الله
حضرت شاه طیب الله نواسه شاه سیف الله موڑوی بودند ذکر نسب بالا
تحریر شد الحصول این بی بی در زمانه خود رابعه بودند در عبادت الهی پرسلیقه
و سخیه و مطیع والدین تا عمر خود در دانا پور بجوار پدر بزرگوار ماندند خانه نوساخته
بسبب کثرت اهل و عیال الله تعالی پنج پسر و چهار دختر بخشید بعمر چهل سالگی
رو برو والدین کردند انتقال چهار پسر و دو دختر گذاشته فرزند کلانی سید
شاه محمد قاسم تربیت علم ظاهر از خال الاعظم یافتند ذی استعداد و منشی
بی نظیر بودند و اکثر نوکری جلیله پیش حاکم وقت بودند بیعت ایشان را از حضرت
سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره بطریقه عالیه نقشبندیه و تربیت باطنی
از حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و اجازت خلافت ارشاد
و بیعت از هر دو جا از ابتدا تا انتها تربیت و تعلیم فیوض باطنی [illegible]

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند در وطن آمده بسبب سجاده شدند بارشاد
مرشد پیری و مریدی فیضیاب از ذات با برکات ایشان شدند بسیار بعمر شصت
و پنج سالگی کردند انتقال بسال یک هزار و دو صد هشتاد و یک هجری بروز
پنجشنبه مزار واقع است در حضرت منیر باستانه حضرت مخدوم یحیی منیری
قدس سره شادی اولی که از دختر کلان خال کلانی شده اولاد شده یا دو پسر
هردو کردند انتقال اولاد نماند شادی ثانی از مسماة امیر النسا دختر میر جعفر
شد در بهار محله باره دری از ایشان نیز شدند دو پسر و یک دختر بصغر سنی
وفات نمود الا پسر آن جوان شده رحلت کردند اولاد صلبی نماند بجز فرزندان
برادران و فرزندان معنوی اگرچه اوستاد این فقیر بودند الا درک صحبت نیز
مرا حصول شد با وجود این تعظیم این خاکسار میفرمودند بهر آنکه زوجه ایشان
مرید این فقیر حقیر اند سبحان الله عجیب مراتبات با برکات بودند
ثمره دوم یک خواهر ایشان از همه برادر بزرگ و ایشان خورد مسماة اولاد
عرف امون از سید میر نجف علی ابن میر امان علی ابن میر اشرف علی ساکن
رهوی کدخدا شدند یک پسر و سه دختران ایشان شدند الا همه بصغر سنی مردند
بیعت ایشان از زوج عمه خود از شاه فخر الدین حسین بطریقه عالیه
چشتیه مودودیه بود الا تربیت و تعلیم معنوی بطریقه عالیه ابو العلائیه از
جناب حضرت سید شاه فخر الدین حسین قدس سره یافتند بطریقه یکی از

اهل کمالان بودند نسبت عالیه ماده جذبه در آخر عمر در جذب الهی بودند صاحب
کلمة الحق افسوس زندگی وفا نکرد سی و چهار ساله گی رحلت کردند بسیار مریدان
مسترشدان ایشان می شدند بسال یکهزار و دو صد و پنجاه و سه هجری وفات
یافتند ثمره سوم پسر ثانی عمه این فقیر سید شاه محمد واجد ابن شاه تراب الحق
رحمة الله علیه که مردم ذی فنون و پرهنر بودند و استعداد فارسی بود بسیار
و تربیت و تعلیم معنوی بطریقه ابو العلائیه ایشان را نیز از حضرت قطب العصر
سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود فکر رسا معنی خیز طبیعت بود صاحب
وارده درود حال صاحب اثر و تاثیر که بر حاضرین اثر مینمود و در شعر و سخن درک
خوش مذاق بودند و پیشه تجارت کردند با نهمه غفلت از کار خود نبود وقت اخیر
بیعت از حضرت شاه مظهر حسین ابن و خلیفه حضرت حکیم شاه فرحت الله
قدس الله اسرارهم کردند و اجازت پیر و مریدی از خال کلان خود یافتند مرید
مسترشد ایشان نیز بودند بعمر شصت ساله گی رحیل ملک بقا شدند بسال یکهزار
و دو صد و هشتاد و چهار ولادت ایشان بسال یکهزار و دو صد و بست و چهار هجری
بماه ذی قعده از این حقیر محبت بسیار داشتند و در چند فن تلمیذی ایشان دارد
این حقیر شادی ایشان بعلاقه بهار در اقران شد بموضع نوره پور از مسماة
تحفة النساء دختر شیخ بهادر علی دو دختر و یک پسر از بطن این زوجه شدند
ذی اولاد اند نام پسر منشی سید محمد وزیر که در فارسی حیثیت دارد بی نظیر

وشاعر است متخلص عطا تربیت باطنه یافت از عم خود حضرت سید شاه حسین
مبارک حسین قدس سره ابن حضرت قطب العصر حضرت سید شاه قمر الدین
قدس سره و بیعت ایشان از حضرت عم کلان خود شاه محمد قاسم قدس سره
اوقات بروزگار حاکم وقت چندی بسر کردند حالا در تجارت مشغول اند که خدائے
ایشان از خواهرزادی ام یعنی از دختر سید شاه اسیر الله ابن میر فقیر الله
از مسماة است الصغری اولاد پسران شدند حالا سه پسر اند موجود کلان پسر
مولوی محمد کبیر که در عربیت و فارسی و کسب نوکری حکام زمانه در انگریزی
نیز فوقیت دارد و بهر کار از برادران فوق است بیعت ایشان نیز از حضرت
جد کلانی ممدوح و تربیت معنوی از جد اصغر سید شاه محمد سجاد حاجی الحرمین
الحمد لله در کسب بطون نیز دارد کمال در شاعری بی عدیل که خدائی از دختر
خالاتی مسماة وجیہ النسا دختر سید مخدوم بخش ابن میر شجاعت علی مرحوم
ذی اولاد است یک پسر و دو دختر موجود اند پسر ثانی شاه محمد وزیر محمد ظهیر
حصول بیعت ایشان نیز از جد اصغر است که خدائی نیز شد پسری نیز هست
موسوم محمد یحیی و پسر سوم را نام محمد صغیر است در تحصیل علم مشغول است
دختر کلانی محمد راجد مسماة بخت النسا که خدا از سید ابو البرکات معروف
بشاه برکت ساکن موضع مدن پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاه علیم الدین
بلخی الا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاه مبارک حسین

قدس سره بفضله ذی اولاد و دختران و پسران دارند دختران در اقران کدخدا اند بعضے ذی اولاد اند الا پسران صغیر اند محمد خلیل و محمد جلیل الله تعالے خوشنود دارد ، دختر دوم شاه محمد واحد علیه الرحمه از همزیت زاده ایشان سید فضیلت حسین ابن سید شاه تصدق حسین کدخدا شد یک پسر گذاشته بنام محمد ظهور نوجوان رحلت کردند فرزند یتیم است الله تعالی عمر طبیعی کشد و ذی علم نماند باقی از محل ثانیه دو دختران اند یکے کدخدا از شاه واجد حسین شهسرای ذی اولاد نام پسر ایشان محمد رضا ثانی دختر جاسے کدخدا و نام شاه محمد واجد محمد امین بیعت از والد خود نموده است ذی اولاد ست بنام محمد معین و مبین و متین خیر باد ثمره چهارم پسر سوم حضرت شاه تراب الحق مرحوم شاه محمد یوسف مرحوم از طفولیت تا جوانی تحصیل علوم کرده بکمال صلاحیت طبع بودند گویا عارف بالله کار دنیا کسے نکردند خوشنویس بودند بعمر هفتده سالگی قضا کردند از ین فقیر کمال محبت و انس بیدا شتند همدرد و مشیر

ثمره پنجم در بیان کیفیت حضرت شاه محمد سجاد حاجی الحرمین

امروز آبا را نور العین بد اضح باد شاه محمد سجاد ذی رشاد ابن عمه خاکسار مونس و همدرد و همعمر این فقیر حقیر اند از خورد سالی در تحصیل علم هم سبق چندی اوقات بسر بردند نوکری حاکم وقت نمودند همراه اخی کلانے بیعت ایشان را نیز از حضرت قطب المشایخین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره در تربیت و تعلیم

معنوی از حضرت قطب العصر شاه قمرالدین حسین خال الاعظم قدس سره و مجاز بیعت
از حضرت اخی کلانی و بعد ترک روزگار پنج بار جهت زیارات بسوی حجاز شریف
بر رفته حج نموده‌اند و زیارت حرمین شریفین ذات بابرکات اند و در فن شاعری
دارند کمال در اردو و فارسی ساجد تخلص است فیضیاب از ایشان اند بسیار
و مریدان کثیر از وقت ترک نوکری چنانچه پیرگان مرشدزاده ایشان بیعت کرده
و تربیت یافتند خوش اوقات اند لضبط شرع صاحب وجد و حال پیرایه کمال اند
شادی ایشان گردید از مسماة بصیر النسا مدعو براتن دختر سید محمد عاصم
برادر عمه زاد ایشان بودند بفضله اولاد شد کثیر چند شدند رحیل بملک بقا دختر
پسر الا موجود اند چهار دختر همه کتخدا جابجا یکی از سید آصف حسین که بیوه است
اولاد ندارد دیگر از سید عبدالحکیم ذی اولاد نام پسران محمد عظیم محمد علیم سوم
کدخدا از حکیم امیر اکبر ذی اولاد چارمی از محمد غزال ذی اولاد است بعضی را
بیعت و ارشاد است بعضی را فقط ارشاد الا پسر عالیقدر را نام سید محمد شاه کلیم
بود الدحین قیام اکبرآباد شد ذی لیاقت اند و حسب ظاهری بفارسی خوب دارند
شاعر اند بی نظیر بیعت ایشان را از حضرت عم کلانی و نیز تربیت و اجازت
شادی ایشان از مسماة نعیما دختر سید ولایت حسین گردیده است ذی ولد
اند دختر اند موجود بسیار طبع و ذکاء و فهم رسا اند و شغل کتاب بینی بسیار
و مجاز اند از هر اعمام به نسبت تربیت و اجازت در صحبت این فقیر حقیر نیز بوده اند حاضر

ثمرهٔ ششم

در ذکر دختر ثانی عمه این فقیر مسماة بی بی کلثوم که از پیر عود شاه علی شدند که خدا
بیعت دارند از خال الاعظم خود خواهر عزیزه صاحب عفت و عصمت از بطن
این بی بی دو پسر شدند یکی عمر دراز که خدا شد عمر دراز نماند ثانی پسر مزید پسر شاه
نظیر حسن سلمه موجود است بپایه ثبات و تعلیم و ذی شعور در علم عربیت
بے نظیر و عبارت فارسی نیز تحصیل کثیر بسیار در طبیعت دارد صلاحیت بیعت
و تربیت ایشان از خال خود یعنی از حیات اخی سید شاه محمد سجاد مسند نشین
ارشاد که خدائی شد از دختر سید ابوالبرکات ذی اولاد است

ثمرهٔ شجرهٔ فرع ثالث اصل اولی در سجاده حضرت سید شاه فرید الدین احمد رحمة الله علیه مرید و خلیفه و ابن حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین و ذکر فرزندان ایشان تصحیح

باید دانست ولادت حضرت عم الاوسط عمدة المشائخین سید شاه فرید الدین احمد
در سال یکهزار و دو صد و دو هجری بماه رمضان بدینوجه رمضان علی نام شد
عرف شاه پیضو بودند بیعت ایشان را از والد ماجد خود بطریقه عالیه قادریه
و تربیت معنوی بطریقه ابوالعلائیه از جا بجا از بزرگان این سلسله نیز
حیثیت عربی و فارسی بود کمال الاجر اخذ بیعت تدریس دادند و نه دنیا به
ارشاد نشستند خبرگیری معاش مقبوضه دایم می نمودند شادی این حضرت

از دختر کلانِ عم خود کردند از مسماة فصیح النسا بنت حضرت سید شاه
شمس الدین حسین قدس سره ذی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال
رحلت کردند بعمر پنجاه و شش سال سر سال یکهزار و دو صد و پنجاه و نه شهر محرم الحرام
پانزدهم تاریخ بود از اولاد سه پسر ماند و دو دختران قضا کردند یکی مخدومه
نام نام پسر کلانِ سید شاه فدا حسین عبیت الشان را از جد بزرگوار خود
بطریقه عالیه چشتیه و تربیت باطنه از اخی الاعظم شاه محمد قاسم علیه الرحمه بعد
والد خود جانشین شدند مقبولیت نهایت پر سلیقه بودند و تعلیق و مسافر پرور
نام آوری کردند خاندان همه روساء شهر دیگر و اخلاق بودند شهرهٔ آفاق
باوجودیکه از تحصیل علم ظاهر بودند سعرا سال ولادت آنجناب در اوائل شهر
ربیع الاول در سن یکهزار و دو صد و سی هجری بعمر شصت و سه سال
کردند انتقال بسال یکهزار و دو صد و هشتاد و پنج هجری مرقد ایشان در
قصبه منیر هم پهلوی اخی کلانِ وفات شهر رمضان شریف تاریخ
پانزدهم حصه ترکه خود بوارثان صلبی به سهم شرعی اوند و دو برادرزاده خود را نیز
تعلیم و تربیت نموده از وارثان گردانیده بهر که حصه داوند سوای آنکه برادر
خورد بودند موجود ند از ند لیکن همه وارثان ترکه را خورد نوش نمودند باوجودیکه
موجود اند شادی آنجناب از دختر ثانی عم کلانِ شده بود یک پسر و دختر
متولد شد بایام صغر سنی فوت شدند مذکور العبد الارحم سه پسر و سه دختر

یک دختر کہ خدا سدہ رحلت نمود نام حرمت بود لاریب صاحب عفت بود
و دو دختر بعقد شوہران خود اند موجود و پسر کلانے نیز اند موجود و مسمی رجب علی مدل
مقصود اللہ تعالی انہمہ را بخشد صورت بہبود و توفیق عبادت بخود و سید شاہ
ہدایت حسین ولد ثانی حضرت سید شاہ فرید الدین احمد علم ظاہری موافق ضرورت
داشتند و ہمیشہ بصیغہ مختاری حاضری دربار داشتند الا منکسر طبیعت و ذی جود
کہ بہنر خود ہیچ نداشتند اتفاق بیعت ایشان نشد الا تربیت یافتہ بطریق معنوی
از خال الاعظم حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ بطریقہ عالیہ
ابو العلائیہ بود کہ خدائی ایشان نیز از دختر سوم عم کلانے گردید از مسماۃ امۃ البتول
دو پسر و یکے دختر متولد شدند دختر از ہمہ کلانی ذی اولاد شدہ مع اولاد وفات
یافت الا پسران موجود کہ خدا اند جابجا کلانی سید نصیر الدین احمد ثانی سید
علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پھلواری کہ خدا چند
دختران الا یک پسر مسمی ابو سعید رحیم الدین مسترشد و مرید جناب اخی المعظم
سید شاہ علی حسین ست و سید نصیر الدین را کہ خدائی در قصبہ منیر شد یک دختر شدہ
بمرد و زوجہ منیر شادی ثانی نیز نمود آنہم فوت شد دستگرفتہ اینفقیر ست و ثانی
مرید عم کلانے خود شکرہ برادرم برگزیدہ وارین میر سید حسین پسر سوم حضرت
عم الاوسط میر سید فرید الدین احمد ضروری علم ظاہری دارند محتاج تحریر از کسے
نیستند کہ روبرو آرند بیعت ایشان را از جناب حضرت سید شاہ خواجہ ابو البرکا

قدس سره و تربیت معنویه از حضرت پیر و مرشد سید شاه قمر الدین حسین

قدس سره بطریقه عالیه ابو العلائیه و مجاز نیز از اخی کلان اند شادی اولی ایشان

از مسماة مخدومه دختر شاه امیر علی مرحوم گردیده بود و همراه تشریف بودند این فقیر

چون زوجه کردند انتقال داولاد نیز نشد شادی ثانی از دختر میر ابو الحسن شهر

شهسرام اند زوجه موجود الا از اولاد نیز اند مفقود

ثمره چهارم شجره فرع سوم اصل ولی در بیان حالات و اولاد سید السالکین حضرت میر سید سلطان احمد پسر سوم حضرت سید ابو العلیین سید شاه غلام حسین قدس سره

واضح باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دو صد و شش هجری بماه شعبان المعظم روز چهارشنبه تاریخ دوازدهم این حضرت در فرزندان والد اجل و اکمل و ذی اقبال بوده اند خوبصورت جوان بسیرت لائق تحسین سر عرفان تربیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی آنچه که بود از والد ماجد خود بود الا از تحصیل ظاهری حسبیت افزون تر نمودند چون پهلوان صاحب قوت و زور بیعت آنحضرت بود بطریقه عالیه قادریه از حضرت تاج العارفین مخدوم شاه حسن علی که یکے از خلفاء اکملین حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره بود و تربیت معنوی بطریقه ابو العلائیه منعمیه و خلافت از آنحضرت بود در نوجوانی صاحب ارشاد شده مریدان بسیار و حسب خواهش که بسعی بازوے خود اوقات بسر

همیشه بود شغل جلیله روزگار حکام بودند بسیار راضی و خوشنود وگاهی خانه‌نشین
شده کردند شغل کتاب گاهی کردند تجارت الغرض نشدند گاهی کسی اقران و دوستان
محتاج و عالی همت و ذی مروت صاحب جود کرم و سخاوت همیشه ماندند و بجا
و حشم شادی حضرت سید نیز از دختر عم از مسماة قادره بیگم مدعو الفت النسا
بنت حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین قدس الله سره العزیز
اولاد شد پنج دو دختر و سه پسر پسر اوسط سید علی حسن سه ساله وفات یافت
روز یکی مادر و پسر و جد و جده الا دو دختر و دو پسر ماندند بعد رحلت والدین بسال
یکهزار و دوصد و چهل و دو هجری بعمر شصت و شش سالگی مسموم شده کردند انتقال ششم
شهر ذی الحجه روز دوشنبه روز یکی والدین خود همه عزیزان و بزرگان محزون
و غمگین شدند پر ملال دختر کلانی آنحضرت مسماة ولایت النسا کدخدا شدند از
سید امیر الله بن سید فقیر الله بودند صاحب عفت و حیا بیعت ایشان را بطریقه
عالیه نقشبندیه از خسر خود حضرت سید شاه غلام حسن مشهدی بود و تربیت باطنیه
نیز از برادر خود حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره ذی مراقبه و
مشغول بذکر الهی با وجود اینهمه الله تعالی اولاد نبخشید سه دختر و سه پسر یک پسر
در صغر سنی بمرد الا کلانی کدخدا شده نوجوان ذی اولاد نشد نام بود وجیه الله
مدعو بنبی حسن ثانی پسر سید لطف الله عرف ابوالحسن نوجوان مرد و وفات یافتند
الا دختران ذی اولاد شد کلانی دختر مسماة زهره از سید مخدوم بخش ابن سید

شجاعت علی ساکن سامن کدخدا یک پسر و دو دختر یکے دختر زوجہ محمد کبیر و دیگر
زوجہ سید فضل امام و نام پسر سید ظہور الحسن کدخدا از دختر برادرم حکیم
سید محمد کاظم یک دختر ست موسوم عطیہ فاطمہ و ثانی شادی نیز در اوان
خود نمود و دختر ثانی امت الصغرا زوجہ منشی محمد وزیر ابن سید شاہ محمد واحد
مذکور الصدر ذکر اولاد نمودہ شد و دختر سوم مسماۃ ولی النسا کدخدا از سید کمال الدین
نواسہ حضرت سید شاہ جمال الدین حسین دو دختر و دو پسر گذاشتہ کمال الدین حسین
وفات کردند یکی دختر کدخدا از سید حامد رسول نبیرہ میر علی سجاد پھلواری فرزندے
دارد و دومی ہنوز نا کدخدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شعور ست آن پسر
و نام ثانی تبارک حسین ہر دو ہنوز نا کتخدا الا شغل تحصیل علم و روزگار اند دختر
ثانی حضرت میر سید سلطان احمد مسماۃ شمس النسا کہ در عمر ازین فقیر اخوا
خورد بود بیعت بطریقہ عالیہ قادریہ نمود از حضرت جد امجد سید الواصلین در
مشغولی باطنہ بودند کدخدا شد از پسر عم کلانی سید عنایت اللہ یک دختر
شدہ بود سالہ بعمر و نام بود قمر النسا بعدہ کسے اولاد نشد بعمر پنجاہ و شصت
سال رحلت نمود مثل عارفہ زمانہ بذکر تسبیح الہی بست و دوم شہر ربیع الثانی شب جمعہ
بسال یکہزار و دو صد و نود و پنج ہجری رحلت کردند تدفین ہم بپہلوی خواہر کلانی خود
پسر کلانے حضرت میر سید سلطان احمد قدس سرہ اخی کلانی این فانی جناب
معالی القاب سید شاہ علی حسین برگزیدہ دارین سال ولادت آنحضرت

بسال یکهزار و دو صد و بست شش هجری دهم شهر ذی قعده روز یکشنبه رحلت
والد ماجد جوان شانزده ساله بودند تحصیل علم ظاهر کتاب درسی فارسی از
هر یکے اعمام خود نمودند روزمره فارسی درست است بعبارت مربوط نوکری
چند بار نزد حکام زمانه کرده اند کد خدائی ایشان از دختر خورد عم کلانے گردید از سماة
امت الرسول عرف رسولا از بطن این بی بی بعد چند سال شادی اولاد شد
دو دختر و یک پسر در اوائل تربیت و تعلیم طریقه ابو العلائیه از حضرت خال الاعظم
جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین یافتند تا حیات آنحضرت ذکر اشغال
تعلیمیه پیر داختند چون از انجا کشود و فایده مترتب نگشت بعد انتقال آنحضرت
بیعت بطریقه نقشبندیه ابو العلائیه بشهر آله اباد رفته از جناب حضرت قطب العاشقین
مظهر کرامات حضرت سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره ساختند بعده
در صحبت بابرکت حاضر شده جنابحضرت شیخ المحققین حکیم شاه مظهر حسین
قدس سره جانشین و خلف الرشید حضرت واصل باللہ حضرت شاه
فرحت اللہ قدس سره مخاطب به حسن دوست فیض طریقه مذکور گرفتند
بعد طی ذکر اشغال و تعلیم اسرارات باطنه ماذون بخلافت شدند و نیز خلافت
از جناب حضرت عمدة العارفین سید شاه خواجه ابو الحسین قدس سره
ابن و خلف الرشید حضرت قطب العاشقین ماذون با جازت اخذ بیعت بطریقه
گردیدند بفضله از هر دو جا فیضات یافته سجاده ارشاد و ترشد لیسمر شفقه پیری بمریدان

رسیدند اکثر یاران فیضیاب اند از نعمت سنیه گنجینه ایشان چنانچه خلف الرشید ایشان را بیعت ذریت از ایشان ست و بنبیره برادر خالائی مرید و ستر شد بعد ارتحال اخی سید شاه فدا حسین علیه الرحمة بمنصب تولیت آمد فی دیهات نشستند بانتظام سرداری زمینداری از عرصه سه سال بعارضه مجبوراند الله تعالی صحت بخشد یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمه سه ساله درگذشت ثانی یک پسر موجود بنام سید رکن الدین حسین که از دختر عم سید شاه کاظم حسین کدخدائی گردید ذی اولاد است ولد ست موجود بنام زین الدین حسین طال الله عمره و دو فرزند کلانی و ثانی درگذشتند دو دختر ثانی اخی اعیانی بی بی ظهور فاطمه مدعوا مجید النسا از صاحبزاده خورد جناب حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره کدخداست یعنی از سید شاه رضی الدین حسین ذی اولاد اند بعد فوت دختر ولدی موجود است الله تعالی ترقی عمر کناد حالا سن شریف اخی کلانی از هفتاد بالا الا هنوز باین حالت بشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کمترین ایشان ست

این حقیر مسکین عطا حسین ثانی کیفیت خود در خاتمه تحریر خواهد ساخت

ثمره پنجم شجره بست فرع سوم اصل اولی در ذکر محامد حضرت سید شاه مراد علی فرزند چهارم حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین قدس سره مع ذکر اولاد

باید دانست اگرچه میر سید حمید الدین احمد عرف سید شاه مراد علی اند فرزند چهارم

الا با وصاف حمیده از همه برادران مکرم به نسبت جوهر ذاتی و صفاتی سبحان الله
ولادت آنحضرت بسال یکهزار و دوصد و نود و هجری بماه سوال المکرم تاریخ
یازدهم روز پنجشنبه واقع از زبان حضرت پیر دستگیر جد امجد قدس سره کی
کمالیت در علم عربی و فارسی و نظم و نثر بود بسیار و در حکمت حکیم حاذق صاحب
دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم رو در رقم نخفی و جلی و هر خط تحریر
می نمودند بیعت حضرت را بطریقه عالیه نقشبندیه ابو العلائیه از جناب حضرت
قطب العاشقین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره و نیز اجازت
و خلافت یافتند از آنحضرت ماندند در صحبت تربیت آلاکشو فیض باطنی طریقه
مذکور از جناب اخی الاعظم خود حضرت سید قمر الدین حسین قدس سره که استاد
و هم بیعت نیز بودند اخی عمزاد و تلمیذی نخویش رقمی از اخی عمزاد شی سید محمد جلیل
برادر خلیل بعد تحصیل ظاهری و باطنی بمطب گشتند در حکمت شاگرد رشید حافظ
غلام نبی خان بودند داو ستاد حاکم وقت و نیز عهده کوتوالی نمودند بعمر بیست
سه سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النسا بنت سید شاه ولی احمد بلخی
علیه الرحمه گردید اولاد شدند و پسر و چند دختران پسر خورد مسمی سید اشرف حسین
بصغر سنی رحلت نمود و نیز چند دختران الا یک دختر کلانی مسماه مریم النسا که خدا
شدند از سید شاه مبارک حسین قدس سره از بطن این عفیفه شدند و دختران
وفات شدند به کم سنی بعد از ان انهم رحلت کردند و فرزند ارجمند رتبه بلند را نام

سید کاظم حسین سلمہ کہ در تحصیل کتاب عربی و فارسی از ہمہ اخوان دارند
توفیقیت و نیز کتاب حکمت خوانده در مطب نشست علاج بیماران مینمایند
دست شفا ہست و ہر یکی عزیزان در کتب درسی نیز شاگرد اند حصول بیعت
ایشان بطریقه عالیه چشتیه از جد امجد حضرت سید الواصلین سید
شاه غلام حسین قدس سره و سینه از نعمت باطنه نیز خالی نیست
اگرچه ارشاد ظاہری از کسی جا نیست کدخدائی ایشان از دختر خال خود
سید شاه حسن احمد ابن سید شاه ولی احمد بلخی گردید نام ان بی بی
مسماة فرید النسا از بطن این عفیفه چند اولاد شد و سه پسر و یک دختر
بکم عمری رحلت کردند حالا دو دختر و یک فرزند سعید که خدا اند دختر کلانی
منسوب از سید ظہور الحسن ابن سید مخدوم بخش ثانی منسوب از سید رکن الدین حسین
مسماة امت الشافی اولاد ہر دو آند مذکور الصدر الا پسر که نام سید
عطا معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم ظاہری
عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نموده و نیز کتاب عربی از استاد
دیگر حیثیت است الا ذکاوت کثیر بیعت از پدر بزرگوار خود حصول است
بفرزندی این فقیر مقبول است الله تعالی ترقی نماید و توفیق حسن تدبیری
دهد زاید که خدائی از دختر خاله این گردیده است ہنوز اولاد نیست الله تعالی
عطا فرماید و طور آبا و اجداد بخشند و بخشند عمر تا ید بسال یکهزار و صد و شصت

ہجری ہفتم شہر رجب المرجب بعمر پنجاه ویک جناب عم المحترم استادی مولائی
حضرت سید شاه مراد علی کردند انتقال مزار ست درجوار والد ماجد خود
عالی تبار ما بایمیکه سفر حج بود این خاکسار بسال یکهزار و دو صد و شصت
ہجری الله تعالی این برادر سعید کونین حکیم سید شاه کاظم حسین را و اولاد
ایشان را تا ابد عمر بخشد که بالفعل زیب سجادگی جد امجد نیز خود اند اگرچه جای
ذکر حمید سید شاه شمس الدین حسین جد مادری درینجا موقع بود چونکه ذکر مصاحبت
آنحضرت است ماقبل آن ذکر میان حضرت سید شاه عبد المنان قدس سره بنماید

مقدمه شجره طیبه قادریه نسب حضرت سید شاه مظفر حسین جان الاعظم و پیر دستگیر حضرت سید شاه عبد المنان قادری مع ذکر اولاد ایشان

واضح باد ذکر نسب آبا اجداد حضرت سید شاه مظفر حسین قادری و حضرت
سید شاه عبد المنان قادری بالا نوشته است درین کتاب به نسبت دوم باب
اولی در ذکر فرزندان حضرت محبوب سبحانی غوث الاعظم محی الدین سید عبد القادر
جیلانی رحمه الله علیه الا بیان کیفیت که یک کرسی نسب ضرور شد تا معلوم گردد
بنا معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد
حضرت سیدی سیف الدین عبد الوهاب ابن حضرت غوث الثقلین از
ملتان تشریف آورده در شهر دهلی بزمان سلطنت بادشاه عالمگیر خانقاه خود
بیرون دهلی دروازه شاه جهان آباد یعنی در دهلی قدیم بنا ساختند بارشاد

مرشد یاران و مریدان فیض باطنہ بخشیدند رجوع خلائق گردید باز دحام در
حصول فیض عام بادشاه وارکین شاہی معتقد گردید این بزرگ سا آ با اجداد
از بغداد شریف آمده چند پشت درانجا اقامت پذیر شدند در ملتان
یعنی حضرت سید شاه شمس الدین ابن سید شاه میر ابن سید شاه علی ابن
سید شاه مسعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن
حضرت سیف الدین عبد الوہاب خلف الرشید کلانی حضرت غوث الاعظم سید
عبد القادر جیلانی محبوب سبحانی رضی اللہ عنہ و خلف حضرت سید شمس الدین
قادری سید محمد قادری و ابنہ سید عبد القادر ثانی یکبار در دہلی آمده چندے اقامت
کرده باز بسوے ملتان کہ وطن جدید شده از بزرگان تشریف بردند پسر ایشان
سید عبد الرزاق ثانی ابنہ سید حامد قادری ابنہ سید موسی قادری صاحب
ارشاد قادریہ باز تشریف آوروند در دہلی در زمان سلاطین پیشین چند سال
بسبب مجوزی مردمان معتقدین درین شہر شدند مقیم زان بعد تشریف بردند سوے
ملتان ابنہ محمد یحیی ابنہ سید داؤد فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر
ملتانی ملقب بسید غیاث الدین چون تشریف آوردند اقامت کرده بازنہ تشریف
بردند ذریت ایشان یکے از فرزندان حضرت سیدنا عبد العزیز کہ فرزند
سومی غوث الثقلین بودند حالا از فرزندان ایشان سجاده نشین بغداد شریف اند
جائے عزلت نشین شدند و سالہا در صحرا و بیابان اوقات بسر نمودند

و فرزند ایشان بودند بحضرت سید شاه عبد الله بیابانی خلف ایشان
سید محمد سرفراز ملقب با امتیاز جائے در مدرسه مخفی حال شهر بودند و ضیح با
ولادت جنابحضرت سید شاه مظفر حسین ابن سید احمد کبیر ملتانی درین شهر
دهلی در سال یکهزار و هفتاد هجری بسن شعور بیعت و تربیت تعلیم باطنه طریقه
قادریه از والد ماجد خود حصول ساختند در وقت انتقال والد ماجد سی ساله بودند
انتقال آنجناب بسال یکهزار و نود و نهم هجری کار معاینه آمد فتوحات نذرانه
روزانه بیشتر بود و از مریدان و معتقدین امرا و سلاطین بسیار کسان بر سفره
همنوال طعام علاوه لنگر خانه بودند بعد انتقال والد ماجد خود تا حیات ایشان
بدستور کارخانه ماند اگرچه راجه اند با معتقد خیلی بودند مثل مریدان یکے ازان
راجه خیالی رام ولیپر شان راجه سادهو رام ببرکت دعا برین حضرت بمطلب
رسید انتهای عمر گردید کسی فرزند بوجود نه آمد شبی در عالم خواب مشرف از جمال حضرت
محبوب سبحانی شدند ازانجا ارشاد شد ای فرزند مظفر چرا میمانی بر طلال وجه
داری خیال اولاد در نصیب تو نیست این امر محال خواهر خورد را که او را مثل
دختر پروردی و میدانی در نصیب او اولاد هست او را کتخدا کن از یکے فرزندم
که دارد نام محمد سرفراز لاریب هست با امتیاز هرگاه از خواب شدند بیدار
و گشتند هوشیار شدند در تجسس و تلاش آن تا در آخر ملاقات شد بچه و نشان
دریافتند بخانه آوردند خواهر خود بی بی پارسا را ساعت سعید در زوجیت

اوشان دادند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شدند بسال یکهزار
و یکصد و بست و یک ہجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم شدند شاه
عبد المنان تا حیات خود بعد اخذ بیعت تربیت و تعلیم بطریقه عالیه قادریه
کردند و بجاے فرزند صلبی پیدا شتند چون رحلت آنجناب شد بسال یکهزار و
و ہفتاد ہجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور ارکین شهر و معتقدین
و مسترشدین شدند سجاده نشین تبرکه دستور نیازات و اعراس بود بجا آوردند
از نذورات تا سال عمر پنجاه و پنج مجرد بودند که خدالی نموده بودند روزی حسین
وضو دست خود بر رو مالیدند و بر زبان آوردند درین سن الله تعالی وعده
اولاد بفیر باید کدام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد و در آنوقت سید محمد مهدی
ابن سید عسکری که از فرزندان حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف ثانی حضرت
محبوب سبحانی رضی الله عنه بودند و از ارکین سلطنت بادشاهی مخاطب بکمال الدوله
از مریدان مخصوصین حضرت سید شاه عبد المنان قدس سره بودند و دست بسته
عرض ساختند یا پیر دستگیر برین خاکسار عجب معامله گذشته است چند دختران
شدند و سه ساله شده بعارضه واحد فوت شدند حالا این دختر بوده است
ده ساله نیست کرده بودم که بکنیزی حضور دهم در بیعت چنین کلمه ارشاد شد
زهی نصیب که آن رتبه و شرف بر وجیت حضور یابد آخر از ان حضرت عقد
نکاح واقع شد بزوجیت در آمدند نام آن مخدومه بی بی اشرف النسا بود

عرف فرزانه بیگم و سن شریف حضرت سید شاه عبد المنان پنجاه و هفت
سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه مظفر حسین بود بی بی
زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی فهیما مدعو بی بی صاحبه و نام والده
حضرت سید شاه عبد المنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد مهدی
بود بی بی رسیدا و نام زوجه آنجناب بی بی سعیدا بود اینقدر در بنیاد نسب
از زبانی محمد و منه شنیده یادداشت بهر علم عزیزان نگاشت القصه از بطن
زوجه آنحضرت اول دختر متولد شده بنام محمدی بیگم در دهلی بایام صغرسنی
رحلت یافتند بسال یکهزار و یک صد و هفتاد و نه هجری فرزندی در این عالم بوجود
آمدند در دهلی موسوم شدند بسید غلام عبد القادر اعزان و مریدان را
از ظهور ایشان مسرت شد کمال هرگاه حضرت سید شاه عبد القادر بعمر چهار ساله
شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جناب حضرت سید شاه عبد المنان
قدس سره بشرقی دیار یعنی شهر عظیم آباد سبب آن گردید که یکی از معتقدین
راجه سا دهو رام بحکم بادشاه وقت تبدیلی منصب از انجا بمنصوب شده
و علاقجات محال دهیات این جوار مدلا بجوار عطا شد چون مدتی بسر نیز
اقامت چند سال درین شهر بود خواستگار تشریف آوری آن عالم را
عریضه نوشتند که آب و هوا اینجوار بسر اعتدال و ارزانی غله و دو روپیه روزینه
حضوری سرفراز فرمایند بر تحریر راجه مذکور حضور تنها
فدائی امامی بیگم از مسجد و ... علی

ادشان دادند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شدند بسال یکہزار
و یکصد و بست و یک ہجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نمودند شاه
عبد المنان تا حیات خود بعد اخذ بیعت تربیت و تعلیم بطریقه عالیه قادریه
کردند و بجاے فرزند صلبی پنداشتند چون رحلت آنجناب شد بسال یکہزار و
دو هفتاد ہجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور ارکین شهر و معتقدین
و مسترشدین شدند سجاده نشین تبرکه دستور نیازات و اعراس بود بجا آوردند
از نذورات تا سال عمر پنجاه و پنج مجرد بودند که خیالی نموده بودند روزی حسین
دفعه دست خود بر رو مالیدند و بر زبان آوردند درین سن الله تعالی وعده
اولاد دیغمر باید کدام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد درانوقت سید محمد مهدی
ابن سید عسکری که از فرزندان حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف ثانی حضرت
محبوب سبحانی رضی الله عنه بودند و ارکین سلطنت بادشاهی مخاطب بیمین الدوله
از مریدان مخصوصین حضرت سید شاه عبد المنان قدس سره بودند دست بسته
عرض ساختند یا پیر دستگیر برین خاکسار عجب معامله گذشته است چند دختران
شدند دو سه ساله شده بعاقضه واحد فوت شدند حالا این دختر بوده است
ده ساله نیت کرده بودم که بکنیزی حضور دهم در بیعت چنین کلمه ارشاد شد
زهی نصیب که آن رتبه و شرف بر وجیت حضور یابد آخر ازان حضرت عقد
نکاح واقع شد بزوجیت در آمدند نام آن مخدومه بی بی اشرف النسا بود

عرف فرزانه بیگم و سن شریف حضرت سید شاه عبد المنان پنجاه و هفت
سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه مظفر حسین بود بی بی
زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی فهیما مدعو بی بی صاحبه و نام والده
حضرت سید شاه عبد المنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد مهدی
بود بی بی رشیدا و نام زوجه آنجناب بی بی سیدا بود اینقدر در خیال نشسته است
از زبانی محمد و منه شنیده یادداشت بهر علم عزیزان نگاشته شد القصه از بطن
زوجه آنحضرت اول دختر متولد شد بنام محمدی بیگم و در دهلی بایام صغر سنی
رحلت یافتند بسال یکهزار و یکصد و هفتاد و نه هجری فرزندی در عالم بوجود
آمدند در دهلی موسوم شدند بسید غلام عبد القادر اعزان و مریدان را
از ظهور ایشان مسرت شد کمال هرگاه حضرت سید شاه عبد القادر بعمر چهار ساله
شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جناب حضرت سید شاه عبد المنان
قدس سره شد شرقی دیار یعنی بشهر عظیم آباد سبب آن گردید که یکی از عزیز مستفیدین
راجه ساهو رام بحکم بادشاه وقت تبدیلی منصب از انجا بنصوبه ...
و علاقجات محال دهیات این جوار بدله الجوار عطا شد چون ذیلیک پیشتر نیز
اقامت چند سال درین شهر بوده خواستگار تشریف آوری ازین عالم راجه
عریضه نوشتند که آب و هوای اینجا بر سر اعتدال و ارزانی ... دو روپیه روز ...
حضوری سرفراز فرمایند بر تحریر راجه مذکور حضور ... فدائی اماهی بیگم از ...

چندے استقامت کردہ بعرض راجہ مذکور از شہر دہلی متعلقان خود را ح اہل
وعیال و مریدان با کمال طلب داشتند وقت تشریف آوری بیگم صاحبہ اکثر مریدان
ومعتقدین اینجا مدان آمدند ہمراہ یعنی شیخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلامت علی
از قوم کمبوہ و نیز حکیم فاروق والد حکیم محمد حسین و حکیم قادری جد حکیم ابوالحسین
و مریدان مہتمم کارخاص میر درگاہی و میر جمعیت علی عرف میر ہنگا وغیرہ مع
پرستاران بجمعیت در اینجا آمدند راجہ مذکور ہر یکے حسب لیاقت بنواخت
کہ بعد برہمی کار و بار ہم ازین شہر نرفتند در اینجا رحلت ساختند سواری زنانی
بگردون رتھہ شاہی آمدہ بود آن نرگاوان بر اسپان فوق داشتند عمر
حضرت سید شاہ عبد القادر چہار سال چند ماہ بود در اینجا آمدہ بعد یکسال
دختر کلانی تولد یافتند را شما کہ در شہر عظیم آباد متولد شدند نام عظیمۃ النسا
نہادہ شد زان بعد عمارت مکان بہر اقامت و خلوت طیار شد بارہ دری و
خانقاہ بہر عرض بزرگان انہمہ استماع است از بزرگان و بہر عمارت از زمین
کلاہا می برآوردند خندق شدہ بود مشہور گڑھی شاہ عبد المنان خالا انرا و یدہ
جاے ہنما مدآن بطور افسانہ ماند کجا شد آن کارخانہ کا نشانہ نمی نماید
جا می گر کیفیتی می آرند چون بسال یکہزار و یک صد و ہفتاد و سہ تولد یافتند
دختر کلانے بعد ہا تولد شدند دختر ثانی مسماۃ فہیما النسا و بسال یکہزار
و یک صد و نود متولد شدند دختر ثالثہ یعنی جدہ مادری این خاکسار

بی بی لطف النسا این مخدومه بودند چند ماه که انتقال جناب حضرت شاه عبدالمنان
قدس سره شده بود بعمر هفتاد و چیزے بالا بتاریخ چهار دهم شهر ذیقعده بسال
یکهزار و یک صد و نود و یک هجری بعمر دوازده سالگی بودند حضرت سید شاه
غلام عبدالقادر اجازت سلاسل خاندان خود به رویرکی دادند و فرمودند عالم
صبی ست شما بیعت کسی از مشایخ زبان نمائی بروز چهارم حاضرین معتقدین
ایشان را زیب سجاده نمودند بعد دو سال بطریقه عالیه قادریه بیعت حصول
ساختند از جناب حضرت مولانا حسن رضا قدس سره که جانشین و مرید
و خلیفه حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره بودند از ان بعد
از ایشان سلسله بیعت اجرا شد و خواهر کلان خود را در زوجیت دادند بمیر سید
محمد جعفر خان منصبدار ابن نواب علی حیدر خان ابن علی صفدر خان
و خواهر متوسط را بزوجیت میر فیض بخش ابن سید حیدر بخش دادند که ایشان
از شرفا و رئیس این شهر بودند میر فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی
بصغر سنی وفات یافت بعده والده شان و از بطن خواهر کلان یک دختر متولد
شدند اول سماة امیر النساء عرف امانی بیگم ذی اولاد شدند و یک پسر نیز
شده بود مسمی غلام رسول آنهم بعد رحلت والده بگذشت ازین عالم راحه
مذکور بصرف خانقاه معین کرده از سرکار سارن و چنپارن دو روپیه روزینه
دلوا گانون و چند دیهات همه برباد شد هیهات که خدائی امامی بیگم از میر سخاوت علی

ابن میر بہادر علی ساکن شیخپورہ گردید یک دختر متولد عبید النساء جوان شدہ
ناکتخدا رحلت کردند الا پسر کہ نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال
یافتند از رجال اعظم حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ و شادی از دختر
سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان ہستند موجود چونکہ حضرت سید شاہ
غلام قادر را از جد مادری سید شاہ شمس الدین حسین بسیار ربط و محبت بود
کہ ہر دو بزرگ مرید یک پیر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی
آنحضرت کردند از خواہر ثالث آنجناب مسماۃ لطف النساء کہ مایان از ذریات
ایشان ہستیم و مشہور بود در حق شہر این شعر بطور ضرب المثل یکطرف کفر
ایکطرف اسلام ہے بیچ ملتان مرید سادھو رام ہے۔ و صحبت بابرکت آخر اسلام
قبول نمود مومن شد یک رئیس ہنود در سال یکہزار و دو صد و دو تاریخ یازدہم
شوال المکرم رحلت کردند حضرت سید شاہ غلام عبد القادر بعمر بست و سہ
سال بعد رحلت والد ماجد یازدہ سال بقید حیات بودہ تعلیم تربیت باطنہ
بمریدان کردند نام آبا و اجداد را نمودند بلند الا شادی نکردہ بودند حضور وقت
انتقال چنین کردند مقال کہ فرزندان من عین فرزند خواہر خورد است
والد ماجد نیز ہمین فرمودند بودند آخر ہمان شد تا حیات آنحضرت و بعد
وفات کارخانہ مشایخی ... بکمر و فر بود چون جدہ ماجدہ والدہ این فقیر
و نیز جناب جد مادری راہ سخاوت دادہ ثروت از دست بدادہ و ناچار شدہ

هیچ نماندند بجز روزینه از سرکار انهم تا حیات حضرت جد مادری ماند سند آن
نزد این خاکسار موجود است یادگار

شجره دوم از فرع سوم اصل اولی در کیفیت حالات جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین جد مادری این خاکسار تتمهٔ ذکر فرزندان و اولاد عالی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین ابن حضرت
سید شاه ولی الله جنت آرامگاه ولد حضرت سید المخدومین حضرت سید شاه حمید حسین
قدس سره نسب باقری برادر اعیانی و ثانی حضرت جد امجد این فقیر یعنی سید
شاه غلام حسین قدس سره ولادت یافتند در سال یکهزار و یکصد و هشتاد
و دو دوم ماه یکم شهر جمادی الاول بعد انتقال جد امجد خود تربیت و تعلیم علوم ظاهر
آنچه که شد بحضرت ایشان از اخی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی از مفتی
مسیح الله خواندند و نیز صلاحی خوشنویسی حروف که مفتی صاحب بودند خوشنویس
باید دانست آنحضرت بودند هیچ کمال پاکیزه صورت جمال فکر و ذهن رسا
در علم جفر از انجمله طلب کیمیا هم بود و با شان و شوکت ملاقات راجه های
دیار و بادشاه در دهلی رفته از شاه معین الدین اکبر بادشاه ثانی بکمال
اعزاز و توقیر تسبیح خاک پاک نذر دادند و خلعت و لقب شاه یافتند یافتن آن زمان
بادشاه در ملک سلطنت هیچ حکومت نبود باقی که تعداد مواضعات از معافی

بجز نام شاہی و از حضرت مولانا سید شاہ حسن رضا قدس سرہ کہ خلیفہ
و جانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاہ محمد منعم قدس سرہ کردند
بیعت بطریقہ عالیہ قادریہ کردند حصول و از تربیت و تعلیم باطنہ مستفید گشتہ
مشرف بخلافت شدند باصرار حضرت اخی کلانی حود والد ماجد مقابل شدند بسال
یکہزار و دو صد سہ شہر محرم الحرام آخر یعنی از جناب سماۃ لطف النسا بنت
حضرت سید عبد المنان صاحب قدس سرہ اگر در زمانہ خود بسبب پیری و
ضعیفی و معذوری پا ہی بود وجد و حال الا ابر رخ عانی عیان بود کیفیت
مراقبہ و مشاہدہ حق و ذہی قوت در شہسواری کمالیت داشتند در فن
سپاہگری دخل کمال طلب دنیا بہر اندوخت نبود الا بہر کفاف اہل و عیال
الا مردم سخی حوصلہ بلند داشتند چند سال برفاقت و ہمنشینی نواب شجاع الدولہ
و نواب اصف الدولہ تا زمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی
شد خانہ نشین بتوکل خدا چون انجام شادی شد بعمر سی سالگی دران سال
آخر در چہاردہم ذی قعدہ بروز عرس حضرت شاہ عبد المنان قدس سرہ تولد
یافتند فرزند کلانے زیبہ بلند حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ س
ولادت از لفظ ظہور محمدی برآمد اللہ تعالی سہ پسر و چہار دختر بانحضرت
عنایت فرمودند دختر کلانی مسماۃ بی بی فصیح النسا کہ از سید شاہ فرید الدین احمد
لد خدا شدند ذکر فرزندان ماقبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النسا

که از والد ماجدم حضرت سید شاه سلطان احمد کدخدا شدند هر دو از برادران
عم مذکور شدند ذکر اولاد دختر خورد که از همه برادر و خواهر بودند خورد مسماة مسیح النسا
فاطمه بیگم کدخدا شدند از میر سید نسیم الله ابن سید رحیم الله ولد سید فهیم الله
اهل سکونت دریاپار کشن پور کیشو ضلع ترهت الاسباب ممانعت خاندانی
نگاهے نرفتند بخسر پوره در خانه داری قدا بائی ماندند در رحلت کردند چون در تقدیر
قضا اولاد نشد برادرزاده خود سید شاه مبارک حسین را و این خاکسار عطا حسین را
پرورش کردند مانند پسران خود بسال یکهزار و دو صد هفتاد و نه هجری رحلت نمودند
و یک پسر سید برکت حسین و دختر مسماة قدیر النسا ازین خواهر خورد کلانی و از هر دو
برادر و خواهر خورد سه یا چهار ساله شده وفات یافتند الا پسر ثانی وی ولد شدند
سید شاه جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره
ولادت شد ایشان یکهزار و دو صد و ده هجری بقدر ضرورت تحصیل در علم بود
که محتاج از تحریر نبودند الا در سپاهگری دخل داشتند بسیار چندی برفاقت
ماند براجه گوالیار بسبب اقامت حضرت پیر دستگیر خود جناب حضرت سید
شاه خواجه ابو البرکات قدس سره بهر حال در علم موسیقی نیز داشتند
بسیار دخل شادی آنجناب بخانه رئیس شهر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد
شد از مسماة حیات النسا یک دختر شد از بطن ابن بی بی مسماة عفو النسا
از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی کدخدا شدند الله تعالی اولاد بخشید

شش پسر و یک دختر سه پسر فوت شدند بطفولیت و جوانی الا پسر کلانی سید
کمال الدین حسین که خدا شد از دختر خواهر کلانی این خاکسار دو پسر و
و دو دختر اند یکے که خدا داد میاں که خدا نام پسران خیر الدین حسین و تبارک حسین
مذکور الصدر الا پسر ثانی سید ظهور الدین حسین که خدا از دختر کلانی این
فقیر حقیر و پسر سوم سید صغیر الدین حسین که خدا ست از دختر حکیم قربان علی
در اقران جدی خود و یک دختر شده بود مرد هنوز دیگر فرزند نشد الا دختر بی بی
نعیما النسا که خدا شد از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد مد ظله

شجره طیبه الثانی در حالات فرزند کلانی یعنی حضرت قطب العصر
سلطان السالکین عمدة العارفین سید شاه قمر الدین حسین قدس سره
سره عالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس سره

فرحت دل شود مرا از مدح ثنای تو	برکت جان من بود سر خوشیم سپاهی تو
مرشد پاک مقتدا زنده آل مصطفی	خلد برین ست جای تو قربت حق فضای تو
مظهر ذات کبریا مصدر فیض مرتضی	چونکه توی خدا نما عاشق شدند خدای تو
سر خدا سپیده ام جلوه پاک دیده ام	شکر بحق رسیده ام از سبب ولای تو
خاک درت سگ حضور سیر نمود دور دور	فیض چو شد ز من ظهور بود همه عطای تو
آرزو بست در دلم تا بدرت اگر رسم	سرمه چشم خود کنم خاک در سرای تو
گرد فراق تو بمن هوش نماند جان من	میکشدند زین محن آرزوی لقای تو

فیض نگاه شاه بین کرد اثر بمن چنین — گشتم ازان طرب گزین چون نشوم فدای تو

هستی ای شاه قمر دین هست مرا بدل یقین
هست غلام کمترین فانی خاکپائے تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدوة الکاملین ارشد السالکین سید شاه قمر الدین حسین فرزند کلانی جد مادری این خاکسار یعنی حضرت سید شاه شمس الدین نواسه جناب حضرت سید شاه عبد المنان قادری خواهرزاده حضرت سید شاه غلام عبد القادر قادری که مفقود بود بوجود این اکمل المحققین به پدر و پسر این فرزند عالی گهر ولادت باسعادت آنحضرت بسال یکهزار و دو صد و سه ہجری ظهور محمد چهارم ذیقعده روز دوشنبه بروز عرس جد مادری خود حضرت سید شاه عبد منان قادری لاریب از ظهور حضرت نام آبا و اجداد روشن تر مثل شمس و قمر شد

جلوہ حق جو بصر نظر دیکھا	عین در صورت قمر دیکھا
ہی نہ ممکن جو ہو سکے توصیف	سر بسر تھے وہ لائق تعریف

منور کردند جناب جد مادری سجاده براه حق مستعد و بفیض بخشی خلائق آماده معلوم باد آنحضرت در عمر ہفت سالگی نموده ختم قرآن از تعلیم قرا مزبان و تا مدت چهارده سالگی تحصیل علم ظاهریه کتاب فارسی و عربی و منطق صرف نحو کردند تمام از درس استاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

عالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاوه ازین ذی فنون فضل
در علم موسیقی کمال بر قلب ہنود اسر و جد و حال اگر چه کتاب حکمت و طب نخوانده
الا علاج مریضان با آستانه میگردید بیمار بصحت میرسید در سن بیست و دو
سالگی اول فیضیاب از جناب حضرت سید شاه یحیی علی اخی شدند بعده بخدمت
قدوة المشائخین جناب حضرت اسرار تجلی مخدوم شاه حسن علی قدس سره
در تربیت صحبت یکماه چون در ان وقت فائده مترتب نگشت از ان بعد حاضر شده
در خدمت بابرکت مظهر اسرارات حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه یافته فیض اندوز شدند در اثنا
بسبب علیت آنحضرت خانه نشین عزلت گزین گشتند حسب اتفاق تشریف آوردند
جناب حضرت واصل بالله حکیم شاه وحدت الله المخاطب حسن دوست
از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چهپره بردند و اقامت شش ماه
در اینجا در تربیت و صحبت ماندند نسبت طریقه بیخودی و استغراق دست داد
و فکر که درین طریقه مثل جان ست تا آنوقت صورت نه بسته بود حصول گشت
در ان عرصه انتقال آنحضرت هم گردید باز برابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت
حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسیده از نکات این طریقه و اسرارات
آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی ملک شد آخر صاحب ارشاد چنان شدند
که اظهر من الشمس ست حالات آنحضرت و فیض طریقه سهروردیه از دو بزرگ

حصول شد یکی شاه عبدالرحمان که بخرقه بدل طریقه سدا سهاگیه که
می پیوندد از حضرت موسی سهاگ که برده بشاقی ان شغل اشغال و ذکر از فیض
معمور گشتند که یاران را در وقت وجد حال بطور رقصیه میشود قوی تر نسبت شد بذکر جلی
بعده از میرزا جان سهروردی بخرقه بدل ذکر قمری گرفتند و آن بدیگر یاران تعلیم
تقر نمودند بجز میرزا الف بیگ مرحوم میسر نمودند آنچه که از میرزا صاحب گرفتم بمیرزا دادم
علاوه ازین او سپیر بود بغیضان روحی الامر از فیض آثار حضرت مخدوم
شهاب الدین پیر جگجوت قدس سره و نیز فیض روحی حضرت نور الدین
عبدالرحمن جامی و حضرت مخدوم شیخ مصلح الدین سعدی و حضرت امیر خسرو
رحمه الله علیه بدان وسیله در تغنی بود کمال شده بدین فیضان مالامال
گشتند اهل کمال هرگاه همه فیضان بر قلب شد طاری فیضان ارشاد نیز شدید
شد جاری و خلافت نیز از هرجا شد حصول که در شهر عظیم آباد مشهور و فیضان رسید
دور دور اتفاق بیعت تا اندم نشده بود لیکن اخیر در شهر اله آباد در رفته از پیر دستگیر
حضرت سید شاه ابوالبرکات حصول نمودند و اجازت بیعت نیز یافتند
الا کسے را مرید نساختند جز تربیت و تعلیم یاران و یاران را نیز لیاقت یافتند
بعض بعض را مشرف بخلافت ساختند در زمره عزیزان خود خلافت بخشیدند
یکی باخی الاعظم حضرت سید شاه محمد قاسم برادر عمه زاد این فقیر را هم
مشرف ساختند ازین نعمت عظمی باین فقیر حقیر هر چند بهر اخذ بیعت خلقت شدید بار

دامنگیر غدرها فرمودند بمقوله خواجگان پشمینه درشمی بند نماد ریاری کشال بعد
حصول بیعت چند ماه ماندند بقید حیات سجان   فتوح نذر انذار کسی نکردند بلکه
ونه ادای عرس بد رسم خاص نبود معمول الا بهر مجالس که تشریف می بردند مجلس
بودند نمایان دلغیر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی سد عسان نه ترکه از معاش
پدری گرفتند بوجه معاش سیغر بودند من تا ب نه دیم این قماش بجز بوجه کسب
تجارت انهم نه دوکان بازی یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس
اول وقت معاملات دنیاوی بود در خرید فروخت شال وغیره وکیفیت غذای
آنحضرت چه نویسد یک وقت دال خشکه و بوقت شب نان دست پزی به روغن گاوی
بدرقه ترکاری وغیره هرچند ترک حیوانات در غذا نبود بر آن عادی نمی شدند
للجبر می فرمودند فقیر را هر دو چیز باید چیر باد در غذا و در لباس لباس نه پر تکلف
می پوشیدند بطور پادشاهانه که بدان طور کسی را نمی شد میسر و نه عادت بود
خوردن طعام سه سیر و شربت و یک وقت معمول بود بدرس تدریس عزیزان
واز نصف روز تا شام وقت شبه یک پاس بیاران در حلقه مراقبه بود تربیت
وتعلیم دوستان والدین تجویزی بسیار و اصرار اول شادی در قصبه سهار گردید
بمحله بلخی از مسماة بی بی ریاضا النسا دختر خجسته اختر سید شاه ولی احمد
بلخی از بطن آنمخدومه تولد شد تا یک فرزند ارجمند رتبه بلند سید شاه
مبارک حسین بعد یک سال آن زوجه کردند انتقال خود گذاشته نونهال

در دامن جده ماجده وعمه پرورش یافتند زان بعد بعرصه کثیر حسب اتفاق وقت شادی ثانی کردند قبول از مسماة بی بی بادشاه بیگم دختر خواجه محمد یوسف رحمه الله علیه احراری از بطن آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید سلامت حسین نام شد بعد یک سال بصغر سنی شد ارتحال بعد یکسال والد ماجده نیز آن نونهال کردند انتقال گویا عمر آنحضرت بحساب تجردی بگذشت از یک فرزند شدند فرزندان که هنوز موجود اند بهر نام ونشان قرة العین ایان بنسال یکهزار ودوصد وچهل هجری والده ماجده آنحضرت کردند انتقال بسال یکهزار و دوصد وچهل ونهم آغاز سال هجری با ه صفر کردند والد ماجده آنحضرت انتقال اشعار تاریخ وصال آنحضرت از استادی ابلغ الشعرا مولوی ذاکر علی صاحب بنارسی یادست نوشته می آید که ماوند بناظرین

قطعه

قطب عصرم چون ازین عالم گذشت	عالمے معمور شد از شور و شین
ہاتفے شوریده دل ارشاد کرد	شد بوا ہب شاه شمس الدین حسین

ونیز این خاکسار گفت بزبان اردو وصوری ومعنوی رجسته حسب حال

قطعه

دوسری تاریخ تھی ماه صفر	جب کیا نانا نے میرے انتقال
روز جمعا ورتھا وقت عصر	باره سو ہجرت پر تھا ونچاس سال

چہ کیا فانی نے اسمین فکر و غور	مادہ تاریخ یون لایا نکال
شمس دین نیا دین جب ہو گئی غروب	پائے ذات احدیت کا وہ وصال

والغرض بعد ہفت سال انتقال حضرت صمداری آنحضرت پیر و مرشد نیز رحلت وصال بسال یکہزار و دو صد و پنجاہ و پنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت صبح صادق روز چہارشنبہ تاریخ تالیف کہ از خواجہ حسین علیخان مرحوم برگشتہ

از کلام میثنا یددرین اوراق ارقام

قطعہ

روز ہجر انست یا شب تاری	شمس یا در لباس ماتم ہست
چرخ میگوید از سر زاری	قمر دین بنور حق پیوست

توصیف چند انکہ کنم زبانم از بیان و تقریر قاصر و از تحریر شل ظہور محمد سال ظہور آنحضرت و عمر شریف پنجاہ و دو سال از لفظ محمد برآید ولی اخرت سال رحلت نعمیہ است از سر حسرت غرار فیض اثار تا حاطہ مسجد و جوار حضرت قطب العالم حضرت مخدوم شاہ محمد منعم عالی تبار فیض آثار

از بصیرت نماید بیار

غزل تمام

جلوہ حق جو بچشم نظر دیکھا	نہین در صورت قمر دیکھا
مرتبہ فقر و شان شاہی بین	ایسا کوئی نہین بشر دیکھا

اونکے در کی گئے گدائے جو — بخشتے اونکو سیم و زر دیکھا
جسکے اوپر پڑی نگاہِ فیض — اوسکو بدہوش و بیخبر دیکھا
فرحت افزا نہوئے کیونکر دل — آپکو جب بچشم تر دیکھا
اونمین برکات کی ہون پاتا ہو — باعث عشق یہ اثر دیکھا
منعمی ہی نہین ہین کہتے لوگ — اونسا منعم نکوئی بشر دیکھا
وہ نہ آئینگے میری جائے نشن — اسکو ہر بار غور کر دیکھا

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی
غیر کو پھر نہ آنکھ بھر دیکھا

ثمرہ شجرہ طیبہ فرع سوم اصل اولی در ذکر و محامد حضرت سید شاہ مبارک حسین خلف الرشید رتبہ مجید حضرت قطب العصر مع ذکر اولاد امجاد ایشان

انور یاداخی فی الدارین ولی نعمت جناب حضرت مرشد زادہ سید شاہ مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دو صد و سی و دو ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذی قعدہ چہاردہم مادہ تاریخ ولد آنجناب منظور بدل بخانہ فیض کاشانہ بعد ولادت خاکسار یک و نیم ماہ جائے تولد واحد ست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق معقول فقہ اصول از والد ماجد خود وانچہ کہ نمودند حصول و تربیت و تعلیم بذکر و

شغل وبیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیه نقشبندیه ابوالعلائیه
یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره وخلافت
وجانشینی سجاده از هر دو بزرگوار جد باجد و والد عالی تبار ضرور یافته بود
ذو فنون عمارت پسند اخلاق مند بتعلیم تربیت یاران مشغول یک وقت
حسب معمول برادر خالزاد ورضاعی بودند این خاکسار همدرد و همجو پیچیده
زائد الانس موانست بود خوش رقم تحریر عبارت نیز بدرجه مقبول وشاعر بے نظیر
شادی اول روبرو حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خاله یعنی از دختر عمے
سید شاه مراد علی نام ان زوجه بود بی بی مریم دو دختر شدند از ان بی بی
بعد چندی برسه یافتند وفات زان بعد شادی ثانی از دختر ماموں شان
کردند از مسماة براتن النساء دختر سید شاه حسین احمد ابن سید شاه ولی احمد
یک دختر ازان زوجه نیز شد هر دو بمردند شادی سوم گردید در خواجه زادگان
از دختر خواجه محمد ذاکر علیه الرحمة اولاد شدند در عالم حیات یکے بعد ممات
بصغر سنی دو فرزند وفات یافتند اگذاشتند چار هر یکے ذی علم وهوشیار
یکے سید منیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کتخدا شدند بیعت بود
ایشان را از عم الاعظم سید شاه محمد قاسم رحمة الله علیه بطریقه عالیه
ابوالعلائیه وتربیت وتعلیم غیر منسوبه الا در اصل اویسیه بودند جد باجد خود
در زیر سن وسال در تحصیل عربی وفارسی بودند اهل کمال حافظ قرآن

شده در عمر بست و پنج سالگی نوجوان کردند انتقال بسال یکهزار و دوصد
و هشتاد و هفت هجری جای حسرت است و غم و الم دومی سید شاه
عزیز الدین حسین که این نیز در علم عربی و فارسی حیثیت دارند و اخذ بیعت
ایشان نیز هست از عم الاصغر سید شاه محمد سجاد مسند نشین ارشاد برادر
عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بدان طریقه هست سومی سید
شاه شرف الدین حسین این نیز ذی علم اند هر چند شعور در عربی و فارسی
اندا شاعر بیعت ایشان نیز از حضرت عم الاعظم ممدوح شادی این هر دو برادران
کردند بمقام سیوان از دختران شیخ غلام صمدانی شیخ عثمانی دختر
دومی کرده اند انتقال فرزندان اند پسر چهارمی سید رضی الدین حسن
که در دانا پور از دختر سید شاه علی حسین صاحب کدخدا است ذی اولاد
بیعت ایشان نیز و تربیت از عم الاصغر با رتبه و منزلت برتر حضرت سید
شاه محمد سجاد الله تعالی ذریت ایشان را دارد دایما شاد و مبارکباد بحرمت
بقیه ثمره شجره در کیفیت حال خود می نویسد خاکسار مسکین سید عطا حسین

ابن سید سلطان احمد.

مخفی مباد که ولادت خاکسار در سال یکهزار و دوصد و سی و دو شهر رمضان
شریف روز پنجشنبه از شهر مذکور تاریخ جناب حضرت جد مادری من پیدا آن نوشته
طفل نیکو سیر عطا حسین . بزمانه سعید گشت ظهور

بست و سه بود از مه رمضان — بود یوم الخمیس وقت فطور
سال تولید صاحب اقبال — چونکه شد گفتمش بدل منظور
شد ندا از ضمیر شمس الدین — بی‌نظیر اولیا ولود ایش پور

فرستاده یکی از مشایخین عالی تبار بزرگی از مریدان آنجناب و عنقریب ایام ولادت تشریف آوردند و خبر ولادت این حقیر دادند بعد تولد نام عطاء السید نهادند چون نام جمیع اخوان بود بدین طور یعنی قدا حسین و علی حسین آخر کار عطا حسین شد مشهور بسبب تسمیه بلفظ قاضی اینکه قاضی عطاء السید یکی از اجداد بودند این خاکسار را نام نهادند حضرت جد مادری عبد الرزاق بدین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق واضح باد تا هفت سال عمر بعلالت بگذشت از عمر هفت سالگی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی نمود از عم محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمة الله علیه که ده ساله عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مرا پروریدند از علم بهره ور ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی عزیز الدین حیدر گنگ و کتاب طب از مختصرات خواند از جناب حکیم محمدی ساکن دسته علاقه حضرت بهار و عربیت چندان دخل ندارد تا نسخه کافیه خوانده است فضل الهی برکات است و تفسیر قرآن مجید تا پانزده پاره بکلام عربیت تکلم از سبب حافظی ترین شیرین شجره بعبارت در هر پنج طریقه تالیف کرده‌ام و نیز در دو چند تالیف است مختصر و مطول خطبه عیدین سیپاره

در حوصله او رکی باشد لذت دنیا را شائق سهر دو یکے نیست بهر فرستادن لائق
کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینها چه دانند واپ شاهی سپهر سو دند بعد
انهمه عذر از جانب بادشاه دو باره رسید بطلب فرمان شاهی بدین مضمون
اگرچه در جواب تحریر ساختند با یجاب عهده وزارت جواب صاف مگر من تسلیم آن سخت
ستاده تا نشوم رو بر حق تعالی وعده خلاف از کسے فرزندان خود را فرستند تقصیر
معاف آخرکار آنحضرت از هر دو پسر کردند استفسار از طلب شاه نامدار پسر کلانتر
میر سید عبدالقادر بخوش حوالی سرمست از باده ذکر شکر ربانی گفتند بادشاه
مرا خوراندن نمی تواند هستم بسیار خوار رتبه وزارت هیچ نیست نزد فقر خاک
چون پرسیدند از پسر ثانی از میر سید محمد یسین مقبول ربانی جد ما در حق شان
میر سید محمد ایشان را اگر فتند در کنار، وگفتند نخواهی که فرزند رتبه بلند مرا نیز
پدر بادشاه مجرائی انشاء الله تعالی یقین قلبی ام عیان هست چنان نمایه حضرت بارها
جبه سائی که بادشاه وقت شود در روید و این پسر مجرائی سبحان الله آن بزرگان حق
چنان بودند بیاد حق مشغول که داشتند نی پروائی بچه طور اغماض کردند از طلب دنیا
بے اعتنائی بار سوم کسے نامدار از جانب مهاد شاه بادشاه از اینجا که خاک نشینان
کوے قناعت را بطلب مرگ طبیعی عاقبت اندیشی ست کمال که روزی خود را
بیرون است بجا که گور زیبائی لباس ابریشمی خوشتر نامد و خدمت شاهی آخر
چون کمان خم شد نشست از قوت بزور زیحق کسیک ببکید وقدم ماند مانند قوس قزح

عرصه فلکی طی نماید ضرورت که اشهب اندیشه دنیا را آخر پی کردن پیش آمد سیزدهم به هرگاه زوجه آنحضرت در دنیا پور روبرو آنحضرت کردند انتقال که دوام بجا نما با ماندند مسرور حال فرزندان خود را نبردامن جدا دری ایشان گذاشته بجا نقا آبائی شهر پٹنه اقامت کردند عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در انجاست مزار پائین پدر و جد بزرگوار بمحله کهوکهره کهوری گلی بعد چند سال اولاد دختر را که خدا کرده حضرت میر سید مجاهد رحمة الله علیه با نقشه بدات احدیت وصال

ثمره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد ناصر را بودند دختر کلانے بی بی صحیبی بتوکل خدا عمر بسر کردند در حلیه عزلت خانه نشینی از انجا که عارفه کامله بودند دی شعور بودند اسپر لچاے سعد ور که خدائی پسند نامد در یاد الهی بسر شد عمر بمشغول حق که بجه در دی بودند مستحق بالا از صد سال شد که وفد انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلانے

مزار آستانه شد نهوه درگاه ست

ثمره دوم شجره اصل

در ذکر دختر ثانی مسماة بی بی سیدا بود نام آنمخدومه که خدا شدند در بنی اعمام واحوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلو ابن میر سید بدر الدین بسرے بوجود آمده بود بنام سید صدر الدین دوازده ساله بمرد و ثمره حیات سیره و اعقاب

ایشان نماند

شجره سوم شجره اصل

بذکر دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبد الشکور
شد ند کتخدا و دو دختر و یک پسر بنام میر سید محمد صالح کیفیت ذریت ایشان

بالا شد بخوبی مذکور

ثمره چهارم شجره اصل

در ذکر دختر چهارم میر سید محمد باصر نام بود بی بی واحده که کتخدا شد ند از شیخ
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجوی فریدی نسب متولد شد ند الحال
این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکی بود بی بی زاهده بنت بی بی
واحده از شاه نور علی ابن شاه محمد ولی کورجوی شد ند که خدا که دو
دختر با یشان یکی بی بی واصله زوجه شاه وحید الاسلام دویمی بی بی
ناظمه زوجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکوره بالا حال دختر ثانی که خدائی در یافت
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه جهکوری
نام پسر دوم شیخ غلام حیدر عرف میان گهسیٹا که مستثنی بود در اقران خود یکی
در زور مثل کشت زنے پهلوان نقل بنمایند که ده منی توپ شاهی را بیک بار تاب
از دست بازوان انداختند درین باره هیچ تامل نساختند روزی یکی از برادران
براه کورجی رسیدند بر اسپ سوار از زین شوسند بملاقات شد چشم دو چار
اندر میان گفتگو ساعد دست بر پشت اشهب نهاده تا دیر نمودند کلام بعد تقریر

قصد رفتن کردند بر اسپ شد خرام آن اسپ از کمزور شد رفتن نتوانست
بر پست او زدند فوراً شد رهوار بدین طور قصه شهر ورسی هست بسیار شاد
اقران اخوان شده بود او لا نقشد الا شیخ غلام حید پسر دوم نیز بودند
صاحب قوت وقنوت اگر هر دو برادر یک جانب میشدند جانب دیگر
بودند این تنومندی از عنایات الهیست الاعلم ظاهر نمیداشتند
برادر دیگر پسر سید غلام حیدر منشی بیدل نام بود منشی تقی العبد بود

ذی فنون سهر امور مدبری ماند

ثمرہ پنجم شجرِ اصل نخل اول

دربیان حالات پسر کلان میر سید عبد القادر این حضرت میر
آنجناب سرمست حال و تنومند بودند بسیار خوار بیکبار میخوردند بست آثار
فاقه چندروز هم نمی خوردند ایام ولادت احباب بسال یکهزار و هشتاد هجری
چهل سال ماندی حیات در پایه ثبات از تزوجی هیچ نبود وسر دکارش
بود مشابه داروردانا بود زیر درخت سپستان ست مزار به پائین قبر آنحضرت

اهلو زنش ورزش ملیناشد

ثمرہ ششم شجر اول اصل دربیان حضرت سید شاه محمد یسین ثانی حضرت میر سید محمد ناصر

استماع است از حضرت جد امجد که ولادت حضرت میر سید شاه محمد یسین

در سنه یکهزار و نود و هفت گردیده بود بتاریخ پنجم شهر ربیع الاول عمر شریف ببالا از
سال هفتاد و پنج یا شش سید عمر سیزده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد ازان
بشش سال گردید انتقال پدر بزرگوار آن عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشد
بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشغال بیعت و تربیت و تعلیم اجتناب
شد از جد مادری حضرت میر سید محمد رضوی هرگاه رسید سن شریف سجد نمون
سی سال بفرمان جد مادری شادی کردند اقبال انجام شادی شد از بی بی دولتن
دختر نجیب اختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نورآباد کے
آن عصمت مآب عارفه کامله بودند باوجودیکه در زوجیت شوهر آمدند بااینهمه بودند
مشغول بذکر حق ذات خدا از بطن آن بی بی سید المجذوبین شاه محمد پسر
دو پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد اهل کمال نیز اهل کمال ثمره شجره الثانی
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریقه عالیه چشتیه
نصیریه بود حصول از والد ماجد خود و شادی ایشان گردید از دختر خاله خود یعنی
از بی بی ملیحه دختر بی بی ابدال بنت حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد
کسی نشد در موضع مقام کانپور رفته کردند انتقال بالا عمر چهل سال در انجا

بودند مریدان آنجناب

ثمره دوم شجره در ذکر دختر نجسته اختر بی بی اتقیا مدعو بی بی جهوجیو
کدخدا شدند از میر سید محمد احسن ابن میر سید وجیه الدین سید بولن زیدی لقبشان

بوجود آمدند پسران چهار ہر یکے عالی تبار یکے ازان کلانے میر سید مظفر علی والد ماجد حضرت سید شاہ یحیی علی دومی سید غضنفر علی شوج بی بی رشید اعرف بودند سومی سید حسن علی چارمی سید قطب علی از دو پسران اولاد شد و ہنوز موجود فرزندان شان

ثمرہ سوم اصل نخل در بیان حالات سید شاہ ولی اللہ پسر کلان حضرت شاہ محمد یسین

واضح باد پسر کلانے از سید السالکین سید المخدومین حضرت سید شاہ محمد یسین بودند از سر حقیقت و معرفت اللہ آگاہ حضرت سید شاہ ولی اللہ ولادت ایشان در سنہ یکہزار سی و چہار در دامن فیض سیاسن پدری و مادری پرورش یافتند تربیت ظاہری از پدر بزرگوار بیعت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت سید شاہ محمد مبارک قدس سرہ بعمر بست سالگی کردند شادی از دختر خال خود از بی بی ناصرہ دختر میر سید محمد ثانی از بطن آن زوجہ دو دختران تولد شدند ذریت ایشان ہنوز باقیست کیفیت این بتصریح بالا مذکور شد آز زوجہ ثانی سہ اولاد یک دختر و دو پسر انجناب معلی القاب رابطہ با امرا و اراکین سلاطین داشتند بسیار مریدان کثیر سیاح امصار و دیار بعلاقہ مرشدآباد بودند مریدان بسیار ہر گاہ والدہ ماجدہ انجناب مخدومہ زمان بی بی دولت جہان بعمر چہل سالگی بعارضہ لاحقہ دفعتاً کردند انتقال والد ماجد آنحضرت را پدید اشد ملال حزن و ملال آخر از بزرگی رسید صدای کلمۃ الحق در گوش برفت ظاہری

حواس و ہوش تا چہاردہ سال ماند در حیات کیفیت جذبہ بود طاری کشف و کرامات
آنجناب کثیر بشہور رسیدی بطور پیشین گوئی و بعد سہ سال جد مادری آنحضرت نیز
کردند انتقال و ویرانگی خانہ شد بصورت نو عدگر برادر دوم میر سید نصیر الدین را
نبود ہیچ دختر و پسر از انجا کہ با خود ہا زن و شوہر بودند شد مزاج بصورت بد مزاجی
نا موافقت بوقوع آمد قصد سفر کردند می آرزند مرزا خان بیگ نواب
مرشد آباد در آبودند یکے از اراکین و بودند آنحضرت را افضل المریدین و مسترشدین
روزے عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت ہیچ واقع نشود بسیار خوب است
در اینجا طلب فرمایند اہل و عیال حضرت عالی تہار چونکہ مزاج شد بود آمدہ بر سر
جلال فرمودند ہمہ ہا کردند انتقال کہ اسامہم طلب در ینحال شدہ بودند سکوت
واقعی آمر بر دل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند در ینجواب فرمودند
ہمچنین ارادہ دارم جاے تجویز نمایند مرزا خان بیگ فرستادند پیام بخانہ
قاضی زادگان کہ از مریدان آنحضرت بودند بمقام کشن نگر گھگرہ چنانچہ
قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب و نسب مادری اینہا
از انصار قرابت یکی از مریدان واثق الاعتقاد بودند دختر خود را دادن بردست
کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد و نکاح نام آن زوجہ مسماۃ ماہ بی بی بود
دختر قاضی ولی محمد ابن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت اللہ ابن قاضی
سلامت اللہ ابن قاضی محمد ملیح ابن شیخ محمد مسیح ابن شیخ محمد فصیح تا ہفت

کرسی یا قسم آسانی تحریر نمود این بزرگوار اہل معاش رسیدار بودند کاشتکار الحصول
در نجابت آن بزرگوار ہیچ شکے و شبہ نیست از صورت و سیرت آشکار بگفتہ شنید
چہ اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی دختر متولد شد نام بودلی بی سعید
بعد دو سال شان بسال یکہزار و یکصد و شصت و ہشت شہر محرم الحرام بتاریخ دہم
تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاہ غلام حسین بخانہ جد مادری بیبا
شرقی در دانا پور آمده تولد شدند فرزند دوم سید شاہ شمس الدین حضرت
جد الامجد سہ سالہ عمر داشتند حسب طلب برادر انجناب سواری کشتی آوردند حضرت
مع اہل و عیال بسوی وطن و در روز نگان کشتی در قصبہ نوآباد شدند فرود آمدند
از کشتی بہر ملاقات اخوان سعد دعوت از خانہ اخوان الاصل اولی زنده بودند
باستماع شدند پریشان کلمہ کلام جاری شد بر زبان اشاره بایں و آن ناقص
الحصلان را در نجابت و شرافت آن زوجہ حجت باشند و تکرار الا نزد عقلا نیست
ہیچ حجت چہ شرق نمی ماند بشرقی دیار احمد تند مصاہرت بایں واقع شد
بخانہ فقیر کہ نجابت و شرافت بہترین و مشہدین را واقع شد مصاہرت در
اہل الشرافت کمترین بہر حسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور
بخانہ فرود آمدند کرده از دریا عبور حضرت سید المخدومین سید شاہ محمد یسین دیده
فرزند پور کمال شدند مسرور از ان روز خانہ ویرانہ کردند آباد دوستان شاد و دشمنان
بباد بسال یکہزار و یکصد ہفتاد و دو آخر ذی حجہ جناب حضرت سید شاہ شمس الدین حسین

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید السجد دین سه چهار ماه جبراین داده بودند آنحضرت
بطور پیشین گوئی الحمد لله والمنه هر برادر بودند آفتاب و ماهتاب نوعی اعتبار صاحب
اقبال یکے جد امجد دومی جد مادری این خاکسار از هردو فرزندان شدند دانشمند
و هوشیار ذی اسرار دو دختر بی بی سعیده جوان شده که خدائی شد از میر امداد علی
ابن سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کاکوری الا بیاء اولاد رفتند

از شیعالم و ذکر فرزندان فرزند ثانی بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل نخل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین قدس سره ابن حضرت سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشن نگر بخانه جد مادری شد بسال یکهزار و یکصد
شصت و هشت دهم شهر محرم الحرام ازین رو شد نام آنحضرت سید غلام حسین
والد ماجد آنحضرت از ظهور آنحضرت شدند کمال مسرور اگرچه از نخل اولی بودند دختران
ذی شعور صغیر بودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب مکتب
جمع نمودند اقران و اخوان وقت مکتب هر دو برادر رفتند بحضور والد ماجد با شتر
مکتب بیره حضور ست در پیش تشریف در انجا بر بند آغاز بسم الله از و تا بیند
الحاصل تشریف آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم
فرمودند بگو رب یسر و تمم و بالخیر تتمیم آنهم نموده قدرے شیرینی ازان در دهن
این فقیر نهادند و نیز بدهن شریف دادند والد ماجد من عرض نمودند پیش این بگویانید

فرموده پیش درس ست شرقی ذہن ودائم بس معنی بسم اللہ تمام بانجیر
میفرمودند بدولت آن حافظہ وذہن شد حصول وزبان خود بیاورده حسبش چنانچہ
ہرچندکہ حضرت ظاہر تحصیل چنداں نبود الا مقدور کرا کہ از آنحضرت بحث و
تقریر نمود ور تراویح حفاظ را لقمہ میدادند حالانکہ ناظره خوان بودند میفرمودند ہم
دختران محل اولی را کہ ذکر خدا در شرفا اقران کہ مذکور بالا شد و فرمان بادشاہی
بطور التمغہ مدد معاش مال پور وغیره کرده حصول آنمحل اولی حوالہ کردند کہ صرف کفاف
خود سازند ازین شدن نمیتوانند اجرا نمودن فرمان شاہی برادران شما صرف
رش اند در آن شریک نصفا نصف نمایند بحق محنت و قرابت محبت بدان طور شم
تعمیل بعده در زمان بادشاه عالمگیر ثانی رفتہ حصول ملاقات کرده کہ
زمان سلطنت پراگنده شده بود چند قراین دہیات یکجا کرده فرمان آورده
وپیش نظر پدر بزرگوار دست بستہ گذرانیدم ہرگاه مطالعہ نمودند فرمودند ای ولی
درین فرمان ضاد وضاد نوشتہ است بسیار عرض ساختند ضاد وضاد چہ معنی دارد
ای پدر بزرگوار فرمودند حاکم وقت آخر فریق دیگر خواہد شد این معافی ہا ضبط
خواہد کرد این کلمہ گفتہ از دست خود کردند آن فرمان چاک چرا کہ اہل جذب بودند
مستانہ بیباک فرمودند ای ولی مشغول روزے ہر آستانہ تو رسید بادشاه
دین پناه بطلب این فقیر بخواہد وبہ مرا ہست وقت آخیر کریم نمائے و دعوت
کنی و ہرچہ دہد بگیری راه نہ پذیری تا فرزندان تو اہل دنیا نشوند و دست مبارک بدندان

نهاده که لغزش می شود و یک دندان بر آوردند و فرمود این را بگیر پادشاه
بهر خزائن تحفه فقیر میفرمودند شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت
ذو الجلال کرت لنگیر ثانی کردند انتقال شهید شدند از دست افغان موذی بکمال
نبیره ایشان خانجها پدر پادشاهی مقرر شد و پادشاه عالم شاه در آن زمان
بسفر بودند شرقی دیار اینجوار نقل میکنند در قصبه سهسرام بودند که بر سر ایشان
چتر شاهی جنبانیدند از انجا رسیده در حضرت بهار رسیده آستانه مزار نمودند
ملاقات شاه ایشان اینجوار روزے خبر رسید که پادشاه با فوج و اراکین می آیند
بهر ملاقات حضرت سید شاه محمد یسین در قصبه دانا پور حضرت سید شاه ولی الله
قدس سره قریب مزار والد ماجد زیر درخت کهنه فرد شطرنجی گسترانیدند و بهر عوت
ماحضر برا سدد چون پادشاه شاه عالم رسید شاه همراه قریب مزار رسیدند
دائره حضرت سید شاه محمد یسین کدام جاست عرض ساختند دائره نیست
شکسته و فی هست و کهنه مسجد و این هست مزار فرمود و آمده بوسه مزار داده فاتحه
خواندند پرسیدند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود بپایه التماس رسانیدند هر دو
برادر بعفت هر یکی کلانی آنحضرت هستند و ثانی هست این فقیر بغلگیر شدند و شد
مصافحه از هر دو نشستند میفرمودند عمر من در انوقت هفت ساله بود و برادرم
شمس الدین دو سال داشتند عمر والد ماجد از دست شریف دندان آنحضرت نذر نمودند
بهر حرز و کیفیت کردند بیان که آنرا در سر پیچ دستار نهاده بهر تعویذ و استدعا

با حضرت کردند آنهم کردند قبول و مرا دیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند
این فقیرزاده است فوراً از دست خود مرا گرفته بر زانوی خود نشاندند و پرسیدند
نام شما چیست گفتم غلام حسین ازین کلمه شدند مسرور لابد بجهت سیادت
اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه میخوانی گفتم پندنامه سعدی
کریما فرمودند بیتیکه یاد آمده بخوانی خواندم حسب حال بیت تواضع ز
گردن فرازان نکوست + گدا اگر تواضع کند خوی اوست + استماع این بیت
مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مدد معاش فرمان بصیغه التمغا شد تحریر
و سفره گسترانیده شد با حضری چه بود وقت تناول از قسم طعام نان نخچیرین
و تره چولائی دال کهساری نخود آمیز و سرکه اچار بیل و اچار ادل دست گرفته
و بیل خوردند آفرینها کردند ای شاه صاحب طعام انواع اقسام خورده ایم
لذیذ طعام سلیس هرگز بدینطور نخورده ایم بنابرا التماس رسانیدند طعام
چیست طرفه طعام انقسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین بیت
چنین ذایقه دارد لاریب ذایقه طعام از خانه تبکلفانه انجناب هرگز نخواهد یافت
بعده طلب شدند تا قانون گویان و چودهریان منصب دار بر مواثیق فرمان
شد اگرچه بادشاه وقت در مدد معاش بطور ایمه و ستار درگاه انتخاب کرد
در پرگنه پهلواری میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نماید این
خاکسار چنانچه زمین معاش از بودے خانی پیمایش بانصد و سی و هشت بیگه هست

بقبض و دخل ور مدمعافی موجود وقت دایر ضبطی ہم واگذاشت شد و صرف
فرزندان آنحضرت است حالا صرف وارد و صادر کمتر صرف دیگر دیگر میفرمودند
بعد رفتن بادشاه بسوی دہلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پراگندگی کار مطلب
از صوبه وقت اجرا نمایند درانوقت قاسم علیخان بودند صوبه شہر پٹنه عظیم آباد
دیدبه صولت او بسیار بود روزے بهر اجراء فرمان حاضر دربار صوبه شدند
درانوقت نواب قاسم علیخان صوبه شہر پٹنه عظیم آباد بودند بسبب نواب
جعفر علیخان مالک ہر سه صوبه پٹنه و اودیسه و صوبه بنگ بودند از
طرف شان نواب قاسم علی خان نائب که داماد شان بودند ربط و رابطه
از ہر دو صاحبان بود بسیار بلا تامل و عرض عرض بیگی داخل دربار شدند
مغلیان و افغانان تیغ برہنه دو برد درباری بودند گذر کسے نمیشد بشنو اتمام
چنین بود درانجا اہتمام میفرمودند دران زمان نواب قاسم علیخان از خسر
وانگریز روگردان بودند بعده بدربار شاہی بحضور عالی گہر شاه عالم بادشاه
رفته معذرت کرده بحال بر صوبه پٹنه ماندند و خطاب عالی جاه یافتند بعد چندے
از بادشاه روگردان شدند تا میزش کامگار خان تسلط بر ملک یافته صدائے
مطابق آیه الیوم لمن الملک و احد القهار برداشتند میفرمودند نواب
قاسم علیخان اول والد ماجد مرا نشناختند چون السلام علیک کرده شد
شنیدند نواب را نشه عهده جلیل این جرات بتکلفی نا پسند پرسید نام چیست

فرمودند ولی الله باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سید یسین از جا برخاست
و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا شناختم درین عرصه عشرت
من نه یا دگر چه امروز چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی است
بئس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عروج گاهی
سرفراز ساختی از نعم تو بگذشتی و نیز این فقیر دار و عیال بسبب آن از لطف
فقیر بگذشته بدربار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند دیده بگفت
نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی از نیکو
در علاقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد بابه
من جدت بود بسیار شد مزاج جواب دادند برجسته ای قاسم علی ترا چه شد
استکبار پیدا کردی استکبار صورت او بارست که پادشاه وقت که سایه جمیل
اولیا بر سر دارد او را گیدی گفتی شاید معتوب الهی شدی این فرمان
شه شاهان آنست که ازو خطاب عالی جاه یافتی و ارو روزی یافتی مرا چه
خواهی داد آنچه که دهی در زیر ران پرستاران خود دهی این کلمه بیباکانه
گفته از آنجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند چه نشینم مرا کافی است
سوره یسین حکم بیچه بداران نمود بگیر بگیر درباریان متحیر شدند بجرات
کلام فقیر بعد لمحه از آنجا از چشم خلائق شدند پنهان که گیرد و کرا گیرد فورا
از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد نواب چشم نم شده کشید آه سرد

میفرمودند والد من صد کرده شد بجا نشین ازگردش فلکی بر نواب قاسم علیخان
انتهار رسید چنان و چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو داماد
چند روز بصیغه طالب علمی بودند تلمیذ جد امجد من آخرکار بهم شد نواب قاسم علیخان
از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط انگریزان نواب قاسم علیخان برگردد
و پشیمان شده بذریعه اشخاص خاص حضرت والد ماجد را طلبیده معذرت نمود
بالحاح و زاری و سفیر نمود آنحضرت را بهر صلح و مدد نواب شجاع الدوله
که خیمه گاه او بمقام بکسر ضلع شاه آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پا که
بالا ازسی کروه بود در انجا میرفتند بروز دیگر تشریف می آوردند چنین بود
طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند بخواب حضرت والد ماجد خود سید
شاه محمد یسین را و چنین ارشاد نمودند ای ولی تو او را مغضوب گفتی
حالا مغضوب شد سر التقدیس چرا اینامه و پیامی او میکنی در دم بتقدیر منزلی
آنحضرت متنبه شده شدند خانه نشین بازبگردند از ملاقات آخر گشتی عمر
و حکومت شد غریق کدام راهبر گردید بدی طریق میفرمودند بعد برهمی
تسلط نواب قاسم علیخان از مرشدآباد خود نواب جعفر علیخان آمدند
بکمال دبدبه و صولت در عظیم آباد چوبدار فرستاده جناب والد ماجد را
کردند با وعند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب
جعفر علیخان شنید منغص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود جاری که

بعد تصحیح و باز رخصت نمود و با عطای خلعت بعد چند روز نواب جعفر علیخان
عازم مرشدآباد شدند آمدند بهر ملاقات بفقیرخانه در دانا پور و بروز دعوت خوردند
بسواری بجره از راه دریا عازم شدند سوی مرشدآباد و فرمودند جناب شما بصاحب
بسبب تنهائی پریشانم بهر دلبستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت صوابست
بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند به بازو روپیه بنام امام ضامن علیه السلام
بستند میفرمودند حضرت جد الامجد این فقیر حقیر در اثنای راه نواب مرا بسیار نواختند
در سفره وقت خوردن طعام و دستار بستن مشایخانه از نواب یاد آموختم یک
روز بدست خاص دستار بندی نمودند آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مفارقت
نیاورده خود رسیدند بمرشدآباد مکانی خالی کرده شد قریب تر در آنجا همراه والد
ماجد ماندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز
وقت دربار همراه والد ماجد خود میرفتم والد ماجد من بجای بهتری می نشستند و مرا نواب
از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر بر زانو نشسته میماندم و کلمه کلام میکردند
خبرها می پرسیدند بدین سوال حاضر هم میشد در دربار عمر من در آن زمان ده سال
میفرمودند روزی در جلسه دربار حسب عادت رفتم در آنوقت حضرت والد ماجدم
نبودند موافق معتاد و معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعده بر زانو نشسته در آنوقت
کسی از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که مذهب معلی القاب معلوم شیعه مذاق
دارد و سنیان چنین موافقت و اتفاق و التفات بدین صاحبزاده فرزند مشایخین

شادی ایشان بموضع پھلواڑی شد از مسماۃ سکرن دختر مولوی بدیع الزمان
ابن شیخ عبدالمجید و مولوی بدیع الزمان داماد بودند شیخ غلام حیدر را از مسماۃ
بیبا نن کدخدا الحصول از بطن مسماۃ سکرن یک دختر شد مسماۃ رحمن که از سید
محمد عظیم ابن میر قمر علی کدخدا شد ذی اولاد اند یک پسر ایشان سید نصر اللہ و
خواہر این زوجہ مولوی وحید الدین صدر اعلی و پسر سوم چودھری غلام نجف
سید احمد علی که از دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبدالمجید کدخدا شدند اولاد نشد و پسر
چہارم سید وصی احمد عرف سید محمد ولی سہ شادی ایشان کردند از بطن کسے
اولاد نشد بالکل مالک ترکہ زوجہ ثالث شدند و دختر چودھری غلام نجف مسماۃ
طاہرہ زوجہ میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان وسہ پسر یکی سید
محمد عظیم مذکور الصدر داماد میر خورشید علی مرحوم دومی سید محمد کلیم داماد سید ظہیر علی
ابن مولوی منور علی سومی پسر محمد علیم و خواہر کلانی ایشان زوجہ سید حامد حسین
مسماۃ حمیدہ یک پسر شدہ بود بمیرد و خواہر ثانی ایشان زوجہ سید نور الحسن نواسہ
ناظر سید فدا علی در اینجا کیفیت ذریت چودھری محمد سعید خان انجام یافت
چیزی ذکر صاحبان موضع نیچورہ که قرابتیان ایشان اند می نگارد واضح
باد یکی از سیادت نامی که نام یادندارد از اولاد حضرت حسین صغر ابن حضرت امام
زین العابدین رضی اللہ عنہ که سلسلہ مسلسل بالا دریافت نشد چونکہ اولادشان
ذی اقبال شدند و قرابت داری شد واقع حسب یاد می نویسد یعنی ان بزرگ

رئیس بود چهار پسر بود منذریت دو پسر مولوی منور علی و سید قمر علی یعنی شادی میر
روشن علی از دو دختر عم اوسط شد از یک بطن مولوی سید منور علی و از دیگرے
میر قمر علی که کیفیت اولاد بالا تحریر شد و از نبیرگان پسر چهارم میر انور علی و نبیره
فقیر بخش هر یکے ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر و دیگے میر بهادر علی دومی میر حمید علی
ابنان میر نور علی پسر میر حمید علی منشی سید عبد العلی و نیز بهادر علی صاحب را سه پسر
شدند و سه دختر پسر کلانے میر سخاوت علی که از دختر سید محمد جعفر خان کدخدا شد
یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر و پسران سید ولایت حسین سید
کمال الدین حسین و سید ظهور الدین حسین و سید صغیر الدین حسین در قرابت خواهرزاده
این خاکسار اند پسر دوم میر بهادر علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان که از مولوی
علی حسن عرف حسنو ابن مولوی افضل علی کدخدا شد از و سید نور الحسن موجود اند و
پسر سوم میر مقصود علی کیفیت ذریت شان دریافت نشد الا پسر یک خواهر سه
برادر سید حامد حسین داماد کلانی میر قمر علی بودند و میر فرحت حسین ساکن تهیو برادر
میر برکت حسین و میر اسد علی هر سه خال این هر سه برادر ذی اقبال بودند
و میر فرحت حسین را سه پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شجاعت

اولاد دختری هر سه برادران موجود اند

ذکر آبا اجداد سید حسین علی

یکی از احباب منشی سید فضل الدین احمد که از سادات رضوی اند کیفیت نسب ذریت

آنچه که معلوم هست مینویسد از انجا که فرزند ارجمند منشی مرحوم میر سید حسین علی که از
یاران قدیم جناب حضرت اخی الاعظم ولی محترم جناب حضرت سید شاه محمد قاسم
قدس سره اند و نیز کامیاب صحبت جناب حضرت پیر مرشد قطب العصر سید شاه
قمر الدین حسین قدس الله سره اند و نیز مشرف از زیارت جناب مظهر اسرارات
سید شاه خواجه ابو البرکات قدس الله سره اند علت غائی تحریر بدین نمط که یکے مخلصان
قدیم محب صمیم این فقیر حقیر نیز اند و نیز بفضله اکثر برادران ایشان را حصول شرف
بیعت از جناب حضرت اخی الاعظم قدس سره و هم دیگر عزیزان ایشان حقیقت
سلسلهٔ بیعت از جناب اخی سر سلسله اتحاد جلیل اند که ارشاد سید شاه محمد سجاد
دام فیضه و برکاته هست درین کتاب ذکر نسب و اولادشان ضرور و واجب شد حالا
تحریر مینماید

درانیجا ذکر نسب میکند تحریر حسب سلسله توقیر

جد الجد میر سید حسین علی سید فیض الله عرف شیخی میان از سیادات رضوی متوطن
مقام مالگرام نو وارد قصبه بهدوهی ضلع مرزاپور خلف الرشید ایشان سید بابا البهم
خلف شان سید محمد زمان فرزند ایشان چهار هر یکی ذی لیاقت و اقتدار زان بعضی
سکونت شان بقصبه داؤد نگر ضلع بهار گردید پسر کلانی ناظر سید فضل محمد ۳
پسر ایشان یکی سید وارث علی که از دختر عم سید فضل احمد که خدا شده ذی اولاد
شدند پسر ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر واصل علی که بطریقه مذهب والد خود

ماندند ثالث سید تفضل حسین دو پسر ایشان سید اکبر حسن و سید اکبر حسین و
نام پسر سید وارث علی سید وارث حسین خلف ثانی سید محمد زمان سید فضل الله
پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدر دو پسر ایشان یکی سید محمد صدیق دومی
سید اکبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید تفضل الله پسر ایشان
سید طفیل علی و دو خواهر ایشان یکی منسوب از سید حسین علی دومی منسوب از سید
رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول
شش پسر سید فضل امام شدند یکی سید رکن الدین مرحوم مذکور الصدر دومی
سید امیر الدین سه پسر ایشان سید قمیر الدین و سید حبیب الدین و سید ولایت حسین
پسر سوم سید فضل امام سید سراج الدین هنوز ذی اولاد نیستند چارمی سید
فتح الدین لاولد پنجمی سید جلال الدین پسر ششم سید فضل امام سید منیر الدین حیدر
ابنه سید سجاد حسین نواسه سید حسین علی باقی پسر پنجم سید محمد زمان سید
فضل حسین که در عروج ماند بسیار پیش حاکم وقت در شهر بریلی الاثنیه مذهب
در مذهب تعصب و برادر کلانی و خرد را الحمد لله در بابت این برادران حنفی المذهب
ز ابو العلائی مشرب شدند الغرض دو پسر شدند سید فضل حسین سید محمد حسین
پسران این دو یکی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان
از انجمله فرزند یک دختر سید قربان حسین که بیعت ایشان را از بزرگی بطریقهٔ قادریه
بود و ارسته حال وارده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند و دختر دیگر

این فقیر بودند وفیضیاب درین طریقه از حضرت
اور ایک دختر سید محمد زمان زوجه شاه بند هو لاهوری
رکن الدین عشق قدس سره بودند لاولد رحلت کردند حالا
شان نمایم آنچه که معلوم و شادی ایشان اکثر در بنی اعمام است
علوم نیست سید احمد حسین ولد میر طفیل علی و سید بخشش حسین ولایت حسین
میر الدین پسران سید امیر الدین حیدر مرحوم موجود اند و سید علی بخش
ولد سید ضمیر الدین و پسران سید تفضل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسن

تمت

خاتمة الطبع از قلم شکسته رقم هیچمدان هیچمدان شیخ امیر الدین احمد
چشتی صابری خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد چشتی ابن الاصغر
شیخ خیر الدین حسین چشتی ساکن موضع پائینده پور پرگنه شاهجهان پور
ضلع پٹنه یکی از فرزندان جناب حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره العزیز سلطان الهند

بعد حمد خالق کون و مکان و نعت پیغمبر آخر الزمان و منقبت ائمهٔ اطهار حیدر کرار
و ثناء اصحاب کبار احمد مختار بر جملهٔ حضرات گل گلشن سیادات گوهر آبدار
دریای نجابت اختر تابندهٔ برج شرافت عالی حسب والانسب
واضح باد که درین زمان حمید و وقت سعید نسخهٔ نایاب تذکرة الانساب

حضرت سادات رفیع الدرجات لایق پسند متقدمین و مستحسن
متاخرین از التفات واقف رموز اسرار عرفان کاشف
ایقان باده کش میخانهٔ وحدت جرعه نوش جام محبت مقبول بارگاه
جناب حضرت سید شاه عطا حسین صاحب تخلص فانی عزلت گزین
محله رام ساگر محلات قصبه صاحب گنج ضلع گیا حسب ایمای شیخ
محمد کاظم صاحب تخلص کوکب رئیس قصبه صاحب گنج خلف الصدق شیخ
شجاعت علی صاحب باهتمام معدن لطف و کرم منهل جود و همم جناب
شیخ نورالدین بن جیوا خان صاحب مالک مطبع حیدری
و صفدری مطبع نامی و گرامی صفدری واقع بندر بمبئی بتاریخ
۲۱ رمضان المبارک سنه ۱۳۱۰ هجری نبوی مطابق ۱۲ اگست سنه ۱۸۹۳ عیسوی
بصحت تمام از زیور طبع مزین شده و زینت گوش روزگار گشت خداوند تعالی
مقبول و مطبوع اهل عالم نماید بمنه و کرمه فقط

ساختند بعده [illegible] مکان را [illegible] [illegible] ... وکالت عدالت [illegible] ... گردید فقط
شجاعت علی ابن الاصغر شیخ رمضان علی ... شیخ حبیب الدین ... [illegible]

کاتب کتاب هذا اشتیاق احمد سهسوانی است

قطعہ تاریخ طبع طبعزاد شیخ محمد کاظم صاحب کوکب ابن شیخ شجاعت علی صاحب ساکن قصبہ صاحب گنج ضلع گیا تلمیذ رشید سید منیر الدین احمد صاحب کیفی و میر خورشید علی صاحب نفیس

چه خوش طبع شد کنز الانساب کز وی — بود تا قیامت نسب را تسلسل
بهر لفظ او جلوه گر روی معنی — بجام بلورین رخ شاہد مل
سواد سطورش بصفحِ بیاضش — چو سنبل بنسرین فروہشته کاکل
بہار رونق آب و رنگش بر آید — ہمانا تو گوئی که شد دسته گل
ز ہاتف چو پرسید کوکب سن او — بگوشم ندا کرد گشت تسلسل ۱۳۰۰

ایضاً

بحمد الله کوکب کنز الانساب — لباس طبع در بر کرد امروز
پی سال اختتام انطباعش — رقم کردم گل تر رونق افروز ۱۳۰۰

ایضاً

ہوئی مطبوع جب یہ کنز الانساب — بتالیفات فانی خوش اوقات
لکھا کوکب نے سال از روی ابجد — چھپا اب مخزن نسب سیادات ۱۳۰۰

ایضاً

ز برج طبع کوکب کنز الانساب — برنگ شمس طالع گشت ہر گاہ
بتاریخ شیوع انطباعش — نوشتم قدوه سادات فی جاه ۱۳۰۰

قطعهٔ تاریخ طبع از نتیجهٔ طبع صدر نشین الوان سخن جناب ملا حسین علی ...

صد شکر حق جل و علا کاین نسخه از فرط صفا | با طبع مطبوع آمده و کشف تجلی اصفیا
طبعم بسال طبع او چون شد تفکر سر فرو | هاتف بمن گفتا بگو تاریخ حال اولیا

اشتهار

چونکه حاجی سید عطا حسین
معروف بعبد الرزاق صاحب مصنف
کتاب هذا حق تصنیف را براقم هبه فرموده اند
لهذا امید که کسی بدون اجازت راقم قصد طبع
این کتاب نکنند ورنه از روی مواخذهٔ
قانون بجرم ارتکاب طبع کتاب
موهوب بصورت نقصان بظهور خواهد آمد

المشتهر
نور الدین بن جیوا خان